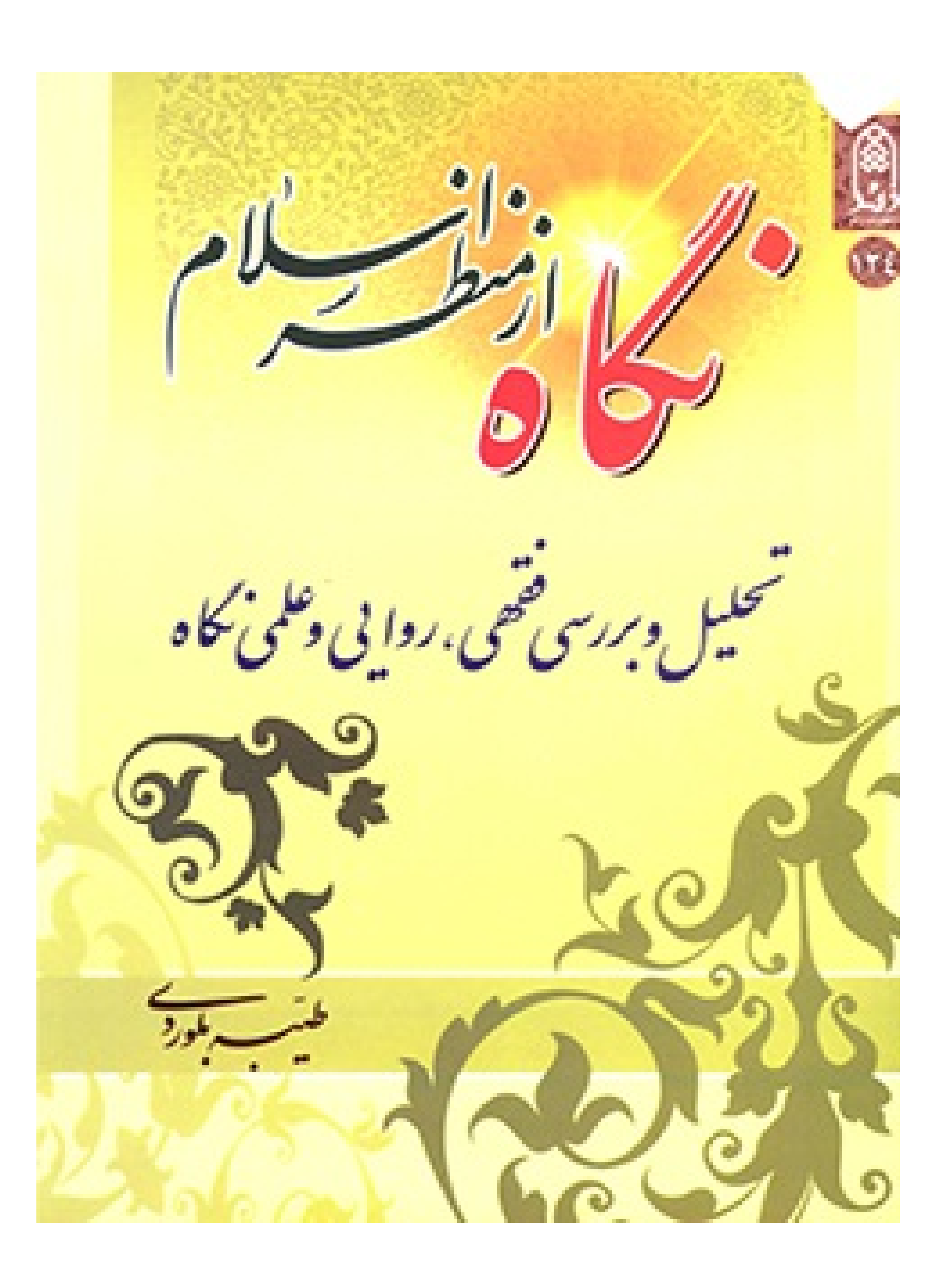


نگاه از منظر اسلام
تحلیل و بررسی فقهی، روایی و علمی نگاه


بسم الله الرحمن الرحیم

نگاه از منظر اسلام (تحلیل و بررسی فقهی ، روایی و علمی نگاه)

نویسنده:

طیبه بلوردی

ناشر چاپی:

زائر- آستانه مقدسه قم

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نگاه از منظر اسلام: بررسی فقهی، روایی و علمی نگاه

مشخصات کتاب

سرشناسه : بلوردی، طیبه، ۱۳۵۷ -

عنوان و نام پدیدآور : نگاه از منظر اسلام: بررسی فقهی، روایی و علمی نگاه/ تالیف طیبه بلوردی.

مشخصات نشر : قم: آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۲۸۸ ص.

فروست : انتشارات زائر؛ ۱۲۴.

شابک : ۳۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۱۸۰-۰۱۸-۷

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : کتابنامه: ص.[۲۸۰]-۲۸۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : نگاه -- جنبه های مذهبی -- اسلام

رده بندی کنگره : BP۲۳۰/۱۷/ب۸ن۸ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۳

شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۱۲۹۷۱

ص: ۱

اشاره

نگاه از منظر اسلام

(بررسی فقهی ، روایی و علمی نگاه)

تألیف

طیبه بلوردی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد

سیرجان

ص: ۳

شناسنامه

ص: ۴

نخستین چکه ناودان بلند اندیشه و دانش را در قالب کلامی ازجنس تنفس باغچه های معصوم یاس به روی حجم سپید یک دفتر می ریزم، و آن را با لهجه همه پروانه صفتهای این گیتی بی انتها به آستان گوهر دُرج علوی، لعل جانفزای سرّ علوم آل محمد صلی الله علیه و آله ، که ملک دو عالم گردی ز خاک پای اوست، هدیه می کنم.

او که در این دیار غربت، چند صباحی ساکن کویش بودم، و در شکسته بالی و خسته دلی جز او کسی مرا به خود راه نداد، او که محبتش جای عطوفت مادر، و وجودش در نبود پدر پناهگاهم بود. و زین دلخوشم که سائل درگاه پادشاهی اش بودم و زنجیر اسارت به گردنم بست.

تقدیم به رضا علیه السلام که رضای، سریع الرضا، در رضای، رضاست.

ص: ۵

فهرست مطالب

ص: ۱۰

مقدمه

اسلام آیین جامع و کاملی است که احکام آن بر اساس نهاد و فطرت آدمی برنامه ریزی شده است به جزیی ترین نیازهای آدمی هم توجه نشان می دهد، دستورات آن مقبول عقل و مطابق ذوق سلیم هر صاحب ذوقی می باشد. اما ذهن قاصر بشر توانایی پی بردن به فلسفه کلیه احکام الهی را ندارد.

اسلام خواهان این است که انسان با شناخت و علم کافی اقدام به انجام هر عملی نماید؛ و همواره در پی رفع جهالت و ضرر نسبت به آدمی می باشد، و برای رسیدن به این مطلوب، خداوند برای آدمی راههای کسب علم بسیار ایجاد کرده، یکی از این طرق، حواس می باشد. مهمترین حواس، حس بینایی است. به این معنا که چشم، مهمترین دریچه و کانال کسب علم و معلومات می باشد. چشم دنیایی از اعجاب و آفرینش و قدرت است آدمی از شیشه نقره ای فام چشم، به تماشای دنیای اطراف

می پردازد و از این طریق شناخت و علم او نسبت به عالم خلقت روز افزون می گردد.

چشم و کار آیی آن یعنی «نظرو نگاه» یکی از مباحثی است که همواره مورد توجه علوم مختلف و پژوهندگان و محققان بوده است.

ص: ۱۱

نگارنـده، هم پس از بررسـی و کنکاش در موضوعات مختلف به این نتیجه می رسـد که یکی از مسائل مهم که طرح و تدوین آن ضروری به نظر می رسد، بررسی و تفحص در مسأله «نگاه» و احکام آن در اسلام می باشد.

هر پژوهش با قصد پاسخ گویی و دست یابی به راه حل یک پرسـش نو ظهور آغاز می شود و به قول انیشتن:(۱) صورت یک مسأله غالباً اساسی تر از حل آن است.

هر پژوهش برای اینکه انسـجام، هدفمنـد و کاربردی بودن خودرا حفظ کند باید بر حول یک محور اساسـی سازماندهی شود. مسأله اصلی در هر پژوهش نقطه مرکزی است که در حوزه یک مسأله (Priblem area)قرار گرفته است.

حوزه هر پژوهش در برگیرنـده مسایـل حاشـیه ای است که بر گرد مسأله اصـلی دور می زننـد، اصـلی یا حاشـیه ای بودن یک مسأله به هـدف تحقیق وابسـته است. می توان گفت، اصـلی یا حاشـیه ای بودن یک مسأله امری نسبی است.(۲) موضوع کتاب حاضـر« بررسـی «نگاه» ازمنظر اسـلام » است و هدف این کتاب توضـیح مسائل مربوط به نظر و نگاه است، و به تبع آن بررسی نگاه در قرآن و مسائل اجتماعی و روان شناسی نگاه و همچنین بررسی فقهی نگاه در فقه شیعه نیز بررسی خواهد شد.

بحث « نگاه» هر چنـد، درنگاه عموم، یک مسأله ریز و جزیی از مسائل اسـلام می باشـد، اما درواقع با کمی دقت و تفحص می توان به اهمیت وزیر بنـایی بودن این مسـأله از مبـاحث فقهی پی برد، امـا بـا وجود عالمـان و نوابغ فقهی که درطول اعصار، در عرصه علم فقه ظهور کرده اند، هیچ یک درصد تدوین کتاب و یا مقاله ای تحت عنوان بررسـی فقهی « نگاه» نبوده اند، و اگر هم یکی از علمـای عرصه فقه، به این مسـأله توجهی نشان می داد فقط یک جنبه آن (مسأله نظر) را مورد کنـدو کاو قرار داده است. و اغلب نوشـته هـای علمـا در بیـان «احکام نظر بین زن و مرد» می باشـد که در باب نکاح به این مسأله پرداخته می شود. گرچه این مسـأله و بررسـی و تفحص آن در بیـان نحوه نگـاه زن و مرد نـامحرم و محرم از جمله مبـا حث مهم فقه است. لیکن «نگاه» دراسلام تنها منحصر به همین جنبه نمی باشد.

با این اوصاف پژوهش درزمینه بیان مسائل «نگاه» ضروری می نمود، و چه بسا

۱- ۱ . غلامرضا خاکی، روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی، مرکز تحقیقات علمی کشور با همکاری کانون فرهنگی انتشارات درایت، اول، تهران، ۱۳۷۸، ص ۶.

۲- ۲ . غلامرضا خاکی، روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی، ص ۶.

خلاء چنین طرحی احساس می شود؛ چرا که امروزه با وجود تبلیغات و حمله های مختلفی که به دین مبین اسلام و احکام آن وارد می شود و آن را به عنوان دین مهجور، را کد و جامد معرفی می کنند، بیان چنین مسائلی که نشان دهنده تعمق و پویایی فقه شیعه است. با مسائل مستحدثه روز هم مطابقت دارد، حتمی و ضروری می باشد.

با دقت تام و کامل درمسأله نگاه و بررسی دقیق روان شناسانه و کارکرد اجتماعی و. .. به همه جانبه بودن و ژرف نگری اسلام می توان پی برد.

تقدیرو تشکر : با توجه به اینکه کتاب بخشی از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد اینجانب است بر خود وظیفه می دانم از کلیه کسانی که دراین مدت تحصیل به نوعی یاریگرم بودند تشکر و قدردانی کنم، بخصوص از استاد بزرگ منش و بلند مرتبه ام، آقای دکتر محمد صادق علمی که دارای قلبی به عظمت دریا ووجودی سرشار از عشق به خداست. نه تنها راهنمای من درتدوین پایان نامه ام را بر عهده داشتند بلکه در چند سالی که افتخار شاگردی ایشان را داشتم همچون پدری مهربان و دلسوز، همیشه یاورو همراهم بودند. همچنین از استاد فاضل و ارجمند آقای دکتر محمد رضا کاظمی که مشاوره پایان نامه را بر عهده داشتند، از همه اساتید محترم دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد که ازمحضرشان بهره بردم، به ویژه از استاد بزرگوار مرحوم آقای دکتر شانه چی، که از خداوند متعال مسألت دارم روح ایشان را با ائمه اطهار محشور نماید.

از پدر مهربانم که همواره محتاج پشتیبانی اش و مادر دلسوزم که همیشه نیازمند دعای شبانه اش هستم، تشکر می کنم و به راستی که آنان ترجمان واقعی عشقند. و از خواهر و برادرهایم که مدرس درس صبورام بودند، آنان که نگاه پر مهرشان لطافت و محبت بهار را درخود گنجانده، همچنین از خانواده محترم عموی بزرگوارم بخصوص از پسر عموهایم بویژه دکتر اسدالله بلوردی و نیز از دایی های عزیزم و همسران با محبتشان، که از مشوقان اصلی من درطی تحصیل و ادامه تحصیل بوده اند قدر دانی می کنم. همچنین ازپسرعموی گرامی ام جناب سرهنگ ذبیح الله بلوردی که دلسوزانه پیگیر چاپ این کتاب بودند نهایت امتنان و سپاس را دارم.

لازم است که یاد آور شوم، با توجه به اینکه این کتاب، اولین کار تحقیقی اینجانب و بدون شک دارای نقایص و اشکالاتی می باشد، که ناشی از قصور و

بضاعت اندک علمی اینجانب است، اما امیدوارم با وجود ضعف علمی مورد پذیرش اساتید و دانشجویان محترم ودیگر خوانندگان قرار بگیرد و آغازی برای ورود به عرصه بی کران دانش برای این جانب باشد.

و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب

ص: ۱۴

بخش اول نگاه از منظر قرآن

نگاه در قرآن

اشاره

ص: ۱۵

نگاه در قرآن

«نگاه»، زبانی گویا و حتی رساتر از زبان است. بسیاری مفاهیم که بر زبان جاری نمی شود، با نگاه تفهیم می شود. نگاه دریچه روح آدمی است. «نگاه» آیینه ای است که چهره واقعی خود را بدون فریب و دستکاری نشان می دهد.

می توان یکی از مهم ترین کانالهای درک معلومات و تجربیات آدمی را «چشم» دانست. برای این چشم، خداوند زمینه های متعددی قرار داده تا بشر بتواند از آنها بهره گیرد. به فرموده امیرالمومنین علی علیه السلام : «خداوند چشمانی ارزانی تان داشت که پرده های سیاه را براندازد.»(۱) و «به انسان چشمی تماشاگر بخشیده تا حقایق جهان را، برای آموختن و تحلیل، فهم کند و ضمن زنهار پذیری، پا از گناه واپس کشد، ولی همین که برخوردار از اعتدالی استوار، قد راست کرد، با استکبار از اطاعت سرباز زد و با گستاخی به بیراهه گرایید.»(۲) حفظ نکردن چشم از نگاه به محرمات، مقدمه بسیاری از گناهان دیگر است. چشم هم مثل دست و زبان و گوش و دل، محدوده های «ورود ممنوع» دارد ؛ یعنی به هر چه «دیدنی» است نباید نگریست، و هر چه جلوی چشمان قرار گیرد مجاز به تماشا نیستیم. باید نگاهها را پاک ساخت. دل و جان را در برابر نگاههای مسموم و ناپاک واکسینه کرد.

«هر که نگاهش پاک باشد اوصافش نیکو شود.»(۳) «و هیچ چشمی به این مرحله نخواهد رسید، مگر اینکه قبلاً عظمت و جلال خداوند را در دل خویش مشاهده کرده باشد.»(۴) زیرا که رابطه چشم و دل نیز از شگفتیهای وجود آدمی است. بر دفتر

۱- ۱ . عبدالمجید معادیخواه، فرهنگ آفتاب، ج ۴، ذره، تهران، اول ۱۳۷۲، ص ۲۰۰۳.

۲- ۲ . همان، ج ۴، ص ۲۰۰۳.

۳- ۳ . الامام علی علیه السلام : «مَن عَفّت اطرافُهُ حَسُنَت اوصافُهُ»، عبدالواحد آمدی تمیمی، غرر الحکم و در الکلم، دارالکتاب الاسلامی، قم، ص ۶۵۸.

۴ - ۴ . برگرفته از روایتی از امام صادق علیه السلام ، علاء الدین علی متقی بن حسام الدین هندی، ج، المکتبه التراث الاسلامی، حلب، ح ۱۳۰۵۹.

دل، همان نقش می افتد که از روزنه «نگاه و دیده» می بینی. چشم دل اگر باز باشد، عجایبی که از چشم سر پنهان است می بیند. برای رسیدن به این مرحله خداوند در قرآن کریم و ائمه بزرگوار در کلامشان بسیار، آدمی را به نگریستن به چیزهایی توصیه کرده و چشم پوشی از محرمات را نیز سفارش نموده اند. نگاه چشم می تواند پنجره ای رو به بهشت باشد و هم دریچه ای رو به دوزخ. چه بهتر که با پیروی از فرامین کلام وحی، از ناسپاسان درگاه احدیت نباشیم.

آیات مربوط به «نگاه» را در قرآن عزیز می توان به دو دسته نگاههای صواب و ناصواب تقسیم نمود:

الف: نگاههای صواب در قرآن

اشاره

در این وجه، آیاتی گنجانیده می شوند که خداوند، انسان را دعوت به «نگاه کردن» و کند و کاو در تحولات و حوادث تاریخی نموده و اینکه در زمین به سیر و سیاحت پرداخته و سرانجام کار گذشتگان را با چشم خود، نگاه کند . انسان باید به چگونگی خلقت خود و پیدایش آسمانها و زمین و نعمتهایی که به او عنایت شده با دیده تفکر بنگرد.

۱ . نگاه به سرانجام پیشینیان

در این آیات به ضرورت تفحص در حوادث گذشته برای شناسایی قوانین حاکم بر جوامع یادآور شده و اینکه زمین و آثار گذشتگان منبعی برای شناخت و عبرت آموزی دانسته شده است. قرآن مردم را به جهانگردی هدفدار دعوت کرده که آن سیر و سیاحتی عبرت آموز است.

«فسیرُوا فِی الْاَرْضِ فَانْظُرُوا کَیْفَ کَانَ عَاقِبَهُ الْمُکَذِّبِینَ».(۱)

بنابراین در زمین بگردید و ببینید فرجام انکار پیشینیان چگونه بوده است؟

در زمین گردش و سیر کنید و اخبار تکذیب کنندگان را و آنچه را که به آنها رسیده ، با دیده عبرت بنگرید تا پند بگیرید و دیگر همچون آنها عمل نکنید و راه تکذیب و انکار پیامبر را در پیش نگیرید؛(۲) زیرا این آدم نماهای مغرور و واژگون در

۱- ۱ . آل عمران / ۱۳۷؛ نحل / ۳۵.

۲ - ۲ . ابوعلی افضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، (دو جلد در یک مجلد) موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، اول ۱۴۱۵ ۱۹۹۵، ص ۳۹۷.

غرایز و شهوت، حقایق و واقعیت حیات و رهبران الهی راتکذیب کردند . امر به گردش و دیدن آثار پیشینیان، ملتهای گذشته و پادشاهان و فراعنه گردنکش، به جهت عبرتی است که در دیدن آثار آنان وجود دارد، چه آنکه می بینیم آنان از بین رفته بدون اینکه قصرهای بلندشان و یا گنج های ذخیره شده آنها و یا تختهای مجللشان برایشان فایده ای داشته باشد. امر به سیر در زمین امری محال نیست، بلکه مقصود شناخت احوال تکذیب کنندگان است، زیرا مشاهده آثار گذشتگان اثرش قوی تر از شنیدن آثار آن است.

هنگامی که در برابر آثار گذشتگان قرار می گیریم، گویا یک مرتبه ویرانه ها جان می گیرند و استخوانهای پوسیده از زیر خاک زنده می شوند، و جنب و جوش پیشین خود را آغاز می کنند. گذشته دور برای ما ترسیم می شود که دورنمای واقعی برای عبرت و تجربه نظر کنندگان است. بار دیگر نگاه می کنیم همه را خاموش و فراموش شده می بینیم . مقایسه این دو حالت نشان می دهد افراد خودکامه چه کوتاه فکرند که برای رسیدن به هوسهای بسیار زودگذر به هزاران دروغ و جنایت آلوده می شوند. چه بسا ضرورت کاوش و دقت در فرجام تکذیب کنندگان دین الهی الزامی است.

«قُلْ سِيرُوا فِي الْاَرْضِ فانْظُرُوا كَيْفَ كانَ عَاقِبَةُ الْمجرِمِينَ».(۱)

بگو در زمین بگردید. پس ببین فرجام گنه پیشگان چسان بود.

خداوند دستور می دهد که «در زمین سیر کنند و عاقبت مجرمینی که انبیا را تکذیب کرده و انذار آنها را به هیچ گرفتند، ببینند، که بازدید از آثار به جا مانده آنها یکی از ابزار رشد و تعالی و تربیت می باشد و همچنین نظر و تفکر در عاقبت امر ایشان که خانه های خرابشان و آبادیهای ویران و خالیشان بر آن دلالت دارد برای صاحب بصیرتی که بخواهد عبرت بگیرد کافی است.

آیت الله مکارم شیرازی در تشریح آیات فرموده: « کمی در جهان سیر کنید و آثار این گذشتگان مجرم و گنهکار و منکر توحید و معاد را بنگرید. چرا که مشاهده یکی از این آثار آنچنان طوفانی در دل و جان انسان بر پا می کند. که مطالعه چندین کتاب قطور چنان اثری ندارد»(۲) سپس باید نگریست که چگونه خدا آنها را هلاک کرد و دیار آنها را قلع و قمع

۱- ۱ . نمل / ۶۹.

۲- ۲ . ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۵، دارالکتب الاسلامیه، شهریور ۱۳۶۲، ص ۵۳۱، ۵۳۰.

گردانید. باید از کفر محرمان و گناهکاران عبرت گیرند، زیرا برای مسلمانان در ترک گناهان و ترس از عاقبت آنان لطف بزرگی است(۱) «قُلْ سِیرُوا فِی الْأرْضِ فانْظُرُوا کَیْفَ کانَ عاقِبَه الَّذین مِنْ قَبْلُ»(۲) «اَوَلَمْ یَسیرُوا فی الارْضِ فَیَنْظُرُوا کَیْفَ کانَ عَاقِبَهُ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ».(۳)

«اَفَلَمْ یَسیرُوا فِی الأرضِ فَیَنْظُرُوا کَیْفَ کانَ عاقِبَهُ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ». (۴)

مگر در زمین نگشته اند تا فرجام کسانی را که پیش از آنان بوده اند بنگرند؟

۲ . نگاه به کیفیت آفرینش مخلوقات

«قُلْ سِیرُوا فِی الْاَرْضِ فَانْظُرُوا کَیْفَ بَدَاالْخَلْقَ». (۵)

بگو: در زمین بگردید وبنگرید که خداوندچگونه آفرینش را آغاز کرده است.

امر به نگاه و نگرش در مخلوقات برای حصول علم به اینکه خداوند خلق و جهان را آفریده و سیاحت در زمین و تامل در پیدایش موجودات، برطرف کننده تردید انسان در امکان تحقیق معاد است. «اقوام و جمعیتهای گوناگون را با ویژگی هایشان ملاحظه کنید و بنگرید خداوند آفرینش نخستین آنها را چگونه ایجاد کرده است.»(۶) این فراخوانی به مطالعه طبیعت، برای پی بردن به قدرت خداوند و رفع تردید در امکان معاد، روش هدایتی قرآن که در سراسر این کتاب الهی مشهود است.

«أَفَلا یَنظُرُونَ إِلَی الْإِبِلِ کَیْفَ خُلِقَتْ وَ إِلَی السَّمآءِ کَیْفَ رُفِعَتْ وَ إِلَی الْجِبالِ کَیْفَ نُصِبَت وَ اِلَی الأرْضِ کَیْفَ سُطِحَتْ(۷) ؛ آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده و به آسمان که چگونه برافراشته شده؟ و به کوهها که چگونه برپا داشته شده؟ و به زمین که چگونه گسترده شده است؟

این آیه منکرین حق تعالی را نخست دعوت می کند به اینکه در شتر بنگرند، که چگونه خلق شده و خداوند آن را چگونه از زمین مرده، و فاقد حیات و بی شعور به این صورت درآورده(۸). در مجمع البیان به نقل از ابی عمروبن علاو زجّاج گفته است:

۱- ۱ . جاء الله محمودبن عمر الزمخشری، الکشاف عن حقائق التنزیل دعیون الاقاویل فی وجوه تاویل، ج ۳، ادب الحوزه، ص ۳۸۱.

۲- ۲ . بگو در زمین بگردید. و بنگرید فرجام کسانی که پیشتر بوده اند. روم/ ۴۲.

۳- ۳ . روم / ۹.

۴- ۴ . محمّد / ۱۰؛ غافر / ۸۲؛ یوسف / ۱۰۹.

۵- ۵ . عنکبوت / ۲۰.

۶- ۶ . طبرسی مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۶.

۷- ۷ . غاشیه / ۲۰ - ۱۷.

۸- ۸ . طباطبایی، المیزان، ج ۲۰، ص ۴۰۰.

«آیـا بـا بیشتر نگـاه کردن به او و آنچه خداونـد ترکیب نموده از شـگفتیهای خلقت که بـا تمام بزرگی و قوتش کودکی آن را خـوار کرده و مطیع و رام او می شود»(۱). آیا گمشدگان وادی غفلت، به اسـرار شگفت انگیز این موجود اندیشه نمی کنند، تا راهی به حق یافته و از بی راهه بازگردنـد. به آسـمان نگاه کنید که چگونه افراشـته شده که در آن خورشـید و ماه و سـتارگان درخشـنده برای بقای زنـدگی انسان آفریـده شـده انـد. هر روز در پرتو اکتشافات جدید عظمت آسـمان بیش از پیش بر انسان نمایان شـده، تفکر و نگرش در کوهها که خداونـد به منزله میخهای زمین قرار داده و در درون خود آبها و معادن ذخیره شـده برای اسـتفاده بشر حفظ نموده «و اگر کوهها نبودند زمین اهلش را فرو می برد»(۲). به مسطح و گسترده بودن زمین نگاه کنید که شایسته زندگی برای بشر است. در تفسیر کبیر آمده است که:

اعراب در گذشـته قبل از هر چیز چشـمشان به شتری که بر آن سوار بودنـد می افتاد ودر فکر فرومی رفتند و هنگامی که بالای سرشان نگاه می کنند چیزی جز آسـمان مشاهده نمی نمودند، و هنگامی که به چپ و راست خود نظر می افکندند، جز کوهها چیزی مشاهده نمی شد، و هنگامی که به زیر پای خود نگاه می کند چیزی جز زمین وجود نداشت، گویی خداوند می خواهد به آنها دستور اندیشه کردن دهد، اندیشه ای به هنگام تنهایی که طبعاًبر محور این چهار چیز دور می زند. (۳)

۳ . نگاه در اعمال و کردارها

«وَ لْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ». (۴)

و هر کس باید بنگرد که برای فردای خود از پیش چه فرستاده است.

هر فردی باید بنگر و ببیند چه چیزی برای روز قیامتش مقدم داشته، بدین معنا که باید اندیشه کند که چه چیز از پیش فرستاده، عمل شایسته ای که او را نجات دهد یا عمل بدی که اوراهلاک و پست نماید، زیرا اعمال براووارد می شود.

«نگاه کردن در اعمالی که آدمی از پیش برای فردایش می فرستد امری دیگر غیر

۱- ۱ . طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۳۸.

۲- ۲ . همان ج ۱۰، ص ۳۳۸.

۳- ۳ . فخرالدین رازی، کبیر، ج ۳۱، ص ۱۵۸.

۴- ۴ . حشر / ۱۸.

از تقوی است. یک مومن نیز باید در آنچه کرده دوباره نظر کند. ببیند اگر عیبی داشته آن را برطرف سازد. آیه به گونه عموم است که هر فردی باید اعمالی که انجام می دهد بنگرد.

این نوع خطاب با آنکه تکلیف در آن عمومی است، به حسب طبع دلالت بر عتاب و سرزنش مومنان دارد و نیز اشاره دارد بر اینکه افرادی که شایسته ی امتثال این دستور باشند در نهایت عده ی اندکی هستند»(۱).

۴ . نگاه به خوراک و نوشیدنی

«فَانْظُرْ إِلَی طَعَامِکَ و شَرَابِکَ لَم یَتَسَنَّهْ وَ انْظُر الی حِمَارِکَ و لِنَجْعَلَکَ ءَ ایَهً لِّلنَّاسِ وَ انْظُر إِلَی إلْعِظَامٍ...».(۲)

به خوراک و نوشیدنی خود بنگر که طعام و رنگ آن تغییر نکرده است. و به دراز گوش خود نگاه کن که چگونه متلاشی شده است. (این ماجرا برای آن است که به تو پاسخ گوییم. و تو را در مورد معاد نشانه ای برای مردم قرار دهیم). و به این استخوانها بنگر.

در تفسیر المیزان ذکر شده: سیاق این جملات در سرگذشت شخص مزبور عجیب است، چرا که کلمه «انظر» (نگاه کن) تکرار شده . با اینکه ظاهر کلام اقتضا می کرد به یک دفعه اکتفا کند. اینکه کلمه «انظر» سه بار تکرار شده برای متذکر شدن این مطلب که در هر بار غرضی در کار بوده و آن غیر از آن غرضی است که در دفعات دیگر بوده است.(۳) وقتی که الاغش را دید که خاکستر شده و استخوانهایش پوسیده اما غذایش تغییر نکرده، تعجبش بیشتر شده، زیرا در طعام و شراب دگرگونی زودتر راه می یابد و این آیه نشانه ای برای منکران معاد است . خدا صحنه ای از قیامت را در دنیا آورده است برای بیان اینکه معاد جسمانی است. زیرا اگر معاد روحانی بود، سخن از استخوان و قبر به میان نمی آمد. از طرفی حواس از ابزار شناخت است. نگاه کردن به زنده شدن الاغ بعد از جمع آوری استخوانهای پوسیده وعدم تغییر خوردنی و نوشیدنیها یکی از نشانه های رجعت و زنده شدن مرده خواهد بود.

در روایات هم سفارش شده که انسان به طعام خود بنگرد.

۱- ۱ . طباطبایی، المیزان، ج ۱۸، ص ۲۱۷ ۲۱۶.

۲- ۲ . بقره / ۲۵۹.

۳- ۳ . همان، ج ۲، ص ۳۸۳.

«فَلْيَنْظُرِ الْاِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ(۱) ؛ انسان باید به طعام خود بنگرد.»

نظر و مطالعه انسان را پیرامون طعامی که می خورد و با آن سد جوع می کند لازم کرده باید نگاه کند به غذاهای لذیذی که خداوند آفریده و برای روزی بندگانش آماده کرده و بیندیشد که چگونه خداوند او را با آن غذاها بی نیاز کرده است. اگر انسان درهمین یک نعمت مطالعه کند، بزرگی عظمت پروردگاررا مشاهده خواهد کرد.

«روشن است که منظور از «نگاه کردن» تماشای ظاهری نیست. بلکه نگاه به معنی دقت و اندیشه در ساختمان این مواد غذایی و اجزای حیاتبخش آن و تأثیرات شگرفی که در وجود انسان دارد، و سپس اندیشه در خالق آنهاست(۲)».

در روایات در تفسیر این آیه مطالبی نقل شده از جمله امام صادق علیه السلام فرمودند: «یعنی انسان به علم (خوراک روح) بنگرد و فرمودند: به علمی که فرا می گیری بنگر و نگاه کن که از چه کسی فرا می گیری». (۳)

به هر حال این اوامر و دعوتهای حکیمانه قرآن کریم بر طبق فطرت وطبیعت حواس و ادراکات بشری است که باید از طریق حس و تحقیق با اسرار کائنات و قوانین طبیعت آشنا شود.

۵ . نگاه به چگونگی رسیدن میوه ها

«اُنْظُرُوا اِلَى ثَمَرِهِ إذا اَثْمَرَ وَ يَنْعِهِ»(۴)؛

به آن میوه چون ثمر دهد و به طرز رسیدنش بنگر.

«هرگاه میوه می رسد. ببین چگونه ازدانه ای ضعیف تبدیل به میوه ای می شود که تو از آن بهره ببری. نگاه کنید و در قدرت خداوند بیندیشید، که اشیاء را از حالتی به حالت دیگر تغییر می دهد و استدلال کنید(۵)».

موضع استدلال و حجت در این آیه، امر به نگریستن در ایجاد و اتمام و اکمال میوه و طرز رسیدن آن است، زیرا این میوه ها در اول رسیدنشان به صفاتی خاص

۱- ۱ . عبس / ۲۴.

۲- ۲ . مکارم، نمونه، ج ۲۶. ص ۱۴۵.

۳- ۳ . محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، دارا حیاء اشراف العربی. بیروت، ج ۱۸. پنجم ۱۹۸۳.۱۴۰۳. ص ۱۰۹، ج ۳۳۴۴۳. ب ۱۱.

۴- ۴ . انعام / ۹۹.

۵- ۵ . زمخشری، کشاف، ج ۳، ص ۵۲.

ایجاد شد، و بعد به حالتی متضاد با حالت و شکل سابق خود تغییر شکل می دهند، این تحولات ناچارازسببی است که آن سبب تأثیر طبیعت و فصلها و ستارگان و افلاک است، این حوادث را بر خداوند متعال حکیم و مدبر این جهان اسناد می دهیم که بر طبق مصلحت و حکمت و رحمت اوست پس بنگرید و عبرت گیرید. و استدلال نماید بر قدرت و تدبیر، مقدر و مدبر و منقلب از حالی به حال دیگر. در این آیه دلایل توحید و خداشناسی تعقیب شده اهمیت خاصی که قرآن برای میوه قائل شده روشن می شود. به تعبیر قرآن تنها افراد با ایمان یعنی افراد حق جو و جستجو گران حقیقت، این مسائل را نگاه می کنند وگرنه با چشم عناد و لجاج و یا با بی اعتنایی و سهل انگاری ممکن نیست هیچ یک از حقایق را ببینیم.

۶. نگاه به آسمانها و زمین

«اَفَلَمْ یَنْظُرُوا اِلَی السَّمَآءِ فَوْقَهُمْ کَیْفً بَنَیْناها وَ زَیَّنَاهَا وَ مَالَهَا مِنْ فُرُوجٍ»(۱)؛

مگر به آسمان بالای سرشان ننگریسته اند، که چگونه آن را برافراشته ایم وآراسته ایم، و برای آن هیچ گونه شکافتگی نیست.

«همانا نگاه، غیر از رویت است. چون نگاهی را که باعث کسب علم می شود با انکار بیان کرده . یعنی احتیاجی به نگاه کردن برای دیدن آسمانی که از ما دور است نیست. خداوند آنها را به نگاهی که کامل تر از رویت است، راهنمایی می کند و خداوند جمله را با «الی السماء» کامل کرده و نمی گوید «فی السماء» در آسمان نگاه کنید که همان «نظر فی الشی ء» است، بلکه خبر از تأمل و تفکر و تدبر در نگاه می دهد. اما «نظر الی الشی ء» نگاه به سوی چیزی است که خبر از وجود شی می دهد(۲). پس منظورازنگاه، نگاه توام باانديشه و تفکر است که انسان را به قدرت عظیم خالق این آسمان پهناور و شگفتیهایش آشنا می سازد، که هم زیبایی فراوان وهم استحکام و نظم و حساب دارد. نشانه های وجود، قدرت وعلم خداوند مشهود در تهیه هستی و آسمانهاست. تدبیر و اندیشه و زیبایی و زینت آسمان راهی برای رسیدن به حق است.

«اَوَلَمْ یَنْظُرُوا فِی مَلَکُوتِ السَّمَواتِ وَ الْاَرضِ وَمَا خَلَقَ اللهُ مِنْ شَی ءٍ»(۳)؛

۱- ۱. ق / ۶.

۲- ۲. فخر رازی کبیر، ج ۱۴، ص ۱۳۴.

۳- ۳. اعراف / ۱۸۵.

آیا در ملکوت آسمانها و زمین و آنچه که خدا آفریده است ننگریسته اید.

ملکوت در عرف قرآن، عبارت است از باطن امور و اشیاء و هر چیزی که نشان پروردگار متعال است و نظر کردن به آن با یقین ملازم است. غرض این آیه توبیخ آنان در اعراض و انصراف از وجه ملکوتی اشیاست که چرا فراموش کردند و در آن نگاه نکردند. تا برایشان روشن شود که آنچه را رسول خدا به سوی آن دعوتشان می کند حق است. «نگاه به ملکوت، نظام و حکومت آسمانها و زمین که دلیل بر وجود صانع حکیم و قدیم است»(۱). باید عمیق و متفکرانه باشد تا به ثمر برسد. توجه و اندیشه درباره باطن هستی و شیوه ی ارتباط آن با پروردگارش آدمی را به خدا مرتبط می سازد، توحید را باید با عقل و فکر فهمید نه تقلیدی و کورکورانه. «اَوَلَمْ یَنْظُروا. یعنی اَوَلَمْ یَتَفَکروا».

خداوند مردم را به تأمل در وابسته بودن جهان آفرینش، و نیاز به هستی بخش دعوت می کند. که کافران به سبب تفکر نکردن در جنبه ملکوتی موجودات سزاوار سرزنش هستند.

«قُلْ انظُرُوا مَاذا فی السَّمواتِ والْاَرضِ»(۲)؛

بگوبه دیده عبرت «بنگرید که در آسمانها و زمین چیست؟

به آنچه در آسمانها و زمین است نگاه کنید. مخلوقات مختلف و گوناگون هر یک آیتی از آیات خداست. در ساختمان همه اینها بنگرید و با مطالعه آنها به مبدأ جهان هستی آشناتر و نزدیکتر شویدو نشانه ها و عبرت ها را از اختلاف شب و روز و جریان ستارگان و افلاک و کوهها و دریاها و درختان و میوه ها و حیوانات گوناگون ببینید.

خداوند امر به نگریستن و تدبر و استدلال در دلایل ایمان به خدا کرده تا گمان نکنیم پذیرش حق جبر محض است و این بر دو مقصود ما دلالت دارد، اول اینکه راهی برای شناخت خداوند نیست مگر با تأمل در دلایل و نشانه های او. دوم اینکه: به آیات در آسمانهاویادرزمین، واز جمله احوال معادن و نباتات أ ودر حرکات افلاک واندازه ووضع آنها که در این آیه آن را تفضیل نداده بنگرید و خداوند از یک قاعده کلی خبر می دهد، یعنی امر به تفکر و اندیشه در آیات و نشانه ها تا اینکه عبرت گیرید.

۱- ۱ . طباطبایی، المیزان. ج ۸، ص ۳۶۸.

۲- ۲ . یونس / ۱۰۱.

«فَانْظُرْ اِلی آثَارِ رَحْمَتِ اللهِ کَیفُ یُحْی اَلْاَرْضَ بَعْدَ مَوتِها»(۱)؛

پس به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را پس از مرگش زنده می گرداند.

در این آیه باران را رحمت خدا، و کیفیت زنده کردن زمین را از آثار رحمت خداوند خواند، پس زنده شدن زمین بعد از مردنش از آثار رحمت است، و نباتات و اشجار و میوه ها از آثار زنده شدن زمین است. با اینکه خود آنها نیز از آثار رحمت هستند که تدبیر الهی است که از خلقت باد و باران حاصل می شود. آنقدر آثار رحمت الهی دراحیای زمینهای مرده با نزول باران آشکار است که با یک نگاه کردن بدون نیاز به جستجوگری بر هر انسان ظاهر می شود. اما باید در آثار بارش باران به دقت نگریست که احتیاج به ژرف اندیشی عمیق دارد.

ب: نگاههای ناصواب در قرآن

اشاره

در برخی آیات قرآن کریم سفارش شده که چشم خود را از مواردی ببندید. پس دیدگانتان را از ناشایست فرو ببندید تا شگفتیها به چشم ببینید. چه بسیار گناهها که زاییده نگاهها، یا در معرض نگاه بودن است. در قرآن فرو بستن چشم به اعتبار موضوع، و نوع نگاه مورد بحث قرار گرفته است.

۱ - دزدانه نگاه کردن

«یَعْلَمُ خائنَةَ اَلاَ عْیُنِ وَ مَا تُخْفِی الصُّدوُرُ».(۲)

خدا نگاه های دزدانه وآنچه راکه دلهانهان می دارند، می داند.

«خداوند روزهای مردم را تقسیم فرمود، واثرها وکردهاو شمارش نفس ها و نگاههای دزدانه ی چشم ها و آن چه را که سینه ها پنهان می دارند، می داند(۳)».

بله خدایی که از حرکات مخفیانه چشمها و اسرار درون سینه ها آگاه است و در روز قیامت درباره آنها دادرسی و قضاوت می کند، و با این علم و آگاهی دقیق او، روز گنهکاران سیاه و تاریک است. «مراد از «خائنةُ الاعیُنِ» تمامی گناهای چشم نبوده، بلکه تنها آن گناهانی مورد نظر است که برای دیگران مشهود و هویدا نبوده و از نظرها مخفی باشد مانند «سارِقَةُ النَّظَر» که به معنای نگاه های زیر چشمی و پنهانی

۱- ۱ . روم / ۵۰.

۲- ۲ . موءمن / ۱۹.

۳- ۳ . نهج البلاغه، حکمت ۷۶.

است»(۱).

امام صادق علیه السلام در پاسخ به سوالی از این آیه فرمودند: «چشمی که گاه انسان به چیزی به گونه ای نگاه می کند و چنین وانمود می کند که به آن نگاه نمی کند این است معنای نگاههای دزدانه»(۲). در مجمع البیان آمده است«که «موءرج» گفته: که منظور چشمهای خائن است. و «سدی» گوید: منظور، رمز چشم است. و «ضحاك» می گوید: یعنی، شخص می گوید، دیدم در حالی که ندیده. و بگوید ندیدم در حالی که دیده است. مجاهد و قتاده گفته اند: آن سرقت و نگاه چشم است به آن چه که جایز نیست به آن نگاه کند»(۳).

نگاه چشمها اشکال مختلفی دارد: گاه به صورت نگاههای دزدکی و استراق بصر نسبت به زنان بیگانه، و گاه به صورت اشاراتی با چشم به منظور تحقیر یا عیب جویی از دیگران.

و یا اشاراتی که مقدمه یک توطئه و نقشه شیطانی باشد.

۲ – نگاه مردان به زنان بیگانه

«قُلْ لِلْمُوءمِنِینَ یَغُضُّواْ مِنْ اَبْصَارِهِم ویَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذلِكَ اَزْکَی لَهُمْ اِنَّ اللهَ خَبِیْرٌ بِمَا یَصْنَعُونَ»(۴)

به مردان با ایمان بگو: «دیده فرونهند و پاکدامنی ورزند، که این برای آنها پاکیزه تر است، زیرا خدا به آنچه می کنند، آگاه است».

آیه شریفه وآیه بعداحکام نگاه کردن وچشم چرانی وحجاب را بیان می دارد. اینکه نظر دوختن به نامحرمان و چشم چرانی حرام است و خیره شدن و چشم دوختن به عورت و شرمگاه دیگران حرام است. از طرفی بر مردان واجب است عورت خود را از دید دیگران بپوشانند.

«یَغُضُّوا» از ماده «غضّ» یعنی کم کردن صدا و نگاه است. در لسان العرب می گوید: «غض العین: کفّه و خَفَضَهُ و کَسَرهُ(۵) ؛ چشم رااز دیدن بازداشت و پایین آورد و آن را شکست.»

ص: ۲۷

۱- ۱ . طباطبایی، المیزان، ج ۱۷، ص ۳۳۸.

۲- ۲ . محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۳، ص ۳۲۹۱، ح ۲۰۲۷۶.

۳- ۳ . طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۳۳.

۴- ۴ . سوره نور، ۳۱.

۵- ۵ . ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۸۲.

درالمیزان؛ غض رابه معنای بستن وروی هم نهادن چشم معنا کرده است.(۱)

فخر رازی می فرماید: «غَضّ بصر» یعنی فرو خواباندن چشم از آنچه بر او نگاه بر آن حرام است»(۲). لغویین «غَضّ عین» را به معنای بستن چشم گرفته اند. نه «غض بصر» را اما چه به معنای «پایین انداختن نگاه» بگیریم و چه به معنای بستن چشم نتیجه یکی است و آن اینکه نباید نگاه کرد.

درمعجم مقاییس اللغه آمده: یعنی«کاهش دادن نگاه» همان گونه می گویند: امر کردنگاهش راکوتاه کند. غضغضه به معنای کوتاه کردن است(۳).

راغب در مفردات می گوید: «نگاه تند را مهار کردن و جلو آن را گرفتن و کم کردن است»(۴). بنابراین آیه نمی گوید، مومنان باید چشمهایشان را فرو بندند، بلکه می گوید باید نگاه خود را کم و کوتاه کنند.» و این تفسیر لطیفی است به این منظور که اگر انسان به راستی هنگامی که با زن نامحرمی رو به رو می شود بخواهد چشم خود را به کلی ببندد ادامه راه رفتن و مانند آن برای او ممکن نیست، اما اگر نگاه را از صورت و اندام او برگیرد و چشم خود را پایین اندازد گویی از نگاه خویش کاسته است.

در روایتی ازامام صادق علیه السلام آمده که فرمودند: «هر که نگاهش به زیبایی ها ی زنی بیفتد و چشم خود را به طرف آسمان کند یا آن را بر هم نهد. هنوز چشم بر هم نزده خداوند از حورالعین به ازدواج او در آورد»(۵).

البته در آیه ذکر نشده که از چه چیز چشمان خود را فرو گیرید، با توجه به اطلاق آیه، باید نگاههای خود را از همه چیز برگرداند، اما با توجه به سیاق آیه و مخصوصاً آیات بعد روشن می شود که منظور، نگاه نکردن به زنان نامحرم است و چون آیه مطلق است نگاه به زن بیگانه را بر مردان و نگاه به مرد نامحرم را بر زنان حرام کرده است. که مقدمه و اجتناب از آلودگی به فحشا و فساد جنسی خواهد بود. «ممکن است جمله اول «يغُضواْ مِنْ اَبْصَارِهِم» را مقید به جمله «يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» بکنیم، در این صورت آیه دلالت بر نهی نگاه بر عورت دارد»(۶).

۱- ۱ . طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۱۲۰.

۲- ۲ . فخر رازی، کبیر، ج ۳۱، ص ۱۷۵.

۳- ۳ . ابی الحسن ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج ۴، ص ۴۲۷۷.

۴- ۴ . راغب، مفررات، ص ۶۰۷.

۵- ۵ . محمدبن حسن حرعاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۹، ب ۱۰۴، ح ۲۵۴۰۳.

۶- ۶ . طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۱۲۰.

از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه سوال کردند. امام فرمودند: «هر جا در قرآن کلمه «حفظ فرج» آمده است مقصود «حفظ از زنا» است، جز در این دو آیه که به معنای حفظ از «نگاه» است»(۱). دراین آیه شریفه حرمت نگاه به نامحرم را مقدم براجتناب ازفساد بیان کرده، می تواند به این منظور باشد که پرهیز از چشم چرانی، زمینه حیا و عفت و اجتناب از فساد می باشد.

مفسران گفته اند: «مِنْ» در مسأله نگاه آمده ، ولی در «حفظ فرج» نیامده است. «مقدس اردبیلی معتقد است که: مسأله نگاه وسیع تر و گسترده تر از مسأله فرج است . لذا در مسأله نگاه «مِنْ» آمده است که این «من تبعیضیه» است که بر سر «بصر» آمده و فرموده: «من اَبْصَارِهِم»(۲). پس همه نگاهها حرام نیست . چنانکه در روایتی از پیامبر رسیده که فرمودند: «يَا عَلِيُّ لَا تُتْبِع النَّظْرَةَ النَّظَرَةَ فَاِنَّما لَکَ الْاولَى وَ لَيسَتْ لکَ الاخِرَةُ»(۳).

ای علی بعد از نگاه ناگهانی آن را دنبال مکن، هر چند نگاه اول حق توست و نگاه بعد از آن به زیان تواست نه به سود تو.

موءمنان نباید هیچ گاه به عورات یکدیگر نگاه کنند و حتی باید آن را بپوشانند. در حدیث مناهی از رسول خدا صلی الله علیه و آله هم مردان را از نگاه کردن به عورت برادر مسلمانش نهی کرده وفرمود: «هر کس به عورت برادر مسلمان خود بنگرد هفتاد هزار مَلَك او را لعن خواهند کرد.» و زنان را از نگاه کردن به عورت زنان نهی فرمود»(۴). امام باقر علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله مردی را که به عورت زن نامحرم نگاه کند لعنت فرمود(۵). بنابراین نگاه بر عورت مسلمان حرمت دارد. اما نگاه مرد به زن نامحرم را فقها در هنگام ضرورت و به علت خاص مثل برخی موارد پزشکی و با حدودی معین جایز دانسته اند. که در آینده مورد بحث قرارخواهیم داد.

۳ – نگاه زنان به مردان بیگانه

ص: ۲۹

۱- ۱ . محمدبن حسن حرعاملی، وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۱-۲۱۲، ب ۱، ح ۲۵۴۰۳.

۲- ۲ . مقدسی اردبیلی، احمد بی محمد، زبده البیان فی احکام القران، المکتبه المرتضویه، تهران، ص ۵۴۲.

۳- ۳ . محمدبن حسن حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۹، ب ۱۰۴، ح ۲۵۴۰۹.

۴- ۴ . وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۱، ح ۷۸۶.

۵- ۵ . ابی جعفرمحمدبن یعقوب کلینی، فروع الکافی، ج ۵، دارالاضوا، اول، ۱۹۹۲-۱۴۱۳، ص ۵۵۷، ح ۱۴.

«وَ قُلْ لِلْمُوءمِناتِ یَغْضُضْنُ مِنْ أَبْصارِهِنَّ وَ یَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلایُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ الّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لْیَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَیَ جُیُوبِهِنَّ وَ لایُبْدِینَ زینَتَهُنَّ اِلّا لِبُعُولَتِهِنَّ اَوْ اَبآئِهِنَّ اَوْ ابَآءِ بُعُولَتِهِنَّ اَوْ اَبْنآئِهِنَّ اَوْ أَبْنآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ اِخْوانِهِنَّ اَوْ بَنِی إخَوانِهِنَّ اَوْ بُنی اَخَواتِهِنَّ اَوْ نِسآئِهِنّ او مَامَلَکَتْ ایْمانُهُنَ اَوْ التّابِعِینَ غَیْرِ أُوْلِی الْاِرْبَهِ مِنْ الرِّجالِ اَوِ الطِّفْلِ الَّذِینَ لَمْ یَظْهَرُوا عَلی عَوْراتِ النِّسَآءِ وَ لَایَضْرِبنَ بِاَرْجُلهِنَّ لِیُعْلَمَ مَا یُخْفینَ مِن زِینَتِهِنَّ و تُوبُوا إلَی اللهِ جمیعاً أَیُّهَا المُوءمِنُونَ لَعَلَّکُم تُفْلِحُونَ».(۱)

(و به زنان با ایمان بگو: «دیدگان خود را از هر نامحرمی فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آنان پیداست و باید روسری خود را بر گردن خویش فرو اندازند، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان همکیش یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد، که از زن بی نیازند یا کودکانی که بر عورتهای زنان وقوف حاصل نکرده اند آشکار نکنند، و پاهای خود را به گونه ای به زمین نکوبند تا آن چه از زینتشان نهفته می دارند معلوم گردد. ای موءمنان، همگی از مرد و زن به درگاه خدا توبه کنید، امید که رستگار شوید.

خداوند در این آیه همچون آیه قبل برای زنان همچون مردان وظایفی را بیان فرموده، که نگاه کردن همانگونه که بر مردان حرام است بر زنان نیز حرام می باشد پوشاندن عورت از دیگران بر زنان هم واجب است. خودرا از نگاه دیگران حفظ کنند. سپس به مسأله حجاب و پاکدامنی و خودنمایی نکردن زنان پرداخته است.

بنابراین زنان باید از خیره نگاه کردن اجتناب کرده و با دوری از نگاههای تند و آلوده راه عفت و پاکدامنی را هموار سازند. حضرت زهرا علیهاالسلام فرمودند: «بهترین زنان کسی است که مرد بیگانه را نبیند و مرد بیگانه ای هم او را نبیند».(۲) پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آن که چشم را از حرام پرکند خداوند در روز قیامت چشمانش را از میخهای آتشین خواهد آکند، آنگاه درونش را از آتش پر می کند تا مردم از گورها برآیند و سپس او را به آتش افکند»(۳). احادیث و روایات بسیار دیگر که از نگاه به نامحرم منع کرده اند؛ چرا که نگاه، سرآغاز فساد و جرم و فحشا می باشد.

حضرت عیسی علیه السلام فرمود: «از نگاه کردن به آنچه منع شده اید بپرهیزید، زیرا آن

۱- ۱ . سوره نور، آیه ۳۲.

۲- ۲ . محمدبن حسن حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷۲، ح ۲۵۵۱۰.

۳- ۳ . همان، ج ۱۴، ض ۱۴۱، ح ۲۵۴۱۰، ب ۱۰۴.

تخم شهوت و گیاه گناه است»[(۱)]. آیه کریمه همچنین در صدد بیان اینکه زنان باید پوشش داشته باشند و آرایش و زیور خود را بر دیگران آشکار نسازند و در صدد تحریک و جلب توجه مردان برنیایند می باشد.

دو استثناء در آیه کریمه برای لزوم پوشش زن بیان شده، یکی با جمله (وَلایُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ الَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا) ذکر شده است که نسبت به عموم مردان است، و دیگری جمله (وَلَایُبْدینَ زینَتَهُنَّ اِلّا لِبُعُولَتِهِنَّ...). ذکر شده و نداشتن پوشش را برای زن نسبت به عده خاصی تجویز می کند.

در جمله «وَلایُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ الَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا». کلمه «ابداء» به معنی آشکار نمودن و اظهار است[(۲)]. ومفهوم لغوی «زینت»آنچه سبب تزیین می شود «زینت» مفهومی گسترده تر از «زیور» دارد و شامل آرایشهای متصل به اندام بدن مانند، سرمه و خضاب، در کنار آرایشهای دیگر، مانند به کارگیری، طلاآلات و... می شود.

«برخی گفته اند زینت دو قسم است: زینت آشکار و زینت پنهان، زینت آشکار، لازم نیست پوشیده شود و می توان به آن نگاه کرد. درباره زینت آشکار و پنهان سه قول است:

۱ . زینت آشکار، لباس و زینت پنهان خلخال و گوشواره و دستبند است.

۲ . زینت آشکار، سرمه و انگشتری و خضاب کف است.

۳ . زینت آشکار، صورت و کف دستهاست»[(۳)].

زمخشری در کشاف گفته است: زینت عبارت است از چیزهایی که زن خود را به آن ها می آراید از قبیل، طلا آلات، سرمه، خضاب. زینتهای آشکار از قبیل انگشتر، حلقه، سرمه، و خضاب مانعی نیست که نمایان بشود و اما زینت های پنهان از قبیل دست برنجن، پابرنجن، بازوبند، تاج، کمربند، گوشواره باید پوشانده شود مگر برای عده ای که در آیه استثناء شده. در ادامه می فرماید: در آیه پوشاندن زینتهای باطنی مطرح شده است، نه محل آن از بدن این به دلیل مبالغه در لزوم پوشش آن قسمتها از بدن است که جز برای محارم حق نظر کردن به آن مواضع حلال نیست. آن مواضع آرنج، ساق، بازو، گردن و سینه است، از نمایاندن خود زینت برای غیر

۱- ۱ . محمدباقرمجلسی، بحارالانوار، ج۱۰۴، ص۴۲.

۲- ۲ . ابوالفتح بن مخدوم جرجانی، تفسیر شاهی او آیات الاحکام ج ۲، تبریز، ۱۳۸۰ ق، ص ۳۶۱.

۳- ۳ . طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۴۱.

محارم نهی شده تا دانسته شود که نگاه وقتی به زینت حلال نباشد به جایگاه و محل آن هم نگاه ممنوع است(۱).

بعضی زینت پنهان را به معنی اندام زیبای زن گرفته اند. درحالی که کلمه «زینت» به این معنی کمتر اطلاق می شود. به هر مفاد ومعنی که باشد دستور این آیه این است که زنان نباید آرایش و زیور خود را آشکار سازند و پوشاندن زینتهایی که خود به خود آشکار است لازم نیست. بعضی دیگر آن را به معنی «محل زینت» گرفته اند، زیرا آشکار کردن خود زینت مانند گوشواره و دستبند و بازوبند به تنهایی مانعی ندارد. اگر ممنوعیتی باشد مربوط به محل این زینتهاست. یعنی گوشها و گردن و دستها و بازوان.

امام صادق فرمودند:

«آنچه روسری آن را می پوشاند، یعنی سر و گردن و بالاتر از دستبند زینت است»(۲).

در المیزان، «زینت» رابه معنای مواضع زینت دانسته، زیرا خود زینت مثل گوشواره ودستبنداظهارش حرام نیست. پس منظور از نمایان ساختن زینت ظاهر کردن مواضع و جایگاه زینت است(۳).

اما برای زینت و زیور و آرایش، عضو مشخص و لباس معینی را تعیین نکرده اند. این عبارت با صراحت دلالت دارد براین که هر یک از اعضای بدن زن می تواند به شکلی موضع زینت و وسیله فتنه انگیزی باشد. به هر حال زینت به هر معنی باشد، نمایاندن خود زینت و به طریق اولی مواضع زینت بر زن حرام است. از سوی دیگر پوشاندن آن قسمت از بدن و زیورآلات که خود به خود آشکار است، استثنا نمی شد به دور از واقعیت و مخالف با نیازها و ضرورت هایی بود که عموم زنان با آن دست به گریبانند.

علاوه بر آن آیه نمی خواهد بگوید، زنها مجازند که زینتهای باطنی خود را برای محارم آشکار کنند. بلکه می گوید، محارم مجاز به نگاه کردن به آنها می باشند و نگاه غیر محارم هم به چهره و دستهای زنان مانعی ندارد.

در روایتی زراره نقل می کند: از امام صادق علیه السلام تفسیر «الّاَ مَا ظَهَر مِنْهَا» را خواستم. فرمود: عبارت است از انگشتر و سرمه(۴).

۱- ۱ . زمخشری، کشاف، ج ۳، ص ۲۳۰.

۲- ۲ . محمد بن حسن حرعاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل الشریعه، ج ۱۴، ص ۱۴۵، ح ۱۴۵.

۳- ۳ . طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۱۲۱.

۴- ۴ . محمد بن حسن حر عاملی، وسایل، ج ۳، ص ۲۵.

غالب مفسران «الاَ مَاظَهَرَ مِنْهَا» را همان زینت آشکار معنی کرده اند. مثل خضاب، سرمه و انگشتر.

استاد مطهری نوشته اند: کسانی که پوشش وجه و کفین را واجب می دانند باید استثناء «الا ما ظَهَرَ مِنْهَا» را منحصر بدانند به لباس رو، و واضح است که حمل استثناء بر این معنی بعید و خلاف بلاغت قرآن است. مخفی کردن لباس رو به علت این که غیر ممکن است احتیاج به استثناء ندارد...(۱).

در المیزان آمده که مقصود صورت و دو کف دست است(۲).

کیفیت پوشش

اشاره

جمله «لِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ ».

«خُمر» (به دو ضمه) جمع خمار است، و «خمار» همان مقنعه است. یعنی اینکه آن را بر روی سینه و گردن انداخته و آنها را بپوشانند.

در دوران جاهلیت زنان روسری را بر پشت گوش خود می انداخته و سینه و بالای آن نمایان می شد»(۳).

«شیخ طوسی گفته است: خمار پوشش سر زن است که بر پیشانی آویخته می شود»(۴).

به هر حال خمار، سرانداز است، یعنی آن چیزی که سر را می پوشاند، حال می خواهد روسری باشد یا مقنعه و چادر. به این معنی که آشکار کردن موی سر، گلو و سینه در انظار نامحرمان بر زنان حرام است.

«جیوب» جمع «جیب» مراد از جیوب، سینه هاست معنایش این است به زنان دستور بده تا اطراف مقنعه ها را به سینه های خود انداخته، آن را بپوشانند»(۵).

«برخی گویند: با این آیه دستور می دهد که روسری ها را بر سینه ها بیندازند که گوشواره ها و گردن ها و سینه ها را بپوشند.

ابن عباس می گوید، با این وسیله مو و سینه و گلو و گردنء پوشیده می شود»(۶).

۱- ۱ . مرتضی مطهری، مسأله حجاب انجمن اسلامی پزشکان، تهران اول اسفند ۱۳۴۷، ص ۱۸۹۱۸۸.

۲- ۲ . طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۱۲۱.

۳- ۳ . فاضل مقداد، کنز الفرقان فی فقه القرآن، ص ۵۵۲.

۴- ۴ . ابن جعفر محمد بن حسن بن علی طوسی بغدادی، تفسیر التبیان، ج ۷، مکتبه الامین النجف، ۱۳۸۱ ه ۱۹۶۲ م، ص ۴۳.

۵- ۵ . طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۱۲۱.

۶- ۶ . طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۴۲و ۲۴۱.

در مسالک الافهام نوشته شده: « مقنعه ها را بر گریبان هایشان افکنند تا سینه و گردن ها مستور بمانند»(۱).

خداوند دستور می دهد، بر هر زنی واجب است موی سر و سینه و گردن خود را بپوشاند، و از نگاههای ناپاک خود را محافظت کند. و اگر زنی سرانداز نداشته باشد علاوه بر باز نمودن زمینه های فساد و نگاههای مملو از شهوت که به او خیره می شود از فرمان الهی مبنی بر پوشش خود سرباز زده است.

در آیه شریفه بعد از بیان دو حکم قبل برای زنان، یعنی حکم اول: زنها نباید زینتهای خود را آشکار کنند و به تبرّج و خودنمایی بپردازند و حکم دوم اینکه باید سر و سینه خود را با روسری بپوشاند و خود را در معرض نگاه ناپاک مردان قرار ندهند و سپس این سومین حکمی است که در این آیه شریفه بیان شده که استثناءات دو حکم قبل را بیان می دارد که آشکار کردن زینتهای زن برای افرادی اشکال ندارد که دوازده گروه هستند.

۱ - از کلمه «بَعُوله» به معنای شوهران، تا جمله بنی اَخَواتِهِنَ، که گروههای هشتگانه، اعم از محارم نسبی و سببی را نام برده اند.

«زن جایز است برای شوهر خود زینتهای ظاهری و باطنی خود را آشکار کند و لازم نیست روسری و پوشش داشته باشد. یعنی زمینه را برای تحریکات شهوی آنها را فراهم سازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«خدا لعنت کند زنی که خضاب و سرمه نکند. و زنی که شوهر را اجابت نکند و در انجام خواسته او تأخیر و کوتاهی کند و عذرهای پوچ بتراشد، چنین زنی ملعون است»(۲).

و گروههای هفتگانه بعدی پدر و پدر شوهر و پسر و پسر شوهر و برادر و پسر برادر و پسر خواهر در برابر آنها زن لازم نیست زینتهای خود را پنهان کنند ؛ زیرا آنها مَحْرَمَنْد و نمی توانند با زن ازدواج کنند. (جد شوهر و نوه شوهر نیز محرمند)برای همه این گروهها در صورتی که نگاهشان فسادی نداشته و خوف فتنه در بین نباشد، جایز است، بدون قصد لذت بردن به زن نگاه کنند.

علاوه بر این گروهها، چهار گروه بعدجزء کسانی هستند که زن در برابر آنها نیازی

ص: ۳۴

۱- ۱ . زین الدین بن علی عاملی جبعی (شهید ثانی)، مسالک الافهام، ج ۱، چاپ افست، ص ۴۳۵.
۲- ۲ . طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۴۲.

نیست حجاب خود را رعایت کند این گروهها احتیاج به توضیحاتی دارد که لازم است ذکر شود:

الف ـ زنان

«او نسآئِهِنَّ». زنان. نهمین گروهی که از حکم عام استثناء شده اند، «زنان» هستند. در مصداق زنان در این آیه اختلاف است و باید بررسی شود:

۱) «زنان، در برابر زنان موءمن لازم نیست خود را بپوشانند، اما در برابر زنان غیر مسلمان باید خود را بپوشاند»(۱).

مراد، زنان مومن است. یعنی جایز نیست خود را در برابر زنان غیر مومن برهنه کنند از روایات رسیده از ائمه معصوم علیه السلام هم همین معنا استفاده می شود. و فقها قائل به وجوب پوشش زن نسبت به زنان غیر مسلمان نیستند و تنها به کراهت بی پوششی فتوا می دهند ؛ زیرا به آنها اعتمادی نیست. همانطور که در حدیثی از امام صادق علیه السلام رسیده در تأیید این گفته که فرمودند: «سزاوار نیست که زن (مسلمان) نزد زن یهودی و نصرانی کشف حجاب نماید ؛ زیرا آنها زن مسلمان را نزد شوهرانشان توصیف می کنند»(۲).

۲) منظور مطلق زنان اعم از مسلمان و غیر مسلمان است.

امام فخر رازی در تفسیر خود آورده که «نِسائهِنَّ» دو معنا برایش ذکر شده.

الف) زنان مسلمان مقصود است و این قول اکثر علما می باشد.

ب) زنان مسلمان و غیر مسلمان، هر دو را در بر می گیرد. گفته علمای گذشته را باید حمل بر استحباب کرد.

بنابراین فخر رازی قول دوم را برگزیده است(۳).

۳) گفته شده مراد زنانی است که با آنها معاشرت داشته و همدیگر را می شناسند مانند زنان خدمتکار. حال مسلمان یا غیر مسلمان باشند(۴).

ب – بردگان و مملوکان

ص: ۳۵

۱- ۱ . فاضل مقداد، کنز الفرقان فی فقه القرآن، ص ۵۵۲.

۲- ۲ . عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، حکمت، قم، ص ۵۹۳؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۳، ب ۱۲۳، ح ۲۵۴۷۳.

۳- ۳ . فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۲۳، ص ۱۸۱.

۴- ۴ . محسن قرائتی، تفسیر نور، ج۵، موسسه در راه حق، قم، ۱۳۷۴، ص ۱۶۶.

«اوْ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُهُنَّ» شامل غلامان و هم کنیزان می شود.(۱). در تفسیر کبیر آمده: «غلام نمی تواند به موی صاحبش (خانمش) نگاه کند»(۲).

به طور کلی بردگان اعم از جنس زن یا مرد از نظر اسلام در بسیاری از احکام استثناهایی دارند. مثلاً از نظر حفظ پوشش و حرمت نگاه، برکنیزان واجب نیست که سرهای خود را بپوشانند و حال آنکه بر زنان آزاد لازم است سر خود را بپوشانند، به دلیل خدمتکاری آن هاست. بعید نیست، غلامان هم نیز چنین استثنایی داشته باشند.

ج- کسانی که نیاز به زن ندارند.

«أَوِالتّابِعِینَ غَیْرِ أَوْلِی الْاِرْبَهِ مِنَ الرِّجَالِ». کلمه «اربه» از ماده «ارب» بر وزن عرب به معنی نیازمندی و شدت احتیاج است(۳).

منظور از این نیاز، حاجت شهوانی است که مردان را محتاج به ازدواج می کند. مراد از «غیر أَوْلِی الْاِرْبَهِ» کسانی که نیازی در آنها وجود ندارد که بر رفع آن اقدام کنند. «کلمه(مِنَ الرِّجَالِ) در بیان تابعین است، و مراد افراد سفیه و ابلهی است که تحت قیومیت دیگران هستند و شهوت مردانگی ندارند»(۴).

در اعراب «غیر» دو احتمال داده اند:

۱) منصوب: طفلان استثناء شده اند مگر در صورتی که صاحب شهوت باشند.

۲) مکسور: در صورتی که دارای صفت تابعین باشند. یعنی طفلانی که نیاز به زن ندارند(۵).

در مجمع البیان نقل قولهای ذکر شده از جمله: «برخی گفته اند مراد «مرد ابلهی» است که جیره خوار زن است و به زن توجهی نداشته.

از امام صادق علیه السلام هم همین گونه روایت شده است. برخی گویند: مقصود آدمهای عقیمی هستند که تمایل جنسی در وجودشان نیست. عده ای گویند: منظور پیرمرد است. برخی گویند: مراد غلام صغیر است»(۶). به هر حال مقصود هر که باشد

۱- ۱ . طبا طبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۱۲۱.
۲- ۲ . فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۲۳، ص ۲۷۰.
۳- ۳ . راغب، مفررات، ، ص ۷۲.
۴- ۴ . طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۱۲۱.
۵- ۵ . فخر رازی، کبیر، ج ۲۳، ص ۱۸۲.
۶- ۶ . طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۴۲.

آیه مردی را مدنظر دارد که تمایل به زنان ندارد و جاذبه زنان را درک نمی کند.

د–کودکانی که از امور جنسی بی خبرند

«أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ»

«الف ولام» در الطفل، الف و لام استغراق است و کلیت را می رساند. کودکانی که بر عورتهای زنان اطلاع نیافته اند، یعنی آن چه از امور زنان که مردان بالغ از تصریح به آن شرم دارند آن اطفال اطلاعی ندارند و زشتی اش را درک نمی کنند و گفته اند: کنایه از حد بلوغ است»(۱).

یعنی مقصود کودک غیر ممیز است که قدرت تشخیص ندارند.

برخی گفته اند: مقصود کودکانی است که قدرت مجامعت ندارند و بر امور جنسی قادر نیستند.

«وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ». از دیدگاه اسلام طرز راه رفتن، نشست و برخاست و دیگر حرکات زن نباید هوس انگیز و محرک باشد و نظر مرد بیگانه را به خود جلب کند، اگر زنی با حجاب اسلامی اما با حرکات سبک و کرشمه و ناز در معابر رفت و آمد کند حجاب او ارزشی ندارد.

بنابراین چهارمین حکم، آیه شریفه راجع به طرز راه رفتن زن است که باید همراه با متانت و وقار باشد. « در گذشته زنها پاهای خود را چنان بر زمین می زدند که صدای خلخال آنها شنیده شود. قرآن کریم آنها را از این عمل نهی فرمود. برخی گویند: «مقصود این است که موقع راه رفتن به گونه ای راه نروند که خلخال آنها آشکار شده و یا صدای آنها شنیده شود»(۲). پس حتی تبرج و خودآرایی در مورد شنیدن صدای پا هم وجود دارد.

نهی قرآن در این رابطه نشانه ریزبینی و کمال دین اسلام است. می توان فهمید که به طور کلی هر کاری که موجب تحریک و تهییج و جلب توجه مردان نامحرم شود برای زنان حرام است.

«این تأثیرات گاهی آن چنان گسترده است که حتی شنیدن صدای نازک و ظریف زن که خود از مکانیسم های جذب و انجذاب مرد از طرف زن می باشد، موجب

۱- ۱ . طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۱۲۲۱۲۱.

۲- ۲ . طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۴۳.

تحریک جنسی و ترشحات غدد جنسی در مردان می شود»(1). در مراحلی حتی صدای پای زن نیز می تواند بر مراتب آسیب پذیری مرد در برابر جنس مخالف بیفزاید. از جمله کفش های پاشنه بلند صدادار نیز به سهم خود توانسته از جمله عوامل محرک تمایلات جنسی گردد و وسیله ای برای حواس پرتی و جلب توجه مردان نسبت به زنان شود. و قابلیت تحریک و حساسیت روحی هر جوان را توانسته افزایش دهد و عاملی دیگر بر عوامل محرک و میل جنسی در مرد بیفزاید.

۱- ۱ . مجتبی هاشمی رکاوندی، مقدمه ای بر روانشناسی زن، شفق، قم، اول بهار ۱۳۷۰، ص ۱۹۰.

بخش دوم تحلیل علمی بر مسأله نگاه

تفاوت حس بینایی درمردان وزنان

ص: ۳۹

«تجربه ما از جهان اطراف، بطور مستقیم، مثل نگاه کردن به تصاویر، خواندن، یا گوش دادن به توصیف درباره آنچه ما خود تجربه نکرده ایم، به دست می آید، دریافت کنندگان به جهت اهمیتی که از لحاظ شناخت دنیای اطراف موجود زنده دارند. به حق به عنوان «دروازه های دانش» شناخته شده اند. و مهمترین دروازه ها، دریافت کنندگان بینایی و شنوایی هستند»(۱).

بینایی یکی از آن حوزه هایی است که از لحاظ روانشناختی مطالعات بسیار فراوان دربار آن انجام گرفته است . با مطالعاتی که به طور معمول در مورد حس بینایی نوزادان انجام شده است . این نتیجه به دست آمده که حرکات چشم نوزادان در پاسخ به نمایشات بصری گوناگون می باشد. پژوهشهای مبتنی بر (۲)EEG. نشانگر این است که نوزادان تازه تولد یافته هر دو جنس فاقد تفاوتهای جنسیتی بینایی هستند. اما در سالهای بعد که کودک رشد می کند نتایج خیلی متغیر هستند(۳).

«پسران در تکالیف فضایی بصری نیز بر دختران برتری دارند. این آزمونها توانایی تجسم و تغییر و تبدیل اشیاء را در فضا می سنجد. مردان این آزمون را بهتر از زنان انجام می دهند.»(۴) پژوهش نشان داده است که از همان دوران کودکی، پسر بچه ها به الگوها و محرکهای بینایی و دختر بچه ها به الگوها و محرکهای شنوایی علاقه نشان می دهند.

«حس بینایی مردان از زنان بهتر است. نسبت نابینایان مادرزادی در جنس نر

ص: ۴۱

۱- ۱ . نرمان ل، مان، اصول روانشناسی، محمودصناعی، ج۲، اندیشه، تهران، ص ۳۳۶.

۲- ۲-Electro Encepha Logram

۳- ۳ . سیامک خدارحیمی، مسعود ناظم شیرازی و... روانشناسی زنان، خاتم، دوم، بهار ۱۳۷۹، ص ۱۳۵.

۴- ۴ . همان، ۱۰۴.

بیش تر است و نزدیک بینی شدید در مردان شایع تر و فراوان تر است. .. زنان در برابر تاری و خیرگی چشم حساس ترند. زیرا زمان واکنش آن ها طولانی تراست»(۱).

نگاه زنان تنوع طلب ولـذت جوست. با این تفاوت که میدان تنوع طلبی نگاه زن بیشتر طبیعت است وحوزه لذت جویی مرد در امور غریزی به این دلیل نگاه مرد کوچکترین تفاوت ظاهری زنان را متوجه می شود.

همین مسأله سبب می شود که میزان توجه مرد را در فعالیتهـای روزانه کـاهش داده وفکر او رابه سوی مقـایسه امتیازات زنان، دچار آشفتگی نماید. وزنان هم کم وبیش این مسأله رامی دانند.

«مردان عموماً به محرکهای بینایی حساسیت زیادی دارند و این حساسیت در اعمال و رفتار روزانه آنها نیز به چشم می خورد. مثلاً می بینیم که بعضـی از آنها به تهیه عکسـهای سکسـی مبادرت می ورزنـد و در چشم چرانی هم یـد طولایی دارنـد . چون بینـایی آنـان نسـبت به شـنوایی آنهـا برد زیـادتری دارد. از طرف دیگر ترشـح هورمـون آنـدروژن در مردهـا به طور یکنواخت صـورت می گیرد و هیـچ عامـل دیگری آن را قطع نمی کنـد. بنـابراین می تـوان گفـت که مردان به طـور مـداوم تحت تـأثیر محرکهای بینایی شـهوانی قرار می گیرد و بیشتر از زنان چشم چرانی می کننـد، اما زنها از آنجا که از نظر حس بینایی ضـعیف تر از مردها هستند به الگوهای بینایی شهوانی حساسیت کمتری دارند و در عوض از نظر حس لامسه حساسیت بیشتری دارند و به محرکهای لمسـی بهتر پاسـخ می دهنـد. چون لامسه میـدان برد زیادی نـدارد و فعالیتش فقط محـدود به نزدیک است. تأثیر محرکهای شنوایی بر زنها صورت بسیار محدودی دارد و فعالیت زنها از این نظر بسیار کم است»(۲).

این از خصوصـیات مرد است که از مشاهـده انـدام زن دچـار التهـاب و تحریـک جنسـی می شود، خصـلت مرد چشم چرانی و دیـدزدن و خصـلت زن خودآرایی و خودنمـایی است، هرچه مرد در چشم چرانی اصـرار داشـته باشـد تمایـل زن به خودنمایی بیشتر می شود.

لـذا در جـامعه ای کـه چشـم چرانی امری عـادی تلقی می شـود، زنـان آن جـامعه در کـوچه و خیابـان بیش از جوامـع دیگر به خودنمایی و تبرج می پردازند.

ص: ۴۲

۱- ۱ معین الاسلام، ناهید طیبی، روان شناسی زن در نهج البلاغه، عطر مریم سعادت، قم، ۱۳۸۰، ص ۷۰-۷۱.

۲- ۲ . حمزه گنجی، روان شناسی تفاوتهای فردی، بعثت، تهران، ۱۳۶۴، ص ۲۰۴.

چشم چرانی

چشم یکی از وسایل تحصیل علم و یکی از نعمتهایی است که خدا به انسان داده تا به وسیله آن حق را از باطل تمیز داده و خود را به واقع برساند، از چشم بازخواست می شود که آیا در آنچه به کار بستی علمی بدست آوردی یا نه؟ و اگر به دست آوردی پیروی کردی یا خیر؟ از چشم می پرسند آنچه تماشا می کردی واضح و یقینی بود یا خیر؟ چشم ناگزیر است که حق را اعتراف کند.

به کمک چشم می توان در راه خودسازی گام برداشت و به عظمت و قدرت خداوند پی می برد، و نسبت به خالق خویش معرفت بیشتری پیدا کرد. نباید این عضو را در جهت گناه که خود کفران نعمت است به کار ببریم، که این امر سد راه پیشرفت و تکامل انسان است. حفظ نکردن چشم از نگاه به نامحرم مقدمه بسیاری از گناهان است. نگاه حرام، تجاوز به حقوق دیگران است که هم از نظر اجتماعی و هم از نظر روانی و جسمانی برای فرد مضر است.

مردی که چشم به نوامیس مردم دارد، «مردی که در برابر، زن همه «چشم» است، زن یک شئی است که مرد او را دائماً در کفه ترازوی چشمان خود می سنجد و ارزیابی می کند»(1). امام صادق علیه السلام فرمودند: «چشم چرانی زنای چشم است»(2). شاید ابتدا این سوال به نظر برسد که چشم چران چه کسی است؟ چشم چران کسی است که از نگاه به بدن لخت دیگران و یا قسمتهای مختلف بدن مانند چهره و اندام ظاهر و پوشیده زنان یا نوجوانان لذت و استفاده جنسی می برد. این انحراف و معضل اجتماعی منحصر به جنس مرد نبوده و در بین مردان و زنان در حالتها و اشکال مختلف دیده می شود، ولی این انحراف در مردها و خصوصاً نوجوانان با توجه به وضع جامعه و موقعیت مردها بیشتر دیده می شود.

حضرت علی علیه السلام چشم چرانی را یک نوع خودآزاری معرفی کرده و می فرماید:

«هر کس چشم چرانی کند خاطر خود را آزرده و کسی که پیوسته عادتش این باشد همیشه

ص: ۴۳

۱- ۱ . غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، اول، ۱۳۶۳، ص ۳۲.

۲- ۲ . محمد بن حسن حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص۲۴۹، باب ۱۴، ح ۲۵۷۳۵؛ ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی، فروع الکافی، ج۵، ص۵۵۶، باب ۱۹۰، ح۱۱.

در حسرت به سر می برد»(۱).

چشم چرانهای حرفه ای فاقد فضایل اخلاقی و شعور اجتماعی بوده با ضعف ایمان و فقدان تربیت صحیح خود، دایم مزاحم افرادند و به حیثیت و شرافت همنوعان خود تعدی و تجاوز می کنند.

چنین فردی از لحاظ روان پزشکی مریض است و از لحاظ روانکاوی دچار انحراف «خودپرستی» شده، چنین موجودی با وجود این دگردیسی و استحاله حیوانی. دیگر حق ندارد نام انسان را روی خود بگذارد.

نگاه از نظر علوم روز

بر طبق یک اصل مسلم علمی در میان تمام موجودات هستی اعم از انسان و حیوان و سایر پدیده های هستی رابطه ای مغناطیسی(۲) و الکتریکی برقرار بوده که بر اساس این رابطه به سوی یکدیگر جذب می گردند. «چرا که دانشمندان آلمانی با آزمایشهایی ثابت کرده اند که امواج نامریی الکتریکی مثبت از مردان و الکتریسیته منفی از زنان ساطع می شود . بر طبق آن یکدیگر را جذب می کنند و این نیرو چیزی است که هیچ کس نمی تواند از آن جلوگیری به عمل آورد. زیرا آن نیرو وسیله دوام و بقای نسل امروز می باشد. اما باید توجه داشت که الکتریسیته و قوه مغناطیس در شرایط خاصی بوجود می آید و هر چه شرایط مهیاتر باشد نتیجه یا بازده آن بیشتر خواهد بود»(۳).

یکی از مهم ترین عواملی که نیروی جاذبه رادرانسان وادار به فعالیت می کند نگاه و چشم افکنی است.

همین لطف نگاه است که سالهای متمادی طبع روان و زیربین «شعرا» را به خود معطوف ساخته. همین «طرفه العین» نگاه است که هزاران مجنون، سرگردان در وادی عشق به دنبال داشته است، همین آتش نگاه است که بر هر دلی افتد ویرانش

۱- ۱ . «مَنْ اطلَقَ ناظِرَه اتعب حاِضَرهُ و من تتابَعته لَحظاُتُه و دامَت حَسَراتُهُ». مجلسی، بحارالانوار، ج۱۰۴، ص۳۸، ح۳۳.

۲- ۲ . مغناطیس: مجموعه ای آثاری است که به وسیله کهربا یا آهن ربا و به عبارت دیگر مجموع توانایی ای و آثاری که اراده ما می تواند انجام دهد مغناطیس است. مغناطیس فقط در آهن ربا و کهربا نیست. این قدرت و نیرو در عالم وجود پراکنده است.

۳- ۳ . محمد باقر راستگو، برای چشمانت، برهان، تهران، ۱۳۶۴، ص ۳۱_۳۲.

کند و دود آتشش به هر چشم که رفت جز سوزش و ریزش آب چیز دیگری در بر نخواهد داشت.

چشم در بدن به مثابه دکمه فشار برق است. تا دکمه را فشار نداده اید برق خفته و راحت است. به مجرد فشار دادن دکمه برق به جریان می افتد. چشم هم تا مصون از نگاه اجنبی و محفوظ از مناظر مهیج است، آسوده خیال و فارغ البال است وبه مجرداصابت به نگاه جان سوزی، برقی نامریی از میان چشمان این دو جسته و چون آتش به جان یکدیگر می افتند و بالاخره در میان این گیر و دار و کشمکش در نتیجه یکی غالب و یکی مغلوب یکی جاذب و یکی معشوق می گردد و یک سطح الکتریکی واحد تشکیل می دهند. این همان آتش نگاه است و کسانی که غافل از قوه جاذبه مغناطیس طبیعت هستند، هر روز خود را طعمه آتش غفلت و سهل انگاری می کنند.

«در حین آزمایشهایی به ثبت رسیده که «حس باصره» و چشم ما بدون هیچ گونه شکی پرتوی از خود ساطع می کند»(۱).

«چشم انسان حساس تر از شامه است؛ زیرا قادر است یک میلیون و نیم رنگ و تنوعات را تشخیص دهد. هنگامی که شخصی به شیء نگاه می کند، چشم می تواند جرقه ای را که فقط ۰۰۰۳/۰ ثانیه به طول می انجامد ، تشخیص دهد. انرژی الکتریکی که در اثر انرژی که در اثر حس باصره ایجاد می شود بسیار ناچیز است. اما چشمها منعکس کننده بسیار قوی می باشند. مغناطیسی که از چشم خارج می شود دارای آثاری بسیار قوی و حتی قوی تر از آثار پاس(۲) می باشد.»(۳). «زیبایی، جاذبه، چشمان افسونگر، جذبه شخصی همه دارای منشاء واحدی هستند که مغناطیس انسانی نامیده می شود، هر مرد ضعیف یا قوی دارای نیروی افسونگر و خدادادی است که به جهانی می ارزد، این نیرو مغناطیس شخصی است»(۴).

بدین وسیله به آسانی می توان اهمیت نگاه و آثار آن را استنباط کرد: مغناطیس در بین تمام موجودات زنده و غیر زنده این جهان وجود دارد و حتی اغلب

۱- ۱ . ک. پلاتونف، روان شناسی درباره مغناطیس حیوانی، رزم آزما، تهران، کتابخانه گوتمبرگ، ۱۳۴۵، ص ۳۴.

۲- ۲ . پاس: حرکات سریع و منظم دستها و اعضای بدن را گویند.

۳- ۳ . ک. پلاتونف، روان شناسی درباره مغناطیس حیوانی، ص ۹۱.

۴- ۴ . مسعود جنتی عطایی، مغناطیس انسانی(علم مانیتیسم)، ارمغان، اول، زمستان، ۱۳۷۱، ص ۳۸.

حیوانات از این موهبت الهی بطور کامل برخوردارند:

«در جنگ میان دو خروس، خروسها قبل از هر عملی با چشم به هم خیره می شوند و با نگاههای تند و تیز ضربه اولی را به طرف وارد می کنند. مار بوآ با نگاههای خود می تواند انسان را به حالت خمودی و کرخی و یا بی حسی درآورد»(۱).

بنابراین وقتی که دو جنس مخالف با بودن چنین نیرویی چشم در چشم یکدیگر بیفتند، کشش و جاذبه ای آنها را به سوی یکدیگر سوق داده و رابطه ای برقرار می گردد و دیگر نه پند و اندرز، نه ترس از آبرو، نه بیم از مرگ هیچ یک نمی تواند جلو این رابطه طبیعی را بگیرد و مانع از خواهش این دو جنس مخالف «نر و ماده» گردد . آری همین نگاه است که بلادرنگ طبع را به غلیان و قلب را به ضربان در می آورد.

نگاه، از نظر روانشناسی

«روانشناسان چشم چرانی را یک نوع انحراف روانی(۲) قلمداد می کنند، این انحراف هرگاه در کسی به وجود آید قابل توقف نخواهد بود و هر لحظه به میزان آن افزوده خواهد شد و این تجربه علمی است. یک فرد چشم چران هرگز با چند ساعت چشم چرانی نمودن در روز قانع نمی شود و این حالت کم کم در او یک حالت وحشیانه و حیوانی خاصی به وجود می آورد و رفته رفته او را به یک بیماری و انحراف روانی(۳) دیگری مبتلا می سازد . در این حال بیمار از تماشای بدن لخت و دیدن آلت تناسلی دیگران لذت می برد و این مرحله نیز مقدمه ایجاد انواع سادیسم است»(۲).

همچنین چهره واندام کم پوشش زنان، روان شخص را هنگامی که زمینه تخلیه فشار غرایز فراهم نباشد تحریک کرده وکم کم ظرفیت عصبی او به پایان می رسد وبه سرعت هورمون های آزار دهنده سمی در خون ترشح می شود. درزمان کمتر از۰/۱ثانیه مغز که با شبکه های ارتباطی به سراسر بدن وصل است به کمک غده هیپوفیز وفرمان های مرکز هیپوتالاموس این سم را به همه اعضا روانه می کند. بدن

۱- ۱ . همان، ص ۶۳ و ۶۴. vayuerism.یا۲- vojeurisme -۳inspectiohism.

۲- ۴ . محمد باقر راستگو، برای چشمانت، ص ۳۴.

برای بیرون رانـدن ایـن سم به تکـاپو می افتـد وجنـگ داخلی اعصـاب آغـاز می شـود. شـخص در خـود احسـاس اضـطراب و خسـتگی مینمایـد. تصور می کنـد چیزی ناشـناخته بر روان وی فشار می آورد. علایم این حالت، سـردرد خفیف، تنفس شدید و... و فرد نسبت به وقوع خطر ناشناخته، دلهره و هراس دارد(۱).

«در مراحلی حساسیت برخی از مردان نسـبت به وسایل و لوازم زنانه آن قـدر زیاد و تحریک پذیری میل جنسـی در اثر نگاه و تماشای آن ها چنان بیشتر است که برای عده ای ایجاد مشـکلات روانی نموده و چه بسیاری از بیماران روانی جنسی که نسبت به البسه زنانه حساس و تا مرحله ارتکاب عمل «استمنا» با مالش دادن این قبیل وسایل زنانه پیش رفته اند(۲).

اصـطلاح «چشم چرانی» که بیشتر برای مردان به کار می رود زاییده حساسـیت مردان نسـبت به محرکهای بینایی شهوانی است. چون برد حس بینـایی در آنان زیاد است، یعنی چشم می توانـد از فاصـله نسـبتاً دور تحت تأثیر محرکها قرار می گیرد و از این گذشـته وسـعت زیـادی از محیط در آن واحـد دیـده می شود. اصولاً اکثر بیماری های روحی جوانان از این رهگـذر آغاز می شود، زیرا چشم می بینـد و دل می خواهـد و قلب برای به دست آوردن خواسـته خود فعالیت می کنـد و روح تسـخیر می شود چنانکه بابا طاهر گفته است:

ز دست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده بیند دل کند یاد

بسازم خنجری نیشش ز فولاد زنم بر دیده تا دل گردد آزاد

«و بدین جهت در احکام فقهی تصـریح شده: «حرام است نگریستن به عکس زن نامحرمی که او را می شناسد» ضمناً این فایده را در بردارد که تصویر ذهنی که به علت آشـنایی با او، از گذشـته در خاطر مانـده و به فراموشـی سپرده شده است، با پرهیز از مشاهده عکس او، که در این مقام مانند مشاهده خود او عمل می کند. مجدداً مرد از زن نامحرمی متأثر نشده و گرفتار دامهای شیطانی نمی گردد»(۳).

«در هر حال، نگاه زمانی منشا لذت است که با تمرکز همراه باشدو ذهن را به خدمت بگیرد. فلسـفه چشم چرانی جز این نیست که فرد با تمرکز در هنگام نگاه،

۱- ۱ . یوسف غلامی، جلوه نمایی زنان ونگاه مردان، ص ۱۲۳.

۲- ۲ . احمدصبور اردوبادی، بهای یک نگاه، رسالت قلم، اول، ۱۳۷۷، ص۱۸۵.

۳- ۳ . احمد صبور اردوبادی، نگاه پاک زن و نگاههای آلوده به او، ص ۱۰۵.

تخیلاـتش را بـه خـدمت می گیرد ودر دنیـای خیالاـت بـه هوسـرانی می پردازد. بنـابراین آنچـه نگـاه را لـذت آفریـن می کند تخیلاتی است که فرد با نگاه در درون خود می پروراند»(۱).

زیانهای جسمی نگاه

در روایتی از امام صادق رسیده است که فرمودند:

«ای بسا نگاهی که حسرت طولانی به بار آورده است»(۲).

حضرت علی علیه السلام هم فرمودند:

«کسی که چشم خود راپایین اندازد، تأسف کمتر خورد و از نابودی در امان ماند».

این روایـات گرانبهـا که در چهارده قرن پیش از ائمه معصوم ما برای توجه و بیان آثار شوم نگاه به ما رسـیده ، چیزی است که علم روان شناسـی امروزه به آن رسیده و با پیشرفت هر روزه علم، کمال و جامعیت دین اسلام و دقت نظر ائمه علیهم السلام بر ما روشن می شود.

دانشـمندان امروزه گفته اند که: «هر نگاهی دو صورت می تواند داشـته باشد یا غدد داخلی را به ترشح مواد زاید وامی دارد و در حول مواد سـمی جمع می کنـد و اعصـاب را ملتهب می سـازد و گـاهی آدمی را برای ارتکاب جرم و گناهی بزرگ آماده می کند و خلاصه در ارگانیزم بدن اثر شوم می گذارد یا برعکس ایجاد انبساط و فرح نموده و شخص را برای انجام کار نیک یا کشف اسرار طبیعت یا اختراع مهمی مهیا می سازد»(۳).

بدترین نگاهها که در ارگانیزم بدن اثر شوم طولانی می گذارد. نگاه مردی است که چشـمش در چشم زنی خیره شده و اسـیر امیال سـرکش خود شده، و از سایر اعمال و رفتارش معلوم است که رایحهِ حداقل مراتب ادب و اخلاق و تزکیه ای به مشامش نرسـیده دچار عـدم تعادل روحی می شود، و این نگاههای پرهوس و شـهوت توأم با خودباختگی ناشـی از ضـعف نفس اسـت چیزی است که امام صادق علیه السلام فرمودند: النظرهُ سُهْمٌ من سَهامِ ابْلیس مَسْمومٌ وَکَمْ مِنْ نَظْرُهِ اوْرثَّتْ حَسْرَهِ طویلَه(۴)؛

ص: ۴۸

۱- ۱ . یوسف غلامی، جلوه نمایی زنان ونگاه مردان، ص۱۱۲.

۲- ۲ . کَمْ مِنْ نَظْرَه جَلَبَتْ حَسْرَهً. عبدالواحـد آمـدی تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، دارالکتاب الاسـلامی قم، دوم۱۴۱۰ ه - ۱۹۹۰ م، ص۵۱۳ ح ۲۱

۳- ۳ . محمدباقر راستگو، برای چشمانت، ص ۳۵.

۴- ۴ . محمدبن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۸، ح ۲۵۳۹۵.

نگاه تیری از تیرهای مسموم شیطان است و چه بسا نگاهی که حسرت و پشیمانی طولانی از خود بجای می گذارد.

زهر نگاه آلوده همان اوهام وفشارهای روانی است که در کوتاه ترین زمان، سراسر جسم وروح آدمی را دستخوش تلاطم می کند. خاطره صحنه مشاهده شده در مغز تداعی ودر اعضا ظاهر می شود. فرد که میداندستیابی به آنچه دیده ونیل به ارضای شهوت برایش به آسانی میسر نیست در اندیشه فرو می رود واندوه خود را به درون می فرستدواین همان زهر تیری است که از همان نگاه به قلب واز آنجا به همه اعضا سرایت می کند. فروید این پدیده راآرزوهای سرکوب شده می نامند که از ضمیر خودآگاه شخص به ضمیر ناخوداگاه (unconscious) منتقل می شودو شخص را دچار ناهنجاری های روانی می کند.

و حضرت علی علیه السلام فرمودند:

«مَنْ اطْلَقَ ناظِرَهُ اتَعبُ خَاطِره. مَنْ تتابَعَتْ لَحَظاتُهْ دامَتْ حَسَراتُه»(۱).

کسی که چشمش را در دیدن حرام آزاد بگذارد خود را به زحمت و مشقت می اندازد و کسی که پی در پی به این و آن نگاه کند، غم و اندوهش تداوم می یابد.

کمپلکس روانی که امروزه زیاد از آن یادمی شود، محصول همان حسرتی است که در این جملات معنوی بدان اشاره شده است.

این اندوه و حسرتهای اشاره شده در روایات نتیجه نگاه به صحنه های مهیج و فیلمها و عکسهای سکسی که در معرض دید انسان قرار دارد به وجود می آید. «نظام روانی انسان از طریق ارتباط عصبی و نقش مویرگی به گونه ای خاص تصویر درون آدمی و چگونگی حالات وی را در چهره نمودار خواهند نمود، و نظامهای محافظتی و کنترلی چشم در حداقل توان خود نقش آفرین هستند و تاکید بر اینکه به علت ناتوانی انسان بر کنترل چشم ها، به راحتی ضمیر خود را مشخص خواهد نمود. چنانچه وقتی نگاهی به نگاه نامحرمی گره بخورد و زمینه های انحراف فراهم می شود»(۲). اگر مرتباً تکرار و ارضا شود به صورت انقلاب جنسی در می آید و اگر

۱- ۱ . محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۴، دارالحدیث، قم، ۱۴۱۶، ص ۳۲۸۹ ۳۲۸۸، ج ۲۰۲۵۱.

۲- ۲ . محمد قمی فر، چرا دیده ها دام ها و تورهای شیطان است؟ مجله تربیت، سال چهارم، ش ۷، فروردین ۷۸، ص ۶۰.

ارضا نشود از لحاظ وارد شدن شوکهای مکرر به مغز و قلب بیماریهای غیر قابل علاج را به وجود می آورد.

آثار نامطلوبی که در اثر نگاههای پر ولع و هوس آلود بر جسم فرد وارد می آید بیشتر ناراحتیهای عصبی و (روان تنی) است که از این قبیل هستند: «دشواری در تنفس، درد در اطراف قلب، بالا- رفتن تپش قلب، ضعف و خستگی فکری و جسمی، سردرد، هراس ودلهره، بی قراری وناآرامی، بی خوابی، کم اشتهایی».

زیانهای اجتماعی نگاه

امروزه با گسترش برهنگی وکم پوششی زنان وحضور انکار ناپذیر آنان در خیلی از صحنه ها و فعالیت های اجتماعی راه برای بسیاری از سود جویی های مردان اززنان بازشده از آن جمله به روز افزون پدیده شوم چشم چرانی می باشدکه نه تنها صدمات و آثار مخربی بر جسم و روح خود فرد می گذارد ، بلکه عوارض و زیانهای اجتماعی نامطلوبی در سطح جامعه در پی خواهد داشت و سر آغاز بسیاری از مفاسد و فحشا و ناامنی ها... خواهد بود. چشم چران نه تنها به نوامیس مردم چشم می دوزد و سبب مزاحمت دیگران می شود و اگر کسی هم به ناموس او نگاه کند، ناخشنود نمی گردد. این امر سبب لطمه به شعور و حیثیت خود و اجتماع و سبب سست شدن پایه های استوار اخلاق می گردد، و اگر جلو آن گرفته نشود با جامعه ای مملو از فساد و هرج و مرج روبه رو خواهیم شد.

چنین فردی برای ارضای روح سرکش و شهوت آلود خود با ایجاد روابط نامشروع با دیگران اقدام کرده و به تدریج با ارتباطات حجب و حیا کنار گذاشته، فساد اخلاقی را عادی می سازد. چنانکه حضرت علی علیه السلام فرمودند: چشمان شما کلید عفاف شماست . این کلید را اگر به نامحرم واگذارید گنج عفت خویش را از دست داده اید.

چه بسا تداوم عمل زنا سبب شیوع امراض مراقبتی چون سفلیس، سوزاك، هریس سیمپلکس، شانگر، ایدز و... شود که هر کدام درنوع خوداز خطرناك ترین بیماریها به شمار می روند.

از دیگر آثار نگاههای آمیخته به شهوت می توان افزایش طلاق، خودکشی،

کورتاژ و کاهش ازدواج در سطح جامعه را نام برد. پس باید کوشید تانگاه خود را در مهار دل قرار دهد، نه دل رااسیر نگاه.

مسؤولیت در برابر نگاهها

«إنَّ السَمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُوادَ کُلُّ اُولئکَ کَانَ عنْه مُسئُولاً»(۱).

براستی که گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهد شد.

«گوش در برابر آنچه که شنیده و چشم هر چه دیده و دل هر آنچه خواسته مسؤول است. مراد این است که صاحبان گوش و چشم و دل، مسؤولیت دارند. برخی می گویند: همه این اعضا مسؤولیت دارند. یعنی از فکر و عقل سؤال می شود . خداوند از گوش می پرسد که چه شنیدی و از چشم می پرسد که به چه چیز نگاه کردی و از قلب و دل می پرسد که به چه چیزهای معتقد شده است»(۲).

«و اینکه چرا از میان حواس انسان به چشم و گوش تصریح شده واضح است، زیرا معلومات حسی انسان غالباً از راه این دو حس حاصل می شود و بقیه اعضا را تحت الشعاع خود قرار می دهند». بایددانست که رابطه چشم ودل رابطه ای ناگسستنی است. وقتی که چشم به یک «دریاچه هوس» تبدیل شود، درآن جز «قایق نگاه» حرکت نمی کند و بر صفحه دل گاهی همان نقش می افتد که از روزنه «دیده» می بیند. بر طبق فرموده مولای متقیان حضرت علی علیه السلام : «القلبُ مُصْحَفُ البَصَرِ»؛(۳) دل، کتاب وصحیفه ی چشم است. «دیده پنجره ی «دل» است. «این دو طفل معصوم «دل و دیده» اگر رها شوند، گم می شوند. احساس غریبی می کنند، به دامن غریبه ها پناه می برند، عصیان می کنند، اگر از بام ما پرواز کردند، دیگر به خانه بر نمی گردند»(۴).

«اگر بزرگان سلوک و عرفان «دربان دل»، بوده اند، تا بیگانه در حریم و حرم دل وارد نشود، «دیده بان دیده»هم بوده اند تا چشمشان به هر چیز نیفتد»(۵) «بله، هر آن کس به چیزی عشق ورزد، آن عشق چشم او را کور و دلش را بیمار می کند، چنین

۱- ۱ . سوره اسری، آیه ۳۶.

۲- ۲ . طباطبایی، المیزان، ج ۱۳، ص ۹۵.

۳- ۳ . نهج البلاغه، حکمت ۳۳۲.

۴- ۴ . جواد محدثی، چشم دل، مرکز انتشارات، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، اول تابستان ۱۳۷۶، ص ۵۰.

۵- ۵ . همان، ص ۴۹.

فردی با چشم ناسالم می نگرد و با گوش ناشنوا می شنود، زیرا که بی گمان، شهوت ها پرده خردش را دریده اند و دنیا قلبش را می میراند و او را با تمام وجود شیفته خود ساخته است»(۱).

در کنار هر نگاه دو فرمان است: دل و شیطان. که می گویند : «چشم بدوز». و دین که می گوید: «دیده فرو بند». با کنترل نگاهها می شود آمار تلفات ترکشهای «چشم ناپاک» را کاهش داده . امام علی علیه السلام فرمودند: کسی که چشم خود را پایین اندازد، دلش را آسوده کرده»(۲).

آدمی نمی تواند از تاثیر شنیده ها و دیده هاش بر دل و مغزش جلوگیری کند. این تاثیرپذیری به کمک شبکه اعصاب وفعالیت مغزاست وشخص نمی تواندباتلقین چندان ازتاثیرآن بکاهد. وقتی انسان چیزی را می بیند از طریق اعصاب سمپاتیک sympathethic Nervesو پاراسمپاتیک sympathethic Nervespara مشاهداتش را به مغز می رساند. در مغز است که تلاطم پدیدمی آیدوهورمون محرک غرایز به سراسربدن گسیل می شود.(۳) از خصوصیات مرد است که از مشاهده اندام زن دچار التهاب و تحریک جنسی می شود. تحریک پذیری مرد در برابر محرکهای بصری بسیار بیش از سایر محرکات است . باید توجه داشت «نگاه آلوده محصول قلب آلوده است، و هر کس که نمی تواند نگاه خود را کنترل کند، به طریق اولی نمی تواند قلب خود را از انحراف و آلودگی حفظ نماید»(۴)، «زیرا نگاه انسان پیشاهنگ راه انسان است»(۵).

حجاب یا عایق جریان الکتریسته طبیعی

«چشم حاوی جریان قوه الکتریکی است . بنابراین تنها عایق و مانعی که می تواند از برقرار شدن جریان قوه طبیعی جلوگیری نماید حجاب است . طبق این قاعده ی طبیعی به طور یقین می توان گفت اگر مطابق دستورهای قرآن کریم، بانوان محجوب باشند و در حراست خودشان مراقبت به عمل آورند، دیگر بی عفتی اتفاق نخواهد افتاد»(۶). قرآن کریم درباره حجاب فرمودند:

۱- ۱ . نهج البلاغه، خطبه۸.

۲- ۲ . عبدالواحد آمدی تمیمی، غرر الحکم، ص ۶۶۳، ح۱۴۶۷.

۳- ۳ . یوسف غلامی، جلوه نمایی زنان ونگاه مردان، ص ۱۱۷.

۴- ۴ . احمد صبور اردوباری نگاه پاک زن و نگاههای آلوده به او؟! ، ص ۱۰۳.

۵- ۵ . لحظُ الانسانِ رائدُ القَلبهِ. عبدالواحد آمدی تمیمی، غرر الحکم، ص ۵۷۲، ح۱۷.

۶- ۶ . کمال مرتضویان، تأثیرنگاه، چاپ سربی، تهران، ۱۳۸۰، ص ۲۴.

«يَا اَيُّها النَّبِيُّ قُلْ لاَزْواجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِساءِ المُوءمِنينَ يُدْ نِينَ عَلَيْهِنَ مِنْ جَلابيبهِنَ ذلِكَ اَدْنى اَنْ يُّعرَفْنَ فَلا يُوءذَينَ»(۱).

ای پیامبر، به زنان و دخترانت و به زنان با ایمان بگو: پوششها و جلباب خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آن که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است.

«تنها داشتن ظاهری پوشیده و حجاب، نمی تواند مانع نفوذ جاذبه های زنانه باشد، بلکه باید از هرگونه رفتاری که خلل در دل مردان بوجود می آورد پرهیز کرد تا جایی که اگر زنی در مکانی نشسته در کنار او ننشینند، مبادا تحت تاثیر تشعشعات اندام وی قرار گیرند. مسأله به قدری ظریف است که حتی اگر زنی از جایش برخاست بهتر است بلافاصله بر جای او ننشست».(۲)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه زنی در جایی نشسته بود برخاست، مرد بیگانه بر جای او جلوس نکند تا محل نشستن او سرد شود.»(۳)

«درانسان این تشعشعات با حداقل بروز آنها تناسب خاصی با افکار و روحیات و آمادگی ساختمان جسمی دارد . به ویژه در زنان امواج فوق، شدت بیشتری دارد، چنان که «از اندام زن و حتی از موی سر او امواج مرموزی متصاعد می شود و بر بدن برخی از مردان مستعد نشسته و موجب تحریک و فعالیت غدد جنسی آنها می شود»(۴).

حجاب نه تنها باید در پوشش ظاهری زنان باشد. بلکه در نگاه و گفتار و رفتار هم باید جنبه های حجاب را رعایت کنند. که رعایت حجاب، برای بقا و سلامت حیات خانواده و بهداشت روانی جامعه لازم است. همچنین برای حفظ جان زن و پیشرفت علمی و ترقیات فکری جامعه و ایجاد روح کار و تولید و تلاش اقتصادی هم موثر است. همچنین از جمله فلسفه های حجاب استواری اجتماع و ارزش و احترام زن است.

۱- ۱ . قرآن کریم، سوره مبارکه احزاب، آیه ۵۹.

۲- ۲ . سید مجتبی هاشمی رکاوندی، مقدمه ای بر روانشناسی زن، ص ۱۹۶.

۳- ۳ . اذا اجلست المرأه مجلساً فقامت عنه فلا یجلس احد فی مجلسها حتی یبرد... وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۸۵، ح ۱.

۴- ۴ . سید مجتبی هاشمی رکاوندی، مقدمه ای بر روانشناسی زن، صص ۱۹۷ ۱۹۶.

نقش پوشش درجلوگیری از بیماریهای پوستی

نقش پوشش درجلوگیری از بیماریهای پوستی(۱)

هرگاه آدمی براساس فطرت خویش حرکت نماید و اعمال و آداب خود را بر آن اساس بنا نهاده باشد، بی شک از سلامت روحی بیشتر و آرامش افزون تری برخوردار گشته و در طریق تکامل انسانی موفق تر خواهد بود.

حجاب امر فطری است که از نهاد و سرشت انسان بر می خیزد، به این معنی که هر موجود زنده ای مایل است آنچه دارد در حریم خود حفظ کند و در مقابل مهاجمین و متجاوزین به آن در مقام دفاع برمی آید و به مقابله برخیزد.

حجاب علاوه بر ایجاد امنیت و برتری و ارزش زن و منع کامیابی آزاد مردان از او در جلوگیری از ابتلا به بیماریهای پوستی هم تأثیر دارد.

«روبرتو براکاگلیا» جراح معروف زیبایی صورت در ایتالیا مدعی شده که : زنان راهبه ، به مراتب جوان تر از زنان غیر راهبه هم سن و سال خود می باشند.

این جراح میان دو گروه از زنان راهبه و غیر راهبه از نزدیک مقایسه ای به عمل آورده، و در حین مقایسه متوجه لطافت و جوانی صورت راهبه ها شده است.

وی می گوید: چهره یک راهبه شصت ساله در مقایسه با پوست چهره یک زن شصت ساله عادی دارای چین و چروک کمتری بوده و جوانتر به نظر می رسد.

این جراح ایتالیایی طرز لباس پوشیدن راهبه ها را به عنوان عامل اصلی این تفاوت معرفی کرده است.

ص: ۵۴

۱- ۱ . روزنامه رسالت، شماره ۲۴۵۹، صفحه ۳، ۲۲ تیر ۷۳. توضیح اینکه، بنا به گفته دکتر محمد صادق علمی، از نوع پوشش زنان راهبه ی مسیحی می توان حدس زد که در شریعت مسیح پیامبر، نیز حجاب مانند آنچه در اسلام است وجود داشته است.

بخش سوم نگاه در آیینه فقه

فصل اول نگاه و طهارت

جلوگیری ازنگاه دیگران دروقت قضای حاجت

ص: ۵۶

فصل اول نگاه و طهارت

جلوگیری ازنگاه دیگران دروقت قضای حاجت

لازم است انسان در وقت قضای حاجت و مواقع دیگر عورت خود را از دیگران پوشیده دارد و خود را در معرض نگاه دیگران قرار ندهد . علامه حلی در «تبصره» فرموده: «بر متخلی واجب است که عورت خود را از هر «ناظر محترم»(۱) یا بیننده ای که نگاهش بر عورت متخلی جایز نیست بپوشاند»(۲). این دستور بیانگر دقت نظر و توجه دین اسلام به امر حیا و عفت می باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام قضای حاجت از کسانی که همراه ایشان بودند فاصله می گرفتند ؛ به قدری که هیکل حضرت را، احدی در حال تخلی ندیده و این ناشی از شدت حجب و حیای حضرت بود.

فقها هم پوشاندن عورت را از ناظر محترم واجب دانسته، چه ناظر از محارم باشد و چه نباشد. مرد یا زن باشد حتی دیوانه و طفلی که تشخیص می دهد. کما اینکه نگاه کردن به عورت دیگری هر چند که دیوانه یا طفل ممیز باشد حرام است، عورت در مرد قبل و دبر و بیضتان می باشد(۳).

۱- ۱ . ناظر محترم. بیننده ای عاقل و بالغ و مختار و یا طفل ممیز است.

۲- ۲ . حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، علامه حلی، تبصره المتعلمین فی احکام دین، الاداب، نجف، ۱۳۸۰، ه ق، ص ۱۹؛ محمدبن جمال الدین مکی عاملی، شهید اول، الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، ج ۱، موسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۰ه. ش، ص ۳۲.

۳- ۳ . سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، دوم، محرم الحرام ۱۳۹۲، ض ۵۵؛ سید روح الله خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، موءسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، اول بهار ۱۳۷۹، ص ۱۹.

صاحب جواهر بیان کرده: «پوشاندن بدن بر متخلی مستحب است، یعنی شخص خود را هنگام اراده تخلی بپوشاند و یا در مکانی دور یا در حفره ای کوچک و یا داخل ساختمانی برود.

در روایت حماد بن عیسی از امام صادق علیه السلام آورده که: لقمان به پسرش گفت: ای فرزند: هرگاه خواستی قضای حاجت کنی به دورترین مکان برو. از امام علیه السلام روایت شده که آنچه به لقمان حکمت بخشید، نه مال و نه جمال او بود، بلکه او مردی فرمانبردار در امر خداوند بود. پرهیزگار و باتقوا بود، احدی او را هنگام بول و غائط و غسل کردن ندید به سبب عفت و پوشش و محافظت او بر این کار»(۱).

آیت الله خویی، آنچه را که بین ناف و زانو می باشد ، بنابر بر احتیاط در حکم عورت به شمار می آورند(۲).

با توجه به ادله از کتاب و سنت و عقل و اجماع ستر عورت در همه احوال واجب است، بلکه وجوب ستر از امور ضروری دین است. در صورت عدم وجوب ساتر، صاحب جواهربرای پوشش، گذاشتن دست و غیرآن را جایز می داند. بنا به اصل حرمت نگاه و اجماع محصل و منقول که بر این امر دلالت دارد(۳).

«ستر از طفل غیر ممیز واجب نیست، چرا که دلیلی بر ستر و پوشش در برابر غیر ممیز نداریم. بلکه حال آنها، حال موجودی است که ستر از آن واجب نمی باشد، با توجه به اصل برائت و ادعای بعضی از فقها دلیلی برای پوشش نداریم. ولی بر ناظر، حرام است که به عورت دیگری حتی طفل ممیز و مجنون نگاه کند، به سبب دلالت ادله و روایت رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمودند:

«مَنْ کانَ یُوءمِنْ بِالله عَزَّوَجَلَّ فَلا یَنظر الی عورهِ اَخیهِ(۴).

روایات و ادله بسیاری رسیده که دلالت بر وجود ستر عورت و فروبستن چشم از عورات مسلمانان و همچنین نهی مسلمانان از نمایاندن عورت به دیگری دارد از جمله: آیه کریمه: «قُلْ لِّلْمُوءمِنینَ یَغُضُّوا مِنْ أبْصَارِهِمْ وَ یَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ؛ به مومنان بگو

۱- ۱ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۱، موسسه المرتضی العالمیه بیروت و دار المورخ العربی، بیروت، اول ۱۴۱۲، ۱۹۹۲، ص ۲۵۷.

۲- ۲ . سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین العبادات و المعاملات ج ۲، مکتبه لطفی، تهران، دوم۱۳۵۲ه، ۱۳۹۳م، ص۱۴.

۳- ۳ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱، ص ۲۵۷.

۴- ۴ . سید محمد حسینی شیرازی، الفقه، کتاب الطهاره، ج ۴، دارالقرآن الحکیم، قم ص ۷۵.

دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند.»

از صدوق، روایت مرسلی رسیده که از امام صادق درباره این آیه کریمه سوال شد. امام علیه السلام فرمودند: « هر جا در قرآن حفظ عورت آورده شده منظور محافظت از زنا می باشد مگر در این آیه که به معنی حفظ و مراقبت از نگاه کردن به آن است»(۱).

علی بن حسین مرتضی از حضرت علی علیه السلام نقل کردند که فرمودند: «معنای آیه کریمه: قُلْ لِلْمُؤمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ؛ این است که هیچ یک از شما به عورت برادر مومنش نگاه نکند یا امکان نگاه به عورت دیگری را ایجاد نکند»(۲).

روایات بسیاری بر نهی از دخول در حمام بدون لنگ وارد شده از جمله:

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«یا علی ایاکَ وَ دُخول الحمام بِغَيْرِ مِئزرٍ، فَانْ مَنْ دَخَلَ الحَمام بِغيرَ مِئزَرٍ مَلعُون النَاظِرَ وَ المَنظور اليه»(۳).

ای علی، بدون شلوار داخل حمام نشو، چرا که نگاه کننده و کسی که به او نگاه می شود هر دو مورد لعن هستند.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«عُوَرهُ المُومِن على المُومِن حَرامٌ»(۴)؛

عورت مومن بر مومن حرام است.

دلایل وجوب در پوشش و ستر عورت فراوان است، عقل هم حکم می کند که: عدم پوشش باعث ایجاد مفسده از جمله شیوع زنا و لواط و امراض مترتب بر آن می شود. پس ستر و محافظت بر عورت بر هر کس واجب است.

«در جواهر الکلام آمده «از اطلاق نص و فتوی روشن می شود که ستر عورت از هر ناظر محترمی واجب است مگر زن و شوهرکه در این حکم نسبت به یکدیگر استثناء شده است، فرق نمی کند که ناظرمکلف باشد یا غیر مکلف مجنون باشد یا صبی و یا ممیز، روایات آن را مطلق ذکر کرده اند این حکم تقیید نشده مگر درکودک

۱- ۱ . شیخ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱، ص ۲۱۲، ح ۷۸۷.
۲- ۲ . محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۲، ح ۴۸۹.
۳- ۳ . همان ج ۱، ص ۳۶۴، ح ۱۳۹۹. سید محمد حسینی شیرازی، الفقه، کتاب الطهاره، ج ۴، ص ۷۳؛ ابو محمد حسن بن

علی بن شعبه حرانی، تحف العقول، المکتبه و المطبقه الحیدریه فی النجف، پنجم، ۱۳۸۰ه. ۱۹۶۱ م، ص ۱۱.

۴- ۴ . محمد بن حسن حر عاملی، وسائل، ج ۱، ص ۳۶۶، ح ۱۴۰۹.

غیر ممیز همچون سایر موجودات عدم ستر در برابر او عیبی ندارد»(۱).

شاید بتوان بیان کرد علت آنکه انسان باید در وقت قضای حاجت مواظبت و محافظت بسیار بر ستر عورت کرده و اینکه سنت است به دورترین محل رود و در جایی نشیند که هیچ کس او را نبیند، علاوه بر اینکه بیانگر تاکید بسیار دین اسلام بر شرم و حیا و عفت است.

این عمل باعث می شود که شخص با آرامش خود را به طور کامل تخلیه کرده و عمل تطهیر را به خوبی انجام دهد، که این کار، از نظر پزشکی هم برای سلامت او مفید است، چرا که سبب سلامتی و نشاط خود فرد می شود وگرنه او دچار بیماریهای کلیوی و... خواهد شد.

ستر عورت نه تنها در حال تخلی بر فرد واجب است. بلکه در تمام احوال پوشش و ستر عورت واجب می باشد، مکروه است انسان بدون ضرورت لباس را از تن بیرون آورده و عریان شود، خواه شب باشد یا روز، مرد باشد یا زن و در صورتی که ناظر محترمی وجود داشته باشد، حرام است عریان شود. پوشیدن شلوار یا آنچه که عورتین و رانهای انسان را بپوشاند مستحب است. این احکام به جهت جلوگیری از فحشا و فساد وضع شده است. از طرفی عدم محافظت بر ستر عورت کم کم پرده حجاب و حیا را از بین برده و نمایان کردن عورت برای فرد امری عادی و طبیعی می شود. و به تدریج به مرحله انحراف «عورت نمایی. خودنمایی»(۲) می رسد.

این انحراف «عبارت است از اقدام مکرر به نشان دادن اعضای تناسلی به فرد بیگانه ای که انتظار چنین عملی را ندارد، به منظور رسیدن به هیجان و تحریک جنسی، بدون اینکه سعی زیادی برای فعالیت جنسی با آن فرد ناشناس به عمل آید، این عمل یکی از شایعترین انحرافهای جنسی در بالغین است»(۳).

«از نظر روانکاوی به نظر می رسد که فرد «عورت نما» در پی کسب اطمینان مجدد و آرامش خاطر برای رهایی از اضطراب نهفته خود می باشد. این انحراف که یک نوع انحراف جنسی است، تقریباً همیشه در مردان دیده می شود. زنان معمولاً ـ از نشان دادن اعضای تناسلی خود به ارضای جنسی نایل نمی شوند. اما آنها از نشان

۱- ۱ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱، ص ۲۵۸.

۲- ۲-Scopophilia passive _ Exhibitionism.

۳- ۳ . فرامرز گودرزی، پزشکی قانونی، ج ۲، انیشتن، اول ۱۳۷۷، ص ۱۲۳۲ ۱۲۳۱.

دادن سایر قسمتهای بدن خود لذت بیشتری می برند»(۱). که در اسلام به نام تبرج و خودنمایی در زنان یاد آوری شده است.

نگاه به عورت دیگری

همانطور که پوشاندن عورت بر مرد واجب است، نگاه کردن به عورت دیگری هم حرام می باشد و بر شخص واجب است که چشم خود را از نگاه کردن به عورت کلیه مردان و زنان فرو بندد.

مثلاً « ایستادن در جایی که علم دارد، به اینکه نگاهش به عورت دیگری می افتد، توقف او در آنجا جایز نیست، بلکه واجب است از آن جا برود یا چشم خود را فرو بندد، و اگر هم علم نداشته باشد، بلکه شک و یا ظن داشته باشد رفتن او جایز خواهد بود»(۲). «چرا که مشمول لعن ناظر و منظور الیه و ادله ای که امر به «غض بصر» نموده می شود»(۳). و «حتی نگاه کردن به عورت دیگری از پشت شیشه و حتی در آیینه و آب زلال و صاف جایز نیست»(۴).

در روایت صحیح حریز از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«نباید به عورت مومن نگاه کند و اخبار دیگری که بر نهی از نگاه کردن دلالت دارد بنابر اقوی فرقی بین حرمت نگاه بین عورت مسلمان و کافر نمی باشد»(۵).

حکم نگاه به مومن و مسلمان مقید نشده به طور کلی این مسأله در روایات منع شده است.

«به سبب اطلاق ادلّه، برای مسلمان جایز نیست به عورت کافر نگاه کند و بر مسلمان نمایان کردن عورتش در برابر کافر سزاوارنمی باشد. و بلکه حرمت این کار در برابر کافر شدیدتر و بیشتر است»(۶).

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

۱- ۱ . فرامرز گودرزی، پزشکی قانونی، ج ۲، ص ۱۲۳۲.

۲- ۲ . محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۵۵.

۳- ۳ . سیدمحمد حسینی شیرازی، الفقه، کتاب الطهاره ج ۴، ص ۸۱.

۴- ۴ . همان ص ۵۵، سید روح الله خمینی، تحریرالوسیله ج ۱، ص ۱۸؛ سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۹؛ ابوالحسن موسوی اصفهانی، وسیله النجاه، مرتضویه، نجف، پنجم، ص۹.

۵- ۵ . محمدحسن نجف، ۱۷۴۰؛ ، جواهر الکلام، ج ۱، ص ۲۵۷.

۶- ۶ . سیدمحمد حسینی شیرازی، الفقه، کتاب الطهاره، ج ۴، ص ۸۱.

«آنچه در نزد من ناخوشایند و مکروه است، نگاه کردن به عورت مسلمان است، و نگاه کردن به عورت کسی که مسلمان نیست حکمش همانند نگاه کردن به عورت حمار است»(۱).

امام صادق در روایت دیگری فرمودند:

«داخل حمام نشوید مگر با شلوار و نگاه مسلمان به عورت برادر مسلمان را نهی کرده، و فرموده اند: هرکس به عورت برادر مسلمان خود با دقت نگاه کند یا بر عورت غیر اهلش عمداً بنگرد، خداوند او را با منافقان و کسانی که از عورت مردم تجسس می کنند داخل می کند و از دنیا نمی رود، مگر آنکه او را رسوا کند»(۲).

صاحب جواهر می گوید: «اطلاق نص و فتوی دال بر این است که منظور ستر عورت از ناظر محترم می باشد،. .. و آنچه از محافظت از نگاه به ذهن می آید. مقصود، نگاه با دقت نگاه کننده و ناظر است ، نه مجرد دیدن. فرقی بین اینکه ناظر مسلمان باشد یا کافر و مونث باشد و مذکر نیست»(۳). دلیل نهی از نگاه به عورات دیگری آیات و روایات و احادیث بسیاری است که رسیده، و اگر کسی به عورت مومن دیگر نگاه کند نه تنها مرتکب گناه شده، بلکه اگر این نگاه را تکرار کند، به صورت عادت ادامه دهد پرده شرم و حیا کنار می رود، روح شهوت پرستی افزایش می یابد و سبب ایجاد ناامنی و مشکل برای دیگران در سطح جامعه خواهد شد. اسلام برای جلوگیری از گناه و شیوع فحشا در جامعه و ایجاد محیطی امن برای همه، قوانین و حدودی را بیان کرده، که اگر در جامعه اجرا شود، سلامت جامعه و مسلمانان به خطر نمی افتد و ما کمتر با فسادهای اخلاقی و انحراف افراد جامعه رو به رو خواهیم شد.

جواز نگاه به عورت

بر هر فرد واجب است که، عورت خود را از هر ناظر دارای قدرت تشخیص بپوشاند و نگاه کردن به عورت دیگری در هیچ صورت جایز نمی باشد، مگر در یک مورد:

هرگاه کسی ناچار شود در مقام معالجه به عورت شخص دیگر نگاه کند، اگر

۱- ۱ . ابن بابویه قمی، شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، دارالاضواء، بیروت، دوم، ۱۴۱۳ ۱۹۹۲. ص ۱۵۹، ح ۲۳۶/۱۲.
۲- ۲ . محمدبن حسن حرعاملی، وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۱.
۳- ۳ . محمد حسن نجفی، جواهرالکلام، ج ۲، ص ۴.

راهی به جز نگـاه کردن نباشـد نگـاه مـانعی نـدارد. در صورتی که حفظ جان انسان محترم مبتنی بر نگاه کردن باشـد، اشـکال نداشـته و بر طبیب نگاه واجب خواهـد بود. «به دلیل آیه کریمه ﴿وَلَا تُلْقُوا بِاَیْدِیکُمْ اِلَی التَهْلِکه﴾. و حدیث رسول خدا صـلی الله علیه و آله که فرمودنـد: «لاضـرر و لاضـرار»، پس هر ضـرری که انسـان را فرا بگیرد فرار از آن واجب است. که در اینجا، نگاه برای معالجه و نجات انسان می باشد»(۱). که در اسلام حفظ جان انسان همیشه و همه جا مقدم و راجح بر امور می باشد.

صاحب عروه فرموده: «اگر با نگاه کردن در آیینه ای که مقابل عورت قرار می گیرد، معالجه امکان پـذیر شد، به این طریق که در آن نگـاه کنـد احتیـاط واجـب آن است که اینگـونه عمـل کنـد»(۲). «اگر چـاره ای جز نگـاه کردن نـداشت نگـاه مـانعی ندارد»(۳).

آیت الله سیسـتانی، هم بنا براحتیاط نگاه مسـتقیم برای معالجه به عورت را جایز نمی دانند ، بلکه باید در آیینه و مانند آن نگاه کند، مگر آنکه معالجه جز با نگاه مستقیم امکان پذیر نباشد(۴).

«دلیـل بیان حرمت نگاه بـدون آیینه، و نگاه با آیینه، احتمالاً بیان اهمیت این موضوع است که نظر عقل در ذهن (نگاه با آیینه) مقدم می شود. و فرقی نمی کند که طبیب مرد باشد و مریض زن و یا بالعکس و یا هر دو مرد و یا هر دو زن باشند»(۵).

البته «در صورت رفع اضـطرار پزشک هم جنس، مقـدم بر غیر هم جنس خواهد بود اگر مریض مرد باشد پزشک مرد و زن هم باشـد، پزشـک مرد مقـدم است، به سـبب اینکه ادله در حرمت نگاه در هم جنس از یک جهت است و در غیر هم جنس از دو جهت است»(۶)

ص: ۶۴

۱- ۱ . سیدمحمد حسینی شیرازی، الفقه (کتاب الطهاره)، ج ۴، ص ۹۷.

۲- ۲ . محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ص ۵۵؛ سید روح الله خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۰.

۳- ۳ . ابی جعفر محمـدبن حسـن بـن علی طوسـی، المبسـوط فی فقه الامـامیه، ج ۴، عنیت بنشـره، المکتبه المرتضویه، الاحیـاء الآثارالجعفریه، ص ۱۶۰.

۴- ۴ . سـیدعلی حسینی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، کتابخانه آیت الله العظمی السـید علی الحسینی السیستانی، قم. پنجم، ۱۴۲۷، ص ۱۴.

۵- ۵ . سیدمحسن طباطبایی حکیم، مستمسک العروه الوثقی، ج ۲، الاداب، نجف، سوم، ۱۳۹۲، ص ۱۹۴.

۶- ۶ . سید محمد حسینی شیرازی، الفقه کتاب(الطهاره)، ج ۴، ص ۹۸.

آیا ستر عورت همیشه واجب است؟

روایات متعدد اهل بیت علیه السلام ، امر به ستر عورت و غض بصر از نگاه به عورات دیگران دارد و مومن را از کشف عورت نهی کرده، مگر در جایی که کسی او را نبیند.

«ستر عورت در تاریکی که مانع نگاه است واجب نیست، یا زمانی که کسی حضور نداشته باشد، یا آن که فرد کور باشد و بداند که نمی تواند نگاه کند و همچنین جایی که کسی نمی تواند نگاه کند، ستر عورت واجب نمی باشد»(۱).

امام خمینی در« تحریرالوسیله» بیان کرده اند: «پوشاندن عورت از فرد غیرممیز واجب نیست، همانطور که نگاه به عورت طفل غیر ممیز جایز است»(۲). البته بدون قصد شهوانی منظور است.

نگاه به مدفوع

مسأله ای که اینجا مطرح می شود این است که آیا نگاه به مدفوع مستحب است یا نه؟ در کتب فقهی، فقها چندان به این مسأله نپرداخته اند. اما از مضمون سخن فقها، می توان استحباب نگاه را استدلال کرد.

در کتاب «اولین دانشگاه و آخرین پیامبر» آمده: «نگاه به مدفوع مستحب است. این دستور بسیار جالبی است... امروز ارزش پرستار کمتر از طبیب نیست، حتی آن باجی که ظرف مدفوع را می برد، اگر زن خوبی باشد، به مدفوع می نگرد. خونی، چرکی، انگلی یا... در آن بود به پزشک اطلاع می دهد و چه بسا همین اطلاع به قیمت جان مریض تمام شده مخصوصاً در بیماران جراحی شده که ارزش فوق العاده ای دارد اسلام خواسته شخص خود پرستاری کند به مدفوعش بنگرد چرکی، خونی، انگلی است مراجعه و معالجه کند و بیماری را کهنه و مزمن نسازد و به همین دلیل باید مستراح روشن باشد که مدفوع خوب دیده شود»(۳).

در«عروه الوثقی» آمده که : از جمله مستحبات و آداب تخلی این است که متخلی هنگام نگاه به غائط بگوید: «اَللّهُمّ ارْزُقْنِي الْحَلال وَ جَنّبنی عَنْ الحَرَامِ»(۴)

ص: ۶۵

۱- ۱ . محمد کاظم طباطبایی، العروه الوثقی، ص ۵۵.

۲- ۲ . سید روح الله خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۹.

۳- ۳ . سیدرضا پاک نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱۲، اسلامیه. تهران، ۱۳۵۰، ص ۸۸-۸۷.

۴- ۴ . سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۵۹.

خداوندا به من روزی حلال ارزانی دار و از حرام دورم کن.

نگاه به آب

یُنَزِّلُ عَلَیْکُمْ مِنَ السَّمَاءِ ماءً لِیُطهِّرَکُمْ بِهِ.(۱)

برخی فقها می گویند: «مستحب است، متخلی در وقت قضای حاجت هنگام نگاه کردن به آب دعا بخواند(۲).

البته نگاه به آب در روایات بسیار سفارش شده، اما باید توجه داشت که یکی از میکروبها و نجاساتی که در اسلام از آن یاد شده ادرار و مدفوع انسان است. «جالب این که به همان ترتیبی که در فقه اسلامی می بینیم از نظر فساد پذیری و پرورش میکربهای زیانبخش، در درجه اول ادرار و در درجه دوم مدفوع انسان و حیوانات گوشتخوار و پس از آن منی و مردار و خون قرار دارد»(۳). با این توصیفات بدن انسان که در حال تخلی با یکی از نجاسات برخورد دارد، و برای طهارت و نظافت انسان هیچ پاک کننده ای بهتر از آب نمی باشد، که نبود آن چه بسا فاجعه ها به بار آورد.

صاحب عروه می گوید: هنگام دیدن آب بگوید: «اَلْحَمْدُلِلّهِ الَّذِی جَعَل الْمَاء طَهُوراً وَ لَمْ یَجْعَلَهُ نَجِساً»(۴).

سپاس خدایی را که آب را پاک کننده قرار داد و آن را نجس قرار نداد.

نگاه به مصلوب

یکی از غسلهای مستحبی، غسل به سبب تماشای شخص دار آویخته است. در صورتی که عمداً برای نگاه کردن او تلاش کرده باشد.(۵)

«رفتن برای نگاه کردن به مصلوب (به دار آویخته) شرط است به اینکه سه روز از دار زدنش گذشته باشد، غسل کردن مستحب است به شرط آن که «مصلوب» را ببیند»(۶).

ص: ۶۶

۱- ۱ . قرآن کریم، سوره مبارکه انفال، آیه ۱۱.

۲- ۲ . محقق حلی، مختصر النافع، ص ۵؛ میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسایل، ج ۱، ص ۳۵.

۳- ۳ . بهاء الدین بی آزار شیرازی، رساله نوین فقهی، پزشکی، ج ۱، دفتر نشر فرهنگ اسلام، دوم، ۱۳۷۴، ص ۱۱۸.

۴- ۴ . سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۵۹.

۵- ۵ . سید روح الله موسوی خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۹۷.

۶- ۶ . علی اصغر مروارید، سلسله الینابیع الفقهیه (غنیه النزوع)، ج ۲، موسسه فقه الشیعه، الدار الاسلامیه، بیروت، اول، ۱۴۱۰ ۱۹۹۰. ص ۳۷۹.

برخی از فقها گفته اند که : استحباب غسل بر کسی که «به مصلوب» نگاه کرده دو شرط دارد:

اول؛ آنکه عمداً و به قصد نگاه کردن به او رفته باشد و اگر اتفاقی و بدون قصد چشمش به او بیفتد، یا در رفتن به آن مکان مجبور شده، غسل مستحب نیست.

دوم؛ آنکه به حق او را به دار کشیده باشند. و سه روز بر دار باشد، پس نگاه کردن به او موجب استحباب غسل کردن نمی شود، به خلاف صورتی که (مصلوب ظلم کرده) و او را به سبب ظلمی که انجام داده دار زده اند که غسل در آن مستحب است و لو در دو روز اول باشد. دلیل بر وجه دوم واضح نیست. بلکه شرط اول، در ظاهر روایتی است که دلالت دارد به اینکه، هرگاه شخصی برود و به مصلوب (دار آویخته) نگاه کند از باب عقوبت باید غسل کند. ظاهر آن، این است که اگر کسی به سوی مصلوب رود برای غرضی صحیح مثل ادای شهادت و یا تحمل شهادت، غسل کردن در حق او ثابت نمی شود»(۱). امام صادق علیه السلام نیز فرمودند:

« زیرا او نجس و مسخ است اگر او را بکشند، باید غسل کنی»(۲).

شیخ صدوق و ابی صلاح حلبی از فقهایی هستند که قائل به وجوب این غسل شده اند(۳).

مشاهده جنازه میت

در «کافی» روایت شده که امام باقر علیه السلام هرگاه جنازه ای را می دیدند می فرمودند:

«اَلْحَمْدُللهِ الَّذی لَمْ یجْعَلنی مِنَّ الْسَّوادِ الْمُخْتَرم»(۴).

ستایش خدایی راست که که مرا از مردگان قرار نداده است.

بین خواندن این دعا و بین حب لقای خداوند در بین حال احتضار منافاتی نیست. زیرا از رسول الله صلی الله علیه و آله روایتی رسیده که: «مَنْ أحَبَ لِقَاءَ الله اَحَبَّ الله لِقَاءه، وَ مَنْ کَرَهَ لقاء الله. کره الله لقاءه(۵)؛ نگاه به جنازه میت سبب این می شود که انسان به یاد مرگ خود

ص: ۶۷

۱- ۱ . سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۱۵۳.

۲- ۲ . میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسایل ج ۱، المکتبه الاسلامیه تهران، المکتبه العلمیه نجف، ذیحجه الحرام ۱۳۸۲، ص ۱۵۴.

۳- ۳ . سید محمد حسینی شیرازی، الفقه، کتاب الطهاره، ج ۹، ص ۸۸.

۴- ۴ . کلینی، فروع کافی، ج ۳، ص ۱۷۲، باب ۳۸، ح۱. ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن، محقق حلی، شرایع الاسلام فی احکام حلال و حرام، ص ۲۴؛ علی بن حسین کرکی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۶، ص ۷۶.

۵- ۵. على بن حسين كركى، جامع المقاصد ج ۱، ص ۴۱۷؛ سعيد زين الدين بن على عاملى جبعى (شهيد ثانى)، مسالك الافهام فى شرح شرايع الاسلام. ج ۱، چاپ افست، ص ۱۴.

افتد.»

نگاه به قبر میت

خواندن دعاهایی که از معصومین علیهم السلام رسیده در هنگام نگاه کردن به قبر مستحب است.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«هرگاه به قبر میت نگاه کردی بگو: اَللّهُمَ اجْعَلَهُ رَوضهِ منْ رِیَاضِ الْجَنَهِ وَ لَا تَجْعَلَهَا حُفْرَه مِنْ حُفْرَ النِیران»(۱).

پروردگارا! عالم برزخ را برای او باغی از باغهای بهشت قرار ده و آن را حفره ای از حفره های دوزخ قرارش مده.

نگـاه به قبر فایـده دیگری برای انسان دارد که او را به یاد مرگ انـدازد ومایه عبرت گرفتن او می شود و اینکه او هم به زودی باید همین راه را برود.

سر تا جور دیدش اندر مغاک به چشم جهان بینش آکنده خاک

وجودش گرفتار زندان گور تنش طعمه کرم و تاراج مور

سر و دست و سر پنجه زورمند کرده ایام بندش ز بند.(۲)

غسل در مکان سرپوشیده

«بهتر است هنگام غسل، میت را زیر سایه و زیر سـقف یا چادر و مانند اینها قرار دهند، مستحب است پوشاندن عورت میت، هر چند به آن نگاه نشود و یا غسل دهنده کسی باشد که نگاه کردنش به عورت میت جایز است»(۳).

علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیهماالسلام سؤال کرد: « آیا در مکان باز و بدون سقف جایز است میت غسل داده شود؟ حضرت فرمودند: اشکالی ندارد، اگر

۱- ۱ . علی اصـغر مروارید، سلسله الینابیع الفقهه (الهدایه بالخیر)، ج ۱، ص ۵۹؛ محمد بن نعمان ابن معلم(شیخ مفید) المقنعه، ص ۸۰.

۲- ۲ . سعدی شیرازی، بوستان (سعدی نامه)، غلام حسین یوسفی، سهامی انتشارات خوارزمی، چهارم، ۱۳۷۲، ص ۱۸۷.

۳- ۳ . سید روح الله خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۷۲؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۵۵.

با پرده یا حایلی میان او و آسمان قرار دهند نزد من خوشایندتر است»(۱). یعنی غسل دادن در مکان سرپوشیده بهتر است. در تذکره آمده: « شاید حکمت کراهت مکان بدون سقف این است که عورت میت در برابر آسمان آشکار است»(۲).

شیخ طوسی در «الخلاف» بیان کرده: «پوشاندن عورت میت در حال غسل مستحب است . باید با پارچه ای و یا با پاره کردن تکه ای از لباس میت، آن را بر عورت او بیندازد.»

ابوحنیفه هم همین رای را پذیرفته شافعی گفته: میت را در لباسش غسل دهند»(۳).

«امر شده میت را کفن نمایند تا پروردگارش را با پیکری پاک دیدار کند (به لقای آنچه حق تعالی برای او فراهم آورده با بدنی پاکیزه برسد) و مواضع نامناسب و پنهانی او برای آنان که جنازه اش را حمل می نمایند و به خاک می سپارند ظاهر نگردد، و مردم به خصوصیات ناخوش آیند پیکر و قبایح منظرش ننگرند، و دلها در سایه نگریستن به بدن میت قساوت پیدا نکند، و برای نفوس آنان که در قید حیاتند خوش آیند و بهتر باشد، و خویشان با دیدن او به کلی او را به فراموشی نسپارند...»(۴).

نگاه به میت در حال غسل

اشاره

بهتر است که میت غسل دهنده از نظر زن و مردی هم جنس باشند. پس نباید مرد زن را و زن، مرد را هرچند با پوشش و بدون لمس در نگاه کردن غسل دهد(۵). صاحب مستمسک العروه، ادعای اجماع بر غسل توسط هم جنس را نموده و نص هم دال بر این مطلب می باشد(۶). نگاه به عورت میت بی هیچ شبهه ای حرام است. آن ادله و نصوصی که دلالت بر نهی از نگاه به زن و عورت دارد و امر به پوشش با لباس دارد، این نهی از نگاه و امر به پوشش در زمان مرگ هم استصحاب می شود(۷).

در کتاب «الفقه» با توجه به روایات و اخبار وارد شده بر وجوب ستر عورت میت

۱- ۱ . محمد بن حسن حرعاملی، وسائل ج ۲، ص ۷۲۰. ح ۲۸۴۸. ب ۳۰.

۲- ۲ . علامه حلی، تذکره الفقها، ج ۱، ص ۳۴۶.

۳- ۳ . شیخ طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۶۹۲.

۴- ۴ . ابی جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی، علل الشرایع، (دو جلد در یک مجلد) ج ۱، مکتبه الطباطبایی بالمدرسه الفیضیه، قم. ۱۳۷۸ ه. ق. ص ۲۵۴. ب ۱۸۲، ح ۹.

۵- ۵ . سید روح الله خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۶۷.

۶- ۶ . سید محسن حکیم طباطبایی، مستمسک العروه الوثقی، ج ۴، ص ۷۶.

۷- ۷ . همان، ج ۴، ص ۷۷.

حتی با پارچه یا تکه ای که از لباس او پاره شده، بر وجوب ستر ادعای اجماع شده است.(۱)

مذاهب چهارگانه اهل سنت معتقدند که: ستر عورت میت واجب بوده و بر غسل دهنده نگاه به عورت میت حلال نیست. جمهور اهل سنت اتفاق دارند بر این که فرق است بین مردان و زنان در غسل دادن، یعنی زنان، مردان را غسل می دهند، اما مردان زنان را غسل نمی دهند. سبب منع این است که برای هر یک از زن و مرد نگاه کردن به برخی مواضع دیگری در غسل مانند عورت جایز نمی باشد. دلیل اباحه در مواقع ضروری می باشد که مردان می توانند دیگری را غسل دهند، و نگاه مردان به زنان حرمتش شدیدتر از نگاه زنان به مردان است.

زنان در برابر نگاه مردان به خود حجب و حیا دارند، اما مردان، از نگاه زنان حیا ندارند. علما در جواز غسل دادن هر یک از زوجین توسط دیگری اختلاف دارند. ابوحنیفه غسل دادن زن توسط همسرش را جایز نمی داند(۲). در هر حال پوشاندن عورت میت در هنگام غسل مستحب است، هر چند بر غسل دهنده و حاضرین نگاه به آن حرام نباشد.

«شهید ثانی» معتقد است که: بهتر است که میت از زیر لباس غسل داده شود، « ولو غسل دهنده فرد مورد اعتماد و اطمینانی بوده و یا نابینا باشد که نگاه به عورت میت نمی اندازد. مستحب است عورت میت را بپوشانند»(۳).

«همانطور که خداوند موجبات رسوایی و عورات او را پرده پوشی کرده او نیز نسبت به عیوب برادران دینی پرده پوش باشد»(۴). که نگاه نامحرم به میت گناهش بسیار سنگین تر از نگاه به انسان زنده می باشد.

در چند مورد غسل میت توسط غیر هم جنس جایز می باشد:

الف: غسل بچه

۱- ۱ . سید محمد حسینی شیرازی الفقه(کتاب الطهاره)، ج ۷، ص ۳۱۳.

۲- ۲ . محمدبن احمد بن رشد قرطبی، بدایه المجتهد و نهایه المقتصد، (دو جلد در یک جلد)، الاستقامه. قاهره، جزء اول، ۱۳۷۱ ه. ۱۹۵۲ م. ص ۲۲۰.

۳- ۳ . زین الدین بن علی عاملی جبعی، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۱، (چاپ افست) ص ۱۳.

۴- ۴ . سید روح الله خمینی، پرواز در ملکوت، ج ۱، ص ۲۱۴.

بچه ای که بیشتر از سه سال از عمرش نگذشته باشد زن و مرد می توانند او را غسل دهند، اگرچه برهنه باشد(۱). در مسالک گفته شده: «ستر در این بچه ها مستحب می باشد»(۲). در «مستمسک العروه» آمده: «مرد، دختر بچه را غسل می دهد، چنانکه در «التذکره» و «نهایه الاحکام» و ادعای اجماع بر آن شده، اما در«المعتبر» آمده: به نظر من در این حکم باید توقف کرد... احتیاط غسل ندادن، توسط زن می باشد و اصل حرمت نگاه است. بر این رأی اشکال است چرا که دلیلی بر اصل نداریم بلکه اصل مباح بودن غسل دادن است، و جواز نگاه قبل از وفات استصحاب می شود، به علاوه اصل برائت هم دال بر آن است»(۳).

برجواز غسل دادن پسر بچه توسط زن، ادعای اجماع شده. صاحب جواهر گفته: اجماع بر آن اجماع محصل است. «روایت ابی عمیر دال بر همین مطلب است که گفته است: به امام صادق علیه السلام گفتم: تا چه سنی زنان می توانند پسر بچه را غسل دهند؟» فرمودند : «تا سه سالگی».(۴)

شیخ صدوق هم در «المقنع» گفته: «اگر زنی در سفر فوت کرد و با او زنی نبود، غسل داده نمی شود و او را با لباس دفن می کنند، حتی اگر دختر بچه پنج ساله ای باشد، و اگر کمتر ازپنج سال داشت ، او را غسل داده و دفن می کنند(۵).

ب: غسل هر یک از زوجین توسط دیگری

شهید ثانی گفته: مشهور بین فقها این است: «زوجین می توانند یکدیگر را از زیر حجاب و پوشش غسل دهند. گرچه نگاه هر کدام به بدن دیگری جایز است، یعنی نگاه هر یک از زن و مرد به عورت دیگری پس از مرگ نیز جایز است»(۶). امام در«تحریر الوسیله» آورده اند که: «زن و شوهر می توانند یکدیگر را برهنه حتی با وجود هم جنس غسل دهند و برای هر یک جایز می باشد به عورت دیگری نگاه

۱- ۱ . سید روح الله خمینی تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۶۸ ۶۷؛ میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسایل ج ۱، ص ۱۰۱.

۲- ۲ . شهید ثانی مسالک الافهام، ج ۱، ص ۱۳؛ سید محسن طباطبایی حکیم، مستمسک العروه الوثقی، ص ۷۸.

۳- ۳ . سید محسن طباطبایی حکیم، مستمسک العروه الوثقی، ج ۴، ص ۷۷.

۴- ۴ . همان.

۵- ۵ . علی اصغر مروارید، سلسله الینابیع الفقیه (المقنع) ج ۱، ص ۴۰.

۶- ۶ . محمد بن جمال الدین مکی العاملی، شهید ثانی، الروضه البهیه ج۱، ص ۵۳.

کند، هرچند مکروه است»(۱).

در این حکم فرقی بین زن آزاد و کنیز، و ازدواج دائم و موقت و زنی که طلاق رجعی داده شده حتی قبل از پایان عده طلاق نیست، اگر چه در دو مورد آخر (موقت و مطلقه) اشکال است(۲). و «احوط ترک غسل با وجود مماثل در این دومی می باشد. خصوصاً بعد از انقضای عده ، و اگر زن با فرد دیگری ازدواج کرده باشد و یا مطلقه بائن باشد، حکم، عدم جواز غسل توسط زن است»(۳).

اما مذاهب چهارگانه اهل سنت معتقدند که: «بر مرد غسل دادن زنان جایز نیست، مگر آن که زن همسرش باشد، و برای هر یک از زوجین جایز است دیگری را غسل دهد. اما اگر زن مطلقه بوده و حتی اگر طلاق رجعی هم داده شده باشد، بر هیچ یک غسل دادن دیگری جایز نیست. مالکیه و شافعیه بر این عقیده هستند.

علمای شیعه معتقدند که: نگاه مرد به همسرش و زن به شوهرش پس از مرگ اشکال ندارد و هر کدام می تواند دیگری را غسل دهد(۴).

به دلیل روایت عبدالله بن سنان که از امام صادق علیه السلام سوءال کرد: آیا بر مرد جایز می باشد وقتی که همسرش از دنیا رفت به او نگاه کند؟ و اگر زنی آنجا نباشد که او را غسل دهد مرد خود می تواند همسرش را غسل دهد؟ و یا زنی که شوهرش از دنیا برود می تواند به بدن شوهر خود نگاه کند. آن حضرت فرمودند: این کار اشکالی ندارد، ولی کسان زن ممانعت ایجاد کرده به سبب این که خویشان او دوست ندارند نگاه شوهرش در بدن زن به چیزی افتد که آنان خوش ندارند(۵).

امام باقر علیه السلام فرمودند: «مرد می تواند همسرش را غسل دهد ، اما عملاً به عورت او نگاه نکند»(۶). هر چند در روایات و اقوال علما جواز غسل دادن زوجین توسط دیگری به طور واضح بیان شده، اما صاحب مستدرکه الوسائل مستحب می داند از روی لباس یکدیگر را غسل دهند(۷). چرا که زوجین محرم تمام اعضای بدن یکدیگر

۱- ۱ . سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله ج ۱، ص ۶۸؛ سید ابوالحسن الموسوی الاصفهانی وسیله النجات، مرتضویه، پنجم، ص ۳۵.

۲- ۲ . سید روح الله خمینی تحریر الوسیله ج۱، ص ۶۸؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی ص ۱۲۱.

۳- ۳ . سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۱۲۱.

۴- ۴ . علی اصغر مروارید، سلسله المنابیع الفقهیه، (المقنع) ج ۱، ص ۴۰.

۵- ۵ . محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۷۰۸.

۶- ۶ . میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل ج ۱، ص ۱۰۱.

۷- ۷ . همان.

بوده و به جمیع بدن دیگری می توانند نگاه کنند و این جواز نگاه بعد از مرگ هم باقی خواهد بود.

ج: غسل میت توسط محارم

صاحب عروه می گوید: «میت اگر مرد یا زن باشد محارمش (به رضاع یا نسب) چه مرد و چه زن جایز است که او را غسل دهند. احتیاط و بلکه اقوی این است که هم جنس میت او را غسل دهد ؛ و گر نه باید از روی لباس غسل داده شود»(۱).

اجماع فقها، به صراحت بر این قول دلالت دارد. در مستمسک آمده که: غسل دادن میت توسط هم جنس مقدم و اولی است بر اینکه مردی و یا همسر او را غسل دهد؛ چرا که همسر حالت و خصوصیتی دارد که محارم زن او را از غسل دادن همسرش منع می کنند(۲).

۱- ۱ . سید محمد کاظم طباطبایی، العروه الوثقی، ص ۱۲۲.

۲- ۲ . سید محسن طباطبای حکیم، مستمسک العروه، ج ۴، ص ۸۷.

فصل دوم نگاه در نماز و قبله

نگاه در نماز و قبله

در شناخت قبله لازم است به جهت کعبه توجه شود. اگر دلیل و نشانه ای دال بر جهت قبله وجود نداشته باشد، برای تعیین جهت آن باید کسب علم کرد و یا از شخص عادل و مورد اعتمادی چه مرد و چه زن کسب اطلاع نمود.

قبله برای کسی که خانه کعبه را مشاهده می کندودرمسجد الحرام به اجماع همه فقهای امت همان کعبه است. به دلیل آیه شریفه «فوَلِ وَجْهَکَ شَطْرَ الْمَسْجِد الْحَرَام».

کسی که خارج از کعبه است و «در حکم مشاهده کننده می باشد مثل نابینا ، و یا بین او و کعبه حایلی باشد به حیثی که جهت کعبه از او مخفی نباشد ، برای او دیوارهای خانه کعبه که مقابل اوست ، قبله می باشد و به سوی کعبه نماز می خواند»(۱).

برخی فقها همین مطلب را بیان کرده اند. صحیح هم همین است به چند دلیل.(۲)

دلیل اول: اجماع علما بر این است که قبله شخص مشاهده کننده، خود کعبه است نه بعضی قسمتهای آن.

دلیل دوم: روایت اسامه بن زید که گفته است : رسول اکرم صلی الله علیه و آله به جانب کعبه نماز

۱- ۱ . علامه حلی، تذکره الفقها، ج ۳، ص ۱۰، و ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی الطوسی، المبسوط فی فقه الامامیه ج ۲، عینت بنشره. المکتبه المرتضویه، لا حیاء الآثار الجعفریه، ص ۷۷؛ علی اصغر مروارید، سلسله الینابیع الفقهیه، (النهایه)، ج ۳، ص ۲۹۵.

۲- ۲ . فاضل مقداد، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۱، المکتبه المرتضویه لاحیاء الاثار الجعفریه، تهران ۱۳۸۴-۱۳۴۳، ص۸۵.

خواند و با إشاره به خود کعبه فرمود: «قبله همین است.»

دلیل سوم: روایت علمای شیعه از امام صادق علیه السلام یا امام باقر علیه السلام است که: فرزندان عبدالاشهل در حالی وارد مسجد شدند که مردم مشغول نماز بودند و دو رکعت نماز را به سوی بیت المقدس خوانده بودند. بعد گفته شده که پیامبر شما به سوی کعبه نماز خوانده . بلافاصله زنان و مردان جابجا شدند. زنها جای مردها و مردان جای زنها قرار گرفتند و دو رکعت باقی مانده را به سوی کعبه خواندند، و یک نماز را به سوی دو قبله خواندند و لذا مسجدشان را مسجد القبلتین نامیدند».

برای کسی که خارج از حرم است، توجه به سمت حرم برای نماز ضروری می باشد.

اگر قرار بود عین کعبه، قبله باشد شاید بهتر بود که خداوند در آیه کریمه به جای «فَوَلِّ وجْهَکَ شَطْرَ الْمَسْجِدِالْحرَام»(۱). می فرمود «... الی الکعبه» . اما شکی نیست کسانی که از مکه دور هستند قبله جهت و سمت کعبه است ، نه خود کعبه؛ چرا که قبله بودن خود کعبه سبب ایجاد حرج برای مسلمانان می شد. امروزه به سبب فراهم بودن ابزارها و وسایل پیشرفته تعیین جهت قبله بسیار آسان شده.

خداوند قبله را مرکز قرار داد که همه به سمت آن نماز بخوانند و نسخ آنچه را که قبلاً قبله بوده(مسجدالاقصی) اعلام نمود.

بر نماز گزار است که دنیا و هر آنچه را در آن است فراموش کرده و قلب خود را از هر گونه سرگرمی که وی را از خدا باز می دارد، فارغ سازد.

نگاه موءذن

در فقه برای موءذن خصوصیات بسیاری بر شمرده شده از جمله بصیر، دارای صدای بلند، دارای عقل. که نشان از دقت نظر دین اسلام در امور مختلف است.

«موءذن در بانگ نماز (اذان) کراهت دارد به اطراف خود نگاه کند»(۲). این امر احتمالاً برای بیان تمرکز و دقت نظر موءذن در الفاظی که به زبان می آورد می باشد. از جمله فقها، علامه حلی گفته است: «اگر موءذن در حال اذان گفتن به چپ و راست خود توجه کند مکروه می باشد»(۳) و گفته اند: «مستحب است که موذن بینا باشد.

۱- ۱ . بقره/۱۴۹. (به هنگام نماز روی خود را به سوی مسجدالحرام بگردان).

۲- ۲ . نجم الدین جعفر بن حسن حلی محقق حلی، المختصر النافع، دارالکتاب العربی، مصر، ص ۲۷.

۳- ۳ . حسن بن یوسف بن مطهر، تذکره الفقها ج۳، ص ۶۹.

فقها بر این امر اجماع دارند؛ چرا که نابینا وقت را نمی داند»(۱).

بعضی علما گفته اند: «کراهت دارد که موذن نابینا باشد»(۲).

ستر و پوشش در نماز

کشف عورت در برابر ناظر محترم حرام است و وجوب ستر در نماز و غیر نماز با وجود ناظر اتفاق همه علماست، کتاب و سنت هم بر این امر تاکید دارد و ستر را شرط صحت نماز دانسته اند. محقق ثانی معتقد است که: « اگر شرط بودن ستر را مقید به حال قدرت کنند، خوب و پسندیده است؛ چرا که در هر حال اخلال در شرط اقتضای بطلان مشروط را دارد. ستر در حال عجز و عدم امکان پوشش شرط صحت نیست. اگر ستر در هر حال شرط صحت باشد ، فساد نماز لازم می آید»(۳)، یعنی با اخلال در پوشش، نماز در هر حالی باطل خواهد بود.

در مواقعی که نمازگزار لباس ندارد (گم کرده و یا از او دزدیده اند) اگردر معرض نگاه دیگران نیست، ایستاده نماز بخواند، وگرنه نشسته نماز خواندن او بهتراست. در نماز میت ستر و پوشش شرط صحت نیست، چرا که نام نماز به طور مجاز بر آن واقع می شود(۴).

طبق روایت علی بن جعفر از برادرش موسی علیهماالسلام ، که از ایشان سوال کرد راجع به مردی که دزد به او زده و یا لباس و کالایش غرق شده و عریان است چگونه نماز بخواند، فرمود: «اگر برگ و گیاه دید با آن عورتش را بپوشاند و نماز را با رکوع و سجده کامل بخواند ؛ و اگر چیزی ندید که عورتش را بپوشاند، ایستاده نماز بخواند و با اشاره رکوع و سجده به جا آورد»(۵).

در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام فرمودند: « فرد عریانی که لباس ندارد اگر چاله و حفره ای دید ، داخل آن شده و در آن سجده و رکوع انجام دهد»(۶). برای اینکه در معرض نگاه دیگران نباشد.

۱- ۱ . همان، ج۳، ص ۶۷.

۲- ۲ . علی اصغر مروارید، سلسله الینابیع الفقیه (السرائر) ج ۴، ص ۴۵۸.

۳- ۳ . محقق ثانی، جامع المقاصد، ج ۲، ص ۹۲.

۴- ۴ . سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۱۸۵.

۵- ۵ . محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه ج ۳. ص ۳۲۶، ح ۵۶۸۴.

۶- ۶ . همان، ص ۳۳۶، ح ۵۶۸۴.

شیخ گفته: « اگر نمازگزار عریان است باید عورت خود را با گیاه و علف خشك و مانند آن که عورت با آنها پوشیده می شود، بپوشاند و نماز را ایستاده بخواند»(۱).

«پوشاندن عورت از پایین واجب نیست، اما اگر لب پشت بام یا روی چیزی بشکه مانند بایستد جایی که اگر ناظری از آنجا بگذارد، از پایین عورت او را ببیند»(۲). یعنی وضعیت پایین به گونه ای است که احتمال عقلایی رفت و آمد در آنجا باشد، پوشاندن عورت واجب است، واگر بیننده ای آنجا نباشد لازم نیست.

به هر حال ستر عورت در هر حال چه نماز و چه غیر نماز واجب است. علامه می گوید: «ستر در حال تنهایی واجب نیست ، مگر در نماز که ستر و پوشش شرط است و اگر با قدرت بر پوشش آن را ترک کند، نماز باطل است چه تنها باشد چه تنها نباشد»(۳). به دست آوردن ساتر و پوشش به هر طریقی واجب است. اگر چه با اجاره و خرید هر چند بیشتر از قیمت واقعی آن باشد. به دلیل اینکه ستر و پوشش در نماز شرط است. گفته شده که خریدن پارچه بیشتر از قیمت واقعی آن ضرر است که با قاعده «لاضرر» نفی شده و ساقط می شود. اما وجوب ستر در نماز از احکام ضرری نمی باشد. مگر قاعده ضرر حاکم بر دلیل ستر و پوشش باشد به اقتضای تخصیص ستر بر غیر صورت لزوم ضرر مالی ، چنانکه در سایر موارد آورده می شود، حکم ضرری دلیلش مطلقاً اخص از ادله قاعده است. ستر واجب است در هر مرتبه ای که ضرر لازم آید ، اما اگر ضرر به گونه ای باشد که اجحاف و سختی به حال او زیاد باشد به دلیل قاعده لاحرج نفی می شود و وجوب ستر آنجایی اختصاص دارد که حرجی نباشد و اگر حرجی بود وجوب ساقط می شود(۴).

«ستر عورت در نماز اشاره به آن است که نمازگزار از موجبات رسوایی و قبایح معنوی بپرهیزد و با پناه بردن به ستاریّت باریتعالی در مقام رفع آن برآید و حالت حیا و شرم زدگی در پیشگاه الهی از ملکات و اعمال ناپسند داشته باشد و در مقام آن باشد که با خدایی که ستاریت اش پرده بر روی اعمال و نیات او کشیده، پرده دری ننماید(۵).»

ص: ۷۷

۱- ۱ . شیخ طوسی، المبسوط، ج ۱، ص ۱۳۰.

۲- ۲ . سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله ج ۱، ص ۱۳۷.

۳- ۳ . حسن بن یوسف بن مطهر علامه حلی. قواعد الاحکام (جزء اول. چاپ سنگی) رضی، قم، ص ۲۷.

۴- ۴ . سید محسن طباطبایی حکیم ، مستمسک العروه الوثقی، ج ۵، ص ۳۹۳، ۳۹۲.

۵- ۵ . امام خمینی، پرواز در ملکوت، سید احمد فهری، نهضت زنان مسلمان، پنجم، پائیز ۱۳۷۰، ص ۲۱۴.

بهترین پوشـش در نماز، پوششی است که انسان را از یاد خدا غافل نکند. نداشتن حجاب کامل در نماز سبب غفلت و توجه به امور دیگر شده و انسان حالت توجه و تمرکز خود را از دست می دهد.

پوشش مرد در نماز

بر مرد واجب است که عورت خود را از نگاه کسانی که نگاهشان بر او حرام است بپوشانند.

در حـد پوشـش مرد اختلاف می باشد ، اما بیشتر علما بر پوشاندن بین ناف تا زانو اتفاق نظر دارند. برخی علمای شـیعه(۱) ستر عورت را در حال نماز و غیر حال نماز بر مرد واجب دانسته اند.

علمای شیعه می گویند: عورت مرد قبل و دبر است و مرحوم طباطبایی حکیم، بر ستر این اعضا ادعای اجماع کرده.(۲) واجب، ستر آنچه بین ناف تا زانو است می باشـد. «کمترین حد پوششـی که بر مردان پوشاندن آن جایز است (با شـلوار و مانند آن می باشد). پوشاندن قبل و دبر واجب بوده و پوشاندن بقیه اعضا مستحب می باشد»(۳).

امام صادق علیه السلام فرمودند: «اَلْفَخْذُ لَیْسَ مِنَ الْعَورهِ»(۴) یعنی ران عورت نمی باشد. پوشش بین ناف و زانو برای محافظت از خود و بنا به احتیاط تاکید شده، اما افضل و بهتر پوشاندن تمام بدن می باشد. در خصال از علی علیه السـلام روایت شده که برای مرد پسندیده نمی باشد که لباسش رااز روی رانش بردارد و با عورت نمایان بین مردم بنشیند(۵). اما پسندیده ترین روش ، خواندن نماز با پوشش کامل بر مردان می باشد.

پوشش زن در نماز

ص: ۷۸

۱- ۱ . شیخ طوسی، خلاف، ج ۱، ص ۳۹۳؛ محقق حلی، المختصر النافع، ص ۲۵؛ علامه حلی، تبصره المتعلمین. ص ۳۵. سید محمد کاظم طباطبایی، عروه الوثقی، ص ۱۸۳

۲- ۲ . سید محسن طباطبایی حکیم، مستمسک العروه، ج ۵، ص ۲۵۳.

۳- ۳ . علی اصغر مرواری‌د، سلسله الینابیع الفقهیه (المهذب) ج ۳، ص ۴۱۲.

۴- ۴ . محقق ثانی، جامع المقاصد، ج ۲، ص ۹۴، سید محسن طباطبایی حکیم، مستمسک العروه، ج ۵، ص ۲۵۳.

۵- ۵ . علامه حلی، قواعد الاحکام (چاپ سنگی) ص ۲۷.

عورت زن که در نماز بایـد پوشانـده شود. تمام بـدن زن حتی سـر و موی او است. مگر صورت به همان مقداری که در وضـو شستن آن واجب است. دستها تا مـچ و پاها تا ساق آنها، که پوشانـدن آنها واجب نیست «ولی بر زن لازم است، مختصـری از اطراف این مواضع را از باب مقدمه واجب بپوشاند»(۱).

شیخ طوسـی گفته: «بر زن جایز نیست سر برهنه نماز بخواند و کمترین پوششی که زن در نماز باید داشته باشد دو لباس است. یکی مقنعه که سر را بپوشاند و لباسی دیگر که بقیه اعضای بدنش را بپوشاند»(۲).

صاحب جواهر معتقـداست بیشتر علما بر اینکه عورت زن تمام بدن او می باشد مگر صورتش، اتفاق نظر دارند و ادعای اجماع بر این مطلب شده(۳).

ایشـان همچنین از کتـاب «الـذکری» نقـل کرده که: تمـام علمـا بر عـدم وجـوب پوشـش صـورت در نمـاز اجمـاع دارنـد ، بجز «ابـابکربن هشـام» و با توجه به اجماع این اسـتثناء تنها در نماز نمی باشـد بلکه در جمیع احوال بوده و از این اجماع می توان به عدم وجوب ستر دو دست در نماز پی برد. زیرا که عورتی است که ستر آن در نماز واجب نمی باشد(۴).

شیـخ گفته: «به جز صورت و دو کف دست او اگر جـایی از عورت نماز گزار در نماز آشـکار باشـد چه کم باشـد و چه زیاد. خواه از روی عمد بوده یا سهو نماز باطل است»(۵).

امام در کتاب «سرالصلوه» خود استدلالی نسبت به پوشش تمام بدن زن به جز وجه و کفین آورده اند . ایشان می فرمایند.

«چون جهت نفسـانیت در زن بیشتر و نیروی عقـل در او کمتر است، پس جهت مـادی در زن غـالب تر و ظلمت در او شدیـدتر است . از این رو همه بـدنش عورت است. زیرا نفس به ظهور خود در سراسـر وجود او جاری و ساری است. به خلاف مرد که جهت نفس در او به واسطه نیرومنـدی عقلش ضـعیف است و لذا ظهور نفس فقط در قسـمتی از جسم او است. پس تمام بدن زن عورت است و سبب وجوب

۱- ۱ . امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۷.
۲- ۲ . شیخ طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۳۹۲.
۳- ۳ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳، ص ۳۴۰.
۴- ۴ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳، ص ۳۴۰.
۵- ۵ . شیخ طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۳۹۲.

ستر همه بدن مگر وجه و پشت دو قدم پا و کفین می شود.(۱)

اما «وجه» به جهت آن که توجه زن به سوی خداونـد با صورت است و توجه خداونـد به زن قلب او می باشـد، که وجه، وجهه آن است و قلب به واسطه آن که محل نظر خداوند است تاثیر نفس در قلب ضـعیف تر است و «کفین» به علت، برگرداندن هر دو به سوی خداونـد بـا تضرع و خضوع و خشوع و دراز کردن هر دو دست برای درخواست و سؤال از درگـاه ذوالجلال. اما «قدمین» به سبب رفتن با دو پا به سوی خدا و محل قرب و رضای او. حضرت علی علیه السلام در دعای کمیل فرمودند: أتُسَلِطُ النارَ علی وُجهٍ خَرَّتْ لِعَظِمتِکَ ساجِدَهَ.... وعلی جوارِحَ سَعِیَتْ إلی اوطانِ تعبُدِکَ طائعَهً و اشارَتْ باستغفارِکَ مُذعِنَهَ؛ آیا آتش دوزخ را بر من مسلط می کنی ؛ بر رخسارهـایی که برای عظمت توبه سجده کنـان به خـاک افتـاده... و نیز بر اعضـایی که به سوی مساجد و مرکز پرستش تو شنافته اندو آن جوارح با اقرار به گناهان خود به آمرزش خواهی از تو اشاره کرده اند؟»

ابن جنید می گوید: پوشاندن سر واجب نیست. به دلیل روایت ابن بکیر از امام صادق علیه السلام که فرمود: برای زن مسلمان اشکال نـدارد در حالی که سرش برهنه است نماز بخوانـد .» روایت دیگری مطلق ذکر شـده و مقیـد به زن آزاد نشـده ممکن است که حمل بر زن کنیز شود. و ادله وارد شده بر وجوب پوشاندن سر با خمار کافی است.

همچنین نحوه پوشاندن گردن به دلیل روایت صحیح زراره و امر به پوشاندن با ملحفه، در عرف هم آنچه دلالت بر لزوم ستر با خمار دارد، پوشاندن گردن مانند سر می باشد(۲).

به اجماع فقهـا می توان برعورت بودن تمـام بـدن زن اسـتدلال کرد، نصوص خـاص و عـام هم بر آن دلالت دارد . در لغت و عرف بدن زن را عورت می دانند. در عرف از زن تعبیر به عورت می شود. اطلاق این لفظ بر زن به خاطر عدم صحت سلب، شیوع می باشد . در اخبار و روایات هم ثابت شده که شرعاً زن عورت محسوب می شود.

ابن ادریس هم پوشانـدن سر و بـدن زن از سر تـا پـا را بر او واجب دانسـته و می گویـد: پوشانـدن وجه و کفین و پاها واجب نیست(۳).

۱- ۱ . روح الله خمینی، پرواز در ملکوت، ص ۲۱۵.

۲- ۲ . سید محسن طباطبایی حکیم، مستمسک العروه الوثقی، ج ۵، ص ۲۵۶.

۳- ۳ . ابن ادریس، السرائر، ج ۱، موسسه النشر الاسلامی، دوم، ۱۴۱۰، ص ۲۶۰.

«اگر زن در معرض دیـد نـامحرم قرار دارد لازم است تمـام بـدنش را به جز دو مـورد را بپوشانـد: یکی دسـتها تـا مـچ و دیگر صورت به انـدازه ای که در وضو، شسـتن آن واجب است. در حال نماز نیز اگر در معرض دید نامحرم قرار گرفت همین حکم را دارد . اگر جایی نماز می خوانـد که در معرض دید نامحرم نیست، بایستی تمام بدن خود را بپوشاند به جز سه مورد که اگر نپوشانـد، نمـازش صـحیح است: صورت به انـدازه ای که در وضو، شسـتن آن واجب است، دسـتها تا مـچ، کف و روی پاها تا قوزک پا.

مذاهب چهارگانه اهل سـنت معتقدند که: «ستر عورت در طول نماز، شـرط صـحت نماز است. و نمازگزار باید عورت خود را در نماز با پارچه ای هر چند کثیف بپوشاند»(۱). در هر حال طبق آیه کریمه «وَلایُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ اِلّا ما ظَهَرَ مِنْهَا»، مفسران «ما ظَهَرَ مِنْهَا» را به صورت و کفین تعبیر کرده و مشـهور اسـتثنای دو قدم پا هم می باشد. به علت آنکه غالباً آشـکار هسـتند. در تفسـیر این آیه در فصل گذشته بحث کردیم.

گفته شد برای زن بهتر است که زیر چانه خود را بنابر احتیاط واجب بپوشاند و اندازه ای که از زیر چانه بعد از بسـتن روسـری دیده می شود ، را هم بپوشد بهتر است.

سوالی که در اینجـا پیش می آیـد این است که علت اختلاف پوشـش زن و مرد در نماز چیست؟ مگر خداونـد به زنها نامحرم است که زن اگر چه در اتاق هفتم و بسته و تاریک نماز بخواند بایستی خود را بپوشاند؟

اولاً: فلسفه همه احکام الهی بر ما روشن نیست.

ثانیاً: شاید حکمت دستور الهی این باشد که این بهترین حالت نزد خداوند است با بهترین وضع نزد او حاضر شود و به عبادت بپردازد و یا اینکه خود، بهترین تمرین برای حجاب به شمار می رود(۲).

موضع نگاه در نماز

اشاره

هنگـامی که انسـان به نماز می ایسـتد، برای اینکه عارف به حق خداونـد بوده بایـد در نمازش با حضور قلب به خداونـد توجه کند. مومن با تمام قلب خود خاضعانه به سوی الله می رود و پس از آن تمام اعضا و جوارحش نیز خاشع شده، در این حال

۱- ۱ . عبدالرحمن جزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۱۹۰.
۲- ۲ . نرجس السادات نعمتی، حجاب از دیدگاه فقهای متاخر، ص ۳-۳ ، wwweetBalagh.

تمام کثافات گناه از وی زدوده می شود. خداوند با تمام الطافش با او روی می آورد و بعد از آن قلوب همه مومنین از روی رأفت و مهربانی به سوی او رو می آورند.

الف: نگاه در حال قیام

همه فقها اتفاق دارند که «نمازگزار» در حال قیام به محل سجده اش نگاه کند. در این مورد هیچ شبهه و خلافی نیست. در کتب فقهی از جمله العروه الوثقی(۱)، المختصر النافع(۲)، مستند الشیعه(۳)، سلسله الینابیع الفقهیه(۴) به این مورد اشاره شده است که: نگاه کردن نمازگزار در حال قیام به سجدگاه خود مستحب است.

شهید ثانی فرموده: مستحب است نمازگذار، در حال قیام به محل سجده اش نگاه کند و چشمانش نیمه باز بوده و با خشوع و خضوع نگاه کند و از حدقه در آوردن چشم و دوختن چشم به محل سجده بپرهیزد»(۵).

امام صادق از پدرش و او از حضرت علی علیهم السلام روایت کردند که: چشمانت در نماز از محل سجده ات تجاوز نکند(۶).

روایت زراره از امام باقر علیه السلام که فرمودند: «هرگاه برای نماز بلند شدی رو به قبله بایست. چشمانت خضوع داشته و نگاهت را به آسمان بالا نبر و صورتت را به طرف محل سجده ات نگاه دار»(۷).

ظاهر روایات، نگاه به طور کامل را بیان می دارد و نه یک لحظه نگاه کردن . بخصوص در روایت دیگر زراره از امام باقر علیه السلام که فرمودند: «با چشمانت یک جا را ببین و به آسمان نگاه نکن»(۸). ظاهر روایت یعنی نگاه چشم در یک محل و دیدن یک جا در همه احوال نماز است.

۱- ۱ . سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۲۱۸. علی بن یوسف بن مطهر، علامه حلی، تبصره المتعلمین فی احکام الدین، ص ۴۳.

۲- ۲ . محقق حلی، المختصر النافع، ص ۳۳؛ شیخ طوسی، المبسوط، ج ۱، ص ۱۰۱؛ محمد بن ادریس حلی، السرائر، ج ۱، ص؛ ۲۱۷ علامه حلی، تذکره الفقها، ج ۳، ص ۲۵۴.

۳- ۳ . احمد بن محمد مهدی نراقی، مستند الشیعه ج ۵، ص ۶۴، و ص ۲۲۰۲۲۱.

۴- ۴ . علی اصغر مرواريد، سلسله الینابیع الفقهیه، (اصباح الشیعه) ج ۴، ص ۶۱۸.

۵- ۵ . شهید ثانی، الروضه البهیه، ج ۱، ص ۱۱۵.

۶- ۶ . محمد بن حسن حرعاملی، وسایل الشیعه، ج ۴، ص ۷۰۹، ح ۷۱۹۴ ؛ طوسی، تهذیب ج ۲، ص ۳۲۶، باب ۱۵، ح ۱۳۳۴.

۷- ۷ . محمدبن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۷۰۹، ح ۷۱۹۳.

۸- ۸ . همان، ح ۷۱۹۵.

برای فرد نابینا این استحباب برداشته شده، زیرا که استحباب در حال امکان نگاه می باشد نه برای نابینا . برای فرد یک چشم این استحباب ساقط نمی شود. در ادامه صاحب جواهر می گویند: مقصود از محل سجده، جایی است که در آن نماز می خواند نه مکانی که فعلاً بر آن سجده می کند. گردانیدن چشم به طرف آن جایز نیست. برای رکوع و سجود در حال اختیار اشاره به سجده گاه ساقط نمی شود»(۱). رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «در حال قیام چشم خود را به زیر انداز ، و با دیدگانت با حال خشوع نگاه کن؛ زیرا کسی که خضوع دارد این حالت در اعضا و جوارح او مشهود است»(۲). مصداق کامل «اَلَّذِینَ هُمْ فِی صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»(۳).

فقهای مذاهب اهل سنت هم این امر را قبول دارند حنابله یکی از مستحبات نماز را نگاه نمازگزار در حال قیام به سجده گاهش دانسته اند»(۴). حنفیها هم بر این عقیده هستند(۵). شافعیه گفته اند، نمازگزار به محل سجده اش نگاه می کند(۶).

قَالَ اِمَامَ علیه السلام :

«اِذَا تَوجَّهَ المُوءمِنُ اِلَی مَصَلّاهُ لیُصَلّی قَال اللهُ. عَزَّوَجَّل لِمَلائکَتِه یَا مَلائِکَتِی الاَ ترَونِ اِلَی عَبْدی؟ هَذا قَدْ انقَطَعَ عَنْ جَمِیعِ الخَلائِق الیّ. وَ اَمَّلِ رَحْمَتِی وَ جُودی ورَأفَتی؛ اَشْهَدُکُمْ انِّی اَخَصُّهُ بِرَحْمَتِی وَ کَرامَاتِی»(۷).

وقتی مومن به خاطر نماز متوجه مصلای خود می شود، خدای عزوجل به ملائکه خود می گوید: ای ملائکه من آیا به سوی بنده من نگاه نمی کنید؟ که از جمیع خلایق بریده و به سوی من توجه نموده و آرزوی رحمت و جود و رأفت مرا دارد. شما (ملائکه) را شاهد می گیرم که رحمت و کرامتم را مخصوص او قرار دادم.

ب: نگاه در حال قنوت

صاحب جواهر(۸) گفته است: نمازگزار در حال قنوت به کف دو دستش نگاه کند.

۱- ۱ . محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۴، ص ۲۱۵.

۲- ۲ . ابن بابویه قمی، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۹، ح ۹۱۷۱۲.

۳- ۳ . قرآن کریم، سوره مبارکه مؤمنون، آیه ۱۲.

۴- ۴ . عبدالرحمن جزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۲۴۸.

۵- ۵ . همان ج ۱، ص ۲۶۹.

۶- ۶ . علامه حلی، تذکره الفقها، ج ۳، ص ۲۵۵.

۷- ۷ . محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۲۱.

۸- ۸ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۴، ص ۲۱۵.

چنانکه جمعی از فقهای ما این مطلب را ذکر کرده اند، در جامع المقاصد(۱) این رأی به قول مشهور علمانسبت داده شده، اما نصی در این خصوص وجود ندارد . احتمال دارد از مجموع آن چه که گفته شده، از بالا_بردن دست رو به روی صورت و کراهت بستن چشم در نماز (با توجه به روایات رسیده) و امر به یک جا نگاه کردن، و عدم نگاه به آسمان و با توجه به روایت زراره که در بحث گذشته ذکر شد، می توان استدلال کرد که: در حال قنوت، نگاه چشم به کف دو دست باشد.

فقها هم نگاه چشم در حال قنوت به دستها را پذیرفته اند از جمله، ابن ادریس(۲) در مستند الشیعه هم آمده: «نمازگزار در حال قنوت به کف دو دستش نگاه می کند به خاطر جمع بین دو خبر مناهی، یکی نهی از نگاه به آسمان. دوم، نهی از فروبستن چشم در حال قنوت»(۳).

ج: نگاه در حال رکوع

شیخ در نهایه گفته: « در حال رکوع چشمانت را ببند و اگر نبستی، چشمت در نماز کاری جز نگاه کردن بین دو قدم پایت نکند.» از امام صادق علیه السلام روایت شده که: «پیامبر از بستن چشمها در نماز نهی کرده»(۴).

صاحب جواهر می گوید: «به دلیل روایت صحیح زراره نمازگزار باید بین دو قدمش را نگاه کند. این روایت با روایت صحیح حماد، تعارض ندارد. او در روایت خود نمازگزار را بین بستن چشم و نگاه بین دو پایش در حال رکوع مخیّر کرده است»(۵).

دربرخی کتب فقهی از جمله منهاج الصالحین(۶)، آمده است: نمازگزار در حال رکوع بین دو قدمش را نگاه می کند. حنفیها هم بر این عقیده اند(۷).

۱- ۱ . محقق ثانی، جامع المقاصد، ج ۲، ص۳۳۷.

۲- ۲ . محمد بن ادریس حلی، السرائر ج ۱، ص ۲۲۹. علامه حلی، مختصرالنافع ص ۲۳، تذکره الفقها ج ۳، ص ۲۵۴ سید کاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ص ۲۱۸.

۳- ۳ . احمد بن محمد مهدی النراقی، مستند الشیعه، ج ۵، ص ۳۹۱.

۴- ۴ . علی اصغر مروارید، سلسله الینابیع الفقهیه (النهایه) ج ۳، ص ۳۰۰.

۵- ۵ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۴، ص ۲۱۵.

۶- ۶ . سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین جزء اول (دو جلد در یک مجلد)، لطفی، تهران، دوم ۱۳۹۳ق، ۱۳۵۲ ش، ص ۱۶۷.

۷- ۷ . عبد الرحمن جزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۲۶۹؛ شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۱، ص ۲۲۶؛ علی اصغر مروارید، سلسله الینابیع الفقهیه، ج ۴، ص ۶۴؛ احمد بن محمد مهدی نراقی، مستند الشیعه ج ۵، ص ۲۲۱؛ علامه حلی، تذکره الفقها، ج ۳، ص ۲۵۴. محقق حلی، المختصرالنافع، ص ۲۳.

ابن ادریس گفته است: «نمازگزار چشم خود را در هنگام رکوع ببندد»(۱).

در مستدرک الوسائل آمده: «بستن چشمها در نماز کراهت دارد مگر در رکوع»(۲).

اما زراره از امام باقر علیه السلام روایت کرد که فرمودند: «اذا قمت فی الصلاه... مدّعنقک و لیکن انظر الی ما بین قدمیک»(۳) یعنی در حال رکوع.

د: نگاه در حال سجده

مشهور فقها معتقدند که: «نمازگزار در حال سجده به طرف بینی اش نگاه کند»(۴).

علامه حلی گفته است: نمازگزار در حال سجود به سر بینی خود نگاه کند(۵).

«حنفها هم بر این نظر اتفاق دارند»(۶).

در مفتاح الکرامه آمده که: «نمازگزار در سجده یا به طرف بینی اش نگاه کند و یا چشمان خود را ببندد»(۷).

صاحب جواهر می گوید: «من نصی در این رابطه نشنیدم»(۸).

اینکه فقها گفته اند: نگاه نمازگزار در حال سجده به طرف بینی اش باشد، به سبب اینکه فکر و قلبش از عبادت خداوند به چیز دیگری مشغول نشود.

ه : نگاه در حال تشهد

محقق می گوید: نمازگزار در تشهد باید به دامن خود نگاه کند. «علامه و دیگران هم با او هم عقیده اند(۹).

۱- ۱ . ابن ادریس، السرائر، ج ۱، ص ۲۲۴.

۲- ۲ . میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسایل، ج ۱ المکتبه الاسلامیه. تهران و المکتبه العلمیه بالنجف ذیحجه الحرام، ۱۳۸۲، ص ۴۰۳.

۳- ۳ . کلینی، فروع کافی، ج ۳، ص ۳۳۷ ۳۳۶، ح ۱. ب ۲۹.

۴- ۴ . سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ص ۱۷۱؛ محقق حلی. المختصر النافع، ص ۳۳؛ احمدبن محمد مهدی نراقی، مستند الشیعه ج ۵، ص ۳۹۱.

۵- ۵ . سید محمد کاظم یزدی طباطبایی، العروه الوثقی، ص ۲۸۱؛ شهید ثانی، الروضه البهیه، ج ۱، ص ۱۱۵؛ مسالک الافهام، ج ۱، ص ۲۲۶؛ ابن ادریس، السرائر، ج ۱، ص ۲۲۵؛ محقق ثانی، الجامع المقاصد، ج ۲، ص ۳۰۹؛ علی اصغر مروارید سلسله

الینابیع الفقهیه(اشاره السبق)، ج ۴، ص ۷۷۶.

۶- ۶ . علامه حلی قواعد الاحکام، ص ۳۴، (چاپ سنگی).

۷- ۷ . محمد جواد حسینی عاملی، مفتاح الکرامه، ج ۲، ص ۴۴۹.

۸- ۸ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۴، ص ۲۱۵.

۹- ۹ . محقق حلی، المختصر النافع، ص ۳۳؛ علامه حلی، تبصره المتعلمین، ص ۴۳؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی ص ۲۳۸؛ محقق ثانی، جامع المقاصد، ج۲، ص ۳۰۹؛ علی اصغر مروارید، سلسله الینابیع الفقهیه، (اشاره السبق) ج ۴، ص ۷۷۶.

صاحب جواهر گفته: «من نصی در این رابطه ندیده ام، بجز در کتاب فقه الرضا علیه السلام آمده که: چشمانت در وقت سجده به طرف بینی ات و بین دو سجده و همچنین در هنگام تشهد به دامنت باشد»(۱).

شهید ثانی هم اشاره کرده اند که: تمام مستحبات برای موضع نگاه در روایات وارد شده، به استثنای این مورد که تنها اصحاب و علما آن را بیان کرده و ما بر دلیل آن واقف نیستیم، به لحاظ اینکه دل از اضطراب بیرون آوریم(۲).

حنفیها «هم نگاه به دامن را در حال تشهد مستحب دانسته اند»(۳).

نگاههای مکروه در نماز

کراهت دارد نمازگزاردر نماز به اطراف و راست و چپ خود نگاه کند(۴). مذاهب چهارگانه هم معتقدندکه: توجه و نگاه کردن به چپ و راست بدون ضرورت کراهت دارد، و همچنین بستن چشم و نگاه به آسمان هم مکروه می باشد(۵).

صاحب عروه، یکی از مکروهات درنمازرا فرو بستن چشم دانسته اند(۶).

از جمله نگاههای مکروه، نگاه به نقش انگشتر و قرآن و کتاب و در حال نماز می باشد(۷).

شهید ثانی نیز قائل به کراهت نگاه کردن به صفحات قرآن شده اند. اما اگر مانعی از رویت وجود داشته باشد، نماز مکروه نیست(۸).

امام صادق علیه السلام فرمودند: «هر کس در حال نماز به قرآن یا کتاب یا نقش انگشتر نگاه کند، نمازش را تباه کرده»(۹). مقصود از کراهت، چرخاندن نگاه به اطراف بوده

۱- ۱ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۴، ص ۲۱۵.

۲- ۲ . شهید ثانی، الروضه البهیه، ج ۱، ص ۱۱۵.

۳- ۳ . عبد الرحمن جزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۲۶۹.

۴- ۴ . محقق حلی، المختصر النافع، ص ۳۴.

۵- ۵ . عبد الرحمن جزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۲۷۷.

۶- ۶ . سید محمد کاظم طباطبایی، العروه الوثقی، ص ۲۵۱.

۷- ۷ . همان ص ۲۵۱.

۸- ۸ . شهید ثانی، الروضه البهیه، ج ۱، ص ۹۰.

۹- ۹ . میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۰۶.

ویا اشتغال چشم به قرآن و به چپ و راست فرد نمازگزار است. این امور باعث بر هم زدن تمرکز و توجه و التفات قلبی به اذکار نماز شده و حالت خشوع و خضوع و در درگاه باری تعالی را از او می گیرد.

در روایتی از حسن بن صیقل آمده که از امام صادق علیه السلام : «درباره مردی سؤال کردم که نماز می خواند . در قرآن نگاه می کرد و از روی آن می خواند ، در حالی که چراغی نزدیک او روشن بود؟ فرمودند: «اشکال ندارد»(۱).

کراهت این نگاهها به سبب این است که باعث از بین رفتن توجه قلبی و تمرکز به نماز و اذکار آن و فراموشی انسان نسبت به اینکه در برابر خالقش ایستاده می شود.

نگاه امام بعد از نماز استسقاء

مستحب است امام بعد از نماز استسقاء بر منبر رود و رو به قبله کند و صد مرتبه با صدای بلند «الله اکبر» بگوید . سپس به طرف راستش نگاه کند و صد مرتبه «سبحان الله» بگوید. پس از آن به مردم سمت چپ خود نگاه کند و صد مرتبه «لا اله الا الله» بگوید و رو به مردم کند و صد مرتبه خدا را حمد نماید»(۲). مثلا «الحمدلله» بگوید.

مشاهده امام توسط مأموم

مأموم باید امام را در جمیع احوال نماز مشاهده کند . اگر در صفوف بعدی قرار دارد که نمی تواند امام را ببیند ، باید کسی را (مأموم) که امام را می بینند، اگر چه به چند واسطه باشد ببیند. مثلاً زید، عمر را، عمر بکر را و بکر، خالد را در تمام حالات مشاهده کند.

هرگاه بین امام و مأموم جسمی باشد که مانع از مشاهده امام شود، در صورتی که حایل و مانع از مشاهده امام در جمیع احوال باشد، نماز جماعت باطل است.

۱- ۱ . ابی جعفر محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه للشیخ المفید، ج ۲، دارالفکر، تهران، دوم ۱۳۹۰ ه. ق، ص ۲۹۴، ح ۱۱۸۴، باب ۱۵.

۲- ۲ . ابن ادریس سرائر، ج ۱، ص ۳۲۶؛ سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۴۶؛ کلینی همین مطلب در کتاب «فروع کافی، ج ۳، ص ۴۶۰، ب ۸۹. آورده شده تحت عنوان این که «یلتفت الی الناس عن یمینه فتسبیح الله مانه تسبیحه رافعاً بها صوته».

«وجود حایل مثل دیوار یا پرده بین امام و مأموم که مانع از مشاهده امام شود صحیح نیست، مگر آن که مأموم زن باشد»(۱).

اگر حایل کوتاه باشد مانع از مشاهده محسوب نمی شود، که در حال نشستن مانع محسوب می شود نه در حال قیام به دلیل کوتاهی حایل. اگر وقت شروع به نماز حایلی موجود باشد که در حال قیام مانع از مشاهده امام نباشد و در حال رکوع و سجود مانع باشد، اما می داند که در وقت رکوع یا نشستن از بین می رود و یا بالعکس، احتیاط آن است که از اول داخل جماعت نشود، زیرا وجود حایل بین امام و مأموم صادق است(۲).

اگر حائل غیر مستقر و غیر ثابت بوده، قبل از شک در شمول اطلاق حائل بر آن استصحاب بقای امامت می شود. برای از بین رفتن شک مثلاً، از جهت دور بودن مانع و عدم ثبوت مانع، استصحاب در این موارد از بین برنده شک می باشد(۳).

در کتاب «الفقه» آمده: وجود حائلی کوتاه که مانع از مشاهده در همه احوال نماز نباشد ، مثلاً مانع در حال سجده نباشد، اشکال ندارد(۴).

علی الظاهر در نماز حائل نبودن بین امام و مأموم شرط است . جمله فقها بر آن تصریح کرده اند. مراد از مشاهده، مشاهده عادی است نه دیدن وسیله و ابزار مثل دوربین و مانند آن. فقها در بعضی موارد حائل شیشه ای، پنجره و مانند آن را از این موارد خارج کرده اند. اگر امام را مشاهده کند جایز است، زیرا حکم، دائرمدار مشاهده است(۵).

«در عرف، تاریکی، ستر و حجاب نمی باشد و شخص نابینا هم حاجب نیست. فقها بر این امر اتفاق دارند، و گرنه در نص به آن اشاره می شد»(۶).

در کتاب «الفقه»، حایل ندانستن آن را از امور بدیهی دانسته که احتیاج به استدلال ندارد. غبار و باران و برف هم اینگونه هستند(۷).

۱- ۱ . ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل حلال و الحرام، (دو جلد در یک مجلد)، دار الهدی للطباعه و النشر، قم، سوم ۱۹۸۳ ۱۴۰۳، ص ۹۲_۹۳.

۲- ۲ . سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۲۷۳.

۳- ۳ . سید محسن طباطبایی حکیم، مستمسک العروه، ج ۷، ص ۲۴۵۲۴۴.

۴- ۴ . سید محمد حسینی شیرازی، الفقه، ج ۵، ص ۳۶۸.

۵- ۵ . همان، ج ۵، ص ۲۸۸.

۶- ۶ . محمد حسن نجفی جواهر الکلام، ج ۳، ص ۴۲۷.

۷- ۷ . سید محمد حسینی شیرازی، الفقه، کتاب صلوه، ج ۵، ص ۳۸۸.

در «عروه الوثقی» آمده که: «ظلمت و تاریکی و مانند آن اگر مانع دیدن شود حایل نیست. هم چنین فاصله شدن نهر باریک و جاده در صورتی که مقداری فاصله بین آنها شود که در جماعت اخلال ایجاد کند. هر گاه بین آنها با شبکه یا تور فاصله باشد، حایل محسوب نمی شود، هر چند بنابر احتیاط، اجتناب از آن بهتر است. خصوصاً در صورتی که سوراخهای آن تنگ باشد که منع آن در این صورت قوی تر است. زیرا که حایل محسوب می شود(۱).

روایت صحیح زراره از امام صادق در «الکافی» و «الفقیه» آمده که فرمودند: «اگر عده ای نماز بخوانند ، نباید بین امام و آنها فاصله باشد. اگر فاصله بود، امام بر آنها نیست. در هر صفی که نمازگزاران با امام نماز می خواند نباید بین آنها و امام فاصله باشد. آنجایی که فاصله است نماز نیست. اگر بین نمازگزاران ستر و دیوار باشد ، نماز آنها صحیح نبوده مگر آنکه حایل در باشد»(۲).

اگر کسی خارج از مسجد نماز بخواند، در حالی که بین امام و ماموم حایلی نباشد و یا بین امام و صفهای متصل به امام که امام را می بینند، حایل نباشد. و اگر صفها به بازار و درها و ستونها برسد که بعضی از مأمومین، برخی دیگر را مشاهده کنند، نماز صحیح می باشد(۳).

شیخ در خلاف گفته: «اگر بین مأمومین و صفهای نماز حایل باشد که مانع از گذشتن از میان صفها و مشاهده امام شود، نماز صحیح نیست، چه حایل دیوار مسجد یا دیوار خانه باشد و یا دیوار مشترک بین مسجد و خانه باشد. شافعی هم این نظر را دارد. ابوحنیفه گفته: همه این موارد حایل نمی باشد . اگر در خانه اش همراه با نماز جماعت و امام در مسجد نماز بخواند، نماز او صحیح است»(۴).

«نبودن حایل که مانع دیدن امام است، در صورتی است که مأموم مرد باشد . ولی اگر زن به مرد اقتدا کند وجود حایل بین او و امام یا بین او و مأمومین مرد مانعی ندارد، ولی وجود حایل بین زن و زنهای مأموم دیگر که واسطه اتصال به امام هستند و بین زن و امام اگر زن باشد بر فرض مشروع بودن امام جماعت شدن زن محل

۱- ۱ . سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۲۷۳.

۲- ۲ . مهدی نراقی، مستند الشیعه، ج ۸، ص ۵۵.

۳- ۳ . ابی جعفر محمد بن حسن بن علی طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۱۵۶.

۴- ۴ . شیخ طوسی، الخلاف ج ۱، ص ۵۵۷.

اشکال است»(۱).

فصل سوم نگاه روزه دار

نگاه روزه دار

چشم روزه دار

حقیقت روزه داری، تمرین و مراقبت نفس، برای راهجویی به مراتبی از تقوی و یافتن توان خویشتن داری و گامی به سوی کمال یابی است. روزه داری تنها تحمل گرسنگی و تشنگی نیست. اگر روزه دار زبان و گوش و چشم و اعضای خویش را از گناه و گرایش به باطل حفظ نکند ، در حقیقت روزه پذیرفتنی نگرفته است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «هرگاه روزه گرفتی پس باید گوش و چشمت و عورت و زبانت روزه باشد، پس چشمانت را از آنچه که حلال نیست فروبند، و به آن نگاه نکن و آنچه را که حلال نیست گوش نده...»(۲).

نگاه روزه دار به همسرش

نگاه مرد به همسر خود جایز است. و اگر روزه دار به همسرش نگاه کند و منی از او خارج شود، برخی فقها بر این عقیده اند که «اگر محتلم شود چیزی بر او نیست»(۳). زیرا نگاه مرد به همسرش حلال و جایز می باشد. عده ای می گویند: «بدون آن که او را ببوسد، چیزی بر او نمی باشد»(۴).

۱- ۱ . سید روح الله خمینی، تحریرالوسیله ج ۱، ص ۲۵۳.

۲- ۲ . علی اصغر مروارید، سلسله الینابیع الفقهیه، ج۶، ص ۳۱.

۳- ۳ . علامه حلی، تذکره الفقها، ج ۶، ص ۴۵.

۴- ۴ . علامه حلی، مختلف الشیعه، ج ۳، ص ۲۷۹. شیخ طوسی، الخلاف ج ۲، ص ۱۹۳.

صاحب جواهر نگاه روزه دار به همسرش را موجب وجوب قضای روزه نمی داند، بلکه این رای اولی و بهتر است. اما اگر عادت به احتلام شدن داشته و از نگاه قصد خروج منی را دارد، کفاره بر او واجب می شود و بهتر است قضای روزه را به جا آورد»(۱).

نگاه روزه دار به زن بیگانه

هدف عالی روزه این است که سبب تعدیل غرایز روزه دار، و رشد معنویت و صفات پسندیده در نهاد بشر شود. به طوری که اگر برخی صفات نادرست در وجود انسان در طی ماه ها رسوخ کرده، در این ماه توسط روزه داری از بین می رود. اگر روزه دار بخواهد دراین ماه با نگاه به نامحرم از او لذت ببرد، این عمل ناروا سبب عدم مقبولیت روزه اش در درگاه حق تعالی می شود. نگاه مرد به زن نامحرم در هر حال حرام است. بر روزه دار هم جایز نیست در حال روزه به زن بیگانه نگاه کند. امام صادق علیه السلام فرمودند: «هرگاه روزه بودی پس با گوش و چشمت و موی و پوستت روزه باش»(۲).

اگر روزه دار به زنی که بر او حلال یا حرام باشد نگاه کند آیا روزه اش باطل می شود یا نه؟

بین فقها اختلاف است. برخی چون شیخ در خلاف گفته: «هرکس به آنچه که بر او حلال نیست با شهوت نگاه کند و منی از او خارج شود، باید قضای روزه را بگیرد و کفاره ای بر او نیست»(۳). صاحب جواهر به شیخ مفید و سلار این قول را نسبت داده(۴). ابن ادریس هم این نظر را صحیح دانسته،(۵) زیرا دلیلی بر دادن کفاره نداریم. «اصل برائت ذمه از کفاره است. اجماع علمای شیعه هم بر آن دلالت دارد»(۶).

عده ای از علما مانند: علامه در «مختلف» به نقل از سید مرتضی می نویسد: هرگاه کسی در انزال منی تعمد داشته باشد، بر او قضا و کفاره روزه واجب می شود

۱- ۱ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام ج ۶، ص ۱۶۳.

۲- ۲ . محمد بن حسن حرعاملی، وسایل الشیعه. ج ۷، ص ۱۱۶، ح ۱۳۱۲۳.

۳- ۳ . شیخ طوسی، خلاف ج ۲، ص ۱۹۸ و المبسوط، ج ۱، ص ۲۷۲.

۴- ۴ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲، ص ۱۶۲.

۵- ۵ . ابن ادریس، السرائر ج ۱، ص ۳۸۹.

۶- ۶ . شیخ طوسی، خلاف ج ۲، ص ۱۹۸.

اگر چه بدون نزدیکی باشد. ابن براج، هم همین نظر را دارد. علامه گفته: با تکرار نگاه قضای روزه بر او واجب می شود(۱).

شهیـدین گفته انـد: «اگر روزه دار با نگاه حرامش قصـد احتلام داشـته و به قصـد گناه نگاه کند، اقرب این است که کفاره هم بدهـد، بخصوص اگر به این کار عادت کرده باشـد»(۲). دلیـل بر فسـاد و بطلاـن روزه و وجوب قضای روزه، نگاه حرام است. اگر نـاظر واجـد این دو صـفت (قصـد خروج منی و عـادت به نگاه) نباشـد. حـداقل فعل مزبور (نگاه کردن) نهی شـده است و کمترین مرتبه نهی چنانکه در علم اصول مقرر شده، فساد عمل است(۳).

شـافعی وابوحنیفه وثوری گفته انـد: روزه بـا خروج منی از فرد به سـبب نگـاه، باطـل نمی شود . احتلاـم بـدون نزدیکی، مـانند احتلام با فکر و خیال است. احمـد حنبل و مالك و حسن بصـری معتقدنـد: با نگاه روزه مطلقاً فاسد می شود، زیرا انزال منی با نگاهی بود که از آن لذت برده است و امکان اجتناب از آن نگاه برای او بوده، و مانند احتلام به لمس موجب بطلان روزه می شود(۴). اگر بگوییم که نگاه باعث بطلان روزه، شده چنانکه مالك گفته فرقی بین تکرار و عدم تکرار نگاه نمی باشد.

انس بن مالك از رسول اکرم روایت کرد که فرمودنـد: « هرکس پشت سـر زنی با نگاهش دقت نماید تا اینکه حجم بدنش را از بالای لباس نگاه نماید، در حالی که روزه دار هم هست، او روزه اش را افطار کرده است»(۵).

روءیت هلال ماه

اول ماه با روءیت هلال شناخته می شود. دیدن هلال ماه به چند امر ثابت می شود:

اولین راه ثبوت هلال، دیدن هلال شب اول ماه است. اینکه فرد خود هلال ماه راباچشم ببیندوبر کسـی که ماه را دیده، روزه بر او واجب است و در حق دیگری که ماه را ندیده این حکم، اثبات نمی شود. در وجوب روزه بر کسی که گر چه به تنهایی

۱- ۱ . علامه حلی مختلف الشیعه، ج ۳، ص ۲۷۹.

۲- ۲ . شهید اول. اللمعه الدمشقیه، ص ۲۶؛ شهید ثانی، الروضه البهیه ج ۱، ص ۲۰۱.

۳- ۳ . شهید ثانی، الروضه البهیه ج ۱، ص ۲۰۱.

۴- ۴ . علامه حلی تذکره الفقها ج ۶، ص ۲۴.

۵- ۵ . محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۲، موسسه الوفاء، بیروت، لبنان، سوم، ۱۹۸۳- ۱۴۰۳، ص ۲۹۰، ح ۷.

ماه را دیده، هیچ اختلاف و شبهه ای بین علما نیست. اگر این فرد شهادت بدهد که ماه را دیده، شهادتش در حق دیگران قبول نمی شود، و برخود او روزه واجب است. «به همین گونه به هنگام مشاهده هلال ماه شوال باید افطار کند، به دلیل صدق رویت هلال ماه رمضان که مأمور به روزه گرفتن است و افطار کند با دیدن هلال ماه شوال، و به دلیل روایات مستفیض و متواتر و اجماع بر رویت این قول به سبب شهرت مورد اتفاق مشهور فقهاست».(۱)

صاحب شرایع می گوید: «کسی که ماه را ندیده ، روزه گرفتن بر او واجب نیست، مگر آن که سی روز از ماه شعبان گذشته باشد و یا گروهی از مردم بر دیدن ماه اتفاق داشته باشند»(۲). به دلیل اصل و ظاهر بسیاری از نصوص(۳).

«با دیدن هلال ماه در یک شهر و یا اشتراک افق آن شهر با مکان دیگر، در اثبات رویت هلال کافی است، به گونه ای که اگر هلال را در این شهر ببیند در شهر دیگر هم دیده می شود، با دیدن هلال در یک شهر، اماره ای قطعی بر اتمام ماه و آغاز ماه جدید قمری برای اهل زمین است، نه خصوص سرزمینی که هلال را در آن می بینند، و برای شهری که با آن شهر در افق متحد باشد»(۴).

در اثبات رویت هلال ماه دو دیدگاه وجود دارد:

اشاره

۱) دیدگاه مشهور: دیدن هلال و ثابت شدن ماه در افق، تنها برای همان افق و افقهای نزدیک به آن، اعتبار دارد و سرزمینهایی دور و افقهای گوناگون را در بر نمی گیرد.

۲) دیدگاه غیر مشهور: دیدن هلال و ثابت شدن ماه در سرزمینی، برای دیگر سرزمینها کافی است و می توان با دیدن هلال و ثابت شدن ماه در هر سرزمینی از کره زمین، روزه گرفت، یا روزه گشاد(۵).

علما بر هر یک از این دو دیدگاه نقدهایی نوشته اند و دیدگاه جدیدی به عنوان «نظریه اختصاص» ارایه داده اند. برای بیان دیدگاه اختصاص چند دلیل آورده اند(۶).

۱- ۱ . محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۶، ص ۱۹۶.

۲- ۲ . ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن، شرایع الاسلام، ص ۱۴۸.

۳- ۳ . سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ص۲۷۳.

۴- ۴ . همان، ص ۲۷۵.

۵- ۵ . حسین ثابت قدم وحید، نگاهی نو به ثابت شدن ماه و گوناگونی افقها، ص ۱ www. Hawzah.net

۶- ۶ . همان، ص ۳.

دلیل نخست :

آیه شریفه: «فَمَنْ شَهِدَ مِنْکُمُ الشَّهْرَ فَلْیَصُمْهُ»(۱). هرکس این ماه را درک کند، باید روزه بدارد.

محقق اردبیلی در استدلال بـه ایـن آیه شـریفه می نویسـد: «ظـاهر این است که مراد از: «مَنْ شَـهِدَ مِنْکُمُ الشَّهْرَ» دیـدن مـاه در سرزمینی است که در آن حضور دارند و آنچه به ذهن تبادر می کند همین امر است(۲).

دلیل دوم: اطلاق روایتهای دیدن:

روایـات مطلق متواتری وجود دارد که بر آغـاز و انجـام ماه و با دیـدن، دلالت دارنـد. در این روایتها، اموریماننـد: هم افقی و نزدیکی دیده نمی شود»(۳) رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «صومُوا للرُوءیهِ واَ فْطَرُوا للرُوءیه»(۴).

امام رضا علیه السلام در حدیثی فرمودند: «الصوم للرُویَه وَالفِطِر لِلْرُوءیه»(۵).

«مفـاد این روایـات، روزه گرفتن و روزه گشادن و به دیگر سـخن، ثابت شـدن ماه، به دیـدن هلال است. و چون بنابر انگار در شهرهای نزدیک به شهری که در افق آن هلال دیده شده، دیدن هلال رخ نداده، ماه نیز ثابت نخواهد بود»(۶).

دلیل سوم: روایاتی که از شک و گمان بازمی دارند

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«فِی کِتَابِ عَلی علیه السلام . صُمْ لِرُوءیَتَه وَ اَفطِرْ لِرُوءیَتِه وَ اِیَاکَ وَ الشّکَ و الظنّ»(۷).

در کتـاب علی علیه السـلام است که بـا دیـدن هلاـل روزه بگیر و و با دیـدن آن، روزه بگشای و در امر هلال از شک و گمان بپرهیز.

رویت هلال، به ظن و گمان صـحیح نیست. باید با قطع و یقین به رویت هلال روزه گرفت و یا افطار کرد. فضل بن عبدالملک از امام صادق علیه السـلام روایت کردند که: «الصوم للرویه و لیس الرویه ان یراه و احد و اثنان و لاخمسون»(۸)؛ روزه بر مبنای روءیت

۱- ۱ . قرآن کریم، سوره مبارکه بقره / ۱۸۵.

۲- ۲ . مقدسی اردبیلی، مجمع الفائده و البرهان، ج ۵، ص ۲۹۴.

۳- ۳ . حسین ثابت قدم، نگاهی نو به ثابت شدن ماه و گوناگونی افقها، ص ۱۱ www hawzah Net.

۴- ۴ . میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسایل، ج ۱، ص ۵۷۱.

۵- ۵ . محمدبن حسن حر عاملی، وسایل ج ۷، ص ۱۸۳، ح ۱۳۳۴۶.

۶- ۶ . حسین ثابت قدم، نگاهی نو به ثابت شدن ماه و.... ص ۱۱.

۷- ۷ . محمدبن حسن حر عاملی، وسایل ح ۷، ص ۱۹۲.؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۵۸.

۸- ۸ . ابن بابویه قمی. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۹۵، ح ۳۳۷.

است و رویت این نیست که یک یا دو نفر یا پنجاه نفر آن را ببینند.»

یعنی با یقین و اطمینان به رویت هلال، روزه بگیرد، با پیشگویی منجمان و با عدم اطمینان هلال ثابت نمی شود.

دومین راه ثبوت هلال: شهادت دو مرد عادل به اینکه هلال ماه را دیده اند.

صاحب جواهر می گوید: اگر مردم اتفاق بردیدن ماه نداشته باشند دو شاهد عادل شهادت می دهند، اما اگر بگویند آنها را نمی شناسیم. بعضی گفته اند: شهادتشان قبول نمی شود. صدوق و شیخ ابن زهره، ابن حمزه، براج، ابوالصلاح معتقدند که با علت وجود ابر و دود و غبار در آسمان پذیرفته می شود. در صورت نبودن علت خاص، شهادت پنجاه نفر معتبر می باشد(۱).

علامه در المختلف به نقل از«المقنع»آورده: «درشهادت به روءیت هلال، کمتر از قسامه پنجاه شاهد جایز نیست. و شهادت دو مرد عادل اگر خارج از شهر باشد و یا در خود شهر باشد جایز است»(۲).

اقتضای قبول شهادت آنها، خروج از شهر است. شیخ در «النهایه» آورده که: اگر در آسمان پدیده ای مثل غبار، ابر و... باشد که هلال دیده نمی شود، باید پنجاه شاهد، از اهل شهر شهادت دهند که ماه را دیده اند. و یا دو شاهد عادل از خارج شهر شهادت به رویت دهد»(۳). روشن است که شیخ شهادت پنجاه نفر را برای حصول شیاع معتبر دانسته و اگر کمتر از آن باشد معتبر نمی داند.

امام خمینی قبول شهادت دو عادل مبتنی بر دیدن ماه را اگر مستند به علم و قطع باشد، کافی می دانند، وفرموده اند: لازم نیست که دو عادل در یک زمان ماه را دیده باشند و اینکه هر دو در یک شب دیده و در اوصاف اتفاق دارند کافی است مگر بعضی اوصاف خارجی که احتمال اختلاف در تشخیص آنها می رود، مثلا اینکه بگوید ماه بلند بود. یا در طرف شمال یا جنوب بود، اگر اختلافشان شدید نباشد قبول شهادتشان بعید نیست . اگر یکی از صفات را بر خلاف واقع بگویند شهادتشان قبول نیست»(۴).

۱- ۱ . محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۶، ص ۱۹۶.

۲- ۲ . علامه حلی، مختلف الشیعه، ج ۳، ص ۳۴۵.

۳- ۳ . علی اصغر مروارید، سلسله الینابیع الفقهیه (النهایه)، ج ۶، ص ۱۳۴.

۴- ۴ . سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۹۶.

اگر دو شاهـد نزد حاکم، بینه آورند که ماه را دیده اند، شـهادتشان پذیرفته می شود. اگر بینه ای نداشـته باشـند، شـهادت آنها مقبول نیست.

شهید در «شـرح اللمعه» فرموده: «اگر مردم بر دیدن ماه اتفاق نداشـته باشـند، دو شاهد به رویت هلال شهادت می دهند. بعضی گفته اند: شهادتشان قبول نمی شود، و برخی گفته اند، مطلقاً قبول می شود اظهر همین قولی است»(۱).

برخی گفته اند: «هلال به شهادت دو فرد عادل ثابت نمی شود. اگر شهادت به رویت هلال ندهند، بلکه شهادت علمی و قطعی دهند به اینکه ما علم به رویت هلال داریم از روی حساب و یا از روی جادو و یا از قرائن مانند علم به عدم رویت هلال در سه روز آخر ماه، این علم نفعی برای دیگری ندارد و برای خودشان منفعت دارد»(۲).

امام صادق علیه السلام فرمودند: «در رویت هلال به جز شهادت پنجاه مرد اگر در شهر باشند قبول نمی شود (عدد قسامه). اگر خارج از شهر باشند، شهادت دو مرد عادل قبول می شود»(۳).

بنابر نظریه اختصاص، در فرض صاف بودن آسـمان، ثابت شـدن ماه به دیـدن هلال در یک منطقه یا شـهر، ویژه همان شـهر یا نـاحیه است و به شـهرهای نزدیـک یا دور و به طور کلی هر ناحیه ای که هلال در آن با چشم در خور دیـدن نباشـد، گسترش داده نمی شود. بر این اسـاس، در شب بیست و نهم هر ماه، هر منطقه خودش عهـده دار دیـدن هلال شـده و ثابت شـدن ماه در گرو چنین دیدنی خواهد بود و بر دیدن دیگر ناحیه ها اثری بار نخواهد شد.

با فرض ابری بودن آسـمان، تنها دیـدن هلال در سـرزمینهای هم افق ثابت قمری و در سـرزمینهایی که اگر آسـمان آنها صاف باشـد، همواره هلال را یکسان و به گونه مشترک خواهنـد دیـد. برای یکدیگر معتبر خواهد بود. به عبارت دیگر، در این فرض تنهـا دیـدن آن دسـته از سـرزمینهایی که کاشف از وجود هلال در خور هلال دیـدن در منطقه ابری است، معتبر خواهـد بود و سبب ثابت شدن ماه در منطقه ای ابری خواهد شد»(۴).

۱- ۱ . شهید ثانی، الروضه البهیه ج۱، ص ۲۰۶.

۲- ۲ . محمد حسینی شیرازی، الفقه (کتاب الصوم) ج ۲، ص ۱۵۶.

۳- ۳ . علی اصغر مروارید، سلسله الینابیع الفقهیه (الهدایه بالخیر) ج ۶، ص ۹۶.

۴- ۴ . حسین ثابت قدم، نگاهی نو به ثابت شدن ماه، ص ۳۸.

دعا هنگام نگاه به هلال ماه رمضان

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر گاه هلال ماه رمضان را دیدی با انگشت به آن اشاره نکن، و دستانت را به طرف آسمان بلند کن خطاب به هلال بگو: «رِبّی وَ رَبّکَ الله رَبّ العَالَمِینَ اللهُم اَهْلَه عَلَیْنا بِالَامنِ وَ الْاِیمَانِ وَالسَلام وَ الْاَسَلام وَ المُسَارِعِه اِلی مَا تُحّب وَ تَرضَی. اللَهُم بَارَک لَنا فِی شَهرِنَا هَذا وَ ارْزُقنَا عَونه وَ خَیره وَاصْرف عنَا ضُرَّهُ و شَرَّهُ و بَلاءهُ و فِتْنَتَهُ»(۱).

پروردگار من و تو خداوند جهانیان است. خداوندا، بر ما امنیت و ایمان، سلامتی و اسلام و کمک به آنچه که دوست داری و به آن راضی هستی ارزانی دار. پروردگار، به ما در این ماه، توفیق کمک و خیر ارزانی دار و شر و بدی و بلا و فتنه را از ما دور کن.

شیخ مفید در« المقنعه» می گوید: «در هنگام رویت هلال، سنت ثابتی از رسول الله صلی الله علیه و آله رسیده که دعا در هنگام رویت هلال خوانده شود. دعایی که از امام صادق و امام باقر علیهم السلام رسیده بخواند:

«اَللهُم أهلَه عَلَینا وَ عَلَی اهْلِ بُیوتنَا وَ اشیَاعَنا وَ اَخْوانَنا بِأَمنِ، وَ ایمَانِ، وَ سَلامِه، وَ اسْلَام، وَ بِر، وَ تَقْوی، وَ عَافِیَهِ مُجلَّله، وَ رِزقِ وَاسع حسن، وَ فَراغ مِن الشّغل، وَ اکتفاء فِیه بِالقَلِیلِ مِن النَّوم، وَ مُسَارعِهِ فِیما تُحِبّ وَ تَرضی، وَ ثَبّتْنَا عَلیه. اللهم بارک لَنا فِی هَذا الشَهرِ، وَ ارزُقنا بَرکتِه، وَ خَیره، وَ عَونه، وَ غَنمه، وَ فَوزَه، وَ اصْرف عَنّا شَرّه، وَ ضَرَه، وَ بَلائه، وَ فَتنه. اللَهُمَ مَا قَسَمت فِیه مِنَ رِزْقِ، او خَیرِ، اوْ عَافِیه، او فَضلِ، او مَغْفرِه، اوْ رَحْمَهِ، فَاجْعَل تَصیُبنَا فِیه الأکثر، وَ خَطَّنا مِنه الأوُفر، اِنَّکَ عََلَی کُلِ شََیِء قَدِیر»(۲).

نگاه معتکف

نگاه معتکف به زن بیگانه و یا همسر خود موجب بطلان اعتکاف می شود یا نه؟ صاحب عروه معتقد است: نگاه با شهوت معتکف به کسانی که نگاه به آنها جایز نمی باشد حرام است، هرچند، احتیاط، اجتناب از این نگاه است. اگر نگاه حتی به طریق حلال باشد ، مثل نگاه به همسر که سبب احتلام شود ، حرام است(۳).

ص: ۹۷

۱- ۱ . علی اصغر مرواريد، سلسله الينابيع الفقهيه (هدايه بالخير) ج ۶، ص ۳۰.

۲- ۲ . شیخ مفید، المقنعه، جزء دوم، ص ۳۱۵.

۳- ۳ . سید محمد کاظم طباطبایی، العروه الوثقی، ص ۳۸۴.

علامه در مختلف به رأی ابن جنیـد که گفته: نگاه بعـد از نگاه (تکرار نگاه) با شـهوت توسط معتکف باعث فساد اعتکاف می شود، اشـکال گرفته و فرموده: «در فاسد شدن و بطلان اعتکاف با نگاه شـهوت آلود و بوسـیدن اشـکال است، چرا که دلیلی بر حرمت نگاه و بوسیدن با شهوت که باعث فساد اعتکاف شود، نمی باشد»(۱).

آیه الله حکیم طباطبایی هم گفته: «دلیل مخالفت ابن جنید مشخص نیست».(۲)

ص: ۹۸

۱- ۱ . علامه حلی، مختلف الشیعه، ج ۳، ص ۳۵۳۳۵۲.
۲- ۲ . سید محسن طباطبایی حکیم، مستمسک العروه، ج ۸، ص ۵۸۷.

فصل چهارم نگاه مُحرم در حج

اشاره

حـج، واجبی است که جوهره ایمان را در فرد و جامعه زیاد می کنـد، زیرا انسان به سوی خـدا حرکت و دعوت الهی را اجابت کرده، فرشتگان مقرب الهی او را احاطه می کنند و دلش به وسیله ایمان پر از هیجان می شود، تقوا را متجلی می سازد.

حج در رأس قله شـعائر ایمانی قرار دارد و خداوند آن را وسـیله ای جهت رهایی انسان از قید و بندها و سـختیها و عذاب الهی قرار داده است. حـج کوره ذوب گناهان، میعاد دلباختگان و شب زنـده داران است، اردوی دلـدادگی و شـیفتگی است، لبیک گفتن در میقات وفاست، لبیک شروع احرام است.

قطع تلبیه

تلبیه در حکم تکبیره الاـحرام نمـاز در حـج است، آغاز یک قیام توحیـدی است. التماس در دوستی با خـداست، شـروع احرام است. ائمه ما هنگامی که در میقات برای لبیک گفتن می ایستادند، برای به دست آوردن آمادگی لازم و انتقال به مرحله پرواز ، حالشان دگرگون می گشت و گاه دقایقی آنان را یارای لبیک گفتن نبود. بعـد از حرکت از میقات، لبیک را ادامه می دهند تا محدوده معینی که لبیک باید قطع شود و جایگاه آن در هر نوع حجی متفاوت است.

الف) حج تمتع

مشـهور فقها بر این عقیده اند که: کسـی که حج تمتع به جا می آورد وقتی که خانه های مکه را مشاهده کرد باید تلبیه را قطع کند.

ص: ۹۹

معتمر در حج عمره تمتع، تلبیه راهنگام مشاهده خانه های مکه از زمانهای قدیم قطع می کرد وحدآن برای کسانی که از راه مدینه می آمدند عقبه المدنیین (عقبه اهل مدینه) که مکانی معروف است می باشد(۱).

شیخ گفته: مُحرم در حج عمره از میقات محرم می شود، تلبیه را هنگام دخول در حرم قطع می کند، و اگر حج تمتع به جای آورد، هنگام مشاهده خانه های مکه تلبیه را قطع می کند. مالك هم این رأی را پذیرفته، اما گفته اگر قبل از میقات محرم شود با دیدن خانه های مکه تلبیه را قطع می کند، شیخ به اجماع علما بر این نظر خود استناد کرده است(۲).

علامه هم در مستند بر آن ادعای اجماع محقق و محکم کرده به دلیل آنچه که از روایات استفاده می شود.(۳)

از جمله روایات رسیده در این باب ، روایت حلبی از امام صادق علیه السلام است که فرمودند : «متمتع هنگامی که خانه های مکه را مشاهده کرد تلبیه را باید قطع کند»(۴).

در حد خانه های مکه بین فقها اختلاف است. علامه در مختلف گفته: «ابی عقیل حد خانه های مکه را عقبه المدنیین و ابطح می داند، و ابن بابویه و پسرش حد خانه های مکه را عقبه المدنیین دانسته اند»(۵).

در روایت موثق معاویه ابن عمار از امام صادق آمده که فرمودند: « هر گاه در حج تمتع داخل مکه شدی، با دیدن خانه های مکه، تلبیه را قطع کن . حد خانه های مکه قبل از امروز عقبه اهل مدینین بود و مردم در مکه بناهایی پدید آوردند که پیشتر نبود . پس لبیك را قطع کن و تا می توانی تکبیر و تهلیل (لااله الا الله) بگو و حمد و ثنای خداوند عزوجل را به جا آور»(۶).

۱- ۱ . شهید ثانی، الروضه البهیه، ج ۱، ص۲۵۷؛ روح الله خمینی، تحریر الوسیله ج۱، ص؛ محمد حسن نجفی، جواهرالکلام، ج ۶، ص ۴۷۶؛ علامه حلی، مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۶۰ ۶۰، تذکره الفقها ج ۷، ص ۲۵۳؛ علی اصغر مروارید، سلسله الینابیع الفقهیه، (النهایه)، ج ۷، ص ۱۷۷.

۲- ۲ . شیخ طوسی، خلاف ج ۲، ص ۳۳۱.

۳- ۳ . علامه حلی، مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۲۲.

۴- ۴ . همان ج ۱۱، ص ۳۲۲؛ شیخ طوسی، التهذیب ج ۵، ص ۹۴، ح ۳۰۷، باب اول؛ سید محمد بن علی موسوی عاملی، مدارك الاحکام، ج ۷، موسسه آل بیت لاحیاالنراث، بیروت، اول، ص ۲۹۵.

۵- ۵ . علامه حلی، مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۶۰.

۶- ۶ . محمد مهدی نراقی، مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۲۲؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۹۴، ح ۳۰۹، باب ۷.

در روایت محمد ابی نصر از امام رضا علیه السلام آمده که فرمودند: «متمتع، هنگام نگاه به اعراش مکه در ذی طوی تلبیه را قطع کند. اعراش مکه یعنی خانه های مکه»(۱).

برخی اشکال گرفته که دو روایت عمار وابی نصر حد قطع تلبیه را دو مکان گرفته اند، که دراولی، عقبه المدنیین و در دومی، عقبه ذی طوی می باشد.

برای جمع این دو روایت باید گفت: روایت اول در حق کسی که از مدینه وارد مکه می شود رسیده . روایت دوم، تکلیف کسی را که از عراق وارد می شود ، مشخص می کند. باید گفت که دو حد ذی طوی و عقبه المدنیین برای یک مقصود (قطع تلبیه) گفته شده، اگرچه در اسم متفاوتند آن هم به سبب اختلاف جهت و مکان است.(۲)

احرام، با این تلبیه بسته می شود، بعد از احرام مستحب است محرم این لبیک ها را ادامه دهد تا محدوده هایی که تعیین شده، زمزمه کردن این لبیک در هر فراز و نشیبی و در هر اوج و حضیضی، برای آن است که در هر لحظه و آنی انسان، آن عهد را تجدید کند.

ب: عمره مفرده

در اینکه محرم در عمره مفرده در کجا باید تلبیه را قطع کند، روایات بسیاری وارد شده که حد قطع تلبیه را بیان کرده و بیان این حد در روایات متفاوت است.

علامه در «تذکره» آورده: «معتمر در عمره مفرده مستحب است که تلبیه را تکرار کند تا اینکه داخل حرم شود، اگر محرم از کسانی است که خارج از حرم، محرم شده، هرگاه خانه کعبه را مشاهده کرد تلبیه را قطع کند»(۳).

در «مختلف» هم بیان کرده اند: «به نظر من بر طبق روایت صحیح محمد عذافر از امام صادق علیه السلام باید عمل کرد که فرمودند: هر کس داخل مکه شد و حج عمره مفرده به جای آورد، باید تلبیه را هنگامی که شتر او پایش را در حرم نهاد، قطع کند»(۴).

معتمر درعمره مفرده، اگر از کسانی است که از خارج حرم وارد آن می شود، با

۱- ۱ . شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۹۴، ح ۳۰۹، باب ۷.

۲- ۲ . شیخ طوسی، تهذیب، ج۵، ص۹۶.

۳- ۳ . علامه حلی، تذکره الفقها، ج ۷، ص ۲۵۵.

۴- ۴ . علامه حلی، مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۵۷؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۹۵ ح ۳۱۳، باب ۷.

مشاهده کعبه تلبیه را قطع می کنـد و اگر حج قران به جا می آورد و خارج از مکه محرم شود و هر نوع حجی را هم که به جا می آورد تکبیر را تا هنگام زوال روز عرفه باید ادامه دهد.

عمر بن یزیـد از امـام صـادق علیه السـلام روایت کرد که: هر کس قصـد خروج از مکه را برای عمره داشـته باشـد از جعرانه و حـدیبیه و یا جایی ماننـد آن محرم می شود، و کسـی که از مکه برای عمره خارج شود سـپس برای عمره داخل شود تلبیه را تا وقتی که نگاهش به کعبه نیفتاده قطع نکند(۱).

این روایت مختص کسانی است که از مکه برای احرام عمره مفرده خارج شده اند نه غیر آنها.

محقق هم چون شیخ بیان داشته: اگر فرد بیرون حرم محرم شد، تا هنگامی که کعبه را مشاهده کند لبیک می گوید(۲).

یونس بن یعقوب می گویـد: «از امام صادق علیه السـلام سؤال کردم: درباره مردی که حـج مفرده به جا می آورد کجا تلبیه را قطع می کند. فرمودند: هرگاه خانه های ذی طوی را دید تلبیه را قطع کند(۳).

روایت دیگری از فضـیل بن یسـار رسـیده که گفته است: از امام صادق علیه السـلام سؤال کردم: «کسـی که برای عمره به مکه داخـل می شـود کجـا تلـبیه را قطع می کنـد.» فرمونـد: «حیـال العقبـه _ عقبـه المـدنیین _ » گفتم: «عقبه المـدنیین کجـاست؟» فرمودند: «حیال القصادین»(۴).

در هر حـال در عمره مفرده، مُحرم بـا دخول در حرم، تلبیه را قطع می کنـد . طبق روایات، یا هنگام ورود به ذی طوی یا هنگام نگاه به خانه مکه و یا در عقبه المـدنیین . با توجه به نظر فقها و روایات رسـیده ، روایتی که حد قطع تلبیه را عقبه المدنیین بیان کرد، مختص کسانی است که از راه مـدینه به مکه می آینـد، و روایتی که بیان کرده محرم در ذی طوی تلبیه را قطع کند برای کسانی است که از راه عراق به

۱- ۱ . محمد مهدی نراقی، مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۲۵؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۹۵، ح ۳۱۵، باب ۷.

۲- ۲ . محقق حلی، مختصرالنافع، ص ۸۳، علامه حلی، ج ۷، ص ۲۵۵.

۳- ۳ . شـیخ طوسـی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۹۵، ح ۳۱۴؛ محمـد بن حسن حر عـاملی، وسائل، ج ۹، ص ۶۱، ب ۴۵، ح ۱۶۶۰۳.

۴- ۴ . شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۹۶ ۹۵، ح۳۱۶؛ سید محمد بن علی موسوی عاملی، مدارک الاحکام ج ۷، ص ۲۹۶ _ ۲۹۷.

مکه می آینـد و روایتی که متضـمن نگاه به کعبه است برای کسانی است که از مکه برای عمره خارج شـده اند . در نتیجه بین روایات منافاتی نمی باشد، به حسب گمان بعضی افراد که آن را بر تخییر حمل کرده اند.

چرا که صدوق، گفته است: «محرم مخیر است که تلبیه را قطع کند یا نکند»(۱).

زمانی که محرم به کعبه رسـید، مهیا و آماده است. تمام هستی و وجودش در حال بیدار باش، وقتی از دور شهر مکه، شهر خدا را می بیند، حمد و ثنا می گوید: الله اکبر، و لا اله الا الله، یعنی بزرگترین شعار و معارف دین، بالاترین ذکر و کلمه اخلاص.

صعود به صفا و نگاه به کعبه

«اَنَالصَّفَا وَ المَروَهُ مِنْ شَعاِئرُاللهِ؛ صفا و مروه از شعائر و نشانه های الهی هستند (نه از شعائر بت پرستی).»

علما در وجوب و عـدم وجوب صـعود به صـفا برای دیـدن کعبه اختلاف دارند. برخی گفته اند: محرم باید به گونه ای به کوه صفا صعود کند که خانه کعبه را از باب صفا ببیند. چرا که ادله و نصوص رسیده و اجماع علما بر صعود به صفا دلالت دارد.

بعضی دیگر از فقها بر عدم وجوب صعود به کوه نظر داده اند. در «التذکره» و «المنتهی» اجماع اهل علم بر عدم وجوب آن می باشـد. مگر خبرشاذ و نادری که نمی توان به آن اعتماد کرد.(۲) روایت صـحیح معاویه از امام صادق علیه السلام که فرمودند: «فَاصْعَد عَلَی الصَّفَا حَتَی تَنْظُر اِلَی الْبیتِ؛(۳) به کوه صفا صعود کن، تا آنجایی که خانه کعبه را نگاه کنی».

می توان از این روایت اسـتحباب صعود به کوه و نگاه به کعبه را دریافت. ظاهراً منظور از «فاصعد» تا آخر، امر به صعود و نگاه به کعبه و رو کردن به رکنی که در آن حجره الاـسود است می باشـد، امـا دیـدن کعبه متوقف بر صـعود نیست به دلیل روایت صحیح عبدالرحمان بن حجاج از ابا الحسن علیه السلام درباره زنانی که سوار بر شتر و چهارپا شده و طواف می کنند، پرسید : «آیا بر آنها جایز است که پایین کوه صفا و

۱- ۱ . ابی جعفر صدوق محمدابن بابویه قمی. من لایحضره الفقیه ج ۲، ص ۳۴۷.

۲- ۲ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۷، ص ۲۲۳.

۳- ۳ . حسن حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۹، ص ۵۱۷، ح ۱۸۲۴۷، ب ۴.

مروه بایستند؟» فرمودند: «بله، به گونه ای که کعبه را ببینند».(۱)

شیخ در نهایه گفته است: «به کوه صفا صعود کن و به طرف رکنی که در آن حجرالاسود است نگاه کن و حمد و سپاس خدا را بگو»(۲).

استحباب صعودبه کوه برای دیدن کعبه ذکر شده که با رفتن به پله چهارم قابل رویت خواهد بود.

نگاه به کعبه

«اِنَّ اوَّلَ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذی بِبَکَّهَ مُبارَکا وَ هُدیً لِلْعالَمین»؛(۳) بی گمان نخستین خانه ای که برای مردن نباشد، آن است که در بکه است مبارک است و راهنمای جهانیان.»

خداوند در قرآن احترام خاصی برای مکه قرار داده و آن را عامل قیام همگان دانسته است . خانه کعبه، خانه دلهاست، ساحت قدسی و جایگاه عبادت خداست. کهن ترین جایگاه نیایش مردمی، خانه ای عتیق و آزاد از مالکیت بشری.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «هر کس با معرفت به کعبه بنگرد و عارف به حق ما بوده و حرمت و منزلت ما را در برابر حق کعبه و حرمت کعبه را بشناسد، خدا همه گناهان او را می آمرزد و خوبی ها و برترین درجات دنیا و آخرت نصیب او می گردد»(۴).

روایات بسیاری رسیده مبتنی بر اینکه هر کس به کعبه نگاه کند و دعا بخواند، در برابر هر نگاه او برایش حسنه نوشته شده و گناهان او را پاک می کند، تا آن که از کعبه چشم بردارد، که بیانگر استحباب نگاه به کعبه می باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «النَّظَّرِاِلَی الْکَعْبَه عِبَادَه(۵)؛ نگاه کردن به کعبه هم عبادت است».

محرم هرگاه داخل مسجدالحرام شد به کعبه نگاه کند و بگوید: «الحمدُللهِ الَّذي عَظّمَكِ وَ شَرّفَكِ وَ كَرَّمَكِ وَ جَعَلَكِ مَثَابَه لِلنَّاسِ وَ اَمْناً مُبارکاً وَ هُدیً لِلْعَالَمینَ»(۶).

۱- ۱ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۷، ص ۲۲۳.

۲- ۲ . علی اصغر مروارید، سلسله الینابیع الفقهیه (النهایه)، ج ۷، ص ۱۹۳.

۳- ۳ . قرآن کریم، سوره مبارکه ال عمران/ ۵۷-۵۶.

۴- ۴ . سید محمد شیرازی، الفقه (کتاب الحج) ج ۲، ص ۱۵۹؛ و ابی جعفر محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج ۳، ص ۲۳۸، باب ۲۳؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسایل ۹، ص ۲۸۳.

۵- ۵ . وسائل، ج ۵، ص ۳۶۵، ح ۱۷۷۰۹.

۶- ۶ . علی اصغر مروارید، سلسله الینابیع الفقهیه (المقنع فی الفقه)، ج ۷، ص ۳۰؛ ابی جعفر الصدوق محمد بن علی ابن بابویه

قمی، من لایحضره الفقیه ج۲، ص ۴۰۰؛ میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسایل، ج ۲، ص ۱۴۸.

«چون به حج رفتید به خانه کعبه بسیار بنگرید، چرا که خداوند تعالی یکصد و بیست رحمت در خانه خود قرار داده که شصت عدد آن برای طواف کنندگان و چهل عدد آن برای نمازگزاران و بیست رحمت برای نگاه کنندگان به خانه خداست»(۱).

نگاه با چشم، زمینه تحصیل «نگاه با دل» را فراهم می کند. اگر دیدن که کار دل است حاصل شود، بسیاری از معارف حضور پیدا می کند و چون کعبه، زمینه این معارف بلند را در بر دارد، لذا نگاه به آن عبادت است.

«پس استحباب، در کثرت نگاه به کعبه است»(۲).

نگاه به حجرالاسود

حجرالاسود یکی از مشاعر معظم و اماکن مقدس کعبه است. نشانه وسرّی است بین خالق و بنده و استلام آن سوگندنامه ای است که انسانها با خدای خویش می بندند، استلام و دست کشیدن به آن، تجدید بیعت و یادآوری عهد و میثاق با پروردگار است.

استاد الهی قمشه ای می فرماید: «حجرالاسود خال لب لعل است و این خال را هنگام وصال و حضور در پیشگاه محبوب حقیقی ببوس».

در روایات آمده که: « نگاه به حجرالاسود مستحب است و محرم هر گاه به آن نگاه کرد دعا بخواند»(۳).

صدوق گفته: « محرم پس از دخول در مسجد به حجرالاسود نگاه کند و دستش را بالا برد و حمد و ثنای خدا را گفته و سلام و درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله بفرستد و از خداوند بخواهد حجش را قبول کند، و سپس حجر را لمس کند و ببوسد»(۴).

نگاه محرم به عطر

۱- ۱ . محمد بن حسن حر عاملی، وسایل الشیعه ج ۹، ص ۳۶۵، ح ۱۷۷۰۸.

۲- ۲ . میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسایل، ج ۲، ص ۱۴۴.

۳- ۳ . علی اصغر مروارید، سلسله الینابیع الفقهیه، (المقنع) ج ۷، ص ۳۰.

۴- ۴ . همان(الهدایه بالخیر) ج ۷، ص ۵۰؛ میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسایل ج ۲، ص ۱۴۸.

یکی از محرمات عطر اجتناب از بوی خوش و عطر است و نبوئیدن آن از جمله واجبات است.

بی شک خرید و فروش عطر و نگاه به آن برای محرم جایز است. مرحوم نراقی(۱): بر آن ادعای اجماع کرده و اصل هم بر جواز این امر دلالت دارد. چرا که منع بر استعمال بوی خوش وارد شده و نگاه کردن به عطر، استعمال به شمار نمی آید.

روایت صحیح محمد بن اسماعیل هم بر آن دلالت داشته، که گفت: «ابالحسن علیه السلام را دیدم، در حالی که محرم بود، بین دو دستش عطری بود که به آن نگاه می کرد، و از بوئیدن آن و کشیدنش بر لباسشان اجتناب می کردند»(۲).

نگاه در آیینه

حُجاج برای آراسته شدن به زینت ایمان وتقواواستشمام عطرالهی خود را از آلایشها و زینتهای دنیوی می زدایند، فقهامتفق القولند که نگاه کردن در آیینه برای محرم جایز نیست، اما در حرمت و کراهت این نگاه اختلاف دارند؛ برخی فقها قائل به حرمت این نگاه هستند از جمله: محقق حلی در شرایع و مختصر، ابن ادریس، شیخ در نهایه و مبسوط این قول را بیان داشته اند.(۳)

برخی دیگر قائل به کراهت این نگاه شده اند، شیخ در «خلاف»(۴) این رای را برگزیده و ابن حمزه(۵) و ابن براج(۶) هم آن را قبول کرده اند. به دلیل اجماع فقها و روش احتیاط در این مسأله.

علامه حلی در «مختلف» قایل به حرمت شده و آن عمل را یک نوع زینت محسوب کرده، به نقل از ابوجعفر ابن بابویه در «المقنع» می گوید: «محرم نباید به آیینه نگاه کند، زیرا این عمل زینت است و مشعر به حرمت می باشد»(۷).

۱- ۱ . مهدی نراقی، مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۷۹؛ سید محمد بن علی موسوی عاملی، مدارک الاحکام ج ۷، ص ۳۲۷.

۲- ۲ . سید محمد بن علی موسوی عاملی، مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۲۷، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۲۲، باب ۸. کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۳۴۹، ح ۶، باب ۹۲.

۳- ۳ . علی اصغر مروارید، سلسله الینابیع الفقیهه (قواعد الاحکام)، ج ۸، ص ۷۴۸؛ محقق حلی، شرایع الاسلام ص ۱۸۵؛ المختصرالنافع ص ۸۵؛ ابن ادریس، السرائر ج ۱، ص ۵۴۶؛ علی اصغر مروارید، الینابیع اللفقهیه (النهایه) ج ۷، ص ۱۷۹؛ شیخ طوسی، المبسوط ج ۱، ص ۳۲۱.

۴- ۴ . شیخ طوسی، خلاف ج ۲، ص ۳۱۹.

۵- ۵ . علی اصغر مروارید، سلسله الینابیع الفقهیه. (الغنیه لحمزه بن علی) ج ۸، ص ۳۹۹.

۶- ۶ . همان (المهذب للقاضی عبدالعزیز بن براج) ج ۷، ص ۲۸۰.

۷- ۷ . علامه حلی. مختلف الشیعه ج ۴، ص ۷۷.

از طرفی زینت کردن سبب می شود آدمی آنچنانکه هست خود را نبیند، زیرا با آرایش قبایح وزشتیها را به زیبایی مبدل می کند، محرم میهمان خداست و حج راهی برای آراسته شدن حجاج به زیور تقوی و نیکوکاری است پس باید زشتی های درون خود را به زیبایی مبدل نماید.

بر طبق روایت صحیح حماد از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمودند: «محرم به آیینه نگاه نمی کند چرا که، نگاه در آیینه جزء زینت حساب می شود»(۱).

شهید در «لمعه» گفته: «نگاه کردن در آیینه بر محرم جایز نیست»(۲) و شهید ثانی در« شرح اللمعه» فرموده اند: «نگاه محرم در آیینه حرام است اما کفاره ای بر آن مترتب نمی باشد»(۳).

صاحب جواهر در ادامه فرموده اند: «محرم بعد از نگاه کردن مستحب است که تلبیه بگوید، احتیاط آن است که از نگاه کردن در آیینه اجتناب کند، اگرچه به منظور آراستن خود نباشد. ایشان، نگاه به اجسام صیقلی و آب زلال که اشیاء در آن دیده می شود و نگاه در آیینه به گونه غیر متعارف را مجاز شمرده اند، هر چند که زینت محسوب می شود»(۴).

نوری طبرسی بیان داشته که نگاه به آیینه برای محرم حرام است و در صورت نگاه کردن، بعد از آن تلبیه بگوید(۵).

علامه در «تذکره» گفته است: احتجاج قائلان به حرمت، روایات اهل سنت از پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد. آنان می گویند رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «اَلْمحْرِمُ الْاشْعَثُ الْأغَبرَ»، یعنی محرم موی پریشان و غبار آلود دارد و روایت دیگر، «اِنَّ اللهَ یُبَاهِی بِاَهْلِ عَرَفِهِ مَلَائِکَتَه فَیَقُولُ یَا مَلَائِکَتِی انْظَرُو إلی عِبَادِی قَدْأتُونِی شِعْثاً غُبراً صَاحِینَ».

ترجمه: « همانا خداوند بر اهل عرفه به ملائکه اش مباهات می کند و می فرماید ای ملائکه من، به بندگانم در صحرای عرفات نگاه کنید که با موهای پریشان و

۱- ۱ . ابن بابویه قمی، علل الشرایع، (دو جلد در یک مجلد) جزء دوم، ص ۱۴۳، باب ۲۱۸؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسایل الشیعه ج ۹، ص ۱۱۴، ح ۱۶۸۱۵ و سید محمد بن علی موسوی عاملی، مدارک الاحکام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۷، ص۳۳۷.
۲- ۲ . شهید اول، اللمعه الدمشقیه، ص ۳۵.
۳- ۳ . شهید ثانی، الروضه البهیه، ج ۱، ص ۲۵۹.
۴- ۴ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۶، ص ۶۱۹.
۵- ۵ . میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسایل ج ۲، ص ۱۲۲.

غبارآلود نمایان شده اند (بیرون آمده اند)»(۱).

احمد حنبل گفته: «محرم برای مرتب کردن ژولیدگی موهایش یا مرتب کردن مو و چهره اش و زینت نمودن خود در آیینه نگاه نمی کند»(۲).

بنا بر این برای محرم، نگاه کردن در آیینه به قصد آرایش و زینت کردن نباشد و احتیاطاً هم بدون قصد به آیینه نگاه نکند، در نگاه به آیینه فرقی بین اینکه تصویر خود را ببیند یا نبیند نیست. آیینه نمایش دهنده بیشتر خود آراییها وزینتها است، محرم آمده است تا شاید نا پاکیها را به پاکی مبدل سازد و هنگامی که به زشتیهای درون خویش معترف شد به آیینه نیازی ندارد زیرا آیینه وسیله خودبینی است.

صورت زیبای ظاهر هیچ نیست ای برادر سیرت زیبا بیار

نگاه محرم به زنان

یکی از مراحل تقوی در حج حفاظت حریم معنوی از شهوت و نگاه متلذذ می باشد. در حج باید از تمتعات جنسی و انجام گناه برکنار بود، زیرا محیط، محیط عبادت، خلوص و ترک لذتهای مادی است.

از جمله محرمات حج، لمس کردن زنان و نگاه شهوت آلود به آنان و یا کسب هر لذت و تمتعی از زن است، زیرا نگاه با شهوت و لذت به همسر و یا غیر همسر خود در حال احرام حرام است: در این ماه محرم زاد و توشه برگیرد که بهترین زاد و توشه تقوی است.

نگاه محرم به همسرش

«اگر محرم به همسرش نگاه کند، چیزی براو نیست، واگرباشهوت او را لمس کند باید یک گوسفند کفاره دهد»(۳).

اما محقق حلی در« المختصر» و برخی دیگر از علما بیان داشته اند(۴): حتی اگر محرم به همسرش نگاه کرد چیزی بر او نیست یعنی لازم نیست کفاره بدهد.

۱- ۱ . علامه حلی، تذکره الفقها، ج ۷، ص ۳۲۷.
۲- ۲ . همان.
۳- ۳ . محقق حلی، شرایع الاسلام، ص ۲۲۶؛ سیدروح الله خمینی تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۱۹.
۴- ۴ . محقق حلی، مختصر النافع، ص ۱۰۷؛ علامه حلی، تبصره، ص ۹۱؛ ابن ادریس، السرائر ج ۱، ص ۵۵۲.

عمـار از امـام صـادق علیه السـلام سؤال کرد: «درباره حکم نگاه محرم به همسـرش و خروج منی یا مـذی از او. امام فرمودنـد: چیزی بر او نیست، اما باید غسل کند و طلب استغفار از پروردگارش را نماید»(۱).

علامه هم با نظر محقق، موافق است، که اگر محرم به همسرش بـدون شـهوت نگاه کند، چیزی بر او نیست علاوه بر آن اضافه کرده اند: «چه منی از او خارج شود چه نشود، زیرا نگاه او به همسرش جایز است، به خلاف نگاه به زن نامحرم و بیگانه»(۲).

حلبی از امام صادق سؤال کرد: «آیا محرم به همسرش در حالی که آن زن هم محرم است، می تواند نگاه کند؟»

فرمودند: «اشکال ندارد»(۳).

برخی علما نگاه شـهوت آلود مرد را به همسـرش را مسـتلزم دادن کفاره دانسته اند و گفته اند:(۴) هرگاه محرم همسـرش را از روی شـهوت نگاه کرد و پس از آن محتلم شـد واجب است یک شتر کفاره بدهد. اگر از روی شـهوت نگاه نکرد چیزی بر او نیست. مشروط به آنکه قصـدش از نگاه، احتلام نبوده و نیز عادتش براین نباشـدکه بواسطه نگاه از او منی بیرون آید. صاحب جواهرادعاکرده: اقوال زیادی آن را به اجماع علما نسبت داده اند(۵).

این خبر حجت است . به دلیل اصل و روایت صـحیح معاویه بن عمار که از امام صادق علیه السـلام درباره حکم نگاه محرم به همسرش و و خارج شدن منی از او سؤال کرد . فرمودند: باید یک شتر کفاره دهد.

این خبر حجت است و در«المدارک»و کتب دیگر آمده که فقها به آن قطع دارند(۶).

بـا وجود ادله و اقوال بر وجوب کفاره در صورت نگاه با شـهوت مرد به همسـرش بیان شـده، روایتی دیگر وارد شـده که دادن کفاره را حتی با نگاه همراه با شهوت لازم

۱- ۱ . محمـد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۷، ص ۴۴۶؛ علامه حلی، تـذکره الفقها ج ۸، ص ۴؛ محمد بن حسن حرعاملی، وسایل الشیعه ج ۱، ص ۲۷۴، ح ۱۷۴۱۷.

۲- ۲ . علامه حلی، تذکره الفقها، ج ۸، ص ۵۴.

۳- ۳ . محمد بن حسن حر عاملی، وسایل الشیعه ج ۹، ص ۸۸، ح ۱۶۷۰۸.

۴- ۴ . محقق حلی، المختصـر النافع، ص ۱۰۷؛ علامه حلی تـذکره الفقها، ج ۷، ص ۳۹۱؛ ابن ادریس، السرائر، ج ۱، ص ۵۵۲؛ شهید الثانی، الروضه البهیه، ج ۱، ص ۳۰۲.

۵- ۵ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج۷، ص ۴۴۶.

۶- ۶ . محمد بن حسن حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۹، ص ۲۷۴، ح ۱۷۴۱۷، ب ۱۷.

نمی دانند.

در روایت اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام آمده: «از امام درباره مردی که به همسرش با شهوت نگاه کرد و منی از او خارج شد سؤال کرد و امام فرمودند: بر او چیزی نیست»(۱).

شیخ، این روایت را بر نگاه از روی سهو و اشتباه حمل کرده اند نه نگاه از روی قصد و عمد.(۲)

نگاه محرم به زن بیگانه

نگاه مرد به زن بیگانه همیشه و در هر حالی حرام است.

به اتفاق همه علما نگاه با شهوت ویا بدون شهوت به زن نامحرم بر محرم حرام می باشد.

صاحب جواهر به نقل از شیخ مفید رحمه الله می گوید: «کسی که به غیر محارم خود نگاه کند و از او منی خارج شود واجب است بر او اگر ثروتمند باشد یک شتر کفاره دهد و اگر متوسط الحال است، یک گاو دهد و اگر فقیر است، یک گوسفند دهد»(۳) و اضافه کرده اند : «که اگر به سبب فقرش چیزی نداشت که بپردازد، سه روز روزه بگیرد، خداوند او را خواهد بخشید».(۴)

برخی فقها گفته اند که: این حکم در جایی است که محرم نه قصد احتلام داشته و نه عادتش بر این باشد که در اثر نگاه محتلم شود(۵).

ابوبصیر، در خبر موثقی می گوید: « از امام صادق علیه السلام سؤال کردم، درباره مرد محرمی که به ساق زنی نگاه کرد و منی از او خارج شد. فرمودند: «اگر ثروتمند است باید یک شتر کفاره دهد و اگر متوسط الحال است یک گاو و اگر فقیر است یک

۱- ۱ . شیخ طوسی، التهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۲۷، ح ۱۱۲۲، باب ۲۵؛ حسن حر عاملی، وسایل، ج ۱، ص ۲۷۶، ح ۱۷۴۲۳.

۲- ۲ . شیخ طوسی، تهذیب، ج ۱، ص ۳۲۷.

۳- ۳ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۷، ص ۴۴۵؛ علامه حلی در تذکر الفقها، ج ۷، ص ۳۹۱، به همین مضمون بیان کرده اند، علی اصغر مروارید، سلسله الینابیع الفقیه (الغنیه) ج ۸ ص ۳۹۶.

۴- ۴ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۷، ص ۴۴۵؛ ابن ادریس در السرائر ج ۱، ص ۵۵۲. (همین سخن را بیان کرده، اما از روزه حرفی به میان نیاورده).

۵- ۵ . شهید ثانی الروضه البهیه، ج ۱، ص ۳۰۲؛ محقق حلی در تبصره، ص ۱۰۷ و شرایع ۲۲۶؛ سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله ج ۱، ص ۳۹۶؛ شیخ المبسوط ج ۱، ص ۳۳۷.

گوسفند کفاره دهد.» سپس فرمودند : قرار دادن کفاره به سبب خروج منی از او نیست، بلکه به علت نگاهی که بر او حلال نبوده می باشد، و در صورتی که از او منی خارج نشده از خدا بترسد و دیگر نگاه را تکرار نکند»(۱)، روایت دیگری بعد از «ساق المراه»، «اوالی فرجها» آمده است(۲).

در روایت حسن، معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام ، درباره محرمی پرسید که به غیر همسر خود نگاه کند و منی از او بیرون آمده. فرمودند: «کاری ناشایست است، زیرا به آنچه که بر او حلال نبوده نگاه کرده . اگر منی از او خارج نشد از خدا بترسد و دیگر نگاه خود را تکرار نکند چیزی بر او نباشد»(۳).

۱- ۱ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام ج ۶، ص ۵۹۷؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۳۲۵، ح ۱۱۱۵، باب ۲۵؛ ا کلینی، فروع کافی، ج ۲، ص ۳۷۱؛ ابن بابویه، علل الشرایع جزء دوم، ص ۱۴۱، محمد مهدی نراقی، ج ۱۱، ص ۳۶۰.

۲- ۲ . محمد بن حسن حر عاملی وسائل، ج ۹، ص ۲۷۳، ح ۱۷۴۱۴، ب ۳۷۱، ب ۱۶.

۳- ۳ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۷، ص ۵۹۷؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل ج ۹، ص ۲۷۳، ح ۱۷۴۱۶، ب ۱۶.

فصل پنجم نگاه متجاوز

نگاه به خانه و عورت دیگران

نگاه به خانه و عورات دیگران

اسلام دفاع از جان و مال و حریم و ناموس را بر حسب توان جایز دانسته. در دفاع باید بر سهل ترین و آسان ترین راه تکیه کرد . یعنی اگر مهاجم با یک فریاد می ترسد و فرار می کند، زدن او جایز نیست . اگر با یک سیلی فرار می کند، زخمی کردن او جایز نیست. اگر ضربه و جنایتی بر مهاجم وارد شود، دیه ندارد اگر مهاجم به حریم فرد وارد شده و بی اجازه به ناموس و یا عورات فرد می نگرد، صاحبخانه حق دفاع دارد، و او را طرد کند، اگر دفاع کننده کشته شود، شهید خواهد بود.

اگر کسی که به عورات جماعتی برای نگاه کردن سر بکشد که مردم از دیدن و نمایان کردن آن عار دارند و لذا آن را مخفی می نمایند ، آنچه را از ایشان بر او حرام است نگاه کنند، مثلاً از بالای خانه به داخل آن نگاه کند، آنها حق دارند که او را منع کرده و جلو او را بگیرند. حتی اگر او نرفت و به نگاه کردن اصرار ورزید، دفع او با زدن و مانند آن جایز است. اگر باز هم نگاه کرد، با سنگ کوچک و غیر آن حتی چیزهای که کشنده است به سمت او پرتاب کند و اگر زخم و جنایتی بر او واقع شد هدر می باشد، و لو اینکه به قتل منتهی گردد . اگر قبل از نهی کردن و آگاه نمودن، مبادرت به پرت کردن سنگ و مانند آن نماید احتیاطاً ضامن می باشد(1).

---

۱ - ۱ . شهید ثانی، الروضه البهیه، ج ۳، ص ۳۳۹؛ سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله ج ۱، ص ۴۹۱؛ شهید اول، اللمعه الدمشقیه، ج ۴۴.

ابن فضیل از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمودند: هرگاه مردی بر قومی اشراف داشته باشد یا از خلال در و یا جای دیگر به آنها نگاه کند ، او را دور کنید. یا چیزی به سوی او پرت کنید و یا او را بکشید و یا چشمش را کور کنید بر آنها ضمانت و جریمه ای نیست. و فرمودند: هرگاه مردی از خلال حجره رسول الله صلی الله علیه و آله به آنها نظاره می کرد، رسول الله صلی الله علیه و آله بر می خاستند تا چشمش را در آورند(۱).

همچنین امام علیه السلام نقل کردند که : پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی مناهی، از اینکه مردی به خانه همسایه اش بی اذن وارد شود و از حال آنها مطلع گردد نهی کردند، و فرمودند: «هر کس به عورات برادر مسلمان یاعورت غیر اهل خود عمداً نگاه کند، جزء منافقانی است که از عورات مردم جستجو می کنند. از دنیا نمی رود تا آنکه خدا او را رسوا کند، مگر آنکه توبه نماید»(۲).

اگر فاصله ناظر زیاد بوده که امکان نگاه به عورات دیگران برایش ممکن نباشد، اما با وسایل جدید مثل دوربین آنها را ببیند حکمش مانند آن کسی است که از نزدیک به خانه دیگری نگریسته. پس دفع او جایز است و اگر زخمی بر او وارد شود دیه ای بر او نیست . یا آئینه ای بگذارد و با آن عورات را ببیند، مانند کسی است که بدون وسیله و مستقیم به دیگری نگاه می کند، اما احتیاط آن است که به سوی او چیزی پرتاب نکرده و به نحو دیگر او را منع کند.

خانه پناهگاه و مکان امن برای همه است ؛ چه مرد و چه زن. هیچ کس حق تجاوز به آن را ندارد. اگر کسی به خانه دیگری بنگرد به حریم او سرکشی کرده و صاحب خانه حق برخورد با او را دارد.

ضمانت در برابر جنایت بر ناظر

ضمانت در برابر جنایت بر ناظر(۳)

در برخی موارد کسی به خانه های مردم سرکشی می کند و بی اطلاع به آنها می نگرد. با وجودی که آنهاازکسانی هستند که نگاه به خانه آنان بر او جایز می باشد، اگر صاحب خانه او را براند و ضربه ای بر او وارد کند ضامن می باشد.

مثلاً اگر کسی که سرکشی می کند، از خویشاوندان و نزدیکان زنهای صاحب خانه

۱- ۱ . محمد بن حسن حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۹، ص ۴۹.

۲- ۲ . محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۴۸، ح ۳۵۱۴۳، ب ۲۵.

۳- ۳ . شهید ثانی، الروضه البهیه، ج ۳، ص ۳۳۹؛ سید روح الله، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۹۲؛ شیخ، المبسوط، ج ۸، ص ۷۷.

باشد، و به مواردی نگاه کند که نگاه کردن او بدون شهوت و تمایلات جنسی جایز است، پرتاب چیزی وتیراندازی به سوی او جایز نبوده. و یا آنکه سرکشی می کند، نابینا باشد، روا نیست به طرف او چیزی پرتاب کند. در صورت پرتاب شی ء به او، اگر جنایتی بر او وارد شود، ضامن می شود . یا آنکه ناظر کسی باشد که دور را نمی بیند و فاصله او و زنها به اندازه ای باشد که زنها را نمی بیند، و یا به خوبی تشخیص نمی دهد در صورت وارد کردن جنایت ضامن خواهد بود.

جواز جنایت بر ناظر(۱)

اگر ناظر چه بیگانه و چه خویشاوند به چیزی نگاه کند که نگاه آنها به آن جایز نباشد، مانند عورت و یا نگاهشان با لذت و شهوت بوده (مانند ناظر بیگانه) بعد از نهی کردن آنها، پرتاب چیزی به سوی او جایز است . اگر منجر به زخم و جنایتی به او شود، هدر خواهد بود . یا اگر ناظر با عمد و قصد نگاه به عورات مردم سر بکشد، باید او را نهی کند. واگر ادعا کند که قصد نگاه نداشته است و یا آن را ندیده است، ادعای او مسموع نیست. در ظاهر هم چیزی بر نهی کننده نیست. اگر به طرف او شی ء را پرتاب کرد و نابینا شد، ضامن نمی باشد. چراکه شخصی از سوراخهای حجره های رسول خدا صلی الله علیه و آله به درون آن می نگریست. پیامبر صلی الله علیه و آله با تیری که در دست داشت به سوی او آمد. تا چشمانش را کور کند. مرد فرار کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای خبیث! سوگند به خدا اگر ایستاده بودی چشمانت را کور می کردم.»

اگر ناظر خویشاوند زن بوده و به او در حالی که برهنه است نگاه کند، در این صورت ناظر محترم حکم نامحرم را در حرمت نگاه به عورت دیگری دارد، واجب است که از آسان ترین راه او را دور کرد. اگر به نگاه کردن اصرار داشت ، به سوی او چیزی پرتاب کرد و به سبب آن کشته شود، دیه ای ندارد.

۱- ۱ . سید روح خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۴۶۷؛ شیخ طوسی، الخلاف، ج ۵، ص ۲۱۰؛ المبسوط ج ۸، ص ۷۸؛ شهید ثانی، الروضه البهیه، ج ۳، ص ۳۳۹.

فصل ششم نگاه قاضی

اشاره

قضاوت، یکی از مهم ترین ابعاد مکتب الهی است که از هر قسمت آن نور عدالت جلوه گر است. قضاوت یکی از خطیرترین مسؤولیت های شناخته شده در اسلام و زیر بنای حیات اجتماعی است.

قاضی در فقه عالی اسلام باید طرفین دعوا را در سلام کردن و سخن گفتن و مکان نشستن و نگاه کردن و انواع اکرام و احترام در یک سطح قرار دهد.

شیخ در «المبسوط» و جمعی از علما، تساوی بین دو طرف دعوی در داخل شدن، نگاه کردن قاضی به آنها ورعایت عدل و شنیدن سخن آنها بر حاکم جایز دانسته اند(۱).

جمعی از علما، فتوی به وجوب مراعات تساوی بین دو طرف خصم داده اند و گفته اند روایات دلالت بر وجوب دارد.(۲)

در روایت «سکونی» از امام صادق آمده که فرمودند: «مَنْ اِبْتَلی بِالقَضاءِ فَلْیوَاسِ بَینَهُمْ فِی الْاَشَارَهِ وَ اَلنظرُو فِی الَمجْلِسِ؛(۳) هرکس که به کار قضاوت می پردازد، در اشاره و نگاه در مجلس قضاوت باید مواسات را رعایت کند.»

---

۱ - ۱ . محقق حلی، مختصرالنافع، ص ۲۸۰، شرایع الاسلام ص ۸۷۰؛ محمد حسن نجفی، جواهرالکلام ، ج ۱۴، ص ۸۳؛ سید روح الله خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۴۰۹؛ شیخ طوسی، المبسوط ج ۸، ص ۱۴۹.

۲ - ۲ . علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۴۲۸؛ سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۰۹؛ شهید ثانی، مختصرالنافع، ص ۲۸۰؛ سید محمد جواد حسینی عاملی، مفتاح الکرامه ج ۱۰، ص ۳۰.

۳ - ۳ . محمدبن حسن حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۵۷، ح ۳۳۶۰۰؛ ابن بابویه قمی، من لا یحضره الفقیه ج ۳، ص ۸، ح ۹؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۲۶، ح ۵۴۳، ب ۸۷.

در روایت دیگری مانند همین روایت به جای کلمه «فلیواس»، «فلیساو» به کار رفته است(۱).

در کتاب «سلسله الینابیع الفقهیه» به نقل از «فقه الرضا» آمده که: «بر تو تساوی بین دو خصم در نگاه کردن به آن دو واجب است . پس نگاهت به یکی از آنها بیشتر از نگاهت به دیگری نباشد»(۲).

شایسته است که قاضی از التفات کردن به یکی از طرفین دعوا و التفات نکردن به دیگری، خودداری ورزد و نگاههایش را میان آن دو عادلانه تقسیم کند و به هیچ یک از طرفین دعوا اجازه ندهد به دیگری زورگویی و درازدستی کند.

برخی از فقها، قائل به استحباب مراعات تسویه در انواع اکرام و آداب شده اند، مگر در تسویه عدالت، در اجرای حکم که به اتفاق رعایت آن را واجب ندانسته اند، مانند علامه حلی و صاحب جواهر.

مشاهده جرح شاهد

جرح شاهد جز با مشاهده فعلی که در عدالت اخلال ایجاد کند ممکن نیست.

«شاهد شهادت به جرح ندهد، مگر با مشاهده کردن فعلی که قادح در عدالت فرد است، یا آنکه شیاع در بین مردم باعث علم به عدم عدالت او باشد، و اعتماد بر شنیدن آن از یک یا ده نفر نکند چون به خبر ایشان یقین ندارد»(۳).

باید توجه داشت که جرح شاهد جز با شنیدن یا مشاهده کردن عمل قادح در عدالت قبول نمی شود و شهود قاضی در صورتی می تواند به جرح و عدالت طرفین دعوی شهادت دهند که هر یک از شهود صفت شاهد را بشناسد، و اگر شهود، خصوصیت طرفین دعوی را بدانند، شهادت آنان، به آنچه که علم دارد جریان پیدا می کند.

در جرح، شهود باید به آنچه موجب فسق شاهد شده و مشاهده کرده از غصب و زنا و لواط و قتل و مانند آن شهادت دهد.

با توجه به روایات و خبر متواتر یا خبر واحد در شهادت به جرح، باید قطع

۱- ۱ . محمد بن حسن حر عاملی، الوسایل، ج ۱۸، ص ۱۵۷، ح ۳۳۶۰۱، ب ۳.

۲- ۲ . علی اصغر مروارید، سلسله الینابیع الفقهیه (الفقه الرضا)، ج ۱۱، ص ۳.

۳- ۳ . محقق حلی، شرایع الاسلام، ص ۷۶۸، علامه حلی، قواعدالاحکام، ج ۳، ص ۴۳۱.

حاصل شود به خلاف عدالت که ظن به آن کفایت می کند و چنانکه در بعضی از نصوص اشاره شده، عدالت جز برای معصوم ممکن نیست(۱).

و شهادت به جرح به مجرد مشاهده ارتکاب گناه کبیره جایز نیست، چرا که ما وجه معصیت و گناه او را نمی دانیم، اگر احتمال بدهد که عذری بر ارتکاب آن گناه داشته و برای او با قرائن و شواهد حاصل شود که او از ارتکاب آن عمل عذری داشته، شهادت به جرح او جایز نیست(۲).

۱- ۱ . محمد حسن نجفی، جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۷۴.

۲- ۲ . احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله (کتاب قضا)، ص ۱۰۲ ۱۰۱.

فصل هفتم نگاه شاهد

شاهد چگونه عنوان شاهد پیدا می کند؟

ضابطه در شاهد شدن، علم قطعی و یقین قلبی به واقعه است. آیا واجب است این علم قطعی با یکی از حواس ظاهری به دست آمده باشد؟ یعنی اگر امر از امور دینی است آن را با چشم خود دیده باشد، و اگر شنیدنی است، خودش شنیده باشد و همچنین محسوس به هر حاسه دیگر را با آن حسش، درک کرده باشد، نه با حس دیگر. «یعنی حتی اگر یک واقعه دیدنی را بسیار شنیده باشد، به حدی که یقین به آن پیدا کرده باشد، نتواند شهادت بدهد، و یا از هر طریقی دیگر که یقین به واقعه پیدا کرده مانند علمی که از تواتر و شهرت، پیدا می شود؟»(۱)

از سخن علما اینگونه بر می آید، که شرط علم، مشاهده ظاهری و نگاه با چشم است . در این صورت اگر علم به یکی از امور شهادت با تواتر یا با خبر واحد که مقرون به قرائن قطعی است و یا به طریق دیگر (مثل خبر واحد)باشد. شهادت نسبت به آن جایز نیست. روشن است که ضابطه و قاعده علمی با توجه به عمومیت قبول ادله، منحصر به قراین مشاهده نیست.

به این لحاظ است که در این قول یعنی پذیرش شهادت به وسیله شیاع و استفاضه مرحوم مقدس اردبیلی و مرحوم آخوند خراسانی توقف کرده اند و شاید امکان استناد شهادت به اخبار متواتر مانند مشاهده، مفید علم باشد. و جایز است

۱- ۱ . سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۴۵.

که مقصود از جواز کسب علم به این امور، با شنیدن از عده زیادی و یاهمراه قرائن قطعی و یقینی و ادلّه دیگر باشد ؛ به گونه ای که قطع و یقین حاصل شود و شبهه ای باقی نماند . مانند خبرهایی متواتر و یا خبر واحد محفوف به قرائن قطعی و یقین که در این حال مانعی برای شهادت دادن هنگام رسیدن به علم، باقی نمی ماند(۱).

مستند شهادت، آنچه باعث شاهد شدن می شود، به سه طریق است: شنیدن، دیدن و یا هر دو واجب است شاهد علم به شهادت خود داشته و شهادتش را به آن مستند کند، پس بگوید: «دیدم یا شنیدم» اگر فردی جنایتی را مشاهده کند عنوان شاهد پیدا می کند.

«در مواردی مانند شرب خمر، غصب، دزدی، قتل، رضاع و تولد و زنا و لواط برای ضبط مورد شهادت، دیدن و نگاه کردن معتبر است»(۲) و جز با نگاه کردن فرد شاهد نمی شود، چرا که گوش آنها را درک نمی کند. حتی شهادت فرد کر در این امور قبول می شود و دیدن او کافی خواهد بود.

در روایت جمیل، در مورد شهادت فرد کر آمده که: «در شهادت کر به کلام اولش توجه می شود، و شهادت دومش قبول نخواهد شد»(۳). با اینکه سند این روایت ضعیف و نادر است، شیخ در نهایه و شاگردش قاضی ابن برّاج و ابن حمزه به آن تمسک کرده اند. امام در« تحریر الوسیله» این روایت را مطرود دانسته اند(۴).

مستند در دیدنیها، خوب دیدن است. در روایت علی بن غیاث آمده که: «شاهد، شهادت نمی دهد مگر آن را کاملاً بشناسد. چنانکه کف دستش را می شناسد»(۵) گفته شده: پی در پی شنیدن و شهرت یک واقعه از افرادی که برای انسان یقین می آورد، مجوز آن است که به آن واقعه شهادت دهند نه به دلیل کثرت و مستفیض بودن خبر بلکه به سبب یقینی که از خبر حاصل شده، در این صورت اعتبار حاصل شده منحصر به امر خاصی نیست مانند وقف و زوجیت و ولادت و... بلکه شهادت در دیدنیها و شنیدنیها در صورتی که علم قطعی پیدا شود، جایز است و اگر مفید علم

۱- ۱ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۳۷۵؛ احمد مطهری، مستد تحریر الوسیله، کتاب (قضا)، ص ۲۷۴.

۲- ۲ . محقق حلی، المختصر النافع، ص ۲۸۹؛ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۳۷۴؛ شیخ طوسی، المبسوط، ج ۸، ص ۱۸۰.

۳- ۳ . محمد بن حسن حر عاملی، وسائل، ج ۱۸، ص ۲۹۶، ح ۳۴۰۳۴.

۴- ۴ . سید روح الله خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۴۴۶.

۵- ۵ . محمد بن حسن حر عاملی، وسائل، ج ۱۸، ص ۲۵۰، ح ۳۳۸۵۹، ب ۱۹.

نباشد و فقط مفید ظن ولو نزدیک به واقع باشد، شهادت به مسبب یعنی واقعه جایز نیست، البته شهادت به سبب جایز است، مثل اینکه بگوید، معروف این است که چنین و چنان شده، یا بگوید، من اخبار بسیاری که شنیده ام گمان پیدا کردم بر اینکه چنین و چنان شده است.

شهادت به شنیدن در آنچه که با استفاضه ثابت می شود: مانند نسب و موت و ملک مطلق و وقف و نکاح و اجاره عتق و ولایت قاضی معتبراست(۱) اما پوشیده نباشد که شنیدن هم محتاج به دیدن و نگاه به مسموع است... زیرا این افعال نیاز به شنیدن کلام عقد از آنها است و شناختن عین و نسب متعاقدین لازم است.

«آنچه به شنیدن و به مشاهده کردن برای شهادت احتیاج دارد، مانند شهادت دادن بر عقدها مثل بیع صرف و سلم و صلح و اجاره و نکاح و مانند آن، در این امور باید دو طرف عقد را مشاهده کرد و سخن آنها را در عقد شنید، تحمل شهادت جز به این طریق ممکن نمی باشد، زیرا این افعال هم نیاز به شنیدن عقد دارد و هم شناختن عین و اسم و نسب متعاقدین»(۲).

شاهد باید آنچه را شنیده و آنچه را که از واقعه مشاهده کرده بیان کند.

شهادت زنان

شهادت زنان در امور مربوط به آنها که مرد نباید ببیند و یا غالباً بر آنها اطلاع نمی یابد، از قبیل شیر دادن به فرزند، تولد فرزند، بکارت و... پذیرفته می شود، البته با فراهم بودن شرایط دیگر.

در «المختصر» ذکر شده که: «در قبول شهادت زنان به دیدن رضاع، تردید است مشهور آن است که قبول کنند»(۳).

ملا احمد نراقی معتقد است که در شهادت به حمل، شهادت چهار قابله نسبت به حمل و هر آنچه که مردان نمی توانند و مجاز به نگاه کردن آن نیستند قبول می شود(۴).

۱- ۱ . محقق حلی، شرایع الاسلام، ص ۹۱۶.
۲- ۲ . علامه حلی، قواعدالاحکام، ج ۳، ص ۵۰۰؛ علی اصغر مروارید، سلسله الینابیع الفقهیه (فقه القرآن)، ج ۱۱، ص ۱۵۷.
۳- ۳ . محقق حلی، مختصر النافع، ص ۲۸۸.
۴- ۴ . محمد مهدی نراقی، مستند الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۹۶.

روایتی نیز بر قبول گواهی زنان دلالت می کند از جمله:

سکونی از امام صادق علیه السلام و ایشان از امام باقر علیه السلام روایت کردند که: «شهادت زنان در طلاق و نکاح و حدود جایز نیست، مگر در حقوقی که مردان نمی توانند به آن نگاه کنند»(۱).

عبدالله بن سنان می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم: «شهادت زنان در روءیت هلال ماه جایز نیست. شهادت زنان به تنهایی بدون مردان در آن مواردی که مردان نگاهشان به آن جایز نبوده قبول است»(۲).

شهادت زن به تنهایی در استهلال یا زنده به دنیا آمدن بچه کافی است. شیخ مفید(۳) گفته است: شهادت دو زن در آن لازم است ، و اگر دو زن نشد شهادت یک زن کافی است و در عیوب زنان و رضاع و ولادت نیز قائل به همین امرشده است.

شیخ طوسی، گواهی زنان به تنهایی و نیز قبول گواهی یک مرد و دو زن را در مورد زنده متولد شدن کودک به گروهی از فقها نسبت داده و می گوید: هرگاه گواهی زنان را در این امور ثابت گردد، از نظر فقهای شیعه با کمتر از چهار نفر پذیرفته نمی شود.

محمد بن فضیل گفت: از ابا الحسن علیه السلام سوءال کردم: آیا شهادت زنان در نکاح و طلاق و سنگسار جایز نمی باشد؟(۴).

امام فرمودند: شهادت زنان در آنجا که مردان نمی توانند به زنان نگاه کنند جایز است، شهادت زنان در نکاح اگر همراه با شهادت مردی باشد جایز است»(۵).

در «مستدرک الوسایل»، به نقل از «دعائم الاسلام» آمده که «أ شهادت زنان در آنچه که به جزء زنان از آن اطلاع ندارند و به جزء زنان نگاه به آنان جایز نبوده چون، شیردادن، تولد و گریه بچه، نفاس و حیض و مانند آن و شهادت قابله هم در این امور جایز است»(۶).

۱- ۱ . علامه حلی، مختلف الشیعه، ج ۸، ص ۴۸۱؛ محمدبن حسن حرعاملی، وسائل، ج۱۸، ص۲۶۷، ح۳۳۹۲۷، ب۲۳.

۲- ۲ . محمد بن حسن حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۶۰، ح ۳۳۸۹۵.

۳- ۳ . شیخ مفید، المقنعه، ص ۷۲۷.

۴- ۴ . شیخ طوسی، المبسوط، ج ۸، ص ۱۷۲.

۵- ۵ . محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۵۹، ح ۳۳۸۹۲، ب ۲۴.

۶- ۶ . میرزا حسین نوری، مستدرک الوسایل، ج ۳، ص ۲۱۱.

شهادت نابینا

با شـهادت شـخص نابینا اگر مطلب ثابت شود، اشکالی در صحت شهادت نمی باشد، شهادت فرد نابینا، در آنچه که احتیاج به رویت و نگـاه دارد قبول نمی شود. اگر در زمان تحمل شـهادت سالم بوده (نابینا نبود) و سـپس نابینا شـد، قبول شـهادت او در آنچه به نگـاه احتیـاج دارد جـایز است، هر فعلی ماننـد قتل و غصب و جرح در عـدالت، شـهادت فرد نابینا در آن صـحیح نمی باشد(۱).

محقق حلی، شهادت کوررا در عقدمورد قبول می داند، چرا که آلت مهم یعنی شنیدن در آن تحقق یافته است(۲).

صاحب جواهر می گویـد: اگر از شـهادت نابینا به علم و قطع برسـیم ، در قبول آن مخالفتی در بین علما نمی باشد. هدف ما از این سـخن، اسـتثناء کردن آنچه که با شـنیدن ثابت می شود است و امور هفتگانه ای که جز با دیدن و مشاهده، شـهادت به آن اعتبار ندارد و حصول علم قطعی جز به تواتر امکان ندارد. اگر شـخص نابینا بر عین شـخص شهادت داده و صدای او را به قطع و یقین بشناسد شهادتش جایز است و اگر به قبض کننده شهادت دهد، شهادتش قبول است(۳).

شهـادت کور در آنچه که علم و قطع به آن ممکن است، قبول می شود. از امـام بـاقر و امام صادق علیهما السـلام روایت شـده که: «شنیدن در شهادت نابینا در آنچه که به آن شهادت می دهند اگر موجب علم شود، قبول شهادت او جایز است»(۴).

شکی نیست در اینکه فرد نابینا صدای پدر و همسر و فرزندش را می شناسد، در درك و تشخیص اصوات توسط نابینا تردیدی نیست.

محمد بن قیس گفت: از امام باقر علیه السلام سوال کردم: «آیا شهادت کور جایز است؟» فرمودند: «اگر مطلب ثابت شود جایز است»(۵).

شهادت با ضرورت دیدن

ص: ۱۲۲

۱- ۱ . شـیخ مفیـد، المقنعه، ص ۷۲۶؛ شـیخ طوسـی، محقق حلی، النهـایه و نکتهـا، ج ۲؛ موسـسه النشـر الاسلامی، اول، رجب ۱۴۱۲، ص ۵۵ ۵۴.

۲- ۲ . محقق حلی، شرایع الاسلام، ص ۹۲۰.

۳- ۳ . محمد حسن نجفی، جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۳۸۸-۳۸۷.

۴- ۴ . میرزا حسین نوری طبرسی، ج ۳. ص ۲۱۴.

۵- ۵ . محمد بن حسن حر عاملی، وسایل، ج ۱۸، ص ۲۹۶، ح ۳۲. ۳۴، ب ۴۲.

واژه شـهادت از «شـهود» به معنای حضور آمـده و از واژه مشاهـده و دیـدن متبادر به ذهن است. هر عالم و دانا شاهد محسوب نمی شود، کمـا اینکه در بعضـی آیـات قرآن، واژه شـهادت به معنای حضور به کار رفته است. از جمله عالم الغیب و الشـهاده، یعنی دانای پنهان و آشکار و حاضر و غایب که منظور خداوند است.

اخباری که بر اساس ادراک حسـی و حضور و مشاهده قابل دیدن نباشد، به لحاظ فقدان دلیل حجت نخواهد بود. بدیهی است که مشاهـده و حضور به حسب اشـیای گوناگون با هم اختلاف پیدا می کنند. مثلاً به نسـبت اینکه مشـهود به، از دیدنیها باشد، شهادت نسبت به آن بر اساس آنچه دیده و مشاهده کرده می باشد.

در ماده ۷۷ قانون مجازات اسـلامی آمـده که: « شـهادت شـهود بایـد روشن و بدون ابهام و مسـتند به مشاهده باشد و شـهادت حدسی معتبر نیست»(۱).

در بعضـی امور فقط با نگاه کردن به واقعه می توان شـهادت داد. مانند غصب، سرقت، رضاع، ولادت، لواط، زنا، شرب خمر و شهادت در این امور با مشاهده و علم کافی معتبر است.

محقق حلی، در شـهادت شاهـد به مالکیت و ملک مطلق با توجه به آنچه که او در تصـرف مالک مشاهـده کرده، شـهادتش را صحیح می داند . به نظر ایشان شهادت شاهد به ملکی که آن را ندیده اما تعریف آن را از بایع شنیده هم صحیح است(۲).

شهادت شاهـد به آنچه که به یاد نمی آورد جایز نمی باشـد، اگر چه خط و امضای خود را ببینـد. یعنی شاهد باید در شـهادت خود علم داشته باشد و به حدس و تخمین اکتفا نکند . حتی اگر امضای خود را در پای معامله ای دید و به خاطر نیاورد که در حضور او چنین معامله ای انجام گرفته، صرف مشاهده خط و امضای خودش در شهادت معامله کفایت نمی کند(۳).

چنانکه کلینی در کافی نقل کرده که « عمر بن یزیـد از امام صادق علیه السـلام سؤال نمود که شخصـی مرا شاهـد می گیرد بر آنچه در نوشـته ای که به خط خود نوشـته ام و مهر کرده ام. من خط و مهر خود را می شناسم ، اما چیزی از باقی واقعه مشهود را به یاد نمی آورم ، نه کمی از آن و نه زیادش را . (آیا می توانم با استناد به آن دستخط خود،

۱- ۱ . محمود عباسی، قانون مجازات اسلامی، حقوقی، تهران، دوم، ۱۳۸۱، ص ۵۴.

۲- ۲ . محقق حلی، مختصر النافع، ص ۲۸۹.

۳- ۳ . علامه حلی، تبصره ۲۴۹؛ احمد بن محمد بن مهدی نراقی، مستندالشیعه، ج ۱۸، ص ۳۴۷.

شهادت بـدهم)؟ حضـرت فرمود: اگر صاحب تو (یعنی مـدعی که تو را شاهـد گرفته) مورد اعتماد بود همراه تو شـخص موثق دیگری بود می توانی شهادت بدهی»(۱).

علامه بر این عقیـده است، در صورتی که شاهـد نسب خود را ندانـد، بایـد با مشاهده او بر او شـهادت دهد. اگر او فوت کرده باشد، میت باید او را در مجلس حکم حاضـر کند تا شاهد با مشاهده او شـهادت دهد و اگر میت را دفن کرده باشند، نبش قبر را جایز نمی دانند.(۲)

نگاه به زن برای شهادت

در بعضی مواقع مرد بیگانه برای شهادت دادن له یا علیه زنی، مجبور می شود برای شناختن او به صورت زن نگاه کند.

فقها این نگاه را که از باب ضرورت، استثناء شده جایز دانسته اند و در غیر آن صورت نگاه به زن را جایز نمی دانند.

محمد بن حسن صفار در نامه ای به امام حسن عسکری علیه السلام نوشت : مردی می خواهد درباره زنی که به او محرم نیست شهادت دهـد. در حالی که روی زن پوشـیده است، ولی دو تن شاهد عادل هم شـهادت می دهند که او دختر فلان کس اسـت که اقرار می کند و این صدای اوست. آیا شـهادت بر اقرارش جایز است؟ یا باید روی خود را بگشاید تا با چشم او را شناسایی کند؟ امام در جواب فرمودند: «نقاب افکند و بی نقاب نزد شهود خود حاضر شود»(۳).

بعضـی علماء این روایت را بر تقیه حمل کرده اند؛ به گونه ای که نزد اهل تسـنن شهادت بر اقرار زن بدون پوشش جایز است. پس شهود به زن نگاه می کنند، اگر او را نشناخته اند، شهادت می دهند، چنانکه در روایت صحیح آمده.

شهید ثانی می گوید: برای گواهی دادن شاهد علیه زن، جایز است زن صورت خود را باز کند تا شاهد او را بشناسد(۴).

۱- ۱ . محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۳۴، ب۸، ح ۳۳۸۱۶.

۲- ۲ . علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۵۰۱.

۳- ۳ . محمد بن حسن طوسـی، الاسـتبصار فیما اختلف من الاخبار، ج ۳، دارالاضوا، بیروت، دوم، ۱۴۱۳ه ۱۹۹۲م، ص ۳۳، ح ۵۸، ب ۱۳؛ ابن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۳، ح ۱۳۲، ب ۲۹.

۴- ۴ . شهید ثانی، الروضه البهیه، ج ۱، ص ۳۷۳.

ملاـ احمـد نراقی معتقـد است که: ظـاهر روایت تنافی نـدارد، زیرا ظاهراً مراد از شـهود در روایت کسانی هسـتند که زن را می شناسند، و قصد شهادت دادن علیه زن را دارند(۱).

ص: ۱۲۵

۱- ۱ . احمد بن محمد بن مهدی نراقی، مستند الشیعه، ج ۱۸، ص۳۷۲.

فصل هشتم نگاه زن و مرد

اشاره

یکی از مهم ترین ابواب فقه اسلام، باب نکاح است که محور بحث آن روابط زن و مرد، خانواده و کشش و جاذبه ای است که این دو جنس مخالف نسبت به هم دارند. این امر یکی از شاهکارهای خلقت به شمار می رود. نگاه هم یکی از عوامل اصلی پیوند زن و مرد در جامعه است که منتهی به سامان دهی نظام خانواده می شود. اسلام نه تنها حد و مرز نگاه زن و مرد را بیان فرموده ، بلکه حتی حدود نگاه آنها بعد از ازدواج را تعیین کرده است که همه این احکام برخاسته از نظام اجتماعی دین و فطرت الهی انسان می باشد.

در خارج از نظام خانواده نیزاحکام نگاه مرد و زن اعم از محارم و غیرمحارم نیز معین شده، تا زمانی که نگاه آنان در چارچوب تعیین شده باشد، روابط سالم و مفید می باشد . در غیر این صورت شکی نیست که نگاه آلوده آغاز لغزش و انحراف انسان است. نگاه نامشروع در جامعه پیامدهای مخربی به بار می آوردکه جامعه را ناامن می کند. اسلام برای جلوگیری از این آثار حفظ نگاه و مراعات حریم دیگران را توصیه نموده وزنان باید از عواملی چون، بوی خوش، صدای خوش آهنگ، دل فریبی، خودنمایی و جلب توجه که سرآغاز پیوند ناسالم است دوری کنند.

با مطالعه احکام نگاه زن و مرد می توان به دقت نظر وباریک بینی احکام دین مبین اسلام پی برد . در این قسمت تا حد امکان احکام این مسأله را بازگو خواهیم کرد.

نگاه مرد به زن نامحرم

ص: ۱۲۶

همه علما اتفاق دارند که نگاه مرد به زن نامحرم چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است(۱).

البته نگاه به وجه کفین بدون لذت را بعضی فقها جایز می دانند. (درآینده بحث خواهیم کرد).

شهید ثانی، یک بار نگاه کردن به زن را جایز دانسته اند. البته بدون آنکه دوباره نگاهش را تکرار کند ، جز در صورت ضرورت و نیاز مانند شهادت دادن علیه زن، معالجه و درمان و غیره که مرد می تواند نگاه به زن را اعاده کند(۲).

شیخ در مبسوط،(۳) نگاه بدون ضرورت و حاجت به زن بیگانه را جایز نمی داند؛ چرا که تمام بدن زن، عورت است و برای مرد نگاه به عورت، ممنوع است. صاحب جواهر بر این نظر ادعای اجماع کرده(۴) و معتقداست که بر مرد جایز است که یک مرتبه به زن نگاه کند ، اما این نگاه کراهت دارد . تکرار نگاه در یک مجلس و حتی نگاه طولانی جایز نمی باشد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«لَا تُتْبِع النَّظْرَةَ النظْرَةَ، فإِنْ الْاوُلی لَکَ وَالثانِیهُ عَلَیکَ»(۵).

نگاه اول را، با نگاه دومت دنبال نکن، چرا که نگاه اولی برای توست و نگاه دوم علیه تو.

با توجه به روایت تعارضی بین قول به جواز نگاه و عدم جواز نگاه مرد به زن نیست زیرا روایت، نگاه اول را جایز دانسته است و نگاه دوم جایز نمی باشد.

کاهلی در روایتی از امام صادق علیه السلام آورده است «نگاه بعد از نگاه تخم شهوت را در قلب می کارد و برای در فتنه افتادن صاحبش کافی است».(۶) این روایت در تأییداین مطلب است که طولانی کردن نگاه سبب فتنه می شود بر خلاف نگاه اول که بدون شهوت و اتفاقی از مرد صورت می گیرد. آیت الله خویی نیز با توجه به آیه کریمه «وَلایبْدِینَ زِینَتَهُنَّ» که برخی فقها زینت را به معنای مواضع زینت تفسیر کرده

۱- ۱ . علامه حلی، شرایع الاسلام ص ۴۹۵؛ سید کاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی ص ۶۲۶؛ شیخ مفید، المقنعه، ص ۵۲۱؛ مرتضی انصاری، کتاب النکاح، لجنه تحقیق تراث الشیخ الأعظم، اول، ۱۴۱۵، ص ۴۴.

۲- ۲ . الروضه البهیه ج ۲، ص ۲۹۲.

۳- ۳ . شیخ طوسی، المبسوط ج ۴، ص ۱۶۰؛ محقق ثانی، جامع المقاصد، ج ۱۲، ص ۳۲.

۴- ۴ . محمد حسن نجفی، جواهرالکلام ج ۱، ص ۳۸۶.

۵- ۵ . محمد حسن حر عاملی وسائل الشیعه ج ۱۴، ص ۴۳، ب ۱۰۴، ح ۲۵۴۰۲؛ ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۴۷، ح ۱۴۶۰.

۶- ۶ . همان، ۲۵۴۰۰.

و می گوینـد « آیه کریمه دلالـت بر وجـوب سـتر مواضع زینت و حرمت نمایـان کردن آنهـا دارد. که حرمت نگـاه مرد، به آن موضع ثابت می شود».(۱)

صاحب مستمسک العروه برای عدم جواز نگاه به زن بیگانه به آیات کریمه ذیل استناد کرده:

قُلْ لِلْمُوءمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ اَبْصارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ... وَ قُلْ لِلْمُوءمِناتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلايُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ... و فرموده انـد: «غض بصـر» غیر از ترک نگاه است و: «احتمال است که مراد فرو بسـتن چشم از عورت باشد نه از کل بـدن، با اینکه اراده عموم، اقتضای حمل بر فروبسـتن نگاه از هر چیزی باشد، فروبسـتن نگاه بر نگاه نکردن به زنان مومن حمل می شود».(۲)

محقق قمی قائل به منع و حرمت نگاه به زن نامحرم شده اند.(۳)

نگـاه کردن به زنـان، گرچه رفتـاری است که نفس انسـان، بـدان سـوی گرایش داردو آن را به مصـلحت خود می دانـد ، ولی پاکدامنی و پاک چشمی برای انسان مصلحت بیشتری خواهد داشت.

حکم ستر وجه و کفین زن

با توجه به اصل برائت، اصل اولیه، عـدم وجوب ستر صورت و دسـتها و حرام نبودن نگاه به آنها می باشـد. برای وجوب ستر و حرمت نگاه، مانند هر تکلیف دیگری باید دلیل بر اثبات آن احکام اقامه شود. اگر نتوانستیم دلیلی اقامه کنیم، احتیاجی به اقامه دلیل بر جواز نگاه نمی باشد، چرا که جواز، مقتضای اصل برائت است.

با توجه به عموم ادله کتاب و سـنت و ارتکاز شـریعت، زن با محاسن و زیباییهایش در حکم عورت می باشـد. اشـکالی که در اینجـا پیش می آیـد این است که آیـا صـورت و دسـتهای زن هم حکم عـورت را دارد یـا نه؟ که محـل بحث و نزاع در حکم وجوب ستریا عـدم وجوب ستر صورت و دسـتها می باشد. با اثبات وجوب ستر وجه و کفین از ادله و عمومات لفظی، نوبت به اصل برائت نخواهد رسید.

۱- ۱ . سید ابوالقاسم خویی، مبانی العروه الوثقی، ج ۳۲، موسسه احیاء آثار الامام الخوی، ص ۳۶.
۲- ۲ . سید محسن طباطبایی حکیم، مستمسک العروه، ج ۱۴، ص ۲۵.
۳- ۳ . شیخ ابوالقاسم قمی، جامع الشتات، ج ۴، سازمان انتشارات کیهان، تهران، اول، ۱۳۷۵ ص ۴۸۵.

قائلان به وجوب ستر وجه و کفین زن به ادله ای استدلال کرده اند:

دلیل اول: آیه کریمه: «وَ لَایبْدینَ زینَتَهُنَّ اِلّا لِبُعُولَتِهِنَّ» اطلاق آیه کریمه، دلالت بر وجوب ستر جمیع مواضع بدن زن حتی وجه و کفین دارد. و عدم جواز نمایان کردن آنها بنا بر اینکه جزء مواضع زینت محسوب می شوند. اما استدلال بر حرمت نگاه بعداً خواهد آمد . لکن مقصود آیه کریمه حرمت آشکار کردن مواضع غیر ظاهر است. با توجه به دلالت آیه شریفه: «وَ لَایبْدینَ زینَتَهُنَّ اِلّا لِبُعُولَتِهِنَّ» وآیه درصدد بیان جواز نمایان کردن آنها حتی برای غیر شوهر می باشد.

دلیل دوم: «بیان اینکه (اَلْمَرأه کُلُهَا عَوْرَه)(۱) زن یا تمام بدن زن عورت است و زن تشبیه به عورت شده است و از روشن ترین خواص زن، پوشیده بودن و لزوم پوشاندن آن است. لذا زن باید تمام بدن خود را و از آن جمله صورت و دست خود را بپوشاند.

اما باید گفت مفهوم این روایات که می فرماید زن عورت است، این است که زن نباید زیاد ظاهر شود و بهتر است بیشتر در خانه بماند . حتی اگر کاملاً هم پوشیده باشد، باز عورت است، نه این که اگر برهنه بود، عورت است و پوشیده شود.

چنانکه حضرت علی علیه السلام از پیامبر روایت کرد که فرمودند: «زنان درسخن گفتن ناتوان هستند و نیزعورت می باشند . پس ناتوانی در سخنشان را با سکوت مداوا کنید و عورتشان را با خانه ها بپوشانید».(۲).

دلیل سوم اینکه: روایاتی که بر جواز نگاه به صورت و دست زن، وقتی که قصد ازدواج دارد، دلالت دارند. مفهوم آن این است که اگر قصد ازدواج ندارند نگاه کردن، حرام است.

همچنین روایاتی که دلالت بر جواز نگاه به زنان اهل ذمه دارد، زیرا آنها احترامی ندارند. پس نباید به زنان مسلمان که احترام دارند، نگاه کرد و وقتی که نگاه حرام شد، بر زن واجب است که صورت و دست خود را بپوشاند. (بحث درباره این مطالب و روایات مربوط به آن را درمباحث بعد ذکر خواهیم کرد).

۱- ۱ . با استناد به روایتی از امام باقر علیه السلام که فرمودند: انما النساء عَیُ وَ عَوره فَاسْتَروا العَورات بالبیوت ِ و استروا العی بالسکوت. (همانا زنان ناتوان در سخن گفتن و عورت هستند، پس عورتها را با درخانه کردن آنها بپوشاند و ناتوانی در سخن را با سکوت پنهان کنید) وسائل ، ج ۱۴، ص ۴۳، ب ۲۴، ح ۲۵۰۵۱.

۲- ۲ . همان، وسائل، ج ۱۴، ص ۱۳۹، ب ۱۰۴، ح ۲۵۰۵۳.

جواب : اولاً- جواز نگاه برای خواستگار، فقط به صورت و دستها نیست، بلکه در روایات، مقدار بیشتری را اجازه داده اند. همچنین درنگاه به اهل ذمه، اجازه داده اند که حتی به موهای آنها نگاه شود . این، غیر از خصوص صورت و دستهاست(۱).

ثانیاً اگر نگاه هم حرام باشد این، دلیل بر وجوب پوشش نمی شود؛ زیرا ملازمه ای بین حرمت نگاه و وجوب پوشش نیست. چرا که برای زن حرام است به مردان نگاه کند ولی برای مردان سترو پوشش واجب نیست ویا مرد نباید به صورت و دست زن نگاه کند، اما برزن لازم نیست صورت و کفین خود را بپوشاند.

دلیل چهارم: روایت محمد بن حسن صفار است . در جواب نامه او، امام علیه السلام نوشتند که زن باید نقاب بزند و در مقابل شهود، حاضر شود. این روایت دلالت می کند بر این که زن باید صورت خود را بپوشاند.

اولاً، حکم مخصوص مقام شهادت است و سرایت آن به همه موارد، نیاز به قرینه دارد.

ثانیاً، روایت در مقام بیان جواز و عدم جوازنگاه است نه در مقام بیان حکم پوشش.

دلیل پنجم: سیره مسلمین اما، چنین سیره مستمره ای وجود ندارد ؛ زیرا ما دلیلی بر وجود آن نداریم.

شهید ثانی در پاسخ این دلیل در مسالک می فرمایند: «ادعای اتفاق مسلمین بر جلوگیری از باز گذاشتن چهره و دو دست مردود است. اولاً به دلیل اینکه خلاف چنین اتفاقی نیز نقل شده که سیره مسلمین همواره چنین بوده که زنان چهره و دو دست را باز می گذاشتند»(۲).

نگاه به وجه و کفین

در حکم نگاه کردن به صورت و دستهای زن بین فقها اختلاف است. با بررسی نظریات فقها در مورد نگاه کردن به صورت و دستها چند فرض تصور می شود:

۱ . نگاه به صورت و دستهای نامحرم اگر با قصد لذت و شهوت باشد بدون شبهه حرام خواهد بود(۳). به دلیل اجماع فقها.

۱- ۱ . احمد فقیهی، تخلیص از، حجاب در قرآن، ص WWW.hawzah.net.

۲- ۲ . شهید ثانی، مسالک الافهام ج۱، ص ۴۳۶.

۳- ۳ . سید علی حسینی سیستانی، منهاج الصالحین ج ۳، ص ۱۲.

۲ . اگر نگاه به صورت و دستهای زن نامحرم بدون لذت و شهوت باشد، در اینکه نگاه به آن مواضع جایز بوده یا نه؟ فقها در اینجا چند نظر دارند.

الف: برخی فقهـا نگاه به صورت و دستها را مطلقاً جایز دانسته انـد. همچون، شیخ مفید(۱)، سیدمحسن طباطبایی حکیم(۲)، مرحوم نراقی(۳).

فقها استناد کرده انـد به روایت صحیح فضیل. که گفت: «از امام صادق علیه السلام سوال کردم از دو ساق دست زن که آیا زینت هستند که خداونـد فرمودنـد: «وَ لاَیبْدِینَ زینَتَهُنَّ اِلّا لِبُعُولَتِهِنَّ». فرمودند: بله آنچه زیر خمار (مقنعه) و زیر دستبند است زینت می باشد»(۴).

از این روایت مشخص می شود که آنچه با خمار (مقنعه) پوشیده می شود، سر و گردن است و صورت زن خارج از مقنعه می باشد. دستها هم بالاتر از النگو هستند نه پایین تر پس از مواضع زینت خارج خواهد بود.

در روایت موثق ، زراره از امام صادق علیه السلام درباره آیه کریمه: «الاَمَا ظَهَرَ مِنْهَا» پرسیدند . فرمودند: مقصود زینت ظاهری است ، یعنی سرمه و انگشتر»(۵) که از جواز نگاه به سرمه و انگشتر، جواز نگاه به صورت و دستها هم مشخص می شود.

دلیل دوم: اطلاق آیه شریفه «قلْ لِّلْمُوءمِنِینَ یغُضُّوا مِنْ اَبْصَارِهِمْ» هر چند در این آیه، متعلق غض بصر بیان نشده که از چه چیز بایـد چشم را فرو بست، اما بـا توجه به شأن نزول آیه کریمه و روایات بسیاری که در تفسیر آن رسیده می توان دریافت که موضوع آیه، نگـاه کردن به عورت است و روایـات دیگری که می گوینـد موضوع آن، نگاه به زن نامحرم است: این دو دسته روایت با هم تنافی ندارنـد. چون امکان دارد آیه شریفه به هر دو نوع نظر داشته باشـد، اما بر حرمت نگاه به طور مطلق دلالت ندارد. و نمی توان با این آیه بر حرمت نگاه بدون لذت و ریبه به دست و صورت زن نامحرم استدلال کرد.

دلیل سوم : سیره متدینان بر حرام دانستن نگاه به صورت و دست زن نامحرم

۱- ۱ . المقنعه، ص ۵۲۱؛ مرتضی انصاری، کتاب النکاح، ص ۴۴.

۲- ۲ . مستمک العروه الوثقی، ج ۱۴، ص ۲۶.

۳- ۳ . احمدبن محمد مهدی نراقی، مستند الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۱.

۴- ۴ . وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴۵، ح ۱، ب ۱۰۹.

۵- ۵ . همان، ص ۱۴۶، ح ۵۴۲۷.

است، اما نمی توان به صرف اجتناب متدینان و متشرعان از کاری آن را حرام دانست.

دلیل چهارم : روایاتی که بر جواز نگاه شاهد به زن در مقام تحمل شـهادت یا ادای شـهادت دلالت دارد که می تواند شاهد به زن نگـاه کنـد تـا او را بشـناسد. این ادله جواز نگاه بـدون لـذت و ریبه را بیان می کننـد. همچون راویت علی بن جعفر که می گویـد: «از امـام کـاظم علیه السـلام سؤال کردم: نگـاه به کـدام عضو زن نـامحرم جـایز است؟ فرمود: دست و صورت و محل دستبند»(۱).

ب: ربرخی فقهـا، مطلقـاً قائل به حرمت نگاه هسـتند(۲) . بـا نگـاه دقیق، به نظر این فقهـا می توان دریـافت که هیـچ یک فتوای صریح بر حرمت نگاه کردن نداده اند.

صاحب جواهر می فرماید: «شکی نیست که احتیاط ترک نگاه است و این قول قوی است»(۳).

امام می فرمایند: «احتیاط در این است که نگاه کردن جایز نباشد»(۴).

بنابراین فقهایی که قائل به حرمت نگاه شـده اند، تنها نگاه نکردن را موافق احتیاط دانسـته اند؛ چرا که از یک طرف ادله جواز را محکم یافته اند و از طرف دیگر، خطراتی که از ناحیه نگاه بر چهره متوجه بیننده می شود و ادله دیگری را که اشاره به نهی دارد ، نیز ناچیز نشـمرده اند. لذا نه فتوای صریحی به حرمت داده اند و نه تصریح بر جواز کرده اند و راه احتیاط را پیش گرفته اند.

دلیـل صاحب جواهر بر ادعای به حرمت نگاه، اطلاق آیه «غض بصـر» و اینکه کل بـدن زن عورت است می باشـد(۵). در کنز العرفان(۶) هم آمـده که بـدن زن عورت است، مگر بر شوهر و محـارمش . «آنچه اشـعار به آیه حجاب دارد، کل زنان را دربر می گیرد به جز زنان سالخورده (قواعد النساء) که از عموم آیه استثناء شده اند. و

ص: ۱۳۲

۱- ۱ . عبدالله بن جعفر حمیری، قرب الاسناد، موسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۳، ه ق، ص ۲۲۷.

۲- ۲ . از شـیخ طوسـی محقق حلی، النهـایه و نکتها، ج۲، ص۳۵۵؛ میرزای قمی، جـامع الشـتات ج ۴، ص۴۸۵؛ سید ابوالقاسم خویی، مبانی العروه الوثقی، ج ۲۲، ص ۳۶؛ محقق ثانی، جامع المقاصدج ۱۲ ص۴۰؛ علی اصغر مروارید، سلسله الینابیع الفقیه (الوسیله) ج ۱۸، ص ۳۰۹.

۳- ۳ . محمد حسن نجفی، جواهرالکلام، ج ۱۰، ص ۳۸۶.

۴- ۴ . سید روح الله خمینی، تحریرالوسیله، ج۲، ص ۱۳۱؛ سیدمحمد کاظم طباطبایی، العروه الوثقی، ص ۶۲۶.

۵- ۵ . محمدحسن نجفی، جواهرالکلام، ج ۱۰، ص ۳۸۶.

۶- ۶ . فاضل مقداد کنزالعرفان، ج ۲، ص ۲۲۲، (دو جلد در یک مجلد).

همچنین سیره و روش دینداران که دال بر وجوب پوشش دارد . روایاتی چون روایت امام صادق علیه السلام که فرمود: هر عضوی بهره ای از زنا دارد و زنای چشم نگاه کردن است...»(۱) دلالت بر حرمت نگاه به زن می باشد.

دلیل دیگری که قائلین به حرمت نگاه به وجه و کفین بر آن استناد کرده اند آیه کریمه: «وَ لاَیبْدینَ زینَتَهُنَّ اِلّا لِبُعُولَتِهِنَّ» است. که آیه کریمه بی هیچ استثنایی بیان کرده: جز برای شوهر بدن را آشکار نکند و هیچ موضعی از بدن استثناء نشده است.

استدلال دیگر بر حرمت نگاه، صحیحه هشام بن سالم است که از امام صادق علیه السلام نقل کرده: «امام صادق علیه السلام درباره نگاه به زنی که مرد قصد ازدواج با او را دارد، فرمودند: اگر قصد دارد، با او ازدواج نماید، اشکالی ندارد که به مچ دست ها و صورت او نگاه کند».(۲)

که با مفهوم شرط می فهماند، در صورتی که قصد ازدواج ندارد، نگاه به صورت و مچ دست ها را حرام است.

شیخ انصاری در استدلال به این روایت ایرادهایی می گیرند و می فرمایند: «این روایات دال بر جواز نگاه کردن به زنی که قصد ازدواج با او را دارد می باشند. در استدلال به آنها ایرادهایی به نظر می رسد:

اولاً: واضح است سیاق جمله شرطیه در روایت سیاق تعلیق نیست که مفهوم داشته باشد و این مطلب با کمی تأمل روشن می شود.

ثانیاً: بر فرض که آن صحیحه مفهوم داشته باشد، با جواز نگاه کردن در مورد آن، مشروط به شرطی که در این مسأله (نگاه به زن بدون قصد ازدواج) آمده نیست و آن شرط این است که غرض از نگاه ارزیابی زیبایی و زشتی زن و شناسایی رنگ صورت او و نقاط حسن و قبح او نباشد. شکی نیست نگاه با این قصد مخصوص صورتی است، که مرد به قصد ازدواج به صورت زن نگاه کند.(۳)

ج ـ عده ای نگاه اول را جایز و تکرار آن را حرام شمرده اند. شهید اول(۴) و علامه در قواعد(۵) و محقق در شرایع گفته اند: نگاه اول به صورت و دستهای زن نامحرم جایز است، ولی نگاه دوم در صورت عدم ضرورت جایز نمی باشد.

۱- ۱ . محمد بن حسن حرعاملی، وسائل، ج ۱۴، ص ۱۳۸، ب ۱۰۴، ح ۲۵۳۹۶.

۲- ۲ . همان، ص ۵۹، ب ۳۶، ح ۲۵۱۰۱.

۳- ۳ . کتاب النکاح، ص ۴۹.

۴- ۴ . اللمعه الدمشقیه، ص ۱۰۹.

۵- ۵ . قواعد الاحکام، ج۳، ص ۶.

مقصود از نگاه اول، نگاه اتفاقی و غیر عمدی است که عقاب و نکوهشی بر آن نیست. محقق حلی می گوید: «نگاه اول جایز، اما مکروه است»(۱) که شاید مراد، فعل اختیاری باشد.

روایات بسیاری رسیده که از تکرار نگاه منع کرده اند. مانند روایت ابی عمیر از امام صادق علیه السلام که فرمودند: «نگاه پی در پی، در قلب شهوت می کارد و برای دچار کردن صاحبش به آشوب و فتنه کافی است»(۲).

اما این روایت بر حرمت نگاههای بعدی دلالت ندارد ؛ چون در صدد بیان آثار وضعی نگاه می باشد.

روایت دیگر از امام صادق نقل شده است که: «اوَّل النَّظْرَهِ لَکَ وَالثانیهُ علیکَ لَالَکَ وَ الثَّالِثَهُ فِیهَا الهَلاکُ؛(۳) نگاه اول به نفع توست(یا بر تو بخشیده شد)، نگاه دوم علیه توست و نگاه سوم موجب هلاکت است.

این روایت هم از نظر دلالت با روایت قبل فرقی ندارد. مقصود از نگاه دوم، نگاهی است که سبب ایجاد لذت و ریبه در فرد شود.

نگاه طولانی هم مصداق تکرار نگاه را دارد. با توجه به روایات و ادله این گروه می توان دریافت که این روایات در صدد بیان این نکته هستند که نگاه غیر عمدی و اتفاقی اول هیچ حکم شرعی بر آن بار نشده. اما چه بسا همین نگاه اول از روی عمد بوده و یا حسرت و اندوه به دنبال داشته باشد که این نوع نگاه عمدی به چهره نامحرم حرام خواهد بود و فرقی بین نگاه اول و دیگر نگاهها نیست.

صاحب جواهر می فرماید: «ادعای اینکه صورت و دستها در نگاه عمدی اول عورت نیستند و در نگاههای بعد عورت می باشند قولی ضعیف است».(۴)

نگاه به مو و محاسن زن نامحرم

نگاه به مو و محاسن(۵) زن نامحرم

مشهور فقها اجماع دارند که نگاه کردن به زن نامحرم به هر صورت حرام است،

۱- ۱ . شرایع الاسلام، ص ۴۹۵.

۲- ۲ . محمدبن حسن حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۹، ح ۲۵۴۰۰.

۳- ۳ . همان. ج ۱۴، ص ۱۹۳، ح ۲۵۴۰۲.

۴- ۴ . محمدحسن نجفی، جواهرالکلام، ج ۱۰، ص ۳۸۷.

۵- ۵ . محاسن یعنی، جاهایی از بدن زن که وسایل زینت در آن ها قرار می گیرد مانند گردن و بازو. حسین مروجی، اصطلاحات فقهی، ص ۴۶۹.

چه با لذت و چه بدون لذت و چه احتمال وقوع در گناه باشد و چه نباشد.

آیت الله سید علی سیستانی می گوید: «نگاه به ماعدای صورت و دستهای زن نامحرم، از بدن زن و موهای او جایز نیست ، چه با لذت و ریبه باشد و چه بدون لذت و ریبه»(۱). کل بدن زن عورت است مگر برای همسر و محارمش به طریق و روش متشرعان در ستر و پوشش و با توجه به دلالت آیه کریمه.

نامحرم نباید به بدن و محاسن زن نامحرم نگاه کند ، مگر در صورت ضرورت.

روایت صحیح ابوحمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام که گفت: «سؤال کردم، درباره زن مسلمانی که جراحت و زخمی در بدنش ایجاد شده، و یا جایی از بدن او شکسته که بر مرد نامحرم جایز نیست آن عضو را نگاه کند. آیا مرد می تواند برای معالجه به بدن زن نگاه کند؟ امام فرمودند: اگر مضطر به معالجه شود در حال ضرورت می تواند نگاه کند»(۲).

این روایت دلالت دارد بر اینکه مرد نامحرم نمی تواند به بدن زن نگاه کند. و با استدلال به آیه شریفه: «وَ قُلْ لِلْمُؤْمِناتِ یغْضُضْنَ مِنْ أَبْصارِهِنَّ وَ یحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلایبْدِینَ زِینَتَهُنَّ الَا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لْیضْرِبْنَ بِخُمُرِهنُّ عَلَی جُیوبِهِنَّ ». مواضعی که معمولاـ ازبدن ظاهرو آشکار است استثناء شده، ودلالت دارد براینکه ظاهرو آشکار کردن مواضع زینت زن برای نامحرم جایزنیست، و ستر اعضایی که محل بستن زینتهای ظاهری واجب می باشد.

ریبه

ریبه اسم مصدر از باب رابَ، ریباً به معنای شک، تهمت و اضطراب نفس آمده است(۳).

منظور از ریبه ممکن است یکی از سه چیز باشد.

در مستمسک العروه آمده: فقها ریبه را به چند معنا تفسیر کرده اند.

۱) خوف وقوع در حرام.

۲) میل پیدا کردن به عمل حرام که در هنگام نگاه کردن به ذهن خطور کند مثل میل به بوسیدن طرف مقابل(۴).

ص: ۱۳۵

۱- ۱ . سیدعلی حسینی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۱۲.

۲- ۲ . محمد بن حسن حرعاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷۲، ح ۲۵۵۱۲، باب ۱۳۰.

۳- ۳ . ابن منظور، لسان العرب، ج۵، ص ۳۸۵.

۴- ۴ . سیدمحسن طباطبایی حکیم، مستمسک العروه، ج ۱۴، ص ۲۹.

به هر حال منظور از ریبه ممکن است یکی از سه چیز باشد:

الف) نگاه با ریبه، نگاهی است که مقدمه عمل حرام باشد. (خوف وقوع در حرام).

ب) نگاه با ریبه نگاهی است که موجب خطور افکاری در ذهن باشد.

ج) نگاه با ریبه، نگاهی است که موجب اضطراب و التهاب نفس شود.

می توان با بررسی متوجه شد که اکثر فقها مرادشان از ریبه همان معنای خوف وقوع در حرام باشد. اگر به معنای دوم و سوم باشد، دلیل بر حرمت آن نداریم.

اکثر فقها در شرط حلیت نگاه به «عدم التلذذ والریبه» اکتفا کرده اند و دیگر خوف وقوع در فتنه را اضافه نکرده اند(۱).

در کشف اللثام آمده: «ریبه، حالتی است که از نگاه به ذهن و دل انسان خطور می کند و به معنای لذت بردن با آن، یا خوف در فتنه افتادن نیست... و بین فتنه و ریبه فرق است... ممکن است فتنه را به ریبه تعمیم دهند»(۲).

«شهید ثانی» در شرح لمعه و بسیاری از فقها گفته اند: «مقصود از ریبه، ترس از گرفتار شدن به گناه و فتنه است»(۳).

«صاحب عروه» می فرمایند: «مع عدم التلذذ والریبه أی خوف الوقوع فی الحرام»(۴)، که ریبه رابه معنای ترس از وقوع در حرام تفسیر می کند.

باید توجه داشت که لفظ «ریبه» تا آنجا که نگارنده بررسی کرده، در روایات نیامده و در روایات هر جا که از نگاه بحث شده نگاه بدون قصد لذت و فتنه مدنظر می باشد.

ادله حرمت ریبه

فقها بر حرمت نگاه با ریبه اجماع دارند و همه فقها حرام بودن آن را بدیهی و

۱- ۱ . روح الله حسینیان، حریم عفاف، سازمان تبلیغات اسلامی، دوم، زمستان ۷۳، ص ۱۳۷.

۲- ۲ . بهاء الدین محمدبن حسن اصفهانی (فاضل الهندی) کشف اللثام عن قواعدالاحکام، ج ۷، موسسه النشرالاسلامی، اول، شعبان ۱۴۲۰، ص ۲۳.

۳- ۳ . الروضه البهیه، ج ۲، ص ۲۹۲؛ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۳۸۰؛ سید روح الله خمینی امام، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۳۲، شهید اول، اللمعه، ص ۱۰۹، محقق حلی، شرایع ص ۴۹۵، علامه، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۶؛ سید ابوالحسن موسوی اصفهانی، وسیله النجات، ص ۳۱؛ مرتضی انصاری، کتاب النکاح، ص ۵۵.

۴- ۴ . سید محمد کاظم طباطبایی، العروه الوثقی، ص۶۲۵.

مسلم دانسته اند. ملاک نگاه حرام را ریبه می دانند، نگاهی که صاحب خود را به آشوب و فتنه می اندازد. در روایات آمده: «واحذرو الفتنه؛ فتنه و آشوب بپرهیزید.»

روایت شده که شخصی به نام خثعمیه در حجه الوداع برای استفتای مسایل حج نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد . در حالی که فضل بن عباس کنار رسول خدا ایستاده بود، فضل شروع به نگاه کردن زنی کرد او هم به فضل نگاه کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله صورت فضل را برگرداند و فرمود: مرد جوان است و زن هم جوان. ترسیدم که شیطان بین آن دو آید(۱).

در این روایت رسول اللّه صلی الله علیه و آله به احتمال ترس در فتنه ، فضل را از نگاه کردن منع نموده اند، و خوف دخول شیطان را که ناشی از التذاذ حاصل از نگاه بین زن جوان و ناظر که مرد جوانی بود که قهراً منجر به فتنه و فساد می شود ، علت نهی از نگاه دانسته اند.

در کتاب مسأله حجاب، هم ضمن حرام دانستن نگاه با ریبه بیان شده که: «ریبه، یعنی نظر به خاطر تلذذ و چشم چرانی نیست، ولی خصوصیت ناظر و منظور الیه مجموعاً طوری است که خطرناک است و خوف هست که لغزشی به دنبال نگاه کردن، به وجود آید»(۲).

شیخ انصاری دلیل حرمت ریبه را واضح می داند، زیرا ارتکاب کاری که انسان را به حرام اندازد، یا ترس وقوع در حرام را در پی داشته باشد، حرام است و هنگامی که نگاه به زن نامحرم در نفس انسان، خوف وقوع در حرام پدید آورد، حرمت موءکد دارد(۳).

لذت

لذایذ چند قسمند(۴): یکی لذاتی که لذیذ بودن و زیبایی آن طبیعی شی ء لذیذ است. مانند لذت نکاح که مستند به خلقت و منسوب به خداوند است. دوم: لذایذ فکری که هم زندگی دنیوی انسان را اصلاح می کند و هم نسبت به آخرت او ضرری ندارد. قسم سوم: لذات فکری موافق با هوی و مایه بدبختی در دنیا و آخرت،

۱- ۱ . شیخ طوسی، المبسوط، ج ۴، ص ۱۶۰.

۲- ۲ . مرتضی مطهری، مسأله حجاب، ص ۱۶۵.

۳- ۳ . مرتضی انصاری، کتاب النکاح، ص ۵۵.

۴- ۴ . میرزا ابوالحسن شعرانی طاب نژاه. خلاصه ای از نثر طوبی یا دائره المعارف لغات قرآن مجید، اسلامیه، تهران، ص ۳۶۰،۳۵۹.

عبادات را تباه و زندگی طیّب را فاسد می سازد، لذاتی است که فطرت ساده و سالم مخالف آن است.

در هر حال یکی از امیال عالی فطرت انسان میل به زیبایی است. با دیدن هر چیز زیبا به انسان احساس لذت و شعف دست خواهد داد. روانشناسان این میل را از اصیل ترین امیال انسانی می دانند. انسان موجودی لذت جوست . با دیدن صورتی زیبا احساس لذت کرده چه صاحب آن چهره پیر باشد چه جوان.

منظور از لذت حرام در این بحث، لذتی شهوانی است که انسان با نگاه کردن به نامحرم احساس لذت شهوی کند. ولو که انسان به هم جنس خود نگاه کند. حتی از نگاه به صورت و دستهای او لذت ببرد، این نگاه او حرام بوده و نباید نگاه کند.

صاحب «مستمسک العروه» می فرماید: «نگاه کردن به صورتهای زیبا از مرد یا زن همیشه همراه لذت است، زیرا مقتضای فطرت و طبیعت انسان بر زیبایی دوستی است. لذت مورد بحث ما، لذت جنسی است، اما آن چیزی که مقتضای فطرت انسان می باشد، لذت غیر جنسی است، همانگونه که انسان از دیدن مناظر زیبا و ساختمانهای مجلل و... لذت می برد»(۱).

صاحب جواهر در رد این مطلب می فرماید: توجیهی که بعضی از مردم در مورد لذت بردن از صورتهای زیبا می کنند این است که می گویند این لذت هم مانند لذت بردن از ساختمانهای زیبا و مثل آن است ، اما این توجیه از مکر و فریبهای شیطان است(۲).

از علی بن سوید روایت شده که از امام رضا علیه السلام سوءال کردم: «من با زنان زیباروی زیادی سروکار دارم که وقتی به آنها نگاه می کنم، از زیبایی آنها لذت می برم.» امام علیه السلام فرمودند: «اگر خداوند صدق و درستی نیت تو را ببیند، نگاه تو مانعی ندارد. از زنا بپرهیز که زنا برکت و ایمان را نابود می کند»(۳).

امام در اینجا نگاه را منوط به نیت (با قصد لذت شهوانی یا بدون قصد لذت) کرده اند. یعنی خود قصد لذت ملاک حرمت است.

کلام اکثر فقها اشعار داردبه اینکه، نفس قصد لذت داشتن حرام است، زیرا که فرموده اند: «لایجوز النظر لتلذذ» که از «لام»، «لتلذذ»استفاده می شودکه اگر بیننده قصد لذت کند، نگاه او حرام است.

۱- ۱ . سید محسن حکیم طباطبایی، مستمسک العروه الوثقی، ج ۱۴، ص ۳۰.

۲- ۲ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۳۸۱.

۳- ۳ . محمدبن حسن حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۳۱، ح ۳.

نگاه به پای نامحرم

نگاه به پای نامحرم(۱)

محل بحث فقها نگاه به پای زن نامحرم بدون لذت و ریبه است. برخی فقها هم قائل به جواز نگاه به پاها شده اند. حتی پوشاندن پاها را در نماز واجب نمی دانند. که به ملازمه می توان از عدم وجوب پوشیدن پاها در نماز به جواز نگاه کردن مرد به آن پی برد.

در روایت مرسل مروک بن عبید آمده که:

از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «چه عضوی از زنان برای مردان دیدنش جایز است؟» حضرت فرمودند: «چهره، دو دست، دو پا از مچ.»(۲)

آیات شریفه ای که در این زمینه نازل شده، همگی به قسمتهای دیگر اندام انصراف دارند؛ چنانکه گویی پاها به طور کلی از حیطه توجه خارج شده و مورد غفلت قرار گرفته اند و به جهت همین غفلت است که نمی توان در مورد حرمت نگاه به پاها ادعای اجماع کرد و حداقل این است که تحقق اجماع در این مورد مشکوک است.

پس نه روایات، متعرض حکم پاها شده اند، نه آیات به آن نظر دارند و نه اجماعی در این مورد محقق شده و ادله ای هم که از نگاه کردن به نامحرم نهی کرده اند، چنان اطلاقی ندارد که شامل پاها هم شوند.

محقق قمی، قائل به حرمت نگاه به زن می باشد و می گوید: «امر درصورت و دست وپا آسان تر است، چون در مسأله خلاف عظیم است»(۳). این سخن ایشان بیانگر این امر است که نگاه به دست و پا و صورت را جایز می دانند.

امام و آیات عظام اراکی و گلپایگانی نگاه کردن به کف پا و روی پا و پاشنه پا را جایز نمی دانند ونگاه مرد به غیر از وجه و کفین به جایی از بدن زن نامحرم را جایز ندانسته اند(۴).

به هر حال در حرمت نگاه مرد بیگانه به پشت و کف پای زن و انگشتان پای او

ص: ۱۳۹

۱- ۱ . پا، (قدمین در عربی)، معادل فارسی این لغت، واژه ای یافت نمی شود، قدم، قسمتی از پا که در کفش جا می گیرد و از قوزک پا به پایین را گویند.

۲- ۲ . وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴۶، ح ۲۵۴۲۶.

۳- ۳ . میرزا ابوالقاسم قمی، جامع الشتات، ج ۴ ص ۴۸۵.

۴- ۴ . سید مسعود معصومی، احکام علاقات المراه مع الرجل، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول زمستان ۱۴۱۵، ص ۳۲.

شکی نیست، به دلیل عموم اولیه وجوب فروبستن چشم از زن بیگانه و مطلق بودن حرمت نمایان کردن بدن زن. ازحرمت نگاه بیگانه به تمام مواضع بدن زن ظاهر است که وجه و کفین استثناء شده و سایر مواضع بدن زن تحت عموم حرمت نمایان کردن و وجوب فروبستن چشم (غض بصر) قرار دارد(۱).

وصل مو

یکی از مسائلی که از گذشته مورد بحث فقها بوده و امروز بیشتر در جامعه به چشم می خورد وصل کردن مو به سر می باشد . استفاده از کلاه گیس یکی از مصادیق اتصال مو می باشد که امروز اهمیت بسیار داشته و در بحث بازیگری و سینما مطرح می شود.

در فقه، اتصال مو زن به زن و اتصال موی حیوان به موی زن بحث شده است.

نظریات علما در حکم اتصال مو به سه دسته تقسیم می شود:

دسته اول: روایاتی که اتصال مورامنع کرده اند. ابن عمیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «زن آرایشگری نزد حضرت رسول آمد. حضرت فرمودند: «هنوز آرایشگری می کنی یا آن را ترک کرده ای؟» عرض کرد: «یا رسول الله، من آن راترك نمی کنم. مگر آنکه شما نهی ام کنی تا دست بردارم.» فرمودند: «لازم نیست دست برداری، اما وقتی کسی را آرایش می کنی، صورتش را با پارچه جلا نده . این کار، طراوت و نشاط صورت را می برد. مو به مو وصل نکن»(۲).

این روایت به طور مطلق وصل مو را نهی کرده که شامل موی انسان و غیر انسان هر دو می شود.

روایت دیگری از عبدالله بن حسن آمده است که : درباره قرامل سوال کردم. فرمودند: «قرامل چیست؟» گفتم: «پشمی است که زنان روی سرشان می گذارند.» فرمود: «اگر پشم باشد، اشکالی ندارد، ولی اگر مو باشد، نه برای آن که وصل می کند، خیری دارد، نه برای آنکه برایش وصل می کنند»(۳).

این روایت فقط وصل کردن موی انسان را نهی کرده ؛ زیرا وصل پشم و موی حیوان را اجازه داده است.

شاید علت نهی از وصل کردن مو، تدلیس باشد؛ زیرا مو و پشم حیوان به

۱- ۱ . علی اکبر سیفی مازندرانی، دلیل تحریرالوسیله، ص ۲۱۴.
۲- ۲ . وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۹۴، ح ۲۲۱۷۲.
۳- ۳ . همان، ج ۱۴، ص ۹۴، ح ۲۲۱۷۵.

سهولت قابـل تشـخیص است و ناظر را به اشـتباه نمی انـدازد. بنابراین نمی توان با این روایت، حرمت وصل مو به طور مطلق را حتی اگر برای تدلیس نباشد اثبات کرد.

امام در کتاب «دلیل تحریرالوسیله»(۱) این روایات را ضعیف دانسته است و بیان کرده که هیچ دلیلی برای منع اتصال موی یک زن به زن دیگر نمی باشـد ، مگر اینکه از جهت وجوب پوشـش آن و حرمت نگاه به موی زنی که موی دیگری را وصل کرده باشد.

دسته دوم: روایاتی که بر کراهت دلالت دارد.

ثابت بن سـعید روایت کرد که کسی به امام صادق علیه السلام گفت: «زنان، قرامل روی سر خود می گذارند. فرمود: اگر پشم باشـد یا از موی خود زن ساخته شود، خوب است، ولی اگر از موی دیگری باشد، مکروه است . اگر موی خودش یا پشم را به مویش وصل کند، برای او ضرری ندارد»(۲).

دسته سوم: روایاتی که بر جواز وصل دلالت دارند.

سعد اسـکاف از امام صادق علیه السـلام درباره قرامل که زنان روی سـر می گذارند و به موی سـر خود وصل می کنند، سؤال می کنـد و امـام می فرماینـد: «هر کـاری که زن برای زینت خود برای شوهرش انجام دهـد اشـکال نـدارد.» می گویـد: «عرض کردم که مـا شـنیده ایم رسول خـدا صـلی الله علیه و آله وصل کننـده ووصل شونـده (واصـله و موصوله) را لعنت کرده است.» فرمود: «منظورش این نبوده. منظور حضرت از وصل کننده و وصل شونده، زنی است که در جوانی زنا می دهد و چون پیر می شود، زنان را برای مردان می برد، این است واصله و موصوله»(۳).

عمار ساباطی نقل کرد به امام صادق علیه السـلام عرض کردم: «از پیامبر روایت می شود که آن حضـرت، واصله و موصوله را لعنت کرده است». فرمود: «آری، این چنین است». گفتم: «یعنی زنی که آرایشـگری می کند و قرامل درست می کند؟» فرمود: این کار اشکالی ندارد» گفتم: «پس منظور از واصله و موصوله چیست؟» فرمود: «زناکار و قواد»(۴).

---

۱ – ۱ . علی اکبر، سیفی مازنـدرانی، دلیـل تحریرالوسـیله احکـام الستر والنظر، موسـسه تنظیم و نشـر آثـار الامام الخمینی، اول، ۱۴۱۷، ص ۱۹۱.

۲– ۲ . محمدبن حسن حرعاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۵، ح ۲۵۳۸۶.

۳– ۳ . همان، ج ۱۴، ص ۱۳۵، ح ۲۵۳۸۷.

۴– ۴ . همان، ص ۱۳۶، ح ۲۵۳۸۹.

در نتیجه این روایات بر عدم جواز وصل موی دیگری به موی زن دلالت ندارند. ابوبصیر روایت کرد: درباره موهای جلو پیشانی از او پرسیدم که زن به قصد زینت برای شوهر درست می کند و درباره کندن موهای صورت و قرامل و پشم روی سر و امثال آن سوال کردم.

فرمود: «هیچ یک از اینها اشکال ندارد»(۱).

می توان گفت که اگر وصل مو به منظور فریبکاری باشد حرام است، وگرنه جایز است. واصل هم بر اباحه وجواز دلالت دارد. بنابراین وصل مو جایز است.

برخی فقهاهم وصل کردن موی دیگری به موی زن را جایز دانسته اند.

آیت الله خویی هم بر این عقیده است و می فرماید «به دلیل اصل، وصل مو جایز و مباح است»(۲).

حکم نگاه به موهای متصل شده

علمایی که قائل به جواز وصل موی دیگری به موی زن شده اند. نگاه به آن مو را برای شوهر زن جایز دانسته اند.

صاحب عروه گفته است(۳): شوهر می تواند به آن مو نگاه کند. اگر چه مکروه است ، اما احتیاط در ترک نگاه است.

آیت الله خویی و صاحب مستمسک فرموده اند: «نگاه برای شوهر جایز است: زیرا دلیلی بر حرمت نگاه نداریم»(۴).

برخی علما بر استصحاب حرمت نگاه به موهای متصل استدلال کرده اند. همانطور که نگاه به موی نامحرم قبل از اتصال موی او حرام بود بعد از اتصال هم حرام می باشد.

اما در جاری کردن اصل استصحاب اشکال پیش می آید، زیرا در استصحاب وحدت موضوع شرط است، اما در محل بحث ما موضوع تغییر کرده، موی متصل شده به بدن همچون عضو جدا شده از بدن زن می باشد. چون عرف آن را جدا از

۱- ۱ . وسائل، ج ۱۴، ص ۱۳۶، ح. ۲۵۳۹.
۲- ۲ . مبانی العروه الوثقی، ج۳۲، ص ۶۲۷.
۳- ۳ . سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۶۲۷.
۴- ۴ . سید ابوالقاسم خویی، مبانی العروه الوثقی، ج ۳۲، ص ۹۱؛ سید محسن طباطبایی حکیم، مستمسک العروه، ج ۱۴، ص ۵۴.

موی اصلی می داند. «اگر استصحاب را بپذیریم نتیجه این می شود که نگاه کردن به موی وصل شده، بر محارم زن صاحب مو جایز باشد و بر محارم زنی که فعلاً از مو استفاده می کند، نگاه حرام باشد و باید بپذیریم که در زمانی که مو از صاحبش جدا شده ولی به سر دیگری وصل نشده، پوشیدنش واجب و نگاه کردنش حرام است. علاوه بر آن باید بین موی زن و موی مرد فرق قایل شویم. چون احکام آن قبل از انفصال متفاوت است، این احکامی است که بر فرض قبول استصحاب باید به آن ملتزم شویم. در حالی که هیچ فقیهی به آنها ملتزم نمی شود»(۱). اما نگاه شوهر به آن مو جایز است . حتی اگر مو متصل شده را جزء زینت به شمار آوریم باز هم شوهر می تواند به زینت همسر خود نگاه کند.

نگاه نامحرم

صاحب عروه معتقدند که ستر موهای متصل به موی اصلی واجب است چه از موی مرد باشد یا موی زن باشد و نگاه به آنها حرام می باشد.

همچنین «قرامل از غیر موی پشم و موی بز زینت محسوب شده و ستر آنها هم واجب است ومرد نامحرم هم حرام است به آنها نگاه کند»(۲).

پس بر زن واجب است هر نوع موی متصل را همانند موی طبیعی خود در برابر نامحرم بپوشاند.

در کتاب «دلیل تحریرالوسیله» به نقل از کاشف الغطا آمده که ایشان، ستر زینتهای متعلق به بدن را مثل حنا، سرمه، النگو و مویی که موی زن وصل شده، چه از موی مردان باشد و یا از جنس پشم باشد و ستر و پوشش آن از ناظر درحال غیر نماز بنابر اقوی واجب می داند(۳).

در آیه کریمه «وَلایبْدِینَ زِینَتَهُنَّ الَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» مراد از زینت، اعم از زینت ذاتی و عرضی و مواضع زینت و خود زینتهاست. وبه زینت پنهان هم با توجه به ادله معتبر اطلاق می شود. واضح است که مو هم از جمله زینتها به شمار می آید . اگرچه موی دیگری (متصل به موی اصلی) باشد و فرقی بین موی اصلی و موی متصل از جهت

۱- ۱ . محمدرضا جباران، سینما در آینه فقه، گفتاردرس خارج فقه آیت الله مروجی، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، اول، ۱۳۷۸، ص ۹۴ ۹۳.

۲- ۲ . محمدکاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۶۲۷.

۳- ۳ . علی اکبر سیفی مازندرانی، دلیل تحریرالوسیله، ص ۱۸۸.

اینکه عرفاً از زینتهای باطنی به شمار می آیند نیست. نهایت آنچه که با این آیه ثابت می شود حرمت کشف و نمایاندن موی متصل مقابل مردان نامحرم است و حرمت نگاه مردان به موی متصل زنان می باشد.(۱)

نگاه محارم به موی زن

آیه شریفه «اِلّا لبعولَتهِنَّ» بر جواز کشف و نمایاندن مو به عنوان آشکار کردن زینت باطنی برای همسر و همچنین نگاه شوهر به مو فهمیده می شود، اما حرمت نگاه شوهر به زن ثابت نمی شود مگر آن که ادله ای مبنی بر حرمت کشف موی زن نامحرم که متصل به موی زن شده وارد شود که بر شوهر نگاه به آنها حرام باشد. اما ادلّه ای که بر نهی از وصل موی زن آمده، برحرمت نمایان کردن مو در برابر مردان بیگانه دلالت دارد، که به عنوان آشکار کردن زینت باطنی، هر چند که از زن مومن بعید است که سر خود را مقابل مردان بیگانه برهنه کند.

طبق نظر صاحب مستمسک العروه، مهمترین اصل بعد از قصور ادله بر حرمت نگاه به موی متصل زن، اباحه نگاه به موی زن می باشد. مجالی برای جریان اصل استصحاب برای تبدیل موضوع نمی باشد. اما نگاه به موی متصل زن از باب نگاه به بقیه اعضای بدن (و اینکه کل بدن زن عورت است) حرام می باشد، نه اینکه اباحه یا حرمت نگاه به موی متصل را جدا از بدن و مستقلاً استدلال کنیم(۲).

نگاه به زنان محجبه

زنان نامحرم ، یا مسلمان هستند یا غیر مسلمان. در صورتی که مسلمان باشند یا کاملاً حجاب خود را رعایت می کنند یا رعایت نمی کنند.

زن مسلمانی که کاملاً حجاب خود را رعایت کرده، نگاه به وجه و کفین او برای مرد جایز است، به شرط آنکه، وجه و کفین او زینت نشده باشد و به قصد لذت و ریبه نگاه نکند.

محمد بن سنان روایت کرد که امام رضا علیه السلام درپاسخ یکی از سوالهایش به وی نوشتند: «نگاه به موی زنان با حجاب، آنان که خود را به خاطر شوهرانشان

۱- ۱ . همان، ص ۱۸۹.

۲- ۲ . سید محسن حکیم طباطبایی، مستمسک العروه الوثقی، ج ۱۴، ص ۵۴.

پوشانده اند و زنان دیگر به این علت حرام شده که باعث تحریک مردان شده و این تحریک به فساد و ارتکاب اعمال حرام می انجامد».(۱)

نگاه مرد به مرد

برای مرد نگاه به تمام بدن مرد دیگر غیر از عورت جایز است. فرقی بین اینکه پیر و جوان یا زیباروی و زشت رو باشد نمی کند ، مشروط به آنکه نگاه به منظور لذت و ریبه نبوده یعنی خوف وقوع در حرام در بین نباشد(۲).

عورت در مرد ، قبل و دبر و دو بیضه اوست . در نتیجه ماهیچه های عضلانی پشت (باسن)، عورت محسوب نمی شوند و نگاه کردن به آن اشکال ندارد، امااحتیاط ترک نگاه به آنها می باشد. سیره و عمل مسلمانان در طی زمانها و مکانها بر این امر استمرار داشته که نگاه به تمام بدن مرد مگر عورت را جایز دانسته اند(۳).

این جواز نگاه تا زمانی است که قصد لذتی در بین نباشد که با بودن احساس لذت حتی نگاه کردن به صورت و دو دست مرد، حرام خواهد بود.

روایات بسیاری رسیده که بیان می کند در حمام بر مرد حرام است به عورت هم جنس خود نگاه کند.

روایت حریز از امام صادق علیه السلام که فرمودند: «لا یَنْظُرُ الرَّجُل اِلَی عَورَهِ أخِیه؛(۴) مرد به عورت برادر خود نگاه نمی کند.»

و روایت مرسل محمد بن جعفر « پدر نباید به عورت پسر خود نگاه کند و پسر هم نباید به عورت پدر خود نگاه کند»(۵).

اگر مرد بترسد از اینکه چنانچه به بدن مرد دیگر نگاه کند به گناه آلوده می شود، بهتر است به بدن او نگاه نکند.

ص: ۱۴۵

۱- ۱ . محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۴، ح۱۲.
۲- ۲ . احمد نراقی، مستند الشیعه، ج ۱۶، ص ۶۵۶۴؛ محقق حلی، شرایع الاسلام، ص ۴۹۵؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۶۲۵؛ سید روح الله خمینی تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۴۲؛ سید علی حسینی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳؛ ص ۱۱، علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۶؛ محقق ثانی، جامع المقاصد، ج ۱۲، ص ۳۳.
۳- ۳ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۳۸۰؛ سید محسن طباطبایی حکیم، مستمسک العروه، ج ۱۴، ص ۲۲.
۴- ۴ . محمد بن حسن حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۳۶۳، ب ۳، ح ۱۳۹۵.
۵- ۵ . محمد مهدی نراقی، مستند الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۰.

نگاه مرد به سینه مرد دیگر جایز است . همچنین می تواند به آنچه بالای ناف مرد دیگر و پایین تر از زانوی مرد می باشد نگاه کند ، مگر آنکه نگاه او همراه شهوت باشد. نگاه هر فرد به بدن شخص دیگر با شهوت حرام است ، مگر زن و شوهر باشد. اگر کسی که مرد به آن نگاه می کند، جوان زیبا صورتی باشد، نگاه به او و به صورت مرد و سایر اعضای بدنش چه با شهوت و چه بدون شهوت حرام است، مگر اینکه به سبب ضرورت مثل خرید و فروش و معالجه و آموختن و مانند آن باشد(۱).

نگاه به پشت زنان بیگانه از روی لباس

با توجه به آنچه در روایات معتبر آمده می توان مذمت نگاه به پشت زنان نامحرم از روی لباس را دریافت واضح و روشن است که شیطان به این طریق ناظر را وسوسه کرده و او را به خواری و فتنه می اندازد.

باتوجه به تفاسیر وارده شده درآیه کریمه «یا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ اِنَّ خَیرَ مَنِ اسْتأَجَرْتَ الْقَوی الأَمینُ»(۲).

ای پدر ، خوب است او را اجیر کنی که بهترین اجیر کسی است که نیرومند و امین باشد.

از اینکه دختر شعیب، موسی علیه السلام را قوی وامین معرفی کرد، فهمیده می شود که آن دختر از نحوه عمل موسی علیه السلام درآب دادن گوسفندان دید که او مردی نیرومند است. همچنین از عفتی که موسی علیه السلام در گفتگو با آن دختر از خود نشان داد، و اینکه غیرتش تحریک شده و گوسفندان آنان را آب داده و طریق راه رفتن او تا خانه پدرش شعیب که موسی علیه السلام به آنها گفت : «شما پشت سرم راه بیائید ، زیرا من از خاندانی هستم که به پشت زنان نگاه نمی کنم.» دریافت که او شخصی عفیف و امانتدار است.

عمادبن عثمان از امام صادق علیه السلام روایت کرد که فرمودند: «ما یأمَنُ الَّذِینَ ینْظُرُونَ فِی أَدبارِ النِّساء انْ ینْظَرَبذلِکَ فی نِسائِهِمْ»(۳) کسانی که به پشت زنان نامحرم نگاه می کنند، از نگاه دیگران که به زنان آنها نگاه می کنند در امان نیستند.

۱- ۱ . علی بن عطیه هیتی حموی، احکام النظر، ص ۸۷.

۲- ۲ . قرآن کریم، سوره مبارکه قصص / ۲۶.

۳- ۳ . وسائل ج ۱۴، ص ۱۴۵، ح ۲۵۴۲۱، ب ۱۰۸.

صفوان از امام کاظم علیه السلام روایت کرد که فرمودند: درباره آیه «یا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَیرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِی الأمینُ»،ای پدراو رااجیر کن؛ زیرا بهترین اجیر کسی است که نیرومندوامین باشد. شعیب به دخترش فرمود:

دخترم نیرومند بودن او را از برداشتن تخته سنگ فهمیدی، اما از کجا دانستی که امین است؟ دختر شعیب گفت: پدر جان، من پیشاپیش او راه می رفتم، اما او گفت: دنبال من بیاو هر جا که راه را اشتباه رفتم مرا راهنمایی کن، زیرا ما قومی هستیم که به پشت سر زنان نگاه نمی کنیم»(۱).

در روایت دیگر ابو بصیر ازامام صادق علیه السلام پرسید: آیا مرد می تواند وقتی زنی راه می رود به پشت سر او نگاه کند؟ امام فرمودند: آیا شما خوشحال می شوید کسی به همسر، خواهر، مادر و... شما اینگونه نگاه کند، وبعد فرمودند هرچه را برای خود دوست نداری برای دیگران نیز دوست مدار»(۲).

نگاه به حجم بدن زن و مرد نامحرم

نگاه به حجم اعضای بدن زن از روی لباس چسب و نازک و یا چادر نازک که حجم اعضای بدن را نشان می دهد حرام است در حرمت نگاه با قصد شهوت و همچنین هنگام ترس از وقوع درگناه با نگاه پر هوس هیچ شکی نیست.

بنابر قول قوی نگاه بدون لذت هم حرام است به سبب دلالت آیه غض بصر و به دلیل اطلاق آیه بر بیان حرمت نگاه به هر عضوی از محاسن و زینتهای بدن زن و آنچه که موجب تهییج برای ناظرشده و اثرات شهوت انگیز برای فرد ایجاد می کند بخصوص زینت دادن حجم اعضای بدن زن با لباسهای زیبا و رنگارنگ حرام است(۳).

نگاه زن به حجم بدن مرد نامحرم به جز عورت او بنابر اقوی جایز است ؛ چرا که سیره قطعیه ای که از سوی متشرعان رسیده این نگاه را نهی نمی کند.

نگاه کردن به بدن نامحرم حتی به وجه و کفین او به قصد لذت و ریبه و با خوف به مفسده افتادن حرام است. گرچه بر مردان پوشاندن بدن واجب نیست، اما بر زنان هم واجب است از نگاه کردن خودداری کنند.

۱- ۱ . وسایل، ح ۲۵۴۲۲، ب ۱۰۸.
۲- ۲ . همان، ح ۲۵۴۲۳، ب ۱۰۸.
۳- ۳ . علی اکبر سیفی مازندرانی، دلیل تحریرالوسیله، ص ۲۱۳.

نگاه زن به مرد

همـانطور که بر مردان نگـاه کردن به زن نـامحرم حرام است بر زن نیز نگاه کردن بر مرد حرام است. علاوه بر آن بر زن واجب است که خود را از نامحرم بپوشاند، و بر مردان پوشانیدن خود واجب نیست، به جز عورت و اگر مرد بداند که زنان عمداً به او نگاه می کنند، از باب حرمت و افتادن در گناه باید خود را بپوشاند.

نگـاه زن به بـدن مرد بیگـانه بـا لـذت و شـهوت حرام است، بلکه احتیاط این است که به غیر آنچه که معمولاً و در عرف نگاه صورت می گیرد، نگاه نکند. اگر به مواضـعی از بدن مرد بدون لذت و ریبه نگاه کند ظاهراً نگاه او جایز است ، اما بهتر اسـت که نگاه نکند.

اگر مردی به قصد به گناه انداختن زنها بدون لباس بیرون آید ، قصد معاونت در گناه را دارد؛ زیرا قصد به حرام انداختن زنان را نموده و اگر این قصد را ندارد و فقط احتمال بدهد از عدم پوشش او عده ای به گناه بیفتد باید خود را بپوشاند.

صاحب وسیله می گوید: «بر زن حرام است به مرد بیگانه نگاه کند، در صورتی که مرد بداند زن عمداً به او نگاه می کند، براو واجب می شوداز باب حرمت و معاونت و همکاری به گناه خود را بپوشاند»(۱).

صاحب شـرایع جواز نگاه به مرد را مشـروط به مقام ضـرورت دانسـته انـد مثل شـهادت بر مرد، البته به حدی باید نگاه کند که نسبت به مرد اطلاع و آگاهی پیدا کند(۲).

بعضـی از علما گفته انـد : زن می توانـد به تمام بـدن مرد به جز بین زانو و ناف را نگاه کند و حکم نگاه کردن زن به مرد مثل حکم نگاه کردن مرد به زن نیست، زیرا تمام بدن زن در حکم عورت است . به همین دلیل پوشاندن آنها در نماز واجب اسـت و اگر زن و مرد در نگاه به یکدیگر مساوی بودند، مردان نیز مانند زنان به پوشـش بدن مأمور می شدند،(۳) علما در این مسأله چهار قول دارند:

۱) نگاه کردن زن به مرد حرام است ، مگر به صورت و دستهای وی(۴).

۱- ۱ . سید ابوالحسن موسوی اصفهانی، وسیله النجات، ص ۲۲۳(جز دوم).

۲- ۲ . محقق حلی، شرایع الاسلام، ص ۴۹۶.

۳- ۳ . علامه حلی، تذکره الفقها، ج ۲، چاپ سنگی، بدون صفحه شمار.

۴- ۴ . محقق حلی، شرایع الاسلام ص ۴۵۵؛ علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۶، سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۳۲.

۲) نگاه کردن زن به مرد مطلقاً حرام است ، ولو مرد نابینا باشد(۱).

۳) نگاه به صورت و دستها و سر و گردن و قدمین مرد جایز است.

رسول اکرم زنان را از نگاه به مردان نهی کردند.

آیت الله خویی می فرماید: «نگاه کردن زن به مرد بنابر احتیاط واجب حرام است، مگر به صورت و دستها و سر و گردن و قدمها که نگاه زن به این مواضع ازبدن مردها به شرطی که به قصد لذت و خوف فتنه نباشد جایز است. هر چند ترک آن بهتر است»(۲).

۴) نگاه زن به مردبیگانه جایز است، به جز بین ناف و زانو(۳).

قائلان به حرمت نگاه زن به مرد به چند دلیل برای قول خود استناد کرده اند.

صاحب ریاض ادعای اجماع کرده بر یکی بودن حکم زن با مرد و بیان داشته اند که «هر جا نگاه مرد به زن حرام است، نگاه زن به مرد هم حرام می باشد»(۴).

اما این استدلال درست نیست. به علت عدم وجوب ستر بدن مردان که موجب حرمت نگاه زن به مرد نمی شود و با توجه به دلالت آیه کریمه: «وَ قُلْ لِلْمُؤْمِناتِ یغْضُضْنَ مِنْ أَبْصارِهِنَّ؛ به زنان با ایمان بگو چشمهای خویش را فرو بندند.»

در این آیه وجه و کفین استثناء شده مبتنی بر ملازمه بین عدم وجوب ستر وجه و کفین برای مرد است . جواز نگاه زن به آنها و آیه دلالتی بر حرمت نگاه زن به مرد ندارد؛ زیرا این آیه به طور مطلق بیان کرده چشمان را فرو ببندید، و در ادامه آیه بیان شده که به عورتهای یکدیگر نگاه نکنید.(۵)

از کلمات علما تساوی زن و مرد در استثنائات نگاه ظاهر می شود. حکم در استثنای اعضا برای نگاه به مرد را استناد داده اند به آیه کریمه «الا ما ظَهَرَ مِنْهَا» که نامناسب ترین استدلال، استثنای کردن وجه و کفین مردان به دلیل استثناء آنها در زنان است»(۶).

۱- ۱ . شهید اول، اللمعه الدمشقیه، ص ۱۰۹؛ محقق ثانی، جامع المقاصد، ج ۱۲ ص ۴۲؛ مرتضی انصاری، کتاب النکاح، ص ۶۱.

۲- ۲ . سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ص ۲۶۸ ۲۶۷.

۳- ۳ . علامه حلی، تذکره الفقها. ج۲ چاپ سنگی، بدون صفحه شماره.

۴- ۴ . سیدعلی طباطبایی، ریاض المسائل، ج ۶، ص ۳۷۰.

۵- ۵ . سید محسن حکیم طباطبایی، مستمسک العروه، ج ۱۴، ص ۲۶.

۶- ۶ . علی اکبر سیفی مازندرانی، دلیل تحریرالوسیله، ص ۷۲ ۷۱، سید محسن حکیم طباطبایی، مستمسک العروه، ج ۱۴، ص ۲۶ ۲۵.

سیره و روش متشرعان اختصاص به نگاه زنان مومن به صورت و سر و دستهای مردان حتی در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله داده بدون آنکه دلیلی بر رد آن وارد شود، که این استمرار رسیده در طول زمانها مانع از انعقاد اطلاق آیه خواهد بود.

از جمله ادله دیگر بر حرمت نگاه زن به مرد، روایات می باشد.

احمد ابن ابی عبدالله روایت کرده است که ابن مکتوم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله اذن دخول خواست. عایشه و حفصه نزد حضرت نشسته بودند. حضرت به ایشان فرمود: «بر خیزید و داخل اتاق شوید». آن دو گفتند: «یا رسول الله، او کور است».

حضرت فرمودند: هر چند او شما را نمی بیند، ولی شما که او را می بینید»(۱).

ام سلمه هم نقل می کند که من و میمونه در آن زمانی که حجاب واجب شده بود نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم که ام مکتوم وارد شد. حضرت فرمودند: پشت پرده بروید (خود را بپوشانید). گفتم: «یا رسول الله ، آیا او نابینا نیست؟» فرمودند: «آیا شما هم نابینا هستید و او را نمی بینید؟»(۲)

در روایتی دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند نسبت به زن شوهرداری که چشمش را از مرد نامحرم پر می کند، به شدت غضب خواهد کرد. اگر زنی چنین نگاه کند، خداوند همه اعمال او را باطل خواهد کرد...»(۳).

از حضرت فاطمه علیهاالسلام روایت شد که فرمودند: «برای زنان بهتر است که مردان را نبینند و مردان ایشان را نبینند»(۴).

احتمال دارد این روایات در اجرای دستور حجاب باشد نه نگاه. در هیچ کدام از این روایات از نگاه نهی نکرده اند. در دو روایت اول اگر پیامبر به دلیل حرمت نگاه زن به مرد به زنان خود متعرض می شدند، می بایست می فرمودند: «نگاه نکنید.» نه اینکه پشت پرده بروید. ثانیاً، این دو روایت اطلاق دارند، و اگر دلالت بر حرمت نگاه زن به مرد داشته باشند، هیچ استثنایی مثل وجه و کفین ندارند، و ظاهر این اطلاق دلالت بر حرمت نگاه به همه اعضای مرد دارد. در حالی که این فتوا خلاف سنت پیامبر و سیره ائمه علیهم السلام و سیره متشرعه مسلمین می باشد»(۵).

۱- ۱ . وسایل ج ۱۴، ص ۱۷۱، ح ۲۵۵۰۸، ب ۱۰۹.

۲- ۲ . وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷۲، ح ۲۵۵۱۱.

۳- ۳ . همان، ص ۱۷۲، ح ۲۵۵۰۹.

۴- ۴ . همان ص ۱۷۲، ح ۲۵۵۱۰.

۵- ۵ . روح الله حسینیان، حریم عفاف، ص ۱۶۷.

از طرفی نگاه به مواضعی که در عرف اسلامی، پوشیدن آنها رسم است، مثل ران، سینه و شکم. در مورد این مواضع نیز دلیلی بر حرمت نداریم، ولی چون حکم به حرمت کرده اند که نشان می دهد این حکم نزد همگان مسلم است، خودداری از نگاه را احتیاط واجب می دانیم. و نگاه به اعضا و مواضعی که پوشیدن آنها رسم نیست مثل سر و گردن، دست و پا جایز است.

سیره دینداران و متشرعان، عدم اجتناب از آن است. از طرفی اسلام به مرد دستور حجاب نداده و نگاه زن به مرد موجب بی حرمتی به او نمی شود. از سوی دیگر شاید دلیل اینکه، پیامبر همسرانش را منع کرد، استفاده ایشان از عطر و بوی خوش بوده که پیامبر به ایشان دستور داده اند، که داخل اتاق شوند که بوی عطر به مشام مرد بیگانه نرسد.

ستر و پوشش مرد

مردان باید بالاتر از مچ ، سینه ، پاها و مواضعی را که معمولاً ـ مردان می پوشانند، از نامحرم که ناظر بر آنهاست بپوشاند. پوشاندن مواضع دیگر مثل سر، صورت و دست لازم نیست. نپوشاندن هر جای بدن به قصد به حرام انداختن نامحرم حرام است. لذا اگر مردی بازو و سینه و یا بدن خود را به قصد آنکه نامحرمی به او نگاه بکند، باز بگذارد و یا پیراهن نازک بدن نما بپوشد به قصد آنکه نامحرم به او نگاه کند، حرام است و باید از آن اجتناب نماید.

لذا اگر لباس آستین کوتاه بپوشد نه به قصد حرام انداختن دیگری اگرچه علم داشته باشد دیگری به حرام می افتد بنابر احتیاط مستحب، نباید چنین لباسی بپوشد.

بنابر احتیاط مستحب، مردان باید مواضعی را که به طور معمول می پوشانند، از نامحرم بپوشانند ؛ خصوصاً اگر بدانند نامحرمی به قصد لذت و ریبه به آنها نگاه می کند که پوشاندن آنها واجب می باشد(۱).

نگاه زن به زن

نگاه زن به هم جنس خود جایز است ، مگر نگاه به عورت او، چه پیر باشد یا

۱- ۱ . نرجس السادات نعمتی، حجاب از دیدگاه فقهای متاخر WWW.balagh.net.

جوان، نیکوروی یا زشت رو، تا زمانی که نگاه به قصد لذت و ریبه نباشد. این قول مشهور فقهای شیعه است(۱).

«هیچ تردیدی در این امر نمی باشد ، بلکه شاید نگاه به هم جنس از ضروریات شناخته شده در دین باشد که به عمل مسلمانان در تمام زمانها و مکانها استمرار یافته(۲). با توجه به آیه کریمه «قُلْ لِلْمُوءمِناتِ یغْضُضْنُ مِنْ أَبْصارِهِنَّ وَ یحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلایبْدِینَ زِینَتَهُنِّ الّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لْیضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَی جُیوبِهِنَّ وَ لَایبْدینَ زینَتَهُنَّ الّا لِبُعُولَتِهِنَّ اَوْ ... نِسَائِهِنَّ...»(۳).

روایاتی هم بر منع نمایان کردن زینت و محاسن زنان در برابر هم جنس خود دلالت دارد.

حفص بن بختری از امام صادق علیه السلام روایت کرد که حضرت فرمود: «لَاینْبَغِی لِلْمَرأه اَنْ تَنْکَشِف بَین یدی الیهُودیه وَ النَصْرانِیه فَاِنَهُنَ یصِفْنَ ذَلکَ لِازواجَهن؛(۴) سزاوار نیست که زن (مسلمان) در حضور زن یهودی و زن مسیحی حجاب خود را بردارد؛ زیرا آنان اندام زن مسلمان را برای همسران خود توصیف می کنند.»

چنانکه بیان کردیم مفسران مراد از«نِسائِهِنَّ» را چند احتمال داده اند:

اول: مطلق زنان باشد که همه زنان باهم محرم هستند.

دوم: منظور از (نِسائِهِنَّ) زنان همنشین با زنان مومن است.

سوم: مراد از (نِسائِهِنَّ) کنیزکان و خدمتکاران باشد.

چهارم: مقصود (ازنِسائِهِنَّ) زنان ارحام مانند عمه و خاله و خواهر باشد.

پنجم: زنان هم کیش و مسلمان می باشد.

صاحب جواهر می گوید: «زنان ذمی جزء آن زنان نیستند»(۵) یعنی زن مسلمان نباید با زن ذمی داخل حمام شود.

در مسالك آمده که «مراد از نسائهن زنانی اند که خدمتکار آنها هستند از آزاد و کنیز و شامل زن کافر هم می شود و فرقی بین کسانی که در خدمت زنان مسلمان

---

۱ - ۱ . محقق حلی، شرایع الاسلام، ص ۴۹۵، شهید ثانی، الروضه البهیه، ج ۲، ص ۲۹۲؛ سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۶۲۵؛ سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۱.

۲- ۲ . محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۳۸۰؛ سیدمحسن حکیم طباطبایی، مستمسک العروه، ج ۱۴، ص ۲۲.

۳- ۳ . قرآن کریم سوره مبارکه نور / آیه ۳۲.

۴- ۴ . وسائل، ج ۱۴، ص ۱۳۳، ب ۹۸، ح ۲۵۳۷۹.

۵- ۵ . محمدحسن نجفی، جواهرالکلام ج ۱۰، ص ۳۸۱.

هستند از زن مسلمان و غیر مسلمان نمی کند»(۱).

آیت الله خویی می گوید: «مراد از زنان، زنان مسلمان است، و کلمه «لا ینبغی» در روایت(حفص از امام)، علتی است که بر حرام بودن دلالت ندارد وحمل بر کراهت می شود، زیرا زن کافر اگر از احوال زن مسلمان آگاه شود قطعاً امر حرامی نیست، بلکه حمل بر ارشاد به امر اخلاق می شود... ممکن است مراد زنان خویشاوند باشد؛ زیرا قبل از آن جواز آشکار بودن زینت را برای شوهر و برادر و سایر خویشاوندان زن ذکر کرده و احتمالاً مراد از نسائهن، عمه و خاله می باشد»(۲).

اهل سنّت هم معتقد به جواز نگاه دو زن به یکدیگر می باشند ، اما به شرط اشتراک آن دو در دین و عفت. اما حنبلی ها مخالف این عقیده اند. آنها می گویند: «فرقی بین مسلمان و زن مسلمان و اهل ذمّه نمی باشد، چنانکه فرقی بین نگاه دو مرد مسلمان و نگاه یک مسلمان و ذمّی نمی باشد»(۳).

به علاوه اصل برائت هم به عدم حجاب در برابر زن غیر مسلمان خواهد بود.

به هر حال نگاه زن به زن دیگر حتی به وجه و کفین او با لذت جایز نیست. در حمامها و استخرها، سالنهای ورزشی و بدن سازی و... اگر زنان با نگاه کردن به دیگری خوف به مفسده افتادن دارند، نباید نگاه کنند . چه بیننده آن زن را بشناسد یا نشناسد.

ملازمه نگاه و پوشش(۴)

بین وجوب پوشش و نگاه، چهار صورت ملازمه متصور می باشد که بین دو مورد، ملازمه از نظر عقل و شرع و عرف ثابت است و بین دو مورد، ملازمه ای نیست.

۱) وجوب ستر و ملازمه آن با حرمت نگاه. در هر مورد و موضعی که امر به پوشش شده باشد نگاه کردن به آن حرام می باشد. مثلاً زن باید بدن خود را در برابر نامحرم بپوشاند. وجوب پوشش، برای حفظ از نگاه است و معلوم می شود که وجوب پوشش، حرمت نگاه را به دنبال دارد.

۱- ۱ . شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۱، ص ۴۳۶.

۲- ۲ . سید ابوالقاسم خویی، مبانی العروه الوثقی، ج ۳۲، ص ۳۰.

۳- ۳ . علی بن عطیه هیتی حموی، احکام النظر، ص ۸۳.

۴- ۴ . سید احمد فقیهی، تلخیص مقاله- حجاب درقرآن، WWW.hawzah.net.

۲) بین عـدم وجوب پوشـش و جواز نگاه، ملازمه ای نیست؛ زیرا ممکن است برای رفع حرج یا موارد دیگر، به عـده ای اجازه داده شود که مواضـعی از بدن را نپوشانند ، ولی به دیگران نیز اجازه نگاه داده نشده است. مثل مقداری از بدن مرد که وجوب پوشش ندارد ، ولی نگاه کردن زن هم جایز نیست.

۳) بین جواز نگـاه و عـدم وجوب پوشـش، ملازمه هست؛ زیرا نگـاه کردن جایز است، پس پوشـش واجب نیست، مثلاً زن در برابر شوهر خود را نمی پوشاند و نگاه مرد به زن هم جایز است.

۴) بین عـدم جواز نگاه و وجوب پوشـش ملازمه ای نیست، برای زن، نگاه به بـدن مرد جایز نیست ولی برای مرد هم پوشاندن واجب نیست.

نگاه کردن به میت

حکم نگاه کردن به میت همان حکم انسان زنده است.

گاهی برای پزشک پیش می آیـد که به بـدن میت نگاه کنـد و یا بدن او را لمس نماید، و یا در تشـریح بدن بیمار دانشـجویان پزشـکی ناچارند به بدن میت که ممکن است جنس مخالف آنها باشد نگاه کنند و یا لمس نمایند . یا گاهی به عضوی از بدن میت که جدا شده آنها به آن دست می زنند. این موارد که برای آموزش دانشـجویان بوده و یا حتی برای تشخیص علت مرگ بیمـار می باشـد نگـاه جایز است، اما نگاه و لمس عورت میت به طور کلی حرام است ، حتی توسط هم جنس میت. این تجویز نگاه و لمس فقط برای این است که کار و امور مسلمانان دچار اختلال نشود و به بن بست کشیده نشود.

استثنائات حرمت نگاه

اشاره

شکی در حرمت نگاه زن و مرد نامحرم به یکـدیگر نمی باشد. با توجه به ادله آنها باید از نگاه مداوم و خیره به یکدیگر پرهیز کرد. اما در فقه، برخی موارد اجازه داده شـده که آنها به یکـدیگر نگاه کننـد در اموری ضـروری و لازم که بدون نگاه کردن انجام این امور غیر ممکن است. این موارد را استثنائات نگاه می دانند.

۱ _ نگاه خواستگار

برای کسی که می خواهد با زنی ازدواج کند، جایز است به او نگاه کند. صاحب

جواهر(۱) در جواز این نگـاه ادعـای اجمـاع نموده انـد و ادعا کرده انـد اختلافی بین مسـلمانان نیست. ادله و روایات گواه این مطلبند.

روایت صـحیح محمـد بن مسـلم که گفت: «از امام باقر علیه السـلام سوءال کردم درباره مردی که قصد ازدواج با زنی را دارد آیا جایز است به او نگاه کند؟ فرمودند: بله، چرا که مرد خواهانی است که زن را با بهای گران خریداری می کند»(۲).

«نگـاه مرد به زن در خواسـتگاری، جـایز است . برای زن هم جـایز است به مرد نگـاه کنـد، زیرا هر دو یـک هـدف مشترک از ازدواج دارند».

شرط جواز نگاه، در صورتی است که منظورش لـذت بردن از نگاه نباشد و نگاه برای کسب اطلاع بیشتر از وضـعیت زن باشد. در روایت مرسلی از ابن فضـل از امـام صـادق علیه السـلام آمـده که سـوءال کردم: «آیـا مرد می توانـد به زنی که می خواهد ازدواج کند نگاه کند و به موها و محاسن او هم بنگرد؟» فرمودند: «اشکال ندارد اگر قصد لذت نداشته باشد»(۳).

اگر می دانـد که قهراً با نگاه به زن احساس لـذت به او دست خواهـد داد، احتیاط آن است به کمترین حد نگاه اکتفا کند و به این شرط نگاه کردن جایز می شود که احتمال این را بدهد اگر او را ببیند، بصیرتش نسبت به او بیشتر می شود.

نصوص و روایـات اختصـاص به جواز نگـاه کردن برای کسب اطلاـع دارنـد . پس بـا احتمـال به اینکه نگـاه بر بصـیرتش نمی افزاید، موردی برای کسب اطلاع نیست و مشمول عموم حرمت نگاه به نامحرم قرار خواهد گرفت، می تواند نگاه مرد به زن از روی لباس نازک زن باشد.

شرط سوم: در حال حاضـر ازدواج با او جایز و ممکن باشـد. پس نگاه کردن به زن شوهردار به قصد ازدواج با او بعد از طلاق شوهرش وقبـل از انقضای عـده اش جایز نیست، نص، ظهور در این معنا دارد؛ چرا که در صورت علم به ممتنع بودن این امر، و اینکه عملاً در خارج قصد و اراده او تحقق پیدا نمی کند، جوازی برای نگاه باقی نمی ماند(۴).

شرط چهارم: احتمال بدهد که زن با درخواست وی موافقت می کند. اگر با زنی

۱- ۱ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۳۷۶.

۲- ۲ . محمد بن حسن حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۹، ح ۲۵۱۰۰.

۳- ۳ . شهید ثانی، مسالك الافهام، ج ۱، ص ۴۳۵.

۴- ۴ . احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۸۹.

که دوست دارد ازدواج کنـد، ولی می دانـد که او هرگز قبول نمی کنـد نمی توانـد نگـاه کنـد. احتیـاط آن است که به دیـدن صـورت و کفین است و مـوی سـر او و سـایر زیبائیهـایش اکتفـا کنـد. این مورد شامـل ادله خـاص نگـاه نخواهـد شـد و تحت عمومات حرمت نگاه داخل خواهد ماند.

محقق ثانی(۱) در صورت فراهم شدن شروط ازدواج نگاه را جایز دانسته اند، نه اینکه هنگام اذن در عقد ازدواج و زمان حرام بودن ازدواج با یکدیگر باشد. بهتر است که نگاه قبل از ازدواج باشد. اگر بعد از ازدواج باشد ، موجب اختلاف و تنفر زوجین نسبت به هم می شود.

یونس بن یعقوب می گویـد: به امام صادق علیه السـلام عرض کردم: «آیا مردی که می خواهد با زنی ازدواج کند می تواند به او نگاه کنـد.» حضـرت فرمودنـد: «بله، حتی آن زن می توانـد برای او لباس نازک و بـدن نما بپوشد تا او، زن را به خوبی نگاه کند؛ زیرا مرد خواهان او به گران ترین قیمت است»(۲).

روایت دلالت بر جواز نگاه مرد به بدن و محاسن زن از روی لباس نازک دارد. ظاهراً اختصاص منع نگاه به بدن زن اگر عریان بوده دارد و جایز است که نگاه از روی لباس نازک باشد. البته این جواز در صورت داشتن قصد ازدواج است .

در قول امـام علیه السـلام که فرمودنـد: «وَ تُرَقَّقُ لَهُ الثیـابَ» در روایت یونس بن یعقوب، به معنی نـازکی و ترقیق لبـاس احتمـالاً منظور پوشـیدن لباس کم می باشـد که تعبیر به صـیغه جمع شـده (تُرقَّق). اما احتیاط اقتضا می کنـد که لباس نازک نباشـد ؛ به گونه ای که همه انـدام زن از پشت آن قابل رویت باشـد. چون که دلیلی بر جواز کشف و نمایانـدن بدن زن مقابل مرد بیگانه ای که قصـد ازدواج دارد نداریم. و اقتضای عموم ادله منع و برخی نصوص در این مقام حرمت بر جواز نگاه را بیان می دارند، و تقلیل لباس به معنای آشـکار کردن و نمایان نمودن بدن نیست، بلکه مناسب برای جواز نگاه به مو و صورت و محاسن است تـا فرد ضـرر نکنـد. این(نمایانـدن بـدن) به خلاـف پوشـیدن لبـاس نـازکی که بـاعث آشـکار شـدن بقیه مواضع بـدن شود می باشد»(۳).

۱- ۱ . جامع المقاصد، ج ۱۲، ص ۲۷.

۲- ۲ . یونس بن یعقوب قال: قلت لابی عبدالله علیه السلام : الرجل یریدان یتزوج المرأه یجوز له أن ینظر الیها؟ قال: نعم و ترقق له الثیاب لانه یرید ان یشتریها بأغلی الثمن. وسائل، ج ۱۴، ص ۶۱، ح ۲۵۱۱، ب ۳۶.

۳- ۳ . علی اکبر سیفی مازندرانی، دلیل تحریرالوسیله، احکام الستر و النظر، ص ۹۶.

حنبلی ها هم قبل از عقد ازدواج نگاه به چهره زن را برای مردان جایز دانسته اند مشروط به آن که ازدواج صورت گیرد. اما اگر مردی بداند که تقاضایش نسبت به زن مورد ازدواج قبول نمی شود به هیچ وجه نگاه کردن او جایز نیست. نگاه کردن به چهره و اندام زن مورد خواستگاری هنگامی که رغبت و میل زناشویی از طرفین محقق باشد، اگر مقصود چشم چرانی و شهوت رانی باشد نگاه حرام است(۱).

مالکیه گفته اند: یکی از مستحبات نگاه، نگاه کردن به صورت و دست زنی است که از او خواستگاری کرده تا اینکه ببیند زیبایی او مطابق میلش هست یا نه. این استحباب نگاه کردن شرطهایی دارد:

اول ، قصد لذت نباشد. دوم ، زن اگر بالغ است به رضای او نگاه کند و در صورتی که بالغ نباشد به رضای ولی او انجام گیرد. در غیر این صورت نگاه کردن به زن حرام است(۲).

حنبلی ها گفته اند: نگاه به صورت و گردن و دست زنی که مورد خواستگاری است مباح است. به شرط آن که خواستگار یقین داشته باشد که تقاضایش مورد قبول واقع می شود و خواستگار را رد نخواهد کرد. نگاه در خلوت نباشد. از زن و یا ولی اش برای نگاه اجازه بخواهد، می تواند در حالی که زن غافل است به او نگاه کند، و نگاه را تکرار کند.

شافعیه گفتند: مستحب است برای کسی که قصد ازدواج با زنی را داردبه صورت و دستهای او نگاه کند و غیر آن نگاه جایز نیست. نگاه او از روی شهوت جایز است که باعث رغبت به ازدواج خواهد شد(۳).

ابن رشد می گوید: «از میان فقهای اهل تسنن فقط مالک، نگاه به صورت و دستها را هنگام ازدواج جایز دانسته و غیر از او همه قائل به جواز نگاه به تمام بدن زن به جز عورت هستند. گروهی هم مطلقاً نگاه را منع کرده اند. ابوحنیفه، نگاه به پا و صورت و دست را جایز دانسته است . منشأ اختلاف این آرای فقها، اختلاف در روایات است که بعضی نگاه را مطلقاً جایز دانسته اند و برخی مطلقا نگاه را منع کرده اند، و دسته ای جواز نگاه را مقید به صورت و دو دست کرده اند، چنانکه گروهی از علما استثناء، «لایبدِینَ زِینَتَهُنَّ...» را به صورت و دو دست تفسیر کرده اند

۱- ۱ . عبدالرحمن جزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۴، ص ۸.

۲- ۲ . همان، ج۴، ص ۹.

۳- ۳ . عبدالرحمن جزیری، الفقه المذاهب الاربعه، ج ۴، ص ۱۰.

و آشکار کردن صورت و دست را به جواز نمایان بودن چهره و دو دست در حج تشبیه کرده اند . کسانی که نگاه را منع کرده اند، به اصل حرمت نگاه به زنان که خود دلیلی جداگانه است متمسک شده اند»(۱).

بی گمان نگاه قبل از ازدواج فلسفه ای دارد، زیرا شناخت در تمام مراحل زندگی لازم و ضروری می باشد. چگونگی قیافه ظاهر زن اهمیت دارد و هرگز نمی توان از این مرحله غفلت کرد که نباید زیبایی ظاهر بقیه مسائل را تحت شعاع قرار دهد، اهمیت این مسأله به حدی است که اسلام برای جلوگیری از اختلاف و بهانه جویی نگریستن طرفین را قبل از زندگی مشترک توصیه کرده است. حتی پیامبر اکرم آن را برای دوام و ثبات زندگی لازم و ضروری دانسته اند.

دانستیم، مردی که قصد ازدواج با زنی را دارد می تواند برای کسب اطلاع از وضعیت ظاهری زن با درنظر داشتن شرایطی به او نگاه کند، اما اینکه مرد می تواند فقط به وجه وکفین زن بنگرد و یا حق نگاه کردن به محاسن و اعضای دیگر زن را دارد یا خیر؟ احتیاج به بحث جداگانه ای دارد تا حدود و مواضعی که مرد مجاز به دیدن آن اعضای می باشد را از نظر فقها بررسی کنیم.

الف _ نگاه به وجه و کفین زن

بی شک مردی که قصد ازدواج با زنی را دارد می تواند به صورت و دستهای او نگاه کند.

صاحب جواهر(۲) برای جواز نگاه مرد به وجه و کفین زن ادعای اجماع کرده، زیرا روایات مستفیض و متواتر بسیار بر جواز نگاه دلالت دارد. روایتی مرسل از سید رضی نقل شده که: رسول الله صلی الله علیه و آله به مغیره که قصد ازدواج با زنی را داشت فرمود: برو ببین که برای دوام و ثبات زندگی شما سزاوارتر است.»(۳) آیت الله سیستانی قائل به جواز نگاه به صورت و دست و محاسن زنی که مرد قصد ازدواج با او را دارد شده اند و اذن زن را برای نگاه کردن شرط نمی دانند(۴).

روایت صحیح حماد از امام صادق که فرمودند: «نگاه به صورت و دستبند و النگوی زن برای مردی که اراده ازدواج با او را دارد اشکال ندارد»(۵)، دلالت بر جواز

۱- ۱ . ابن رشد، بدایه المجتهد، جزء دوم، ص ۳.

۲- ۲ . محمد حسن نجفی، جواهرالکلام، ج ۱، ص ۳۷۶.

۳- ۳ . وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۶۱، ح ۲۵۱۱۲.

۴- ۴ . سید علی حسینی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۵؛ شیخ طوسی، المبسوط، ج ۴، ص ۱۶۱.

۵- ۵ . سید ابوالقاسم خویی، مبانی شرح العروه الوثقی، ج ۳۲، ص ۱۲.

نگاه به صورت زن و به ملازمه آن نگاه به دستهای او دارد. واضح است که نگاه به النگو و دستبند عمدتاً مستلزم نگاه به دستها خواهد شد.

در روایتی دیگر، امام صادق علیه السلام به مردی از اصحابش که قصد ازدواج با زنی را داشت فرمودند: «به صورت و دستهای زن نگاه کن، چرا که آن نگاه موجب مودت و الفت بین شما می شود»(۱). زیرا اگر مرد می خواهد با زنی ازدواج کند و او را ندیده باشد، و بعد از عقد ازدواج او را ببیند ممکن است اظهار کند که فریب خورده و یا زن تدلیس کرده و سبب اختلاف بین آنها گردد.

در روایتی دیگر از حضرت رسول آمده که «هر کس اراده ازدواج با زنی را داشت به آن زن نگاه کند و ببیند که درخواست ازدواج با چه کسی را دارد»(۲).

باید توجه داشت که نگاه به صورت و دستهای زن با قصد لذت جایز نمی باشد. حکم جواز نگاه، مشروط به قصد ازدواج با زن می باشد، و هدف از نگاه به زن ازدواج با اوست نه قصد لذت بردن از نگاه به زن(۳).

شکی نیست، روایات ذکر شده دربیان جواز نگاه برای کسب اطلاع خواستگار از وضعیت زن می باشد، که اگر نگاه برای هدفی غیر از کسب اطلاع باشد، به عموم منع از نگاه برمی گردد(۴).

ب _ نگاه به مو و محاسن زن

همچنین برای مردی که قصد ازدواج با زنی را دارد ، منعی ندارد به صورت و محاسن و بدن زن از روی لباس نگاه کند.

روایت متواتر بسیاری آن را تأیید کرده. مشهور فقها این نگاه را جایز و حتی مستحب دانسته اند.

برخی فقها(۵) قائل به جواز نگاه کسی که اراده ازدواج با زنی را دارد شده اند.

۱- ۱ . قال لرجل من اصحابه و قدخطب امراه انظر الی وجهها و کفیها، فانه امری ان یودم بینکما الموده والألفه، میرزا حسین نوری طبرسی، المستدرک الوسایل، ص، ح ۴، باب ۳۰.

۲- ۲ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۳۷۶.

۳- ۳ . شیخ طوسی، الخلاف، ج ۴، ص ۲۴۷.

۴- ۴ . سید محسن طباطبایی حکیم، مستمسک العروه الوثقی، ج ۱۴، ص ۱۶.

۵- ۵ . سد محمد کاظم طباطبایی، العروه الوثقی، ص ۶۲۵. قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۶.

صاحب عروه اضافه کرده است که بر او جایز است به صورت و دستها و مو و محاسن آن زن نگاه کند و حتی جواز نگاه به بدن زن به جز عورت را امری بعید ندانسته اند، اما نگاه نباید به قصد لذت باشد و برای کسی که می داند با نگاه برای او لذت ایجاد می شود، تکرار نگاه را برای اطلاع از وضعیت زن مجاز شمرده شده.

یونس روایت کرده که به امام صادق علیه السلام عرض کردم : «مردی می خواهد ازدواج کند آیا می تواند به او نگاه کند؟» فرمودند: «بله، البته از روی لباس نازک، زیرا که او خواهان زن به قیمت گرانی است(۱).»

این روایت دلالت ندارد بر امر به وجوب نگاه از روی لباس نازک، زیرا امر به نازکی لباس متوجه زنی است که قصد ازدواج با او را دارد.

شهید ثانی(۲) نگاه به قصد لذت به محاسن زن را جایز نمی دانند و می گویند منظور از محاسن، مواضع زینت است نه خود زینت.

محقق ثانی(۳) قائل به جواز نگاه به محاسن زن از روی لباس شده اند.

عبدالله بن فضل در روایتی از امام صادق علیه السلام می گوید: گفتم: «مردی که می خواهد با زنی ازدواج کند آیا می تواند به موها و محاسن زن نگاه کند؟» فرمودند: «اشکالی ندارد، اگر به قصد لذت بردن نباشد»(۴).

صاحب جواهر(۵) هم با توجه به اطلاق ادله، حکم مشروعیت جواز نگاه با قصد لذت را منتفی دانسته اند.

علمای اهل تسنن هم نگاه مرد به زنی که اراده ازدواج با او را دارد جایز دانسته اند، از جمله حنبلیها که گفته اند «نگاه مرد به کسی که قصد ازدواج با او را دارد چه با اذن و چه بدون اذن او مباح است. خلوت کردن با زن جایز نمی باشد، به زن با شهوت و لذت نگاه نکند و اگر شک کند که با نگاه به زن به او حالت لذت و شهوت دست می دهد ، به محاسن او و دستها و صورت زن نگاه کند؛ چرا که محاسن جزء عورت نیستند و نگاه به آنچه که معمولاً دیده نمی شود مباح نمی باشد(۶).

۱- ۱ . وسائل، ج۱۴، ص ۶۱، ح ۲۵۱۱۰.

۲- ۲ . الروضه البهیه، ج ۲، ص۲۹۲.

۳- ۳ . محقق ثانی، جامع المقاصد ج ۱۲، ص ۲۸.

۴- ۴ . سیدابوالقاسم خویی، مبانی العروه الوثقی، ج ۳۲، ص ۱۴؛ محمد مهدی نراقی، مستند الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۷.

۵- ۵ . محمد حسن نجفی، جواهرالکلام، ج ۱۰، ص ۳۷۷.

۶- ۶ . ابن قدامه، معجم الفقه الحنبلی، ج ۲، ص ۹۸۰.

ج ـ نگاه به زن در حال راه رفتن و ایستادن

مرد مانند مشتری است به کالایی که قصد خرید آن را دارد نگاه می کند و به تفحص در تمام مواضع کالای مطلوب خود برای خرید می پردازد. او می تواند به زنی که قصد ازدواج با او را دارد در حالی که ایستاده و یا راه می رود نگاه کند. علما تکرار نگاه به زن در این احوال را جایز دانسته اند(۱).

حسن بن سری می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «مردی می خواهد با زنی ازدواج کند. می تواند به او بنگرد و به پشت او و چهره اش نگاه کند؟» امام علیه السلام فرمودند: «بله، اشکالی ندارد . مرد به زنی که قصد ازدواج با او را دارد نگاه کند و به پشت سر زن و به چهره اش بنگرد»(۲).

این روایت از حیث دلالت و اطلاق شامل نگاه به جمیع بدن می شود و دلالت دارد بر اینکه نگاه مرد به زنی که قصد ازدواج با او را ندارد جایز نمی باشد. و ظهور در جواز نگاه به پشت زن در حال عریان بودن او ندارد، بلکه ظهور روایت برای شناخت حجم بدن زن از روی لباس می باشد.(۳)

شیخ انصاری(۴) نگاه به پشت (خلفها) و قامت زن را که لباس پوشیده از پشت سر زن جایز دانسته. شیخ مفید(۵) هم نگاه به زن را برای مرد خواستگار از روی لباس در حال راه رفتن برای او جایز دانسته اند.

۲. نگاه زن به مرد خواستگار

آیا زن می تواند به مردی که قصد ازدواج با او را دارد نگاه کند؟ شیخ انصاری و شهید ثانی نگاه زن به مردی که درخواست ازدواج با او را دارد جایز دانسته اند. اما روایات و نصوص وارد شده در این مقام درصدد بیان جواز نگاه زن به مرد هنگام

۱ـ ۱ . شهید اول، اللمعه الدمشقیه، ص ۳۵؛ علامه حلی، تبصره ص ۱۷۴؛ شهید ثانی، الروضه البهیه، ج ۲، ص ۱۹۲؛ شیخ طوسی، محقق حلی، النهایه و نکتها ج ۲، ص ۳۵۵؛ محقق حلی، شرایع الاسلام، ص ۴۹۵.

۲ـ ۲ . وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۹، ح ۲۵۱۰۲، باب ۳۶.

۳ـ ۳ . سیدابوالقاسم خویی، مبانی العروه الوثقی، ج ۳۲، ص ۱۶؛ احمد نراقی، مستندالشیعه، ج ۱۶، ص ۳۱.

۴ـ ۴ . مرتضی انصاری، کتاب النکاح ص ۳۹۰.

۵ـ ۵ . المقنعه، ص ۵۲۰.

ازدواج نیستند. مگر اینکه این جواز به فحوی فهمیده شود. علت دیگری که در این مساله وجود دارد این است که همان گونه که بر مرد جایز است به زنی که می خواهد مالش را در اختیار او قرار دهد نگاه کند، پس بر زن هم که می خواهد بضع و آبروی خود را در اختیار مرد قرار دهد به طریق اولی جایز است به مرد نگاه کند، به خصوص اینکه برای مرد راه فرار از زن اگر آن گونه که می خواهد نباشد با طلاق دادن وجود دارد، اما برای زن چنین راهی نمی باشد. از طرفی زن و مرد، هر دو یک هدف مشترک دارند ، آن هم ازدواج . پس بر هر دو نگاه به یکدیگر جایز می باشد.(1)

نگاه به صورت و دستهای مرد اگر به قصد ازدواج باشد جایز است. آیه «غض بصر» به طور اطلاق بر حرمت نگاه هر یک از مرد و زن به دیگری دلالت دارد و سیره قطعیه آن را اگر قصد ازدواج داشته باشد تخصیص خواهد داد.

از اخباری که دلالت دارد بر اینکه مردخواهان وطالب زن به قیمت گران است، می توان جواز نگاه مرد به زن را استفاده کرد. زیرا او قصد خرید بضع و آبرو و نفس زن را به قیمت گران دارد . از طرفی حکم پوشش مرد و عدم نگاه به مرد آسان تر از حکم پوشش زن است. پس اشکال بر ثبوت جواز نگاه زن به مردی که درخواست ازدواج او را دارد به فحوی فهمیده می شود(2).

۳ . نگاه برای شهادت دادن

الف ـ شهادت علیه زن

اقتضای نصوص و ادله این امر است که روایت صحیح صفار، دلالت بر وجوب پوشش زن برای حضور در محضر شهود دارد. صفار در نامه ای به امام موسی کاظم علیه السلام نوشت: «مردی قصد شهادت بر زنی را دارد که با آن زن محرم نیست . آیا می تواند علیه زن از پشت پوشش شهادت دهد و صدای او را بشنود، و اگر دو مرد عادل شهادت دهند که آن زن دختر فلانی است و این صدای اوست؟ و یا برای مرد شهادت بر زن که او را به عینه ببیند جایز نیست؟

حضرت در توقیع خود نوشتند: زن خود را بپوشاند و برای شهادت حاضر شود»(3) اما روایت صحیح ابن یقطین دلالت بر جواز نگاه به صورت زن در مقام

۱- ۱ . شیخ انصاری، کتاب النکاح، ص ۴۲؛ شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۱، ص ۴۳۵.

۲- ۲ . علی اکبر سیفی مازندرانی، دلیل تحریرالوسیله، ص ۹۴؛ مرتضی انصاری کتاب النکاح ص ۴۳ ۴۲؛ شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۲.

۳- ۳ . شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۵۵، ح ۷.

شهادت به طور مطلق دارد.

از ابی الحسن الکاظم روایت شده فرمودند: «شهادت به اقرار زنی که صورتش پوشیده نیست اگر به عینه آن زن را بشناسد یا کسی را حاضر کند که زن را بشناسد اشکالی ندارد. پس اگر زن را نمی شناسد و حاضر نمی کند کسی را که او را بشناسد شهادت علیه زن و شهادت براقرار زن در حالی که زن نقاب از چهره برداشته و صورت را نمایان کرده، و مرد چهره زن را می بیند جایز می باشد»(۱).

می توان از روایت دلالت بر اعتبار کشف و نمایاندن صورت و نگاه شاهد در شهادت بر زن و بر اقرار زن را استنباط کرد.

در جواز نگاه مرد به زن برای اینکه مرد علیه زن شهادت دهد، ظاهراً فرقی در تحمل شهادت و ادای شهادت نیست؛ زیرا که این جواز نگاه مرد به زن در مقام ضرورت و حاجت می باشد(۲).

مشهور فقها، نگاه به زن را برای شهادت دادن علیه زن و یا بر اقرار زن را جایز دانسته اند برای اینکه او را بشناسند(۳).

روایات قبل هم دلالت بر جواز نگاه به زن هنگام ادای شهادت دارد، و به اطلاق دلالت بر نگاه به تمام صورت دارد . مگر اطلاق را مقید کنیم به آنچه که ظاهر می شود بعد از پوشیدن نقاب، به دلیل آنچه در نامه صفار وارد شده(۴).

محقق ثانی(۵) در صورت ضرورت هنگام تحمل شهادت برای شناخت زن نگاه کردن به او را جایز دانسته و در غیر حال ضرورت نگاه را جایز نمی داند.

جمهور اهل سنت بر این عقیده اند که مرد برای شهادت دادن علیه زن می تواند به صورت او نگاه کند.

اما حنفیه بین حال ادای شهادت و تحمل شهادت فرق گذاشته است، گفته اند: نگاه مرد با ترس از احساس شهوت و لذت در حال ادای شهادت جایز است، به خلاف نگاه در حال تحمل شهادت، که نگاه در صورت در امان بودن از شهوت جایز

۱- ۱ . همان.

۲- ۲ . محمد حسن نجفی، جواهرالکلام، ج ۱۰، ص ۳۹۱؛ سید محمد کاظم طباطبایی، العروه الوثقی، ص ۶۲۶؛ مرتضی انصاری، کتاب النکاح، ص ۵۷.

۳- ۳ . شیخ طوسی، المبسوط، ج ۴، ص ۱۶۱؛ محقق حلی، شرایع، ص ۴۹۵.

۴- ۴ . سید ابوالقاسم خویی، مبانی العروه الوثقی، ج ۳۲، ص ۶۴.

۵- ۵ . محقق ثانی، جامع المقاصد، ج ۱۲، ص ۳۵.

می باشد ؛ چرا که نگاه در تحمل شهادت ضروری نیست .

به خلاف نگاه در حال ادای شهادت»(۱).

علامه بر این عقیده است که مرد علیه زن شهادت نمی دهد، مگرهنگامی که صدای زن را به طور قطع و یقین بشناسد، یا زن حجاب از صورتش بردارد، نگاه به زن را هنگام تحمل شهادت جایز می داند(۲).

ب ـ شهادت به زنا

از جمله موارد استثناء شده نگاه به زن و مرد زناکار است که به دلیل ادای شهادت نگاه به آنها و تحمل شهادت مباح است.

علما متفق القولند که نگاه به عورت مرد و زن زناکار برای تحمل شهادت جایز است(۳).

شهید ثانی در مسالک، علت جواز نگاه را بیان داشته و گفته است: «جواز نگاه، وسیله اقامه حدود الهی است، که منع از نگاه سبب عمومیت و فراگیری فساد و برانگیختن مردم بر انجام این عمل حرام و انسداد باب رکنی از ارکان مهم شرع خواهد شد. شهادت به زنا متوقف بر تحمل شهادت عمل حرام و تداوم نگاه به حیثی که آن را همچون میل در سرمه دان مشاهده کرده باشد است...(۴).

برخی از علما نگاه به عورت در زنا را منع کرده اند، من جمله صاحب جواهر که ایشان نگاه به فرج دیگری را در هر حال حرام می دانند و نگاه به فرج دیگری برای شهادت به زنا را بهانه و عذری بر جواز نگاه دانسته، در عین حال شهادت بر زنا چه با دیدن و رویت اتفاقی باشد و چه بدون قصد یا با قصد نگاه کردن باشد، باید توبه کند ؛ چون نگاه او از جمله گناهان کبیره است(۵).

شیخ انصاری هم جواز نگاه به عورت دیگری را برای شهادت خالی از اشکال نمی دانند، زیرا وجوب شهادت مشروط به مشاهده است و ما دلیلی بر جواز

۱- ۱ . علی بن عطیه هیتی حموی، احکام النظر، ص ۸۷.
۲- ۲ . علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۵۰۱.
۳- ۳ . سید محسن حکیم طباطبایی، مستمسک العروه، ج ۱۴، ص ۳۵؛ علامه حلی، قواعد احکام، ج ۳، ص ۶؛ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۳۹۱؛ محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۶۲۲.
۴- ۴ . علی اکبر سیفی مازندرانی، دلیل تحریر الوسیله احکام الستر و النظر، ص ۸۵؛ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۳۹۲.
۵- ۵ . جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۳۹۲.

مشاهده در صورت اختیار نداریم. اگر از روی اضطرار، مشاهده حاصل شود شهادت واجب است(۱).

پس نگاه برای شهادت دادن، اگر ضرورت باشد جایز است، و اقوی عدم جواز نگاه به زناکاران می باشد، مگر آنکه نگاه نکردن فسادی را انتشار دهد، و حدود خداوند را به تعطیلی کشاند.

ج _ شهادت به تولد بچه

در اینکه آیا برای شهادت دادن به تولد بچه نگاه به عورت جایز است یا نه ، دو وجه است:

۱ . منع از نگاه: نگاه به عورت زن حرام است، چون شهادت به تولد، بهانه و جواز برای نگاه کردن به عورت نمی باشد.

۲ . جواز نگاه: که ضرورت دلیل بر نگاه می باشد که از مهمات دین، و مورد نیاز و ضروری است(۲).

علما نگاه به عورت را برای شهادت بر تولد بچه جایز دانسته اند(۳).

«شیخ انصاری در« کتاب النکاح»، نگاه مردان در حال ضرورت برای شهادت به تولد بچه را جایز دانسته است(۴).

د _ شهادت به رضاع

رضاع و شیر دادن بچه، با شهادت زنان ثابت می شود. در صورت عدم امکان ثبوت رضاع به شهادت زنان، رضاع در حال ضرورت با شهادت مردان اثبات می شود(۵).

شهادت به رضاع در صورتی مقبول است که به تفصیل بیان شود. شاهد بداند زن در حال شیر دادن است و کافی است که کودک را ببیند که پستان زن را در دهان

۱- ۱ . مرتضی انصاری، کتاب النکاح، ص ۵۷.

۲- ۲ . محقق ثانی، جامع المقاصد، ج ۱۲، ص ۳۵؛ سید محسن طباطبایی حکیم، مستمسک العروه، ج ۱۴، ص ۳۶.

۳- ۳ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱، ص ۳۹۱؛ علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۶؛ محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۶۲۶.

۴- ۴ . مرتضی انصاری، کتاب النکاح، ص ۵۷.

۵- ۵ . سید محمد کاظم طباطبایی، العروه الوثقی، ص ۶۲۶؛ سید محسن طباطبایی حکیم، مستمسک العروه، ج ۱۴، ص ۳۶.

فرو برده و مشاهده کند که کودک به طور عادت آن را می مکد و لبانش را حرکت می دهد و جرعه جرعه می نوشد و گلویش حرکت می کند ، به گونه ای که یقین به مکیدن شیر برای او حاصل شود.(1)

اهل تسنن هم نگاه به پستان زن برای شهادت به شیر دادن را مباح دانسته اند و در صورتی شاهد به صورت و پستان زن نگاه خواهد کرد که ترس از فتنه و گناه نداشته باشد(2).

۴ . نگاه برای آموختن و تعلیم دادن

در آموختن و تعلیم دادن به زن، نگاه به صورت او مباح است، به شرط اینکه در فتنه و گناه نیفتد، و آموختن آن علم برای زن واجب باشد ، مانند آموزش سوره حمد و تشهد ونماز، آموزش شروط نماز، احکام وضو و غسل و یا آموزش صنعتی که احتیاج به نگاه کردن دارد(3).

۵ . نگاه هنگام معامله

نگاه به زن بیگانه برای شناختن او به هنگام معامله و خرید و فروش جایز است(4).

شیخ می گوید: اگر بین مرد و زن معامله و مبایعه صورت گیرد، برای شناختن چهره زن و اینکه بداند چه کسی ثمن را به او می دهد در صورتی که زن خریدارباشد، و اما اگر زن فروشنده است ، برای دانستن این امر که چه کسی کالا را به او می دهد می تواند به صورت او نگاه کند(5).

۶ . مقام ضرورت

هنگام تزاحم بین دو امر مهم که مکلف قادر به انجام هر دو نیست و ناچار باید یکی را انجام دهد. در این حال بر مکلف واجب است تمام قدرتش را به انجام امر

۱- ۱ . محقق حلی، شرایع، ص ۵۱۳؛ شهید ثانی، الروضه البهیه، ج ۲، ص ۳۱۸؛ علامه حلی، قواعد ا لاحکام، ج ۳، ص۲۸.

۲- ۲ . علی بن عطیه بن هیتی حموی، احکام النظر، ص ۹۱.

۳- ۳ . همان، ص ۸۶-۸۷.

۴- ۴ . محقق ثانی، جامع المقاصد، ج ۱۲، ص ۳۴؛ شهید اول، اللمعه الدمشقیه، ص ۱۰۹.

۵- ۵ . شیخ طوسی، المبسوط، ج ۴، ص ۱۶۱.

مهم تر صرف کند. اما برای انجام امر مهم تر لمس و نگاه به نامحرم صورت می گیرد؛ به گونه ای که ترک آن عدم رضایت شارع را در بر دارد. از طرفی امثال آن عمل به قیمت ارتکاب نگاه و لمس به زن بیگانه تمام می شود، مانند نجات نفس انسان محترمی از غرق شدن و موارد دیگری چون آن در مقام تزاحم دو حکم مهم، حرمت نگاه به زن بیگانه و لمس آن ساقط می شود؛ چرا که نجات زن نامحرم در حال غرق شدن و سوختن بدون لمس و نگاه کردن امکان ندارد(۱).

بر طبق روایت امام علیه السلام : «خداوند هر چیزی را برای کسی که مضطر و ناچار به انجام آن شده حلال کرده»(۲). که نهایت دلالت آن ثبوت جواز و حلیت انجام آن برای شخص مضطر است که حرمت نگاه شامل کسی که او را مداوا یا معالجه می کند و نجات از مرگ می دهد نمی شود.

آیت الله سیستانی هم معتقدند که از حرمت نگاه و لمس و وجوب پوشش مواردی استثناء وجود دارد. چنانکه اگر نجات زن بیگانه از غرق شدن و سوختن و... احتیاج به لمس و نگاه به نامحرم دارد، لمس و نگاه جایز است، هرگاه مورد اضطرار و اقتضای نگاه بدون لمس را داشته باشد و یا بر عکس بهتر است به همان اندک اکتفا شود نه به مقدار بیش از آن(۳).

زیرا ضرورت به اندازه ضرورت اندازه گیری می شود، در غیر موارد اضطرار و یا در زائد از مقدار اضطرار به اقتضا و اطلاق کلام نگاه و لمس حرام است(۴).

۷ . نگاه برای معالجه

امروزه بسیار اتفاق می افتد که یک بیمار زن به دست پزشک مرد معالجه شود و یا بر عکس یک بیمار مرد به دست پزشک زن معالجه شود . گاه پزشک ناچار است برای معالجه به عورت بیمار نگاه کند و یا بر آن دست بگذارد . این مشکل در عملهای جراحی شدیدتر پیش می آید که علاوه بر پزشک مرد جراح، چندین مرد دیگر هم در اتاق عمل حضور دارند و به بدن زن بیمار نگاه می کنند و یا وقتی بیمار

۱- ۱ . محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۶۲۶؛ سید ابوالحسن موسوی، وسیله النجات، جز ۲، ص ۲۳۲.

۲- ۲ . وسایل الشیعه، ج۴، ص. ۶۹. ب ۱. ح ۷۱۲۲.

۳- ۳ . سید علی حسنیی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۱۳.

۴- ۴ . احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۷۷.

مرد باشد و پزشک جراح، زن است و احتمالاً پرستاران زن دیگری هم شاهد عمل هستند، و پزشکان مجبورند برای معالجه بر بدن بیمار دست بگذارند و بدن او را نگاه کنند، و چاره ای هم جز آن نمی باشد.

علاوه بر اینها گاهی دانشجویان پزشکی و پرستاری برای آموزش در اتاق عمل حضور دارند و شاهد عمل بر بدن بیمار بوده و یا ناچارند در تشریح، به بدن زن و یا مرد مرده نگاه کنند و یا دست بگذارند.

با در نظر گرفتن این نکته که پزشکان زن و مرد ما مسلمان هستند و مقید به احکام فقهی و دینی و چنانکه بیان شد، نگاه مرد و زن به بدن جنس مخالف حرام است و به تبع آن حرمت لمس بدن شدیدتر خواهد بود. و با توجه به آیه کریمه «غض بصر» و ادلّه دیگری که علما و فقها بیان داشته اند، نگاه به بدن زن و مرد نامحرم جایز نیست . مگر در موارد ضروری . در احادیث مختلف این امر آمده و به پزشکان مرد اجازه می دهد، بیماران زن را معاینه ، معالجه و حتی جراحی کنند.

از امام محمد باقر علیه السلام سوال شد: «در بدن زنی بیماری به وجود آمده . آیا مرد می تواند او را معالجه کند؟» فرمودند: «اگر بدین امر مضطر باشد ، جایز است او را معالجه کند»(۱).

حرمت نگاه و لمس کردن بدن زن بیگانه برای مرد و بالعکس، در مورد معالجه استثناء شده . البته در صورتی که معالجه از سوی پزشک هم جنس ممکن نباشد، می توان مثلاً ـ نبض مریض نامحرم را بگیرد. البته به شرطی که با ابزار از قبیل حرارت سنج ممکن نباشدونیز می توان حجامت و رگ زدن و شکسته بندی انجام دهد.

دکتر محرم نیست، لذا در غیر حالت اضطرار نمی تواند به بدن نامحرم نگاه کند.به همین سبب صاحب شرایع گفته است: «طبیب هرگاه لازم شود می تواند برای معالجه به فرد نامحرم نگاه کند در صورت ضرورت نگاه به عورت هم جایز است»(۲).

علامه(۳) هم بر این عقیده است.

پزشک درهنگام معالجه بهتر است به همان موضع معالجه بنگرد. بیشتر از آن

۱- ۱ . میرزا حسین نوری فاضل، مستدرک الوسایل، ج ۱، ص ۵۵۸، ب ۱۰۰.

۲- ۲ . محقق حلی، شرایع الاسلام، ص ۴۹۵؛ شیخ طوسی المبسوط، ج ۴، ص ۱۶۰؛ محقق ثانی، جامع المقاصد، ج ۱۲، ص ۳۲.

۳- ۳ . علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۶.

عضو بیمار را نمی تواند ببیند.

محقق ثانی، در جواز نگاه، ترس از بین رفتن عضو وشدت بیماری را شرط نمی دانند، بلکه در مشقت افتادن با ترک معالجه را برای جواز نگاه کافی دانسته و اضافه کرده اند بهتر است معالجه نامحرم ممنوع باشد(۱). در صورت امکان اکتفا به یکی از دو مورد، لمس یا نگاه، همان یکی کافی خواهد بود، فعل دیگر جایز نیست(۲).

ابی حمزه ثمالی می گوید : از امام باقر علیه السلام سوال کردم: «برای زن مسلمانی عارضه ای مانند شکستگی و یا زخم در جایی از بدنش ایجاد می شود که مرد نامحرم نباید نگاه کند. اگر پزشك مرد صلاحیت بیشتری برای معالجه زن داشته باشد آیا مرد می تواند زن را معالجه کند؟» فرمودند: «در وقت اضطرار اگر زن بخواهد ، می تواند معالجه کند»(۳).

حدیث امام علیه السلام که فرمودند: «أرفَقُ بِعَلاجِهِ مِنَ النِّساء» یعنی اعتماد و اطمینان بیشتری در طبابت مردان برای معالجه زنان است. چنانکه در «المصباح» گفته شده: «رفقت العمل» یعنی حکیم تر و داناتر، یا به معنای اینکه معالجه از سوی مرد آسان تر و سهل تر از معالجه زنان می باشد به لحاظ سختی فراهم شدن مقدمات رجوع به پزشک زن . مقصود از اضطرار در حدیث امام باقر علیه السلام : «اذا اضطَرَّت الَیه» یعنی اضطرار عرفی، که در قابل تحمل نبوده به دلیل رنج و سختی که به دنبال دارد و مقید کردن حدیث به «إنْ شاءَت» یعنی برای زن جایز است که اگر به راحتی امکان رجوع به پزشك زن فراهم نباشد به دلیل رنج و سختی درد و تحمل مشقت می توانـد برای معالجه به پزشك مرد رجوع کنـد و اگرمی تواند مشـقت و درد را تحمل کند باید زن او را معالجه کند»(۴).

شکی نیست این روایت بر جواز نگاه پزشك برای معالجه به بدن زن دلالت دارد.

ص: ۱۶۹

۱- ۱ . محقق ثانی، جامع المقاصد، ج ۱۲، ص ۳۴.

۲- ۲ . سید علی حسینی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۱۳.

۳- ۳ . ابی حمزه ثمالی عن ابی جعفر علیه السلام قال: «سأَلْتُهُ عَنِ الْإمْرأَهِ المُسْلِمَهِ یُصیبهُا البَلاءُ فی جَسَدِها، امّا کَسرٌ و امّا جَرحٌ فی مَکـان لایَصْلَحُ النَّظَرُ الَیْهِ یکُونُ الرَّجُلُ أرفَقُ بِعَلاجِهِ منَ النِّساء أیَصْلَحُ لَهُ النَّظَرُ الیها؟ قـال: اذا اضطَرَّت إلَیْهِ فَلْیُعالِجْها اِنْ شاءَت». وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷۲، ب ۱۳، ح ۲۵۵۱۱.

۴- ۴ . علی اکبر سیفی مازندرانی، دلیل تحریر الوسیله، ص ۷۸.

یکی دیگر از مشکلات جراحی، مسأله زایمان زنان می باشد . که مستلزم نگاه و لمس بدن زن است . در صورت نبود پزشک متخصص زن، پزشک مرد جایز است این عمل را انجام دهد. امام صادق علیه السلام از حضرت علی علیه السلام روایت کرد: «هرگاه زنی فوت کرد و در شکمش بچه ای بود می توان شکم او را شکافت و بچه را خارج کرد. امام صادق علیه السلام در روایتی دیگر: درباره زنی که بچه در شکمش می میرد و نسبت به حال زن ترس و نگرانی وجود دارد، فرمودند: «بر مرد اشکال ندارد که دستش را داخل برد و بچه را تکه تکه کرده و از بدن زن خارج کند»(۱).

شیخ انصاری هم قائل به جواز نگاه طبیب به عورت زن بیگانه و سایر اعضای بدن او برای معالجه شده اند، زیرا عموم ادلّه بر اباحه و عدم منع نگاه دلالت دارند و به دلیل ضرورت معالجه و تمسک به قاعده نفی ضرر و حرج و اضطرار و با توجه به روایت «مَا حَرَم الله شیئاً اِلَّا و اَحَلَّهُ عِنْدَ الِاضْطَرارِ اِلَیه»(۲).

برخی علمای اهل سنت می گویند: نگاه مرد برای معالجه به زن جایز است مانند گرفتن نبض، یا حجامت یا چشم پزشکی و بستن و ترمیم استخوان شکسته، به شرط آنکه به مقدار ضرورت نگاه کند. مثلاً پارچه ای را به روی صورتش گذاشته و روی چشم را باز گذارد، برای مداوای چشم، پوشاندن تمام صورت لازم نیست، اما پزشک باید عادل باشد. معالجه نزد پزشک فاسق و کافر و یهودی و نصرانی با وجود پزشک مسلمان برای معالجه زن جایز نمی باشد(۳).

نتیجه این که در احادیث و فقه اسلامی، نگاه و لمس بدن نامحرم در مواقع ضرورت از جمله معالجه تجویز شده با ذکر شرایطی من جمله: عدم دسترسی به پزشک هم جنس و یا کافی نبودن سطح علمی و تخصص او، اما بهتر است معالجه از روی لباس انجام گیرد. اکتفا به نگاه و یا لمس به تنها در صورت امکان. اگر بدون نگاه و لمس معالجه امکان نداشت به حداقل اکتفاکند.

۸) قواعد من النساء

از جمله زنانی که از حرمت نگاه به زن نامحرم استثناء شده اند، نگاه به «قواعد

۱- ۱ . الوسایل، ج ۱۲، ص ۶۷۳، ح ۳، ب ۴۶.

۲- ۲ . مرتضی انصاری؛ کتاب النکاح، ص ۵۶؛ احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۷۶.

۳- ۳ . علی بن عطیه بن هیتی حموی، احکام النظر، ص ۸۹.

النساء» زنانی که امید به ازدواج ندارند می باشد. به دلیل آیه کریمه:

«و الْقَوَاعِـدُ مِنَ النِّسَـاءِ اللاتِی لَایرْجُونَ نِکَاحاً فَلَیسَ عَلَیهِنَّ جُنَاحٌ أنْ یضَـعْنَ ثِیابَهُنَّ غَیرُ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِینَهٍ؛(۱) وبر زنان از کارافتاده ای که دیگر امید زناشویی ندارند گناهی نیست که پوشش خود را کنار نهند ، به شرطی که زینتی را آشکار نکنند.»

کلمه «قواعد» جمع قاعده است . به معنای زنی است که از نکاح بازنشسته شده، یعنی دیگر کسی به سبب پیری اش به او تمایلی ندارد(۲).

مرحوم طباطبایی یزدی هم نگاه به زنانی را که از پیری به حدی رسیده اند که مأیوس از شوهر کردن باشند و مقداری از ساق دست و موی آنها نمایان است جایز می دانند(۳).

اما صاحب جواهر، حتی نسبت به «قواعد النساء» هم حکم عورت را «المراه عوره» باقی می داند، مخصوصا آن قسمتی از بدن زنان که معمولاً پوشیده است مثل شکم و... اما آشکار کردن صورت و بخشی از موها و قسمتی از ساق دست زنان مسن که معمولاً نمی پوشانند، اشکال نمی دانند. ایشان مقصود آیه از «قواعد النساء» را درآیه کریمه زنانی می دانند که امید به ازدواج ندارند، یعنی از حیض و بچه دار شدن ناامید شده اند، به خاطر بالا بودن سنشان . اگر از خانه خارج شوند و با لباسی خود را بپوشانند، چه لباس زینتی و غیر آن مثل ملحفه و مقنعه و روسری و...، گناهی برآنان نیست ؛ به شرط آنکه خروج آنها برای خودنمایی به زینت نباشد، بلکه خروج آنها برای رفع حوایج و نیازمندیهای خود باشد، بهتر است که عفت داشته و خود را بپوشانند(۴).

محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام روایت کرد: درباره آیه کریمه «الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ» زنانی که امید به ازدواج ندارند، بهتر است چه لباس و پوششی را بر سر خود قرار دهند؟ فرمودند: «جلباب (مقنعه)»(۵).

ابی صباح گفت: از امام صادق علیه السلام سوال کردم : «از «الْقَوَاعِـدُ مِنَ النِّسَاءِ» بهتر است که آنها چه لباسی را بپوشند؟». فرمودند: «مقنعه (مگر آنکه کنیز باشند)، بر آنها گناهی نیست اگر روسری بر سر گذارند»(۶).

۱- ۱ . قرآن کریم سوره مبارکه نور/۶۰.

۲- ۲ . علامه محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص۱۷۷.

۳- ۳ . محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۶۲۶.

۴- ۴ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۳۸۹.

۵- ۵ . وسائل، ج۱۴، ص ۱۴۷، ح ۲۵۴۳۰.

۶- ۶ . وسائل الشیعه، ج۱۴، ص ۱۴۷، ح ۲۵۴۳۵.

صاحب مستمسک العروه معتقد است که حجاب و پوشش برای قواعد النساء واجب است. و اگر مقدار کمی از مو و ساق آنها نمایان باشد ، اشکال ندارد(۱).

بـا توجه به روایـات می توان گفت که زنان سالمنـد نبایـد به تبرج و خودنمایی پرداخته و زینت و زیور خود را در معرض دید قرار دهنـد. بر آنهـا جـایز است حجـاب و پوشـش کامـل ماننـد جوانـان نداشـته باشـند، امـا زینتهـای (زیبائیهـای طبیعی بـدن و زیورآلاـت) . خود را به نمـایش نگذارنـد و آن مقـدار از بـدن که از مقنعه بیرون است مثـل سـاق دست و موهـا بر آنها مانعی ندارد. روایات هم همین محدوده را جایز دانسته چنانکه:

حلبی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که: امام این آیه از قرآن را که می گوید «أَنْ یضَعْنَ ثِیابَهُنَّ؛ زنان سالخورده جامه های خود را برگیرنـد» قرائت کردنـد و فرمودنـد: «منظور بیرون آوردن روسـری و مقنعه می باشـد.» سوال کردم (قواعـدالنساء) زنـان مسن نزد چه کسـی حق کشف حجاب دارنـد؟ فرمود : «هرکس باشـد ، اما خودنمایی به زینت نکننـد . گرچه بهتر اسـت حتی پیرزنان نیز حجاب را مراعات کنند»(۲).

بهتر است که «قواعد النساء» روسـری و مقنعه خود را در نیاورده و مو و ساق خود را بپوشانند. اگر نپوشانند ، نگاه به مو و ساق دست آنها مانعی ندارد. اما با ترس از وقوع حرام بر آنها جایز نیست. زیرا زن به هر سـنی که برسد باز آماده برای عمل جنسـی است، و تسامح در مورد زنان سالمند علتش این است که مانند زنان جوان در معرض شهوت و لذت نیستند.

۹ . نگاه به زنان اهل ذمه

۹ . نگاه به زنان اهل ذمه(۳)

مقتضای قاعـده، عـدم جواز نگاه به زنان اهل ذمه است، و وجوب فروخواباندن چشم می باشد، مگر آن که با دلیل، جواز نگاه به زنان اهل ذمه ثابت شود، و اگر از ادله جواز نگاه استفاده نکنیم، ناچار باید به عموم آیه رجوع کرده حکم به وجوب

۱- ۱ . سید محسن طباطبایی، مستمسک العروه الوثقی، ج ۱۴، ص ۳۸.

۲- ۲ . وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴۷، ح ۲۵۴۳۱.

۳- ۳ . منظور از اهـل ذمه، اقلیتهـای مـذهبی مثـل مسیحی ها، یهودی ها و زرتشتی هاست، اقلیتهای مـذهبی، پوشـش را بر زن واجب نمی دانند و زنان ایشان مانند زنان مسلمان دارای حرمت و احترام نیستند، حکم نگاه به زنان مورد اختلاف است.

«غضّ بصر» و فروبستن چشم دهیم و نوبت به اجرای اصلی عملی که مقتضای آن برائت است نخواهد رسید(۱).

فقها نگاه با قصد لذت و ریبه به زنان اهل ذمه را جایز نمی دانند. محل بحث ما نگاه به غیر دست و صورت است ؛ چرا که جواز نگاه به دست و صورت مسلمانان را دریافتیم. مشهور فقها نگاه به زنان اهل ذمه و حتی به موی آنها را جایز دانسته اند.

اما برخی فقها قائل به حرمت نگاه به زنان اهل ذمه و موهای آنان شده اند . از جمله فاضل در کشف اللثام(۲) ، علامه(۳) و ابن ادریس(۴) که آن را تحریم کرده اند. ابن ادریس گفته است: عموم آیه «غض بصر» به طور مطلق زنان را از نگاه کردن منع کرده. این اطلاق شامل زنان غیر مسلمان هم می شود. که نگاه به آنها جایز نیست و با خبر واحد هم مقید نشده».

فقهایی که قائل به جواز نگاه به اهل ذمه هستند به چند دلیل استدلال کرده اند:

۱ . زنان اهل ذمه به منزله کنیز هستند. برخی فقها از جمله شیخ، نگاه به زنان اهل کتاب و موهای آنان را جایز می دانند زیرا آنها به منزله کنیز هستند(۵).

محقق در شرایع می گوید: «وَ یجُوزُ النَّظَرِ اِلی نِسَاءِ اَهْلِ الذِمه وَشُعورِهِنَّ لِاَنهن بِمَنْزِلَه الِاماء»(۶). یکی از احکام نسبت به کنیز این است که نگاه به آنها جایز می باشد، زنان اهل ذمه به منزله کنیز هستند، و نگاه به کنیزان جایز است . گفته شده اهل کتاب ممالیك امام هستند. شهید درمسالك آورده که اهل ذمه در اصل فی ء مسلمانان هستند(۷).

زراره می گوید: «اهل کتاب ممالیك امام هستند. مگر نمی بینید که آنها جزیه می پردازند، چنان که بندگان به مولای خود جزیه می پردازند»(۸).

ابو بصیر از امام باقر روایت کرده که: «اهل کتاب ممالیك امام هستند»(۹).

این روایات دلالت دارد بر اینکه، اهل ذمه چون مانند کنیزکان می باشند، نگاه به آنها حرام نیست.

۱- ۱ . علی اکبر سیفی مازندرانی، دلیل تحریرالوسیله، ص ۹۸.
۲- ۲ . کشف اللثام، ج ۷، ص ۲۳.
۳- ۳ . مختلف، ج ۷، ص ۱۱۱.
۴- ۴ . علی اصغر مروارید، سلسله الینابیع الفقهیه(السرائر)، ج ۱۹، ص ۴۲۶.
۵- ۵ . شیخ طوسی و محقق حلی، النهایه و نکتها ج ۲، ص ۳۵۶، ۳۵۵؛ سید محسن حکیم، مستمسک العروه ج ۱۴، ص ۱۸.
۶- ۶ . نگاه به زنان اهل ذمه و موهایشان جایز است. زیرا آنها چون کنیز هستند. شرایع اسلام، ص ۴۹۵.
۷- ۷ . شهید ثانی، مسالك الافهام، ج ۱، ص ۴۳۶.
۸- ۸ . وسائل، ج۱۵، ص ۴۷۷، ب ۴۵، ح ۱.

۹– ۹ . همان، ج ۱۴، ص ۴۲۰، ج ۱، ب ۸.

اما مقتضای تحقیق، اراده دو معنا ازیک شی ءصحیح نیست. یا زنان اهل کتاب به منزله کنیز مسلمانان هستند. به این معنا که نگاه به آنها درحکم نگاه به کنیزمی باشد قطعا این معنا مقصود نمی باشد . به این دلیل ملك مشترك همه مسلمانان هستند و معلوم نیست نگاه کردن به کنیزی که ملک طِلْق انسان نیست، جایز باشدو یا صدق عنوان فی ء به آنها هیچ کاری در این عنوان نمی باشد بدلیل آیه کریمه «وَمَا مَلَکَتْ یمِینُکَ مِمّا اَفَاءَ الله»(۱).

چنانکه ممکن نمی باشد که مقصود از زنان اهل کتاب به منزله کنیز غیر باشد به اعتبار اینکه کنیز حقیقی مسلمانان هستند . بر فرض این گونه باشد، نگاه کردن به کنیزی که ملک مشترك مسلمانان است جایز نیست. حکم جواز نگاه برای کنیز در صورتی ثابت است که کنیز ملك شخصی مسلمان باشد، نه مشترك همه مسلمانان باشد. بر فرض اینکه زن اهل کتاب مانند کنیز باشد مطلوب ما ثابت نمی شود ، مگر بنابر جواز نگاه به کنیز دیگری که در آن اختلاف است(۲).

۲ . اخبار و روایاتی که فقها جواز نگاه به زنان اهل کتاب را بدان مستند کرده اند.

سکونی عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لا حُرْمَةَ لِنِساءِ اَهْلِ الْذِّمَهِ انْ ینْظُرَ الی شُعورهُنَّ وَ اَیدِیهِنَّ»(۳).

امام صادق می فرماید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: نگاه کردن به سر و دستهای اهل ذمه حرام نیست.(۴)

این روایت در جواز نگاه به دست و موی زنان ذمی صراحت دارد، و دلیل جواز یعنی نفی حرمت نگاه.

ابوالبختری از حضرت علی علیه السلام روایت کردکه فرمودند: نگاه کردن به سر زنان اهل ذمه مانعی ندارد(۵).

مشهور فقها به این روایات عمل کرده اند که این شهرت جبران ضعف احتمالی روایات را می کند.

۳ . دلیل دیگر جواز نگاه سیره مسلمانان است.

در صدر اسلام اهل کتاب با مسلمانان زندگی می کردند و مطابق احکام و سنن و

۱- ۱ . علی اکبر سیفی مازندرانی، دلیل تحریرالوسیله، ص ۱۰۰.
۲- ۲ . همان، ص ۱۰۱.
۳- ۳ . وسائل، ج ۱۴، ص ۱۴۹، ح ۱، ب ۱۱۲.
۴- ۴ . وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص۱۴۹.
۵- ۵ . همان، ص ۱۴۹، ح ۲.

آداب و فرهنگ خودشان رفتار می کردند، که من جمله آن عدم رعایت حجاب بود که مراعات آن را در شرایط ذمه لازم نکرده اند. همین عدم منع، دلالت بر عدم حرمت دارد، زیرا در صورت حرام بودن نگاه به آنان برای مسلمین،... مراعات حجاب را برای آنها نیز لازم می کردند و جز شرایط ذمه قرار می دادند... و عدم شرط در صدر اسلام نشانه اباحه نگاه به آنان می باشد(۱).

محدوده نگاه به زنان اهل کتاب را می توان با توجه به ادله بیان کرد که: اهل کتاب از جهت نگاه کردن حرمتی ندارند. نگاه به دست و صورت و موی سر با توجه به روایات جایز است. نگاه به سایر اعضای بدن اگر آنها عادت به پوشاندن نداشته باشند ، مانعی ندارد. اما بهتر است نگاه نکنند . نگاه به عورت آنان بنابر ادله و روایاتی که از کشف عورت نگاه به عورت را حرام دانسته اند جایز نیست، اما روایاتی دال بر جواز نگاه به عورت کسانی که مسلمان نیستند وارد شده.

امام صادق در روایتی فرمودند: «انَّمَا اکرُه النَّظَر اِلی عَورهِ المُسْلِم فاَ مَّا النظرُ الی عَورهِ مَنْ لَیس بِمسلمٌ مثلُ النَّظر الی عَورهِ الْحِمار(۲) ؛ من خوش ندارم به عورت مسلمان نگاه کنم، اما نگاه به عورت کسی که مسلمان نیست مثل نگاه به عورت حمار است.»

صاحب عروه معتقدند که فرقی بین عورت مسلمان و غیر مسلمان نیست و نگاه به هر دو را حرام دانسته اند(۳).

۱۰ . زنان کافر

وجه عمده دلالت نصوص و کلام فقها بر جواز نگاه به زنان اهل ذمه می باشد، زیرا اهل کتاب بعد از قبول شرایط ذمه مورد حمایت حکومت اسلام و احترام مسلمانان قرار خواهند گرفت، و جان و مالشان در نزد مسلمانان محترم می باشد. پس نصوص به جواز نگاه به زنان اهل ذمه که آبرو و جان آنها مورد احترام ماست دلالت دارد و به فحوی دلالت بر جواز نگاه به زنان کافر خواهد داشت(۴).

صاحب عروه و امام خمینی نگاه به مطلق کفار، با عدم قصد لذت و ریبه را جایز

ص: ۱۷۵

۱- ۱ . روح الله حسنیان، حریم عفاف، ص ۱۵۰.

۲- ۲ . وسائل، ج ۱، ص ۳۶۶، ح ۲، ب ۶.

۳- ۳ . محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۵۵.

۴- ۴ . علی اکبر سیفی مازندرانی، دلیل تحریرالوسیله، ص ۱۰۶، ؛ سید علی حسینی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۴.

دانسته اند. یعنی ترس از افتادن در گناه و حرام(۱). صاحب جواهر بر رعایت این شرط ادعای اجماع کرده(۲). یعنی اگر می داند با نگاه به حرام گرفتار می شود، نگاه حرام می باشد . مرحوم طباطبایی حکیم فرموده اند : «فقها بر جواز نگاه به زنان کافر ادعای اجماع دارند.» ایشان معتقدند که روایات وارد شده مطلق است و تقیید بر جواز نگاه به زن کافر نخورده(۳).

پس خودداری از نگاه با لذت بنا به احتیاط واجب است.

با توجه به روایت عبادبن صهیب از امام صادق علیه السلام فرمودند: «نگاه به سر زنان اهل تهامه و اعراب و دهاتیها و علوج مانعی ندارد، زیرا هرگاه نهی شوند اعتنا نمی کنند»(۴). این روایت عام بوده و سایر زنان کافر غیر از زنان اهل ذمه را هم در بر می گیرد(۵).

۱۱ . زنان روستایی و صحرا نشین و زنان بی قید

حفظ حجاب و پوشش بر زنان مسلمان واجب و بر مردان هم حرام است . اگر احیاناً مو و اعضای دیگر زنان نمایان است به آن نگاه کنند. حکم وجوب حجاب و حرمت نگاه بین تمام زنان مشترک است. زنانی که بدحجاب هستند و زنان صحرانشین و روستایی که از روی بی اطلاعی پوشش خود را کامل رعایت نمی کنند همه یک حکم دارند.

«صاحب عروه» جواز نگاه به زنان صحرانشین و اعراب و... که پوشش خود را رعایت نمی کنند مشکل می دانند و بهتر دانسته اند با علم به افتادن نگاه به آنها ، در خیابان و بازار رفت و آمد نکنند . اگر ترس از فتنه و گناه نداشته باشد، فروبستن چشم بر آنها واجب نیست(۶).

عُبّادبن صهیب عن الصادق علیه السلام : «لاباسَ بِالنَّظَرِ الی رُوءُوسِ اَهْلِ تُهامَهِ وَ الْاَعْرابِ وَ اَهْلِ السَّوادِ وَ الْعُلُوجِ، لَأَنَّهُمْ اذانُهُوا لَاینْتهُونَ»(۷).

۱- ۱ . محمدکاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۶۲۵؛ سیدروح الله الخمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۳۳.

۲- ۲ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۳۸۰.

۳- ۳ . سیدمحسن حکیم طباطبایی، مستمسک العروه، ج ۱۴، ص ۲۰.

۴- ۴ . وسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۰ ۱۴۹، ح ۱، ب ۱۱۳.

۵- ۵ . علی اکبر سیفی مازندرانی، دلیل تحریرالوسیله، ص ۱۰۶.

۶- ۶ . سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ۶۲۵.

۷- ۷ . الوسایل، ج ۱۴، ص ۱۵۰ ۱۴۹، ح ۱، ب ۱۱۳.

امـام صادق علیه السـلام فرمودنـد: نگاه کردن به سـر زنان اهل تهامه و اعراب و صحرانشـین و علوج مانعی نـدارد ؛ زیرا هرگاه نهی شوند، اعتنا نمی کنند.

این جمله «لأنـهمْ اذانُهُـوا لَماینْتهُونَ» را می توان یـک قاعـده کلی بیـان کرد، که هرگـاه زنی پوشـش کامـل نـدارد و از عنـاد و سرپیچی از حجاب دست برندارد نگاه به او بی اشکال است.

صاحب جواهر هم، علت جواز نگاه به آنها را عدم توجه آنها به نهی از بد حجابی دانسـته و می گویند: شاید مراد از این جواز عـدم، وجوب فروبسـتن چشم باشـد. بـدین علت تردد در بازار و خیابان حرام نیست، چرا که حرام بودن سـبب عسـر و حرج بر مردان بر فرض عدم توجه زنان به نهی از بدحجابی می شود(۱).

آیت الله خویی(۲) هم نگاه به این زنها را که وقتی نهی می شوند اعتنا نمی کنند را جایز دانسته اند.

امام می فرمایند: «نگاه کردن به این زنان مانعی ندارد، اما مشکل است چنین فتوایی داد، و تردد در روستا و بازارهایی که محل رفت و آمد چنین زنانی می باشد، هر چند قطع داشته باشیم که نگاهمان به آنان می افتد، جایز است»(۳).

صاحب مستمسک العروه درباره روایت عبادبن صهیب فرموده اند که خبر عباد ضعیف است. اما در کافی هم روایت شده «عن عده من اصـحابنا عن احمد بن محمدبن عیسـی، عن ابن محبوب، عن عبادبن صـهیب». احمد بن محمد بن عیسـی از قم ولی از راویان ضعیف می باشد. ابن محبوب یعنی حسن بن محبوب از اصحاب اجماع بوده و کسی است که روایت نمی کند از کسی مگر آنکه ثقه باشد. که برای جبران ضعف سند روایت کافی خواهد بود»(۴).

بـدیهی است که این روایت نمی توانـد علت جواز نگاه به این زنان باشـد، زیرا عدم جواز نگاه به سـبب عدم توجه این زنان به نهی از بد حجابی منتفی می شود. علی رقم رشد عقل عموم مردم و تعالی فهم و شناخت مسائل دینی، لکن این مسائل از سوی آنها نادیده گرفته می شود . همچنین علت جواز نگاه، به بعضی زنان که از فرهنگ

۱- ۱ . محمدحسن نجفی، جواهرالکلام، ج ۱۰، ص ۳۷۹.

۲- ۲ . سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ص ۲۶۷.

۳- ۳ . سید روح الله خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۳۳.

۴- ۴ . سیدمحسن طباطبایی حکیم، مستمسک العروه ج ۱۴، ص ۲۱.

فاسد غرب و شرق متأثر شده اند، این است که نهی ناهیان از منکر در آنان تأثیری نداشته وحتی ناهیان از منکر، مورد تمسخر این زنان قرار می گیرند(۱).

دلیل جواز نگاه به سر زنان صحرانشین و روستایی عدم حرمت آن زنان نمی باشد ؛ چرا که آنها از زنان مسلمان و عفیف هستند . دلیل عدم حجاب و ستر کامل سر و موی این زنان این است که آنها به طور عادت و عرف سر خود را نمی پوشانند.

با این همه اصل نگاه کردن به زنان مسلمان حرام است، و در نگاه باید به مورد استثناء اکتفا شود و آن تنها موی زنان تاجایی است که عادتاً نمی پوشانند و زائد بر آن حرام است.

۱۲ . نگاه به زنان بدحجاب و خودنما

شکی نیست زنان وظیفه دارند تمامی اعضای بدنشان ، بجز وجه و کفین را بپوشانند و بر مردان حرام است که به آنها نگاه کنند. اما اگر زن مسلمان از روی بی بند و باری و بی مبالاتی بدحجاب بوده و پوشش خود را رعایت نکند و بدن و موی خود را در معرض دید نامحرم قرار دهد و اگر هم نهی شوند، بی اعتنایی نمایند. آیا بی اعتنایی آنها به نهی و عدم توجه به نهی، می تواند علت تامه برای جواز نگاه باشد و می توان حکم به جواز نگاه به زنان بدحجاب نمود؟ آیت الله خویی نگاه کردن به زنان بی حجابی که به نهی بی اعتنا را هستند جایز می دانند(۲).

آنچه در بیان جواز نگاه به زنان اهل ذمه با توجه به روایات گفته شد می توان فهمید که نگاه به آن زنان حرام نیست، زیرا آنها ایمان ندارند. ایمان موجب احترام به زنان مومن و حفظ و صیانت آنان از تعرض نگاه نامحرم به مواضع بدن زن و به زیباییها و زینت او می باشد. با بی اعتنایی آنان به نهی از بی حجابی و عدم توجه به احکام شرع و حجاب ، حرمت نگاه به آنها را از بین نخواهد رفت(۳).

با توجه به فتوای آیت الله خویی باید گفت جواز نگاه به این زنان تا زمانی است که نگاه به قصد لذت و ریبه نباشد . اگر با لذت و ریبه و یا خوف افتادن در گناه باشد،

۱- ۱ . علی اکبر سیفی مازندرانی، دلیل تحریرالوسیله، ص ۱۰۷.

۲- ۲ . سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، جزء دوم، ص ۲۶۷.

۳- ۳ . علی اکبر سیفی مازندرانی، دلیل تحریرالوسیله، ص ۲۱۵ ۲۱۴.

نگاه جایز نیست و نگاه به زینت آلات زنها مثل انگشتری و النگو و یا ناخن های بلند زن نامحرم حرام است.

۱۳ . نمایان کردن محاسن وبدن زن دربرابرپیرمرد سالخورده

احتمال جواز نمایان کردن بدن و محاسن زن در برابر پیرمرد سالخورده و فرتوت وجود دارد. با توجه به دلیل قیاس دلالت کتاب و سنت بر جواز نمایان کردن سر و موی قواعدالنساء (زنان سالخورده) در برابر نامحرم».(۱)

اما در نظر ما قیاس در غیر محلش و استنباط احکام شرعی با قیاس صحیح نیست . چنانکه در روایات رسیده از اهل بیت شدیداً از قیاس کردن منع کرده اند. همانا آیه کریمه که رخصت و جواز به زنان سالخورده داده عموم حرمت نمایان کردن زینت برای زنان مومن را تخصیص زده، و اقتضای قاعده اکتفا به موضع نص که آیه رخصت بر آن دلالت دارد که همان جواز نمایان کردن برای زنان پیر می باشد اما برای پیرمرد سالخورده و فرتوت دلیلی بر جواز نمایان کردن محاسن زن در برابر او نداریم.

نگاه کردن و لمس کردن

همه مذاهب پنج گانه اتفاق دارند که: «هر عضوی که دست کشیدن و لمس آن جایز باشد نگاه کردن به آن هم جایز است. و هر عضوی که نگاه به آن حرام است، لمس آن هم حرام می باشد، زیرا که دست کشیدن در لذت و بهره بردن قوی تر از نگاه کردن است»(۲).

بر طبق قاعده «کل عضو یحرم النظر الیه یحرم مسّه و لاعکس»(۳).

هر عضوی که نگاه کردن به آن حرام است، لمس آن (نیز) حرام می باشد و عکس آن صحیح نیست، یعنی چنین نیست که هرگاه نگاه کردن به آن جایز باشد، لمس کردن آن هم جایز باشد. زیرا یک بار نگاه کردن به صورت زن نامحرم جایز است . اما دست زدن به آن حرام می باشد.

شیخ انصاری می گوید: «هرگاه نگاه حرام باشد، لمس هم قطعاً حرام است. در

۱- ۱ . همان، ص ۲۱۲-۲۱۳؛ محقق الثانی، جامع المقاصد، ج ۱۲، ص ۳۶.

۲- ۲ . محمد جواد مغنیه، فقه علی المذاهب الخمسه، ص ۸۹.

۳- ۳ . شهید اول، القواعد والفرائد، چاپ سنگی، ۱۲۷. بدون صفحه شمار

حرمت لمس، جایی که نگاه جایز است شکی نیست، به دلیل اخبار زیادی که بر این امر دلالت دارد»(۱).

با توجه به سخن شیخ انصاری می توان گفت: مثلاً نگاه به دست و صورت زن برای نامحرم جایز است، اما لمس این اعضا بر او جایز نیست. هیچ یک از فقها ادعا ملازمه بین جواز نگاه و لمس نامحرم را نکرده اند.

لمس بدن نامحرم در هیچ صورت بر مرد جایز نیست ، مگر در مقام ضرورت و اضطرار برای نجات جان غریق و یا مداوای بیمار فرد مجبور شود و چاره ای جز لمس بدن نباشد می تواند بدن را لمس کند. همچنین لمس هر موضعی از بدن محارم که نگاه به آن بر مرد اشکال ندارد جایز است.

آقای سیستانی گفته است: لمس مو و بدن محرم و هم جنس بدون شهوت و ریبه جایز می داند.

اما لمس مو و بدن مرد و زن نامحرم حتی به مواضعی که نگاه به آن جایز است مطلقاً جایز نمی باشد(۲).

علامه ، ادعای اجماع بر کراهت نگاه کردن وجواز لمس بر عورت همسر را نموده است . همچنین ادعا دارند که اهل سنت لمس بدن محارم را حرام می داند، مگر لمس سر و... که عورت به حساب نمی آید. پس بنابر نظر آنها لمس کردن شکم و پا و بوسیدن مادر حرام است.(۳)

به هر حال هیچ امری مجوز برای لمس بدن نامحرم نمی باشد. با توجه به روایات، لمس نامحرم از گناهان کبیره است . مثلاً پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمودند:

«وَ مَنْ صَافَحَ امْرَاَهً تَحْرُمُ عَلَیهِ فُقَدْ بَاءَبسَخَطٍ مِنَ اللهِ عَزَّو جلّ وَ مَنْ التزَمَ امْراهً حَراماً قرن فی سلسلهٍ مِنَ نارِ مَعَ شَیطانَ فَیقْذِفان فِی النَارِ؛(۴) کسی که با نامحرمی دست بدهد غضب الهی را برانگیخته است و کسی که با نامحرمی معانقه کند و وی را به سینه بچسباند با شیطان در زنجیری از آتش بسته شده و در آتش جهنم پرت خواهد شد.»

۱- ۱ . مرتضی انصاری، کتاب النکاح، ص ۶۸.
۲- ۲ . سیدعلی حسینی سیستانی، منهاج الصالحین، ص ۱۲.
۳- ۳ . شهید اول، القواعد و الفوائد، چاپ سنگی، بدون صفحه شمار.
۴- ۴ . وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴۲، ح ۲۵۴۱۲، ب ۱۰۵.

با توجه به روایت می توان دریافت که دست دادن به نامحرم هم جایز نمی باشد.

صاحب جواهر مصافحه و دست دادن زن نامحرم با مرد و مرد نامحرم با زن را از روی لباس را بی اشکال می دانند(۱).

این نظر بسیاری از فقهاست(۲). البته احتیاط این است که دست زن را فشار ندهند.

آیت الله خویی، نگاه و لمس کردن بدن پسر بچه نابالغ را برای زن و همچنین برای مرد نگاه و لمس دختر بچه را جایز دانسته اند . البته بدون قصد لذت و شهوت، و با قصد لذت و شهوت حرام خواهد بود(۳).

۱۴ . نگاه به محارم

اشاره

«وَ هُوَ الَّذِی خَلَّقَ مِنَ المَاءِ بَشَراً فَجَعَلَهُ نَسَباً وَ صِهْراً»(۴).

و او کسی است که از آب، انسان آفرید، و او را دارای پیوند نسبی و سببی گردانید.

نسب جمع آن انساب است به معنای قرابت و خویشاوندی از ناحیه پدر است.

راغب در مفردات می گوید(۵): «صِهْر» به طوری که از خلیل نقل شده به معنای داماد و خویشاوندان از ناحیه زن که به سبب ازدواج به وجود می آید.

خداوند بر نهی از آشکار کردن زینت زنان تاکید دارد و کسانی را که واجب نیست زینت پنهان خود را از دید آنها بپوشانند معرفی می کند.

روا بودن نگریستن به زنان محرم، به دلیل سیره قطعی که از زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله ، تا زمان ما وجود دارد، به گونه ای که هیچ رسم نبوده زنان از فرزندان، پدران و دیگر محرمان خود، روبگیرند. همچنین ادله دیگر بسیاری بر جواز نگاه محارم به زن وارد شده، از جمله آیه شریفه ۳۱ سوره نور که در آینده بحث می کنیم.

مراد از نسب، محرمیت از ناحیه مرد است و مراد از صِهر، محرمیت از ناحیه زن است، موید این معنا، مقابله ای است که میان نسب و سبب برقرار شده است(۶).

اما محارم، خویشان زن به نسب یا رضاع یا مصاهره و یا عقد می باشد.

۱- ۱ . محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۳۹۸.

۲- ۲ . سید روح الله خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۳۲.

۳- ۳ . سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ص ۲۶۸.

۴- ۴ . قرآن کریم، سوره مبارکه فرقان / ۵۴.

۵- ۵ . راغب، مفردات، ص ۴۹۴.

۶- ۶ . سیدمحمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۲۴۹.

الف: نگاه به محارم نسبی

آیه کریمه ذیل درصدد بیان محارم مرد است:

«حُرِّمَت عَلیکُم اُمَّهَاتُکُمْ وَ بَناتُکُمْ وَ اَخواتُکُمْ وَ عَمّاتُکُمْ وَ خالاتُکُمْ وَ بَنَاتُ الْاَخِ وَبناتُ الْاُخْتِ وَ اُمَّهَاتُکُمُ الَّتی أَرْضَعْنَکُمْ وَ اَخَواتُکُمْ مِّنَ الرَّضاعَهِ وَ اُمَّهَاتُ نِسَآئِکُمْ وَرَبَائِبُکُمُ الَّتی فی حُجُورِکُمْ مِنْ نِسائکُمُ الَّتی دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَّمْ تکُونُوا دَخَلتُم بهِنَّ فَلا جُناحَ عَلَیکُمْ و حَلآئِلُ ابْنائِکُمُ الَّذینَ مِنْ اَصْلابکُمْ وَ أنْ تَجْمَعُوا بَینَ الْاُختَینِ اِلّا مَاقَدْسَلَفَ اِنَّ اللهَ کانَ غفُوراً رَّحیماً»(۱).

نکاح ایشان بر شما حرام شده است، مادرانتان و دخترانتان و خواهرانتان و عمه هایتان و خاله هایتان و دختران برادر و دختران خواهر، و مادرهایتان که به شما شیر داده اند، و خواهر رضاعی شما و مادران زنانتان و دختران همسرانتان که در دامان شما پرورش یافته اند و با آن همسر، همبستر شده اید، پس اگر با آنها همبستر نشده اید بر شما گناهی نیست که با دخترانشان ازدواج کنید، و زنان پسرانتان که از پشت خودتان هستند، و جمع دو خواهر با همدیگر مگر آنچه که در گذشته رخ داده که خداوند آمرزنده و مهربان است.

محارم مرد کسانی هستند که ازدواج مرد با آنها برای همیشه حرام است. محرم شدن مردان به زنان به چهار طریق امکان پذیر است: اول: نسب دوم: رضاع (شیرخوارگی)، سوم: به سبب ازدواج، چهارم: جمع میان دو خواهر.

۱. محرمات نسبی

هفت گروه به نکاح حرام می شوند(۲)

۱ – مادران: مادر اصطلاحاً هر زنی که انسان را زاییده یا نسب وی به او منتهی می شود از جانب صعودی و ولادت، خواه ابی باشد خواه امی.

۲ – دختران (بنات): دختر هر زنی که نسب او به تو منتهی گردد. از راه ولادت ولو به واسطه، پس شامل دختر دختر هم می شود.

۳ – خواهران (اخوات) ؛ یعنی هر زنی که ابوین یا پدر و مادر تو موجب ولادت

۱– ۱ . قرآن کریم سوره مبارکه نساء / ۲۳.

۲– ۲ . محمدجعفرجعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق ج ۴، گنج دانش، اول، ۱۳۷۸، ص ۳۲۵۷.

او شده باشد، بی واسطه.

۴ – دختران خواهر (بنات اخت) : یعنی هر زنی که ابوین یا پدر و مادر تو موجب ولادت او شده باشد، با واسطه.

۵ – دختران برادر (بنات اخ) : یعنی هر زنی که ابوین یا پدر و مادر یا مادر تو موجب ولادت او شده باشند با واسطه.

۶ – عمه ها: عمه زنی که خواهر مردی است که به واسطه یا بی واسطه موجب ولادت تو شده باشد، از سوی ابوین یا پدر و مادر عمه عمه، خارج است.

۷ – خاله ها: خاله زنی که خواهر زنی است که به واسطه یا بی واسطه موجب ولادت تو باشد، خاله خاله، خارج است.

۲ . محرمات رضاع

هر چه به نسب حرام باشد به رضاع هم حرام می شود.

۳ . محرمات مصاهره

اقارب زوجین در چهار مورد ذیل حرام اند:(۱)

۱– حلائل آباء (زن پدر) با رعایت درجات صعودی.

۲– حلائل ابناء (زن پسر) با رعایت درجات نزولی.

۳– دختر زنی که مدخوله شود (ربیبه) با رعایت درجات نزولی مانند دختر دخترزن.

۴– مادر زن، با رعایت درجات صعودی مانند مادر مادرزن.

۴ . محرمات جمع

مانند جمع بین دو خواهر.

مشهور فقها معتقدند که مرد می تواند به بدن زنهایی که محرم او هستند بجز عورتهای آنان نگاه کند ، به شرط آنکه این نگاه همراه با لذت و شهوت نباشد(۲).

بنابراین بر مردان جایز نمی باشد که عورتین خواهر ، مادر ، دختر و یا دیگر محارم خود را ببینند؛ حتی اگر چه بدون قصد لذت و ریبه هم باشد. از طرفی هم معمول و متداول است که زن در برابر برادر و شوهر و برادر خود حجاب کامل

۱- ۱ . محمدجعفر جعفری لنگرودی، مبسوط درترمینولوژی حقوق، ج ۴، ص ۳۲۵۷.

۲- ۲ . شهید ثانی، الروضه البهیه، ج ۲، ص ۲۹۲؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی، العروه الوثقی، ۶۲۶؛ فاضل هندی، کشف اللثام ج ۷، ص ۲۵، سید روح الله خمینی، تحریرالوسیله ج ۲، ص ۲۳۲؛ محقق حلی، شرایع الاسلام، ۴۱۵؛ مرتضی انصاری، کتاب النکاح ص ۴۴؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ۲۶۷.

ندارد، و مردان هم در نگاه به آنها بر خود محدودیتی ایجاد نمی کنند.

ادله ای که قبلاً در بیان جواز غسل زن توسط محارمش ذکر شد هم می تواند دلیل بر جواز نگاه مرد به زنان محرم خود باشد. سیره قطعی بین متشرعان هم بر عدم حجاب زن مقابل محارمش دلالت دارد.

در قرآن کریم دو آیه کریمه دلالت دارد بر اینکه دربرابر چه کسانی بر زنان پوشش و حجاب لازم نمی باشد:

۱ - آیه ۵۵، سوره مبارکه احزاب.

«لَاجُنَاحَ عَلَیهِنَّ فِی آبَائِهِنِّ وَ لَا اَبْنَائِهِنِّ وَ لَا اِخْوانِهِنَّ وَ لَا اَبْنَاءِ اِخْوَانِهِنَّ وَ لَانِسائِهِنِّ...»(۱) بر زنان در مورد پدران و پسران و برادران و پسران برادران و پسران خواهران و زنان همکیش... گناهی نیست که دیده شوند.

این آیه بعد از آیه اول حجاب که درمورد حجاب زنان پیامبربود، نازل شده و به زنان اجازه داده شده که با پدران و پسران و... آزادانه صحبت کنند و حفظ حجاب در برابر آنها برای زنان واجب نمی باشد.

۲ _ آیه کریمه ۳۱ سوره نور.

«وَ لَایبْدِینَ زِینَتَهُنَّ اِلّا لِبُعُولَتِهِنَّ اَوْ اَبَآئِهِنَّ اَوْ إبَآءِ بُعُولَتِهِنَّ اَوْ اَبْنَآئِهِنَّ اَوْ أَبْنَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ اِخْوانِهِنَّ اَوْ بَنِی إخَوانِهِنَّ اَوْ بُنی اَخَواتِهِنَّ اَوْ نِسآئِهِنِّ او مَامَلَکَتْ ایمانُهُنَ...».

این آیه به دلالت مطابقی دلالت بر جواز آشکار کردن مواضع زینت که ظاهر نیستند برای محارم دارد. که به دلالت التزام بر جواز نگاه مرد به آن زنان دلالت دارد(۲).

بخشی از آیه درباره پوشش بانوان در برابر محرمان است که خویشان از قاعده و حکم کلی حرمت نگاه جدا شده اند، و هرگونه نگاه لذت جویانه ای را برای همسران جایز دانسته و برخی از خویشان هم جایز است به بدن زن نگاه کنند.

برخی از فقها گفته اند: جواز نگاه در موارد یاد شده اختصاص به محاسن و مواضع زینت دارد، به دلیل جمع بین آیه شریفه: «قلْ لِّلْموءمِنینَ یغُضَّوا مِنْ اَبْصَارِهِمْ أو آیه مبارکه «قُلْ لِلْمْوءمِناتِ یغْضُضْنُ مِنْ أَبْصارِهِنَّ...».

آیه نخست نگاه کردن مردان به زنان را منع و تحریم کرده.

۱- ۱ . قرآن کریم سوره مبارکه احزاب / ۵۵.

۲- ۲ . سیدابوالقاسم خویی، مبانی العروه الوثقی، ج ۳۲، ص ۵۱؛ علی اکبر سیفی مازندرانی، دلیل تحریرالوسیله ص ۱۱۱.

آیه دوم به زنان اجازه می دهد که مواضع زینت و محاسن خود را به شوهران خود نشان بدهند. طبعاً دیدن این قسمتها بدون اشکال خواهد بود. پس جمیع میان این دو آیه اقتضا دارد که تنها نگاه کردن به محاسن زن برای مردان جایز باشد.

اما اینکه زن چه مقدار از زینت و محاسن خود را در برابر این افراد آشکار کند و آنها تا چه حد می توانند نگاه کنند، آیات کریمه بر آن دلالت ندارند.

صاحب جواهر می گوید: از امام باقر روایت شد که پیرامون آیه کریمه «لَایبْدینَ زینَتَهُنَّ اِلّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا». فرمودند که: «مقصود لباس و سرمه و انگشتر می باشد، زینت سه نوع است: زینت برای مردم، زینت برای محرم، زینت برای همسر. زینت برای مردم همان است که بیان کردیم ، اما زینت برای محرم جای گردنبند و هر چه بالای آن است می باشد، و دستبند و پایین تر از آن مچ دست تا انگشتان و خلخال و هر چه پائین آن است (قدم پا) زینت برای شوهر تمام بدن می باشد»(۱).

با توجه به آیه کریمه سوره نور می توان گفت: حد پوشش زنان در برابر محارم، پوشاندن تمام بدن از سینه و شکم و پاها، و گردن و موی سر می باشد . از روایات می توان دریافت که بر زنان جایز است که دستهای خود تا آرنج را نزد خویشاوندان خود نمایان کنند.

صاحب مستمسک العروه و مرحوم نراقی بر جواز نگاه محارم به تمام بدن زن به جز عورت زن را ادعای اجماع کرده اند(۲).

نتیجه این می شود که محرم و همسر در این حکم که تمام بدن زن برای آنها عورت نیست مشترک هستند.

سکونی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که: «مرد می تواند به موی مادر و دختر و خواهر خود نگاه کند»(۳).

این روایت فقط دلالت بر خصوص جواز نگاه به مو را بیان کرده ، اما سخنی بر عدم جواز نگاه به سایر اعضای بدن به میان نیاورده و از طرفی دلالت بر عدم لزوم پوشش سر در برابر مرد محرم است هرجا نگاه مرد جایز باشد پوشش واجب نیست.

۱- ۱ . محمد حسن نجفی، جواهرالکلام، ج ۱۰، ص ۳۸۴ ج ۳۸۳؛ فاضل هندی، کشف اللثام، ج ۷، ص ۲۵.
۲- ۲ . سیدمحسن حکیم طباطبایی، مستمسک العروه، ج ۱۴، ص ۳۲؛ احمد نراقی، مستندالشیعه، ج ۱۶، ص ۴۵.
۳- ۳ . وسایل، ج ۱۴، ص ۱۳۹، ب ۱۰۴. ح ۲۵۴۰۱.

ب: نگاه به محارم رضاعی

رضاع مانند ولادت سبب ایجاد نسبتی بین دو یا چند نفر می شود. اسلام رابطه رضاعی را مثل رابطه نسبی می داند، «قرابت رضاعی در سنتهای قدیم عرب وجود داشته و اسلام نیز آن را به رسمیت شناخته است. در قرابت رضاعی، طفلی که شیر دیگری را خورده، «مرتضع» و زن شیر دهنده «مرضعه» و شوهر نیز «فحل» و یا «صاحب اللبن» نامیده می شود»(1).

در کتاب القواعد آمده: «یحرم من الرضاع مایحرم من النسب»(2).

این یک قاعده کلی است که همیشه اجرا می شود.

خداوند در سوره مبارکه نساء آیه ۲۳ می فرماید:

«...أوَ اُمَّهاتُکُمُ اللّتی اَرْضَعْنَکُمْ وَ اَخَواتُکمْ مِّنَ الرَّضاعَهِ...»(3).

این آیه بیانگر این است که ملاک حرمت رضاع است ، نه اینکه فقط به سبب رضاع مادر و خواهر که در آیه ذکر شده اند حرام می شود، بلکه بر طبق حدیث پیامبر و قاعده «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» تمام کسانی که از طریق ارتباط نسبی حرامند از نظر رضاع هم حرام خواهند بود.

صاحب جواهر نگاه مرد را به همه جای بدن زنان محرمش، چه محرم نسبی و سببی و چه به رضاع و (شیرخوارگی) و چه از طریق مصاهره و چه آنهایی که از طریق مالکیت با آنها محرم شده است به جز عورت آنها را جایز دانسته مشروط به آنکه نگاهشان با لذت و ریبه نباشد(4).

آنچه در جواز و عدم جواز نگاه به محارم نسبی گفته شده فرقی بین کودک شیرخوار زن شیردهنده و مرد صاحب شیر و اصول و فروع آنها (از جهت پدر و مادر و پسر و دختر) نمی باشد، و بلکه پدر کودک شیرخوار هم داخل آنها خواهد شد.

مرحوم طباطبایی حکیم فرموده اند: «به دلیل آن که پدر طفل شیرخوار و فرزندان صاحب شیر بر یکدیگر حرام شده اند، نمی توانند با هم ازدواج کنند، این مقتضی خروج از عموم حرمت نگاه و عموم وجوب پوشش نمی باشد»(5).

۱- ۱ . سیدمصطفی محقق داماد، قواعد فقهه، سمت، تهران، بهار، ۱۳۷۴، ص ۱۷۵.

۲- ۲ . سید محمد کاظم مصطفوی، القواعد مائه قاعده فقهیه، اول، موسسه النشر الاسلامی، دهم، ۱۴۱۲، ۳۲۶.

۳- ۳ . نکاح ایشان بر شما حرام است مادرهایتان که به شما شیر داده اند و خواهران رضاعی شما.

۴- ۴ . محمدحسن نجفی، جواهرالکلام، ج ۱۰، ص ۳۸۲ ۳۸۱.

۵- ۵ . سیدمحسن طباطبایی حکیم، مستمسک العروه الوثقی، ج ۱۴، ص ۳۳.

زن نیز می تواند به محارم (چه محارم نسبی و چه رضاعی) به جز عورتشان بدون قصد لذت نگاه کند(۱).

ج: محارم سببی

مصاهره

ماخوذ از «صهر» (به کسر صاد) و صهر به معنای قرابت و نیز داماد یعنی شوهر دختر و شوهر خواهر است.

مصاهره یا پیوند سببی، پیوندی است میان یکی از دو طرف با خویشاوندان دیگری که به واسطه ازدواج یا ملک یمین خواه تملیک عین باشد یا تملک منفعت همچون تحلیلی که به واسطه وطی شبهه یا زنا یا نگاه کردن و لمس کردن پدید می آید(۲).

و یا رابطه و علاقه ای است که به سبب عقد بین زوجین و جمعی دیگر حادث گردیده و موجب حرمت می شود.

در نگاه به زنان محرم و اندازه پوشش آنان در برابر محرمان، بین خویشاوندان نسبی و سببی فرق است: چراکه درعرف معمول حجاب و پوشش مادر برابر فرزند خود مانند پوشش او نزد داماد نمی باشد. این سخن که می گویند محرمان، چه سببی و چه نسبی می توانند به همه جای بدن یکدیگر نگاه کنند به جز عورت، سختی بی دلیل است. زیرا بر طبق آیات حجاب و آنچه که بیان کردیم، زن در برابر محارم نسبی خود بدون حجاب می تواند ظاهر شود. اما با رعایت حدود و موازین شرعی و طبق حجب و حیای زن.

بر طبق آنچه که ذکر کردیم، فقط شوهرمی تواند به ظاهر و باطن بدن زن نگاه کند و زن دربرابر محارم دیگرش، چون پدر و برادر معمولا مو و دستها و قدمهایش نمایان است. آیت الله مکارم شیرازی می فرماید: « مرد و زنی که با هم محرمند (مانند خواهرو برادر) می توانند به بدن یکدیگر آن مقداری که در میان محارم معمول است نگاه کند و غیر آن احتیاط آن است که نگاه نکنند».(۳)

۱- ۱ . مرتضی انصاری، کتاب النکاح، ص ۴۴.

۲- ۲ . محسن جابری عربلو، فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی، ص ۱۶۰.

۳- ۳ . ناصر مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، چهاردهم، ۱۳۷۵، ص ۴۰۸.

نگاه به ربیبه

نگاه به ربیبه(۱)

از جمله زنانی که در جواز و عدم جواز نگاه مرد به او بحث می باشد، نگاه مرد به دختر همسرش قبل از دخول با مادرش می باشد.

مشهور عدم جواز نگاه به ربیبه می باشد(۲). «ملاک در جواز نگاه به دختر اصل ازدواج با مادر او خواهد بود، اما بنابر قول مشهور ازدواج دختر، با مردی که مادرش در عقد است جایز نیست و برای مرد نگاه به ربیبه تا زمانی که اراده ازدواج با مادر دختر را دارد جایز نمی باشد»(۳).

با توجه به آیه کریمه «وَ رَبَائِبُكُم اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِّنْ نِّسَائِكُمُ اللّتى دَخَلْتُم بِهِنَّ فَانْ لَّمْ تَكُونُواْ دَخَلْتُم بِهِنَّ فَلاَ جُناحَ عَلَيكُمْ»(۴).

و دختران همسرانتان که آن دختران در دامان شما پرورش یافته اند و با آن همسران همبسر شده اید، پس اگر با آنها همبستر نشده اید بر شما گناهی نیست که با دخترانشان ازدواج کنید.

علاوه بر این آیه کریمه ، روایاتی که بر جواز ازدواج با دختر همسر غیر مدخوله دلالت دارد که مقتضای آن فسخ ازدواج مادر به مجرد ازدواج دختربا مرد می باشد؛ زیرا در آن صورت زن مادر همسرش می شود.

روایت صحیح غیاث بن ابراهیم از جعفر از پدرش از امام علی علیه السلام که فرمودند: هرگاه مردی با زنی ازدواج کرد، دختر زن در صورت نزدیکی با مادرش بر او حرام می شود. اگر با مادر همبستر نشد ازدواج مرد با دخترش اشکالی ندارد، و اگر با دختر، پسر مرد ازدواج کرد و چه پسر با او همبستر شود و چه نشود مادر بر مرد حرام می شود»(۵).

پس زن در برابر گروه های سه گانه سببی، نسبی، و رضاعی لازم نیست سر و صورت خود را بپوشاند، ولی تنها مرد حق دارد به سر و صورت سه گروه، خواهر،

۱- ۱ . ربیبه: دختران زن از شوهر سابق، جمع آن ربائب است.

۲- ۲ . سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ص ۲۶۷ (جزء دوم).

۳- ۳ . علی اکبر سیفی مازندرانی، دلیل تحریر الوسیله، ص ۱۲۴.

۴- ۴ . قرآن کریم سوره مبارکه نساء / ۲۳.

۵- ۵ . وسایل، ج ۱۴، ص ۳۲۵، ح ۲۶۰۸۹.

مادر و دختر نگاه کند.

ولی درباره خویشاوندان سببی گرچه پوشیدن سر و صورت برایشان واجب نیست، ولی دلیلی نداریم که بر مرد روا باشد به سر و صورت آنان نگاه کند.

نگاه به صبی (پسربچه) وصبیه (دختربچه)

احکام نگاه و لمس (بدون شهوت)زنان و مردان به یکدیگر شامل پسربچه و دختربچه نمی شود.

علما بر این اعتقادند که نگاه به پسر و دختربچه غیر ممیز جایز است، مادامی که بالغ نشده باشند و در صورتی که به حدی نرسیده اند که نگاه به آنها موجب شهوت شود(۱).

بر مرد لمس و نگاه به دختر نابالغ جایز است و بر زن نگاه به پسربچه با عدم قصد لذت جایز می باشد. اما اگر قصد لذت داشته باشد ، نگاه مطلقاً حرام خواهد بود(۲).

احتیاط است که مرد تنها به مواضعی از بدن او نگاه کند که عادت به پوشاندن آن به صورت متعارف، نمی باشد مانند سر و صورت و دستها و ساعد و موی سر و قدمها، و بهتر است که او را وقتی به سن شش سالگی رسیده نبوسد و بر دامن ننشانده و در آغوش نگیرد(۳).

صاحب جواهر می گوید: حتی اگر به سن پنج سالگی رسید . بر دامن خود ننشانند و او را نبوسند(۴).

شیخ انصاری حد این سن را برای دختر، شش سالگی دانسته و معتقدند پسر اگر به سن هفت سالگی رسید او را نبوسند(۵).

زیرا قدر متیقن برای عدم نگاه، غیر ممیز بودن است، با توجه به آنچه در اقتضای سیره و روایات متفرقه وارد شده، مثل آنچه در جواز غسل پسربچه توسط زن و غسل دختربچه توسط مرد دلالت دارد.

۱- ۱ . سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۶۲۲؛ سید ابوالقاسم خویی، مبانی العروه الوثقی، ج ۳۲، ص ۶۹؛ فاضل هندی، کشف اللثام ج ۷، ص ۲۰.

۲- ۲ . سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین ص ۲۶۸.

۳- ۳ . سید روح الله، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۳۳؛ احمد نراقی، مستند الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۴.

۴- ۴ . محمدحسن نجفی، جواهرالکلام، ج ۱۰، ص ۳۸۸.

۵- ۵ . مرتضی انصاری، کتاب النکاح، ص ۶۰.

ملا احمـد نراقی نگاه به دختربچه و پسـربچه بجز عوراتشان را به دلیل اصل جایز می داند. حتی اگر ممیز باشـند یا نباشـند و به سنی رسـیده انـد که قـدرت تشـخیص و تمیز پیـدا می کنند، به دلیل روش و سـیره معمول مردم در طول زمانها و مکانها که از کشف عورت و نگاه دیگران به عورت صبی منع نشده اند(۱).

با توجه به آیه کریمه: «وَلایبْدِینَ زِینَتَهُنَّ» که دلالت بر آشـکار نکردن زینت برای مردان بالغ دارد و تکلیف شامل غیر بالغ نمی شـود، و دلالـت بر وجـوب پوشـش بر دختربچه نـدارد، و بر دخـتربچه پوشـش واجب نیست وبه ملازمه آن در عرف نگـاه به دختربچه هم جایز است.

همچنین از عمـوم آیه کریمه: «اَوِ الطِّفْـلِ الَّذینَ لَمْ یظْهَرُوا عَلی عَوْراتِ النِّسَـآءِ» کودک غیر ممیز در نهی از نمایـان کردن زینت در برابر آنها در آیه داخل نمی باشد و این دلیل اقوی می باشد.

حکم عـورت در دخـتربچه محـدود به سن بلوغ است که برای مرد و زن مومن تحقق می یابـد و قبـل از بلوغ برای همه زنـان و مردان مطلقاً عورت به شمارنمی آیند، اما نگاه به دختربچه و پسر بچه با قصد لذت حرام است.

شکی در عـدم جواز نگـاه به عورت صبی و صبیه نمی باشـد، و حفظ و ستر عورت از آنها هم واجب است به دلیل مطلق بودن ادله منع که به «بـالغ» تخصـیص نخورده انـد، و مقتضـای روایـات از جمله روایت امـام صادق علیه السـلام «عورةُ الْمُوءمِن عَلَی الْمُوءمِنِ حَرَامٌ» که به طور مطلق بیـان کرده نگـاه به عورت مومن حرام است بـدون آنکه به بـالغ اگر ممیز باشـد و غیر بالغ اگر قدرت درک و تمیز داشته باشد ، مقید کرده و شامل ادله منع خواهد شد.

روایت صـحیح عبـدالرحمن بن حجاج که گفت: از ابا ابراهیم علیه السـلام سوال کردم درباره دختربچه ای که درک نمی کند که کی باید سـرش را از کسانی که محرم او نیستند بپوشاند؟ و کی بر زن واجب است که سرش را در نماز بپوشاند؟ فرمودند: می تواند سرش را نپوشاند تا اینکه نماز بر او حرام شود»(۲).

یعنی زمانی که به سن حیض برسند.

از این روایت ظاهراً می توان فهمید که برهنه کردن سر دختربچه نابالغ در مقابل مرد

۱- ۱ . احمد نراقی، مستندالشیعه، ج ۱۶، ص ۳۴.

۲- ۲ . وسایل، ج ۱۴، ص ۱۶۹، ۱۲۶، ح ۲۵۴۹۶.

بالغ جایز است، اما به ملازمه عرفی هم دلالت بر جواز نگاه مرد به دختربچه دارد.

یا به اطلاق آیه کریمه: «قلْ لِلْمُوءمِنینَ یغُضُّوا مِنْ اَبْصَارِهِمْ... وَ قُلْ لِلْمُوءمِناتِ یغْضُضْنُ مِنْ أَبْصارِهِنَّ...» بر عدم جواز نگاه به صبی و صبیه استدلال می شود. زیرا متعلق خاصی برای آن ذکر نشده که اطلاق آیه دلالت بر وجوب «غض بصر» از همه مردان و زنان مومن چه بالغ باشند یانباشد دارد. آنچه از این آیه استفاده می شود، وجوب غض بصر از همه مکلفین زن و مردبالغ مومن است، و بر وجوب غض بصر افراد غیر بالغ دلالت ندارد، زیرا تکلیف، متوجه آنها نیست.

آیت الله خویی قائل به جواز نگاه به صبی و صبیه است(۱). چرا که ادله منع، شامل عدم جواز نگاه به آنها نمی شود و آنها را در حکم حیوان (غیر مکلف) می دانند و معتقد است که سیره قطعیه دلالت بر جواز نگاه دارد.

اما بهتر است که بعد از سن تمییز به بدن صبی و صبیه نگاه نکنند، و با توجه به روایات، پدرها باید مراقب باشند که در حمام و جایی دیگر به عورتین فرزند خود نگاه نکنند. و اگر دختربچه محرم باشد نگاه به بدن به جز عورتین او قبل از سن تمییز بی اشکال است.(۲)

اگر دختر نامحرم است ، مرد می تواند به مواضعی که بطور عادت دختران نمی پوشانند نگاه کند مانند دست، پا، مو، گردن، صورت دختر نابالغ.

پوشش و ستر زن از صبی

ستر و پوشش زن از صبی که به سن بلوغ نرسیده واجب نیست، و اگر به سن تمییز رسیده پوشیدن عورتین از او لازم است(۳).

به دلیل آیه کریمه: «اَوِ الطِّفْلِ الَّذینَ لَمْ یظْهَرُوا عَلی عَوْراتِ النِّسَآءِ» که دلالت بر عدم وجوب پوشش زن در برابر صبی دارد. زیرا آنها به مانند سایر جانداران هستند، اگر کودک ممیز باشدو در او هیجان و شهوت و میل به زنان باشد، در نگاه، مانند مرد بالغ است، و بر زن نامحرم، وجوب ستر و حفظ خود از نگاه کودک، واجب است(۴).

از امام رضا علیه السلام روایت شده که: «اگر پسر به سن نماز رسید که برای پسر هفت

۱- ۱ . سیدابوالقاسم خویی، مبانی العروه الوثقی، ح ۳۲، ص ۶۷.

۲- ۲ . سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۳۲.

۳- ۳ . سیدمحمد کاظم طباطبایی، العروه، ص ۶۲۲.

۴- ۴ . محمدحسن نجفی، جواهرالکلام، ج ۱۰، ص ۳۸۷.

سالگی است زن موی، خود راâز او نمی پوشاند تا اینکه به سن احتلام برسد»(۱).

با این روایت، می توان عموم آیه شریفه را تخصیص زد، و می توان جواز کشف سر زن مقابل صبی را به دست آورد و اینکه پوشش زن از مرد تا به سن احتلام برسد واجب نمی باشد.

نگاه صبی و صبیه به دیگران

نگاه صبی و صبیه(۲) به دیگران

نگاه صبی و صبیه به دیگران حتی عورت آنها جایز است، و حفظ و پوشش عورت و بدن توسط دیگران در برابر آنها اگر ممیز نباشند واجب نیست، به دلیل اجماع و آیه کریمه: «اَوِ الطِّفْلِ الَّذینَ لَمْ یظْهَرُوا عَلی عَوْراتِ النِّسَآءِ». اما اجتناب ازنگاه و سترپوشش عورت بهتراست همچنین آیه کریمه:

«یا اَیهَا الَّذینَ آمَنُوا لِیسْتَاذِنْکُمُ الَّذینَ مَلَکَتْ أَیمانُکُمْ وَ الَّذینَ لَمْ یبْلُغوا الحُلُمَ مِنْکُمْ ثَلَاثَ مَرّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلاهِ الْفَجْرِ وَ حینَ تَضَعُون ثِیابَکُمْ مِّنَ الظَّهیرَهِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلاهِ العِشَاءِ. ثَلاثُ عَوْرَاتٍ لَّکُمْ لَیسَ عَلَیکُمْ وَ لَا عَلَیهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ هُنَّ طَوافُونَ عَلَیکُمْ بَعْضُکُم عَلَی بَعْضٍ»(۳).

ای کسانی که ایمان آورده اید، قطعاً باید غلام و کنیزان شما و کسانی که از شما به سن بلوغ نرسیده اند سه بار در شبانه روز از شما کسب اجازه کنند: پیش از نماز بامداد، و نیمروز که جامه های خود را بیرون می آورید، و پس از نماز شامگاهان، این سه هنگام برهنگی شماست، نه بر شما و نه بر آنان گناهی نیست که غیر از این سه هنگام گرد یکدیگر بچرخید و با هم معاشرت نمایید.

نگاه شوهر به همسرش

شوهر می تواند به بدن همسر خود چه ظاهر و چه باطن بدن او بنگرد. «به دلیل نص و فتوی هیچ شبهه ای در آن راه ندارد روایات دال بر جواز نگاه، بسیار و متواترند»(۴).

اسحاق بن عمار در روایت موثق از امام صادق علیه السلام نقل کرد: « آیا مرد می تواند به

۱- ۱ . وسایل، ج ۱۴، ص ۱۶۹، ح ۲۵۴۹۸، ب ۱۲۶.

۲- ۲ . مرتضی انصاری، کتاب النکاح، ص ۶۰.

۳- ۳ . قرآن کریم، سوره مبارکه نور / ۵۸.

۴- ۴ . احمد مطهری، مستند تحریرالوسیله، موسسه النشرالاسلامی، قم، ۱۴۰۵ ه ق ۱۳۶۳ ه ش ص ۶۲.

عورت همسرش نگاه کند در حالی که همسرش برهنه است؟» امام فرمودند: «اشکالی ندارد و مگر لذت جز آن است.»(۱).

روایت دیگر از امام صادق علیه السلام :... برای مرد اشکال ندارد به همسرش وقتی که عریان است نگاه کند(۲).

روایات دیگری از این قبیل که بسیارند. پیامبر اکرم فرمود: «برای مرد هیچ فایده و سودی بعد از نعمت اسلام برتر نیست، مگر همسری مسلمان که هرگاه به او نگاه کند(۳) او را شاد نماید، و هر زمان امری کند اطاعت نماید، و وقتی که شوهرش غایب است از خود و مال او محافظت نماید»(۴).

فاضل هندی(۵)، جواز نگاه مرد و زن به عورت یکدیگر را حمل بر کراهت کرده با توجه به آنچه از آیات کریمه ذیل دریافت می شود.

آیه کریمه: «فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيطَانُ لِيبْدِی لَهُمَا مَا ووُری عَنْهُمَا مِنْ سُوءآتِهِمَا»(۶).

و آیه شریفه: «فلما ذَاقَا الشَّجَرَهَ بَدَتْ لَهُمَا سَوآتَهُمَا»(۷).

وآیه شریفه دیگر: «ینزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِیرِیهُمَا سَوَآتِهِمَا»(۸).

آیت الله سیستانی گفته: «زن وشوهر می تواننـد به بدن یکدیگر چه ظاهر و چه باطن نگاه کنند و هم چنین هر کدام می توانند تمام بدن دیگری را لمس کنند»(۹).

بعد از مرگ مرد، مانند نا محرم است «نگاه بدون شهوت به او جایز است»(۱۰).

زوجه می تواند به بدن همسر و عورت او با لذت نگاه کند(۱۱).

بنابراین برای هریک اززوج وزوجه جایزاست به بدن دیگری حتی با لذت و یا بدون لذت نگاه کند.(۱۲)

۱- ۱ . وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۸۵، ح ۲۵۱۹۱؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۱۳، ح ۱۶۵۱؛ محمد مهدی نراقی، مستندالشیعه، ج ۱۶، ص ۳۲.

۲- ۲ . وسائل، ج ۱۴، ص ۸۵، ح ۲۵۱۹۴؛ احمد مطهری مستند تحریرالوسیله، (کتاب نکاح) ص ۶۳.

۳- ۳ . ظاهرا نگاه در این روایت نگاه جنسی نیست بلکه نگاه عاطفی مورد نظر است.

۴- ۴ . وسائل، ص ۲۳، ب ۹، ح ۲۴۹۷۹.

۵- ۵ . فاضل هندی، کشف اللثام، ص ۲۴.

۶- ۶ . قرآن کریم، سوره مبارکه اعراف/ ۲۰.

۷- ۷ . همان/ ۱۲۱.

۸- ۸ . همان / ۲۷.

۹- ۹ . سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۱.

۱۰- ۱۰ . علی بن عطیه بن حسن هیتی حموی شافعی، احکام نظر، ص ۷۸ ۷۷.

۱۱- ۱۱ . مرتضی انصاری، کتاب النکاح، ص ۴۴.

۱۲- ۱۲ . محمدکاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۶۲۵؛ سید ابوالحسن موسوی اصفهانی، وسیله النجاه، ص ۲۳۲.

نگاه پسر بالغ به زن بیگانه

به عقیده برخی علما پسر ممیزی که دارای تهیج و شهوت است، در حکم فرد بالغ می باشد. بر ولی او واجب است او را از نگاه کردن منع کند. و زن باید خود را از او بپوشاند(۱). اقوال بسیار بر وجوب ستر و پوشش در برابر این گروه رسیده است(۲).

اگر نگاه پسر، موجب فوران شهوت شودبر زن واجب است خود را بپوشاند، و فقها بر عدم جواز نگاه پسری که به سن بلوغ رسیده ظن و گمان تحریک شهوت در او نسبت به زن بیگانه می رود ادعای اجماع دارند(۳).

روایت کاهلی از امام صادق علیه السلام که فرمودند: «النظرَهُ بَعْدَ النَّظْرَهِ تَزرَعْ فِی القَلْبِ الشَّهوَهَ وَ کَفی بِهَا لِصَاحِبِها فِتنَهً»(۴).

علاوه بر ارتکاز دین بر حرمت نگاه پسر بالغ به زن نامحرم، نصوص و روایات دیگری از این قبیل هم دلالت بر حرمت نگاه بیان شده. همچنین بر زن جایز نمی باشد به پسری که دارای هیجان و شهوت است نگاه کند.

نگاه به پسر ممیز

اگر نگاه به پسر ممیز، سبب فوران و تحریک شهوت زن می شود، بر زن واجب است که به پسر نگاه نکند، شکی در حرمت نگاه به پسر ممیز نمی باشد.

شیخ انصاری(۵) و برخی علما، نگاه به صبی ممیز را در صورت نداشتن قصد لذت و ریبه جایز دانسته اند.

چنانکه سیره قطعی و مستمر بین مردم بر اینگونه است و زنان خود را در مقابل صبی ممیز نمی پوشانند. با توجه به روایت صحیح که از امام رضا علیه السلام نقل شد که ایشان فرمودند: «لَاتُغْطی المَرأهُ رَأسَهَا عَنِ الْغُلَام حتَی یبْلُغَ الْحُلم؛(۶) زن سرش را در برابر

---

۱ - ۱ . محقق ثانی، جامع المقاصد، ج ۲، ص ۳۵۱؛ مرتضی انصاری، کتاب النکاح، ص ۶۰؛ احمدمطهری، مستند تحریرالوسیله، ص ۸۰.

۲- ۲ . احمد مطهری، مستند تحریرالوسیله، ص ۸۰؛ محمدکاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۶۲۶.

۳- ۳ . سید روح الله خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۳۳؛ محمدحسن نجفی، جواهرالکلام، ج ۱۰، ص ۳۸۷؛ سید حسین موسوی اصفهانی، وسیله النجات، ص ۲۳۳.

۴- ۴ . وسایل ج ۱۴، ص ۱۳۹، ح ۲۵۴۰۰، ب ۱۰۴.

۵- ۵ . مرتضی انصاری، کتاب النکاح، ص ۶۳.

۶- ۶ . وسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۹، ح ۲۵۴۹۷.

پسر بچه نمی پوشاند تا اینکه او به سن احتلام برسد.»

ملا احمد نراقی نگاه به عورت پسر ممیز را گرچه بچه باشد، جایز نمی داند[(۱)].

نگاه در حال شک

گاهی اوقات انسان به آنچه که نگاه می کند شک می کند که انسان است یا حیوان یا گیاه و... و یا به علت فاصله زیاد قابل تشخیص نمی باشد، آیا برای از بین رفتن شک جایز است به دقت به آن شی نگاه کند؟ در عروه الوثقی[(۲)]، اجتناب نگاه به کسی که شک دارد که آیا او از کسانی می باشد که نگاه به او جایز است و یا از کسانی است که جایز نیست به او نگاه کند، را واجب می داند.

صاحب مستمسک العروه، احتیاط در نگاه را به دلیل علم اجمالی واجب می دانند[(۳)].

همچنین واجب است در برابر او خود را بپوشاند و اگر شک کند که او هم جنس اوست یا نه؟ و یا شک کند در اینکه از محارم نسبی اوست یا نه؟ تا نگاه به او جایز باشد باید ظاهراً از نگاه کردن اجتناب کند. به دلیل ظاهر آیه که دلالت بر وجوب غض بصر دارد همانا جواز نگاه، مشروط به امر وجودی چون هم جنس بودن یا محرم بودن می باشد.

پس در حال شک به مقتضای عموم آیه عمل می شود، نه از باب تمسک به عموم در شبهه مصداقیه، بلکه به سبب استفاده شرط جواز نگاه به هم جنس یا محرم و... می باشد. تخصیص در این مقام از قبیل تنویع نیست تا از موارد اصل برائت باشد بلکه از باب مقتضی و مانع است[(۴)].

تخصیص یک بار از قبیل تنویع است . به این معنی که با کشف تخصیص از مدلول، عام بر دو نوع می شود، و یک نوع از تحت عام خارج شده و محکوم به حکم خاص می گردد و نوع دیگر تحت عام محکوم به حکم عام باقی می ماند. در این هنگام با شک در تحقق عنوان خاص و مردد بودن فرد مشتبه بین اینکه از مصادیق خاص یا عام است یا در ثبوت حکم خاص شک می شود و حکم خاص در

۱- ۱ . احمد بن مهدی نراقی، مستند الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۵.

۲- ۲ . سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۶۲۷.

۳- ۳ . سید محسن طباطبایی حکیم، مستمسک العروه، ج ۱۴، ۵۵.

۴- ۴ . سیدمحمدکاظم طباطبایی، العروه الوثقی، ص ۶۲۷.

اصل تکلیف به شک برمی گردد. به مقتضای قاعده، اصل برائت جاری می شود. دیگر اینکه، تخصیص از قبیل مقتضی و مانع باشد . به این معنی که از سیاق خطاب جمله استفاده می شود که حکم خاص، مشروط به عنوان وجودی است که اگر (حکم وجودی) تحقق یابد مانع از فعلیت حکم که اقتضای عموم است می گردد و حکم خاص منجّز می شود. گفته شده این مقام مقتضی و مانع است، به اینکه اقتضای عموم، وجوب فروبستن چشم و حرمت نگاه به هر چه مخالف عام است می باشد. و دلیل خاص، مانع از فعلیت که مقتضای عموم است می گردد»(۱).

اگر کسی به علت تاریکی و یا فاصله زیاد شک کند در اینکه آن زن همسرش است یا نه ، مانند حکم قبل در هنگام شک عمل می کند. یعنی اصل بر این است که او همسرش نیست. چنانکه شک کند که آن زن از محارم نسبی اوست یا رضاعی و یا غیر آن، پس اجتناب از نگاه بر او واجب است(۲).

پس مانع، استصحاب می شود. یعنی استصحاب عدم زوجیت، در نتیجه فروبستن چشم بر او واجب است.

اگر شک شود به اینکه منظورالیه یا ناظر انسان است یا حیوان، ظاهراً احتیاط واجب نیست. به دلیل اینکه عموم وجوب غض بصر فقط منصرف به انسان است نه موجودی دیگری. اگر شک شود در اینکه فرد مشتبه، بالغ است یا بچه، و یا طفل ممیز است و یا غیر ممیز، در وجوب غض بصر و رعایت احتیاط دو وجه است: تمسک به عموم بر وجهی که ذکر کردیم، و یا در صورت امکان از حکم عموم (غض بصر) منصرف شدن، اما قول قوی، تمسک به عموم غض بصر است.

اما این امر خلاف اقتضای امر موضوعی یعنی، استصحاب بچه بودن و عدم قدرت تمییز و تشخیص می باشد. پس اگر رجوع به عام در شبهه موضوعیه صحیح باشد در این حال اصل موضوعی اثبات کننده عنوان خاص نیست، و لذا اگر در بقای زوجیت شک شود به استصحاب بقای زوجیت برمی گردد و احکام زوجیت بر آن مترتب شده و از جمله احکام زوجیت، جواز نگاه به همسرش می باشد(۳).

۱- ۱ . علی اکبر سیفی مازندرانی، دلیل تحریرالوسیله، ص ۱۴۸ ۱۴۷.

۲- ۲ . سیدمحمدکاظم طباطبایی، العروه الوثقی، ص ۶۲۷.

۳- ۳ . سیدمحسن طباطبای حکیم، مستمسک العروه الوثقی، ج ۱۴، ص ۵۹.

عورت نسبت به نابینا

برای فرد نابینا جایز نیست که صدای زن بیگانه ای را گوش دهد، چرا که صدای زن نسبت به او عورت محسوب می شود(۱).

در حرمت نگاه زن به مرد چه بینا و چه نابینا فرقی نیست.

شنیدن صدای زن نامحرم مادامی که به قصد لذت و ریبه نباشد حرام نیست، چه شنونده بینا باشد چه نابینا، هرچند در مقام ضرورت ترک آن به احتیاط نزدیک تر است»(۲).

صاحب جواهر، برای نابینا شنیدن صدای زن نامحرم را با قصد لذت یا ریبه و خوف فتنه جایز نمی دانند(۳).

نگاه به عضو جداشده

در حکم جواز و عدم جواز نگاه به عضو جدا شده از بدن مرد و زن نامحرم، مانند بینی و دست وپا بین فقها اختلاف نظر است. برخی نگاه به عضو جداشده را جایز ندانسته اند، زیرا حرمت نگاه به عضو منفصل هم به حال خود باقی است، و اگر نگاه به عضو در حال اتصال جایز باشد در حال انفصال هم جایز خواهد بود، به دلیل استصحاب جواز نگاه، به عضو متصل به بدن.

برخی فقها نگاه به مو و ناخن جدا شده ازبدن راجایز نمی دانند . آیت الله سیستانی قائل به ترک نگاه است(۴).

اما صاحب جواهر و امام خمینی نگاه به مو و ناخن را جایز ندانسته اند(۵).

اگر نگاه به عضو در حال اتصال، حرام باشد بعید است حرمت آن در صورت انفصال از بین برود. همانا قول به عدم فرق بین حرمت غسل و شستشوی اعضای بدن زن میت نامحرم در حال اتصال و انفصال به بدن زن نامحرم به نحو مطلق ثابت

۱- ۱ . محقق حلی، شرایع الاسلام، ص ۴۹۶.

۲- ۲ . سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۶۳۶.

۳- ۳ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۳۹۷.

۴- ۴ . سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۶۲۷؛ سید ابوالحسن موسوی وسیله النجات، ص ۳۲؛ سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص۱۳؛ علامه حلی، قواعد الاحکام، ج۳، ص ۷.

۵- ۵ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۳۹۸؛ سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۳۲.

نمی باشد. زیرا حرمت غسل در صورتی ثابت است که عضو جدا شده از اعضای بزرگ بدن باشدبه گونه ای که عنوان انسان بر آن صدق کند.(۱)

علاوه بر آن در غسل، عضو در حال شستشو لمس می شود ؛ زیرا غسل بدون مس کردن امکان ندارد . وگرنه اگر شستشو از روی لباس باشد نگاه به عضو شسته شده تحقق نمی یابد. اما حرمت مس همیشه مستلزم حرمت نگاه نیست و اما حرمت نگاه مستلزم حرمت لمس است ؛ زیرا در صورت اول، لمس صورت و دست زن نامحرم حرام است . اما نگاه به زن جایز است. در حالت دوم نگاه به شکم و عورت و ران حرام است لمس آن هم حتماً حرام می باشد.

شیخ انصاری با تمسک به اصل استصحاب می گوید: حرمت نگاه به عضو قبل از جدا شدن در حال حیات استصحاب می شود، اگر نگاه و لمس به عضو جدا شده جایز بود، جواز غسل زنی که بدنش قطعه قطعه شده (سه قطعه و یا بیشتر) توسط مرد لازم می آمد، ظاهراً به اجماع فقها غسل دادن زن توسط مرد بیگانه حرام است(۲).

اما ایشان در ادامه این حکم را محل جریان استصحاب نمی دانند و قائلند به اینکه: موضوع حرمت نگاه و لمس بدن زنان، بعد از جدایی از بدن زن به کلی از بین می رود و نگاه به زن در این حال صدق نمی کند با از بین رفتن موضوع، دیگر مجرای استصحاب نمی باشد، و محل جریان اصالت برائت خواهد بود(۳).

مرحوم طباطبایی حکیم بر شیخ انصاری اشکال کرده و فرموده: زمانی حکم، محل جریان اصل برائت است که موضوع باقی باشد و دلیل موضوع از بین رفته باشد، زیرا موضوع حکم مثلاً در دلیل شیخ، زن است، به طور عرف و معمول مرجع جریان برائت بقای موضوع می باشد، حالت اتصال و انفصال اجزا دو حالت در عرف محسوب می شوند و موضوع باقی خواهد بود.

مثلاًاستصحاب نجاست برای عضو جدا شده از بدن سگ جایز است، و تأمل در حرمت نگاه به اجزای متصل بعد از جدایی آنها شایسته نیست(۴).

در استدلال صاحب مستمسک هم اشکال است؛ زیرا موضوع عدم جواز نگاه، نگاه به زن بیگانه است . اشکالی در عدم صدق زن بر عضو جدا شده نیست. علاوه

۱- ۱ . علی اکبر سیفی مازندرانی، دلیل تحریر الوسیله، ص ۱۴۴.

۲- ۲ . احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۷۴؛ مرتضی انصاری، کتاب النکاح، ص ۶۸.

۳- ۳ . مرتضی انصاری، کتاب النکاح، ص ۶۸.

۴- ۴ . سید محسن طباطبایی، مستمسک العروه، ص ۵۲-۵۳.

بر آن، اشکال وارد شده به استصحاب در شبهات حکمیه است، و استناد به استصحاب نجاست اعضای جدا شده سگ صحیح نمی باشد، زیرا موضوع حکم اینجا سگ نیست . بلکه موضوع حکم هر عضو از کل اجزا و اعضای بدن است»(۱).

در مقام شبهه، حکم به جواز نگاه به عضو جدا شده بعید است. اگر در غسل، اعضای بدن میت جدا جدا باشد، فقها به عدم حرمت غسل بیگانه به اعتبار جدایی و انفصال عضو از بدن میت ملتزم نمی شوند. هرگاه نگاه به عضوی از اعضای بدن بیگانه در حال اتصال به بدن حرام باشد، بعید است حرمت آن به خاطر جدایی از بدن از بین رود(۲).

مقتضای عموم آیه کریمه: «قُل لِلْمُوءمِنینَ یغُضُّوا مِنْ اَبْصارِهِمْ وَ یحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ... وَقُل لِّلْمُوءمِنَاتِ یغْضُضْنَ مِنْ اَبْصَارِهِنَّ وَ یحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ... دلالت بر حرمت نگاه دارد(۳).

مقتضای روایات که دلالت بر حرمت نگاه دارد، از جمله روایت مسعده بن زیاد که گفت: شنیدم از جعفر صادق علیه السلام سوال شد درباره مردی که به چه جای بدن زن می تواند نگاه کند؟ فرمودند: «صورت و دستها»(۴).

ظاهر روایت دلالت بر حرمت نگاه به سایر اعضا دارد و مقتضای اطلاق، عدم فرق بین حال اتصال عضو به سایر اعضا و بین حال جدایی و انفصال می باشد.

مشاهده مهریه

«وَ آتوا النِّسَاءَ صَدُقاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَکُمْ عَنْ شَیءٍ مِنهُ نَفْساً فَکُلُوه هَنیئاً مَریئاً»(۵).

مهریه زنان را به رغبت بدهید، پس اگر چیزی از آن را با میل و رضایت خاطر به شما واگذاشتند، شیرین و گوارا بخورید.

مهریه در واقع نحله ای(۶) است که از طرف مرد به زن و به صورت بلاعوض پرداخت می شود. عطیه ای که نشانه محبت و مودت و طریقی برای استحکام پیوند میان زوجین می باشد . در صحت مهریه شرط است که آن را با مشاهده تعیین کنند و

۱- ۱ . علی اکبر سیفی مازندرانی، دلیل تحریر الوسیله، ص ۱۴۳.

۲- ۲ . همان، ص ۱۴۳.

۳- ۳ . احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۷۴، فاضل هندی، تلخیص از کشف اللثام، ج ۷، ص ۳۰.

۴- ۴ . وسایل، ج ۱۴، ص ۱۴۶، ح ۲۵۴۲۹، ب ۱۰۹.

۵- ۵ . قرآن کریم سوره مبارکه نساء/۴.

۶- ۶ . نَحلَهُ و نِّحلَهُ: بخششی است مثل تبرع، وهبه، اماهبه عام و فراگیرتر از نحله است، هر هبه ای نحله است هر نحله ای هبه نیست. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۷۹۵.

اگر جهل به کیل یا وزن داشته باشد ، مانند قطعه ای طلا با بیان اوصاف و وزن کردن از آن رفع جهالت شود.

یعنی اینکه «مهریه باید به مشاهده یا توصیف معین شود، مهر مجهول صحیح نیست»(۱).

صاحب شرایع می گوید: « مشاهده و نگاه به مهریه اگر حاضر باشد کافی است، هر چند وزن و کیل آن معلوم نباشد»(۲).

مثل تلّی از گندم و تکه ای طلا و لباس و زمینی که اندازه گیری نشده و مانند آن، همین مشاهده توسط زن کفایت می کند . علما در این امر قطع و یقین دارند . به دلیل مطلق بودن ادله و روایات و اخبار معتبری که رسیده(۳).

محقق ثانی می گوید: «علم به مهریه به کیل یا وزن در اجناس کیلی یا وزنی، شرط است، مشاهده هم در مورد این اجناس و غیر این موارد صحیح است. به دلیل اینکه مشاهده غرر را رفع می کند»(۴).

شهید ثانی می گوید: «به دلیل آنکه عمده ضرر و غرر ؛ نگاه و مشاهده برطرف می شود و مقدار اندکی از غرر که باقی می ماند در باب نکاح بخشوده می شود، زیرا نکاح معامله و معاوضه محض نیست، که تاب و تحمل حتی مقدار کمی از غرر را نداشته باشد . و لذا اگر مال مورد مشاهده اندکی کمتر و یا بیش از مقدار تخمینی باشد اشکال ندارد»(۵).

مشاهده برای مشخص شدن مهر و از بین رفتن ابهام و جهالت نسبت به مهریه کافی خواهد بود، و اگر جهالتی هم باشد به جهتی که بیان کردیم، نادیده گرفته می شود.

اگر مهریه مشاهده نشده باشد ، باید آن را با مقدار و وصف، معین و مشخص نمود. در صورتی که با بیان اندازه و ذکر اوصاف معین می گردد، وگرنه نیازی به بیان مقدار آن نمی باشد.

نگاه به زن برادر

۱- ۱ . علامه حلی، تبصره المتعلمین، ص ۱۸۶.

۲- ۲ . محقق حلی، شرایع الاسلام، ص ۵۹۶.

۳- ۳ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۱۵.

۴- ۴ . محقق ثانی، جامع المقاصد، ج ۱۲، ص ۲۰.

۵- ۵ . شهید ثانی، الروضه البهیه، ج ۲، ص ۳۵۹.

اگر دو برادر که در یک خانه زندگی می کنند، همسر هر یک از آن دو نسبت به برادر دیگر، بیگانه است. اگر قصد داشته باشند که زن این به آن برادر و همسر این نسبت به دیگری محرم شود، تا نگاه کردن هر دو مرد به هر دو زن جایز باشد یک حیله شرعی دارد، که هر دو برادر، دو دختر شیرخواره به عقد خود درآورند، و هر زن برادری، زن شیرخوار برادر دیگر را شیر کامل دهد قهراً مادر زن شوهر آن شیرخواره می شود و محرم او می گردد و برای او جایز است که به زن برادر خود نگاه کند و از سوی دیگر عقد شیرخواره هم باطل می شود، زیرا شیرخواره هر یک دختر برادر او می شود(۱).

مهریه در ازدواج موقت

مهر در ازدواج موقت برخلاف ازدواج دائم یکی از ارکان و شرایط صحت نکاح است. ذکر مهر در ازدواج موقت لازم است . وگرنه عقد باطل است، و چون مهریه هدیه ای است که مرد به زن می دهد، لذا در اسلام میزان خاصی برای مهر معین نشده است. فقط میزان آن باید مورد رضایت و توافق طرفین باشد.

البته باید میزان مهر را کاملاً مشخص ساخت. با وزن در اجناس موزون و با کیل در مکیل و با شمردن در معدودات، و اگر با هیچ یک از اینها نشد با مشاهده و یا توصیف به نحوی تفهیم شود که جلوی ضرر گرفته شود(۲)، (یعنی زن بفهمد مهریه او چیست؟).

محقق حلی، ذکر مهریه را شرط صحت عقد در ازدواج موقت داشته و مشاهده مهریه را در این عقد کافی می داند(۳).

علامه معتقد است: شرط ملکیت مهریه در عقد موقت، علم به مقدار مهریه از نظر کیل یا وزن است و یا مشاهده مهریه و بیان اوصاف آن است(۴).

۱- ۱ . سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۵۹؛ سید ابوالحسن موسوی اصفهانی، وسیله النجات (جز دوم)، ص ۲۴۸-۲۴۹؛ سید علی حسینی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۵۲؛ مطلبی را با همین مضمون بیان کرده اند.

۲- ۲ . سید ابوالحسن موسوی اصفهانی، وسیله النجات، ص ۲۵۸-۲۵۹؛ سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۷۵؛ سید علی حسینی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۷۶؛ محقق حلی، النهایه و نکتها، ج ۲، ص ۳۷۸؛ محقق ثانی، جامع المقاصد، ج۱۳، ص ۲۰.

۳- ۳ . محقق حلی، المختصر النافع، ص ۱۸۲.

۴- ۴ . علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۵۲.

اما آیت الله خویی مشاهده را کافی نمی دانند و بیان کرده اند که: «باید عین مهریه، معین و مشخص باشد و به وصف و یا مشاهده معلوم نشده باشد(۱).

تغییر جنسیت

تغییر جنسیت(۲)

منعی بر اصل تغییر جنسیت نداریم. این عمل مستلزم لمس و نگاه بدن نامحرم می باشد که این دو حرامند. برای انجام آن در شرع هیچ راه مشروع وصحیحی وجود ندارد، مگر در کودک پیش از آنکه به سن بلوغ و تشخیص برسد و یا آنکه پزشک جراح، شوهر و یا همسر فرد باشد که عمل جراحی روی آن انجام می گیرد.

با توجه به دلیل های موجود لمس و نگاه بدن زن و مرد نامحرم برای غیر زن و شوهر حرام است. از دیدگاه شرع جز در مواردی اضطراری جایز نیست. تغییر جنسیت در صورتی حرام نخواهد بود که روی کودک غیر ممیز انجام شود و آن هم در حالی که به سود کودک و با اجازه ولی کودک باشد.

حرام بودن نگاه و جایز بودن نگاه در غیر پدر و مادر، امر روشنی است؛ زیرا با تغییر جنسیت، عنوان و نسبت شخص تغییر نمی کند. مثلاً ـ برادر و خواهری از بین نمی رود، اما در مورد پدر و مادر، هرگاه مادر تغییر جنسیت داده و به مرد تبدیل شود، ازدواج او با پسران قابل تصور نیست و...

حکم نگاه مادر بعد از تغییر جنسیت به فرزندان

حکم نگاه مادر بعد از تغییر جنسیت به فرزندان(۳)

اگر مادر تغییر جنسیت داد و مرد شد، اشکالی در نگاه او به پسرانش نمی باشد، زیرا نگاه از باب نگاه به هم جنس می باشد. و اما در نگاه او نسبت به دخترانش اشکال می باشد. مبنی بر اینکه، صدق عنوان مادر بودن به دلیل تولد دختر از او را اگر بعد از تغییر جنسیت را برگزینیم و استصحاب کنیم ، مادر بودنش را، نگاه او بعد از تغییر جنسیت به دختر بی اشکال است و نمی توان او را به عموم آیه کریمه «وَ لَایُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ اِلّا لِبُعُولَتِهِنَّ اَوْ اَبآئِهِنَّ» تعمیم داد. واضح است که او بعد از مرد شدن پدر فرزندانش نمی شود.

۱- ۱ . سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۲۸۵.

۲- ۲ . محمد مومن، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، موسسه النشر الاسلامی، اول، ۱۴۱۵، ص ۱۰۹.

۳- ۳ . محمد مومن، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، ص ۱۱۹.

از طرفی جواز نگاهش به دخترانش و بر عکس، از باب دخول هر دوی آنها در عموم «نسائهن» می باشد و اما با تغییر جنسیت از عنوان زن بودن خارج شده. بنابراین دلیلی برای اثبات جواز نگاه نداریم، مگر با ادعای ملازمه نسبی بین حرمت نکاح و جواز نگاه در محارم نسبی، و یا اینکه استصحاب جواز نگاه هر یک از آنها را قبل از تغییر جنسیت برای هر دو ثابت کنیم.

نگاه پدر بعد از تغییر جنسیت به فرزندان

نگاه پدر بعد از تغییر جنسیت به فرزندان(۱)

پدر بر عکس مادر، نگاه و ازدواجش با پسرانش حرام است. نگاه او به دختران و نگاه آنان به او، بر عکس مادر جایز است.

دلیل جواز نگاه، آیه کریمه در سوره نور است که در مورد جایز بودن نگاه کردن و واجب نبودن پوشش است، که شامل او هم شده و نشان می دهد که نگاه او به پسرانش جایز است:

چرا که یکی از موارد استثناء در این آیه «اَوْ اَبْنآئِهِنَّ» است.

اما، آیه ای که بر حرام بودن ازدواج محرمهای نسبی دلالت دارد، پدری را که به زن تغییر جنسیت داده در برنمی گیرد، زیرا مخاطبان این آیه مردان هستند که ازدواج مادران بر آنان حرام شده است، اما حکم پدران در آیه ذکر نشده و ازدواج مرد با پدر خود، بنابر عرف قابل تصور نیست، زیرا پدر او نیز، هم چون او، مرد است، آیه حکم فرد نادر وشاذ کسی که با پدرش ازدواج کند را بیان نکرده است.

تغییر جنسیت زن پسر

تغییر جنسیت زن پسر(۲)

اگر زن (حلیله) پسر تغییر جنسیت داد و مرد شد، حکم به حرمت ازدواج مرد با مادر همسر سابقش داده می شود، اما جایز بودن نگاه مادر به حلیله پسرش را پس از آن که به مرد تغییر جنسیت داده است ، نمی توان از طریق آیه ای که بر واجب بودن چشم پوشی از نامحرم دلالت دارد اثبات کرد؛ زیرا در قبل اشاره کردیم که مادر پیش از تغییر جنسیت، تحت عموم «نسآئِهِنَ» داخل بوده و پس از تغییر جنسیت دادن به مرد از تحت عموم خارج شده و عنوان دیگری که او را دربرگیرد نیز وجود ندارد.

ص: ۲۰۳

۱- ۱ . همان، ص ۱۲۰.

۲- ۲ . محمد مومن، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، ص۱۲۱.

بنابراین از هیچ راهی نمی توان جایز بودن نگاه او را به حلیله پسرش ثابت کرد. مگر از باب ملازمه و یا استصحاب جواز نگاه کردن، در صورتی که حالت سابقه برای او باشد. مانند این که تغییر جنسیت پس از ازدواج پسرش به وقوع پیوسته باشد.

این که جایز بودن نگاه هر یک از آنها به دیگری به سبب اینکه تحت عموم «نسائهن» هستند، سخن درستی نیست، زیرا این عنوان با تغییر جنسیت (زن پسر) منتفی شده است.

نگاه به عکس های عریان در کتب پزشکی

گاهی در امر آموزش، لازم است که دانشجویان پزشکی به تصاویر عریان زنان و مردان نامحرم مسلمان و غیر مسلمان به صورت عکس در کتابها و یا اسلاید، نوار ویدیویی که جز امر آموزش پزشکی هستند، نگاه کنند.

برخی فقها بر این عقیده اند که اگر نگاه بدون قصد ریبه و لذت و خوف فساد و به حرام افتادن نباشد مانعی ندارد . اگر خوف وقوع در حرام باشد، جایز نمی باشد چه برای آموزش باشد و چه نباشد، نگاه حرام است. این نظر، آیات عظام اراکی(۱)، گلپایگانی(۲)، خامنه ای(۳)، بهجت(۴) و صافی(۵) نیز می باشد.

آیت الله فاضل لنکرانی می فرماید: نگاه بدون قصد ریبه مانعی ندارد و با قصد ریبه و التذاذ جنسی و یا مفسده، جایز نیست(۶).

گاهی زنان از «نوروپلانت» استفاده می کنندکه پزشک آن را روی سطح خارجی بازوی آنها قرار می دهد. انجام این عمل از سوی پزشک زن بی اشکال است. رجوع زن به پزشک غیر هم جنس که نگاه و لمس را در پی دارد آیا جایز است یا نه؟ آیت الله صانعی(۷) رجوع به پزشک غیر هم جنس که نگاه و لمس نامحرم را در پی داشته باشد مجاز نمی دانند. اگر پزشک مماثل وجود نداشته باشد و یا این که پزشک غیر

۱- ۱ . مصطفی نجفی، مسعود صالحی، مسعود فردوسی، فقه الطبیب، معاونت امور فرهنگی، حقوقی و مجلس وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، اول، ص ۱۴۰.

۲- ۲ . همان، ص ۱۴۷.

۳- ۳ . خلیل علی محمد زاده، پزشکی در آیینه اجتهاد، ص ۶۱.

۴- ۴ . علی رضا گرم آبدشتی، احکام و استفتائات بهداشتی و پزشکی، مشهور، اول، ۱۳۸۰، ص ۳۱.

۵- ۵ . محمد روحانی، فاطمه نوغانی، احکام پزشکی، نشر طبیب، اول، بهار ۱۳۷۸، ص ۳۱.

۶- ۶ . محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، استفتاآت، ۱۳۸۰، ص ۶۰.

۷- ۷ . استفتاآت پزشکی مطابق با فتاوی آیت الله شیخ یوسف صانعی، ص ۳۲.

مماثل دارای ارجحیت خاصه باشد را بلامانع می دانند.

ص: ۲۰۵

فصل نهم نگاه به سینما و تلویزیون

نگاه با واسطه به نامحرم

در حرمت نگاه مستقیم به نامحرم هیچ تردیدی نمی باشد، اما باید دید آیا نگاه با واسطه به نامحرم مثل نگاه از پشت شیشه یا در آینه و آب صاف و تصاویر فتوگرافی و تلویزیون جایز است یا نه؟ این بحث در چند موضع فقهی مورد بررسی قرار می گیرد.

اول: حکم ستر عورت در حال تخلی، که آیا نگاه به عورت دیگری در حال تخلی از پشت شیشه یا در آینه و آب زلال و صاف جایز است یا نه؟ امام خمینی و صاحب عروه فرموده اند: «نگاه به عورت دیگری از پشت شیشه و حتی در آیینه و آب صاف که عکس آن منعکس می شود جایز نیست»(۱).

دوم: احکام ستر و ساتر در نماز ، امام خمینی فرموده اند: نگاه به آنچه که مستقیماً نگاه به آن حرام است، در آیینه و آب صاف با عدم قصد لذت هم حرام است و در نگاه با لذت، شکی در حرمت آن نگاه نمی باشد(۲).

ادله بیان شده بر حرمت نگاه به نامحرم ، حرمت نگاه به بدن زن و مرد نامحرم را اگر نگاه مستقیم باشد ، بیان می کند، شامل نگاه به بدن زن و مرد نامحرم در آیینه و آب صاف که به طور غیرمستقیم صورت می گیرد هم می شود.

---

۱ - ۱ . سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۵۵؛ سید روح الله خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۰؛ سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ص ۱۹.

۲- ۲ . سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۰.

نگاه از پشت شیشه همان نگاه مستقیم و بدون واسطه بوده و نیاز به بحث ندارد و در حرمت آن شکی نیست ؛ زیرا که نگاه به بدن زن نامحرم حقیقتاً و بدون مسامحه صورت می گیرد. اما نگاه به تصویر زن نامحرم در آیینه و آب صاف که عکس بدن زن در آن منعکس می شود مورد بحث فقهاست.

ملااحمد نراقی قائل به جواز نگاه شده(۱)، و نگاه به آنچه را که به طور مستقیم نمی توان دید، در آب و آیینه و امثال آن را جایز دانسته اند؛ زیرا ادله ای که نگاه کردن را تحریم کرده، به شخص صاحب صورت انصراف دارد و این ادله شامل صورت داخل آیینه و آب زلال نمی شود، چون موضوع ادله حرمت، نگاه کردن به نامحرم است و نقشی که در آیینه و آب منعکس می شود، مصداق نامحرم نیست.

اما صاحب عروه قائل به عدم جواز نگاه در آب و آیینه به نامحرم شده است(۲).

در جواب مرحوم نراقی باید گفت: «شکی نیست که حرمت نگاه، حکمی از احکام شرعی است که در خطاب شارع به موضوع خارجی که آن نگاه به بدن زن نامحرم است تعلق می گیرد و مانند هر حکم شرعی دیگر با تحقق موضوع در خارج، فعلیت می یابد و شکی در اینکه ملاک در صدق موضوع حکم شرعی، نگاه عرفی است نمی باشد. پس هر گاه که نگاه به زن بیگانه عرفاً صدق پیدا کند و موضوع حرمت نگاه، تحقق می یابد»(۳).

ادلّه حرمت نگاه شامل نقش در آب و آیینه می شود و انصراف از آن ندارد. عکس داخل آب و آیینه اگرچه از نظر عقلی با نفس واقعی زن متفاوت است ، اما در عرف هیچ تفاوتی ندارد. «پس عرف، همچنانکه حاکم و ملاک در تشخیص مفاهیم موضوعات احکام شرعی است و همچنین مرجع در تشخیص مصادیق آن نیز می باشد»(۴).

سوم: نگاه به نامحرم در تلویزیون و دیدن عکس او در عرف . می گویند: فلان مرد به بدن فلان زن نگاه کرد. یا ناظر، در مقام خبر می گوید: «به زن فلانی نگاه کردم یا آن را در آیینه یا تلویزیون دیدم» یا دیگری می گوید: «به عکس فلانی که در مجله و روزنامه چاپ شده بود، نگاه کردم» پس چه بسا با نگاه به بدن زن بیگانه در نظر اهل

۱- ۱ . احمد نراقی، مستند الشیعه، ج ۱۶، ص ۶۰.
۲- ۲ . سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۵۵.
۳- ۳ . علی اکبر سیفی مازندرانی، دلیل تحریر الوسیله، ص ۱۹۵.
۴- ۴ . همان، ص ۱۹۶.

عرف، حرمت نگـاه تحقق می یابـد، کما اینکه می گوینـد: عکس زن فلانی را در مجله دیـدم، موضوع حرمت نگاه تحقق می یابد.

توضیـح اینکـه فرقی وجودنـدارد بیـن نگـاه بـه زن بیگـانه در آیینه و آب زلاـل یـا هر چیز صـیقلی دیگر که از آن نـور بعـد از شکست، از صاحب صورت، به چشم رسـیده و قابل رویت شده و منعکس می شود. یعنی شـعاع نور مسـتقیم به اجسام شـفاف صیقلی واقع می شود و بعـد از خروج از چشم سپس می شـکند و به صورت فرد منعکس می شود بنـابراین نگاه در حقیقت به عین بـدن که موجود است و بین نگاه به زن بیگانه مثلًا در تلویزیون که رویت زن به طریق انعکاس نور چشم از شـی ء شـفاف صیقلی به صاحب صورت و بلکه شکل اشیاء به صفحه تلویزیون و از طریق امواج منتقل می شود.(۱)

در عرف می گوینـد: فلانی دیشب در تلویزیون صـحبت کرد. نمی گوینـد: عکس (صورت) فلانی در تلویزیون صـحبت کرد، زیرا به نظر اهل عرف غلط است.

حکم نگاه در سینما

سینمـا یکی از پدیـده هـای نو جهـان امروز است، و خواسـته و ناخواسـته امروز همه افراد به نوعی با آن در ارتباطنـد و یکی از مسائل مهم در زنـدگی تک تک افراد قرار گرفته است . با این اوصاف فقه اسـلامی که به عنوان یک فقه پویا و زنـده شـناخته شده نمی تواند در برابر این پدیده مهم عالم هنر جامعه امروز بی توجه و بی تفاوت باشد.

از آنجـا که در کتب فقهی علمای متأخر ما اسـمی از این پدیـده نیامـده، ما هیـچ دلیلی بر حرمت سـینما و فیلم نـداریم. پس بر علمـای امروز و فقه جدیـد ماست که به بررسـی این مسأله مهم در کنار سایر موضوعات فقه بپردازنـد و احکام آن و محـدوده های حلال و حرام آن را بیان نمایند.

دسـتور قاطعانه حجاب در اسلام و ضرورت پوشیدن زیبائی ها و جذابیت های جسمانی زنان از مردان نامحرم و حرمت نگاه به این زیباییها از طرف نامحرمان، یک اصل همیشگی برای تمام زنان و مردان است. اما امروز شاهد هستیم که عده ای در

۱- ۱ . علی اکبر سیفی مازندرانی، دلیل تحریر الوسیله، ص ۱۹۶.

صدد تجدید نظر در مسأله حجاب بخصوص در عالم هنر و سینما هستند.

نخستین مطلبی که درمورد رفع تعارض میان دستورهای اسلامی حجاب وضرورت ارائه سیمایی بازتر از زنان در سینما بیان شده، موضوع وجود تفاوت میان دو عرصه واقعیت عینی و واقعیت خیالی و در نتیجه عدم تسری احکام واقعیت عینی به واقعیت خیالی است. بر مبنای این نظر و با اذعان به ضرورت حجاب و حرمت نظر به نامحرم در عالم واقع، این حکم را نمی توان به عالم سینما که عالمی خیالی است، سرایت داد و همان ضرورت و حرمت را در قلمرو فیلم و سینما اعمال نمود. جوهر این دیدگاه به لحاظ فقهی احاله موضوع فیلم به موضوع عکس و بار کردن احکام نظر به عکس زنان مکشوفه نامحرم به فیلم چنین زنانی است(۱).

این افراد در صدد کشف حجاب با هر بهانه و نظری هستند، اما دیدگاه آنها قابل خدشه است، زیرا سینما سراسر خیال نیست . بلکه اعم از خیال و واقعیت است. حکم حجاب و حرمت نگاه هیچ تفاوتی با گذشت زمان و مکان نخواهد کرد.

با وجود این ، افکاری که جامعه را احاطه کرده بر علمای فقه و دین است که حدود و چهارچوب مسائل حجاب و پوشش و نگاه مردان و زنان بازیگر را در سینما و فیلم مورد بررسی قرار دهند.

بر این اساس ما به بررسی دو نکته از این پدیده عصر جدید یعنی هنر هفتم خواهیم پرداخت.

۱. نگاه بازیگران نامحرم به یکدیگر.

۲. نگاه به فیلم زنان بی حجاب.

۱. نگاه بازیگران نامحرم به یکدیگر

حکم نگاه دو بازیگر نامحرم که در یک فیلم نقش بازی می کنند به یکدیگر چگونه است؟ با توجه به قانون همه گیر و کلی حجاب و حرمت نگاه مرد به زن نامحرم، حکم مردان به بدن زنان نامحرم و زیباییها و موهای آنان همان احکامی است که در گذشته بیان شد، و به صرف بازی کردن نقش یک زن و شوهر فرضی در فیلم و بازی کردن نقش خواهر و برادر فرضی از سوی دو زن و مردی که در واقع

۱- ۱ . سید محمد مقامی، راهبرد موضوعی دستور حجاب در سینما، مجموعه مقالات همایش «زن و سینما»، سید فاطمه محبی، فاطمه علی عسکری، سفیر صبح، تهران، اول، ۱۳۷۹، ص ۳۴۷.

نامحرمند، سبب حلال بودن آنها به یکدیگر نمی شود.

چنانکه گفتیم میان فقهای اسلام اختلاف مبنی بر وجوب پوشش زن در برابر مرد نامحرم وجود ندارد ، به جز وجه و کفین و در برابر نگاه نامحرم، بازیگری زن در فیلم و تئاتر استثناء نشده بود. بنابر این نظر اینکه که همه بدن زن عورت حساب می شود، زن نباید زینتهای خود را برای مردان آشکار کند به جز آن مقداری که نمایان است.

درباره «زینت نمایان» فقها چندین عقیده دارند که ذکر کردیم. بر طبق آیه کریمه «اِلّا مَاظَهَرَ مِنْهَا» صورت و دو دست تا مچ است، که چند دلیل ذکر کردیم. از جمله روایات و استدلال بر ادله نفی حرج در دین. حتی برخی فقها قائل به حرمت نگاه به صورت و دست بودند چون صاحب جواهر، مگر در حالت اضطرار.

بنابراین، با توجه به حرمت نگاه مرد به زن نامحرم، پس زن بازیگر در سینما و تئاتر باید کاملاً پوشیده باشد و مواضع زینت بدن خود را نمایان نکند، تا نگاه مردان به او سبب گناه و فتنه نشود، و بر مردان بازیگر هم لازم است که از نگاه مستقیم و خیره به چهره زنی که برابر او نقش بازی می کند بپرهیزد. و نگاهش به آن زن و یا زنان بدون قصد لذت باشد و اگر احیاناً آن زن از زنان بی حجاب است، حرمت نگاه بدون لذت به زنان نامحرم بی حجاب، زنان اهل ذمه و بادیه نشین استثناء شده است.

نمایش فیلم زن نامحرم

تمام احکام الهی قصد دارد که زن و مرد را از انجام گناه و فحشاء باز دارد و لذا از عواملی که منجر به تحریک جنسی و هیجان غریزه دو جنس مخالف می شود منع کرده، یکی از این احکام، عدم اختلاط زن با مردان نامحرم است حتی اگر مستلزم فعل حرامی نباشد، و با توجه دقیق به روایات می توان عدم جواز این کار را دریافت، چنانکه حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام بهترین زنان را کسی دانستند که نه او به مردان نگاه کند و نه مردان او را ببینند(۱).

۱ ــ نمایش صحنه هایی از بازیگری زنان با مردان به صورت مختلط که سبب تحریک زنان و مردان می شود جایز نیست.

۱- ۱ . وسائل، ج ۱۴، ص ۱۷۲، ب ۱۲۹، ح ۲۵۵۱۰.

۲ ــ پخش بازیهای زنان روباز که ملتزم به حجاب شرعی نیستند و به نهی گوش نمی دهند، مسلمان باشند یا کافر در صورتی که تحریک کننده نباشد، جایز است(۱).

با این اوصاف نمایش فیلم هایی که از کشورهای مسلمان و غیر مسلمان وارد کشور می شود، اگر مهیج و تحریک کننده نبوده و باحیاء و... باشد بی اشکال خواهد بود.

۲ . تماشای فیلم و دیدن زنان بازیگر بی حجاب

امروزه شاهد هستیم که گاهی اوقات در فیلم های سینمایی و مجموعه های تلویزیونی زنان بازیگر بی حجاب هستند. آیا مردان می توانند به این فیلم ها نگاه کنند و به تماشای فیلمهای نیمه عریان زنان غربی بپردازند؟ با توجه به آن که حکم نگاه به زن بیگانه همیشه ثابت است، چه بی واسطه و چه باواسطه، یک حکم دارد و در هر جا که نگاه به نامحرم را بدون واسطه حرام بدانیم، با واسطه هم حرام می دانیم . از طرفی عموم منع آیه «وجوب غض بصر» و حرمت نمایان کردن زینت ونیز آیات و روایات دیگر دلالت دارند بر حرمت نگاه به عین بدن زن بیگانه که در خارج موجود است.

بهتر است که تصویر برداران سینما و تلویزیون، از فاصله نه زیاد دور و نه زیاد نزدیک از زنان فیلم برداری کنند.

تصویربرداری از زن، «آنگونه که فقط چشمانش در کادر تصویر بگنجد یا لبهایش و یاگونه هایش... این گونه تصویر، به مثابه این است که (فیلمبردار) از فاصله ای مماس، (چشمش) را، به چشم و لب و گونه او بدوزد.

آیا در واقعیت یک چنین چیزی ممکن است؟ آیا زنان و مردان ما که در خیابانها در رفت و آمدند، اجازه می دهند که ازیک چنین فاصله ای یک نفر، نه، دو سه میلیون نفر تماشاچی، به صورتشان زل بزنند؟ سینماگران ما معتقدند: کلوزآپ یا نمای درشت چهره زن جزو الفبای زبان سینماست.

حذف این مهم، یعنی حذف یک حرف از زبان سینما، پاسخ این که اولاً این الفبا وحی منزل نیست. در ثانی، یک هنرمند می تواند دهها رمان بنویسد، و بدون اینکه

۱- ۱ . محمد مهدی آصفی، حکم بازیگری زن در فیلم و تئاتر، مجله فقه اهل بیت، سال ۶، ش ۲۲، ص ۹۷-۹۸.

از حرف پ و ژ و گ استفاده کند، نمای درشت جمال یک زن متعلق به خود او و محارم اوست. ما مجاز به پا نهادن در این حریم نیستیم، یعنی خود فیلمسازان ما و همسرانشان اجازه نمی دهند چند میلیون نفر به خاطر آن الفبای عاریتی، از فاصله ای تنگ به تنگ به ذرات و اجزای صورتشان نگاه کنند.(۱)

در مواردی نگاه با واسطه به نامحرم در صورتی جایز است که مشروط به عدم لذت و ریبه باشد.

اگر فیلمی به طور مستقیم پخش شود ، احکام نگاه به آن فیلم همان احکام نگاه به انسان زنده را دارد . لذا مردان نمی توانند به غیر از وجه و کفین زنان نامحرم (با شرایطی که ذکر شد) نگاه کنند . همچنین خانمها نمی توانند به بدن مردان که در فیلمهای ورزشی یا غیر آن به طور مستقیم پخش می شود نگاه کنند.

همچنین اگر فیلم به طور غیر مستقیم پخش می شود، یعنی اول به صورت نوار یا فیلم ضبط شده است و سپس به نمایش گذاشته می شود، نگاه کردن به مردان و زنان آن فیلم حکم نگاه کردن به عکس را دارد. به طور مثال مردان نمی توانند به فیلم خانم مسلمانی که حجاب خود را رعایت نکرده است، در صورتی که او را بشناسند، نگاه کنند. اما اگر او را نمی شناسند و خوف مفسده هم ندارد ، می توانند به آن نگاه کنند. همچنین مردان نمی توانند به فیلمهایی که از مجالس عقد و عروسی تهیه شده است نگاه کنند . در صورتی که زنان غیر محجبه آن فیلم را بشناسند(۲).

بر همین اساس فقها در حکم تماشای فیلم زنان بی حجاب احکامی را بیان کرده اند:

آیت الله بهجت می فرمایند: «دیدن نامحرم از طریق تلویزیون و شنیدن صدای آنها که مقرون به فساد و ریبه است، اشکال دارد و بعض اقسام آن حرام یقینی است»(۳).

امام(۴)، آیت الله اراکی(۵) می فرمایند: «فیلم اعم از مستقیم و غیر مستقیم حکم عکس را دارد.»

آیت الله مکارم شیرازی(۶) می فرمایند: نگاه کردن به فیلم های نیمه عریان زنان

۱- ۱ . محمد نوری زاد، چشم یوسف، مجموعه مقالات همایش «زن و سینما» ۳۶۱ و ۳۶۰.

۲- ۲ . محمد حسین شاه حسینی، احکام نگاه، WWW.hawzah.net .

۳- ۳ . سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۷۷۹.

۴- ۴ . دفتر انتشارات اسلامی، استفتاات ازمحضر امام خمینی، ج۳، ص ۶۰۲.

۵- ۵ . توضیح المسائل، ص ۳۸۹.

۶- ۶ . سید محسن محمودی، مسائل جدید ازدیدگاه علماو مراجع، ج ۱، ص۱۱۸.

غربی مشاهده مستقیم نیست. نگاه کردن به آنها مصداق نگاه به نامحرم نمی باشد، مگر این که منشاء فساد گردد که در این حال نگاه کردن به آنها در هر دو صورت حرام است.

امام تماشای تلویزیون یا پرده سینما و نیز نگاه کردن به زنان و مردانی را که در این فیلمها بازی می کنند ، را اگر مفسده نداشته باشد بی اشکال می داند. در صورت مفسده دار بودن باید از آن اجتناب کرد(۱).

اما اگر بازیگر، زن بی حجاب از زنان غیر مسلمان باشد و یا فیلم از مجموعه فیلمهای وارداتی باشد، طبق ادله ای که قبلاً بر جواز نگاه به دست و موی زنان اهل ذمه و زنان کفار ذکر کردیم، نگاه کردن به این فیلمها جایز است. زیرا این زنان به رغم نهی از بی حجابی، توجهی نمی کنند و خود را نمی پوشانند، نگاه به فیلم هایی که چنین زنانی در آن بازی می کنند، تا زمانی که ترس وقوع در حرام نباشد، جایز است.

آقای مکارم، در اینکه آیا می توان به عکس برهنه زنان اهل کتاب و مشرکین، بدون لذت و شهوت و بدون آن که مقدمه گناه باشد نگاه کرد؟ می فرمایند: «اگر منظور از برهنه این است که موهای سر خود را نپوشیده باشند، اگر فسادی بر آن مترتب نباشد اشکال ندارد و اما اگر برهنه مادرزاد و یا نیمه عریان است، جایز نیست»(۲).

همانطور که مردان نباید به بدن زنان و موهای آنان نگاه کنند، نگاه زنان هم به بدن مردان حرام می باشد.

نگاه کردن خانمها به فیلمهای ورزشی که در تلویزیون پخش می شود و به ویژه از ورزش کشتی و شنا که بیشتر بدن مرد نمایان است چگونه است(۳)؟

آیت الله خامنه ای می فرمایند: نظر به فیلم و عکس اگر بدون ریبه و فساد باشد مانع ندارد.

آیت الله بهجت می فرمایند: اگر مفسده دارد یا مستلزم ریبه است باید اجتناب شود.

آیت الله صافی گلپایگانی آن را جایز نمی دانند.

آیت الله فاضل لنکرانی می فرمایند: بهتر آن است که در صورت نداشتن قصد

۱- ۱ . دفتر انتشارات اسلامی، استفتاآت از محضر امام خمینی، ج ۳، اول پاییز ۱۳۸۱.

۲- ۲ . ابوالقاسم علیان نژادی، استفتائات جدید، ج ۲، ص ۳۵۷.

۳- ۳ . سید محسن محمودی، مسائل جدید، ص ۱۳۱-۱۳۲.

ریبه و شهوت نیز اجتناب شود.

آیت الله مکارم می فرمایند: اگر موجب فساد و انحراف باشد جایز نیست.

بنابراین، نگاه عادی نه نگاه خیره به صورت و دست زن جایز است، و نگاه برای لذت جویی به مرد و زن بازیگر حرام است. نگاه به صورت زن برای فیلم برداری و مراحل جانبی آن، بدون قصد لذت جایز است، اگرچه لذتی بدون اختیار به وجود آید؛ تا هنگامی که منجر به ریبه و شهوت نشود، و نگاه به زنانی بی قید به حجاب جایز است، مگر آنکه قصد لذت یا خوف وقوع در حرام را در پی داشته باشد.

نگاه به تصویر و عکس

مقوله فقهی که مورد بررسی قرار می گیرد این است که آیا احکام نگاه به عکس با احکام نگاه به خود شخص یکسان است یا نه؟

آنچه که در بحث یکسانی و نایکسانی احکام نگاه به تصویر، با نگاه به شخص اهمیت دارد، اختلاف موضوع است؛ چرا که در نگاه به تصویر موضوع حکم تصویر و در نگاه به شخص، موضوع، وجود خارجی است گرچه نگاه به تصویر و نگاه به انسان، هر دو از مقوله تصور حسی اند و متعلق حکم در آنها «نگاه» است، لیکن موضوع آن دو، جداست(۱).

در ادله و روایاتی که درباره نگاه وارد شده، موضوع همه آنها وجود خارجی و انسان است و از تصویر هیچ بحثی به میان نیامده و در کلام فقهای متأخر هم نمی توان حکمی راجع به نگاه به تصویر پیدا کرد. تنها بحثی که در برخی کتب فقهی دیده می شود حکم به عکس فردی در آب و آیینه و شیشه و... می باشد، که صاحب عروه، قائل به حرمت آن شده است(۲).

افزون بر توسعه موضوعی، برای یکسانی حکم نگاه به تصویر، با حکم نگاه به شخص، همچنین می توان به حکمت تشریع احکام نگاه، یا به دیگر سخن، توسعه حکمی(۳) نیز استدلال کرد(۴).

۱- ۱ . سید حمید مشکات، فقه نگاه به تصویر، مجله فقه، سال نهم، ش ۳۱-۳۲، ص ۱۶.

۲- ۲ . سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ص ۵۵.

۳- ۳ . توسعه حکمی به این معناست که موضوع جدید (مثل تصویر) موضوع بحث در دلیلهاست. توسعه حکمی با استناد به علت حکم که گاه باعث توسعه موضوع حکم می شود، صورت می گیرد.

۴- ۴ . سید حمید مشکات، فقه نگاه به تصویر، مجله فقه، ص ۲۷.

نگاه به تصویر، دارای احکام یکسان با نگاه به شخص است. دریک تقسیم کلی می توان آنچه را که نگاه به آن تعلق می گیرد [اعضای بدن] از نظر حکم نگاه به دو نوع تقسیم می شود:

۱- هرجا که نگاه به بدن زن یا مرد حرام است نگاه به تصویر آن هم حرام است، مثل نگاه به عورت زن و مرد.

۲- جاهایی که نگاه به آن، یا تصویر آن، به طور مشروط حرام است، به دو بخش تقسیم می شود:

الف: نگاه به جاهایی از بدن زن که پوشاندن آن بر زن مسلمان واجب است، به شرطی که زن خود حرمت نگاه دارد و نسبت به حجاب و پوشش دقت و توجه داشته باشد.

در تمام اعضای بدن زن (به جزء عورت)چه مرد باشد، چه زن، ودر صورت زن بودن، چه زن برای خود حرمت نگه دارد و چه حرمت نگه ندارد، جایز بودن نگاه کردن، بستگی به لذت بردن و ریبه نداشتن است ودر صورت قصد لذت و ریبه جایز نیست.

آنچه که دربحث نگاه به تصویر نیاز به بحث اضافه ای دارد دو بحث است:

۱- حرمت نگه داشتن زن، برای خود ۲- نگاه از روی لذت و ریبه(۱).

بنابراین مرد می تواند به عکس زن نامحرم به شرط آنکه حجاب خود را رعایت کرده نگاه کند.

امام و آیت الله اراکی و گلپایگانی هم این نظر را دارند(۲).

اگر زن نامحرم در عکس حجاب خود را کاملاً رعایت نکرده باشد مرد نمی تواند به او نگاه کند و اگر آن زن را نمی شناسد نگاه به او جایز است، البته نگاه بدون لذت باشد.

سید محمد حسینی شیرازی می فرماید: نگاه کردن به عکس زنان شناخته شده و معروف جایز نیست و در مورد نگاه به عکس زن ناشناخته باید احتیاط کرد(۳).

۱- ۱ . سید حمید مشکات، فقه نگاه به تصویر، ص ۴۱.

۲- ۲ . سیدروح الله خمینی، استفتاات، ج ۳، ص۲۶۱؛ محمد علی اراکی، توضیح المسائل، ص ۳۸۹؛ سید محمد رضا گلپایگانی، توضیح المسائل، ص ۴۱۳.

۳- ۳ . سید محمد حسینی شیرازی، رساله توضیح المسایل، اول، تابان، با همکاری نشر شهریور، ج ۸، ص ۵۴۸.

آیت الله مکارم شیرازی،[(۱)] نگاه به زنان اهل کتاب و مشرک را که سر خود را نپوشانند، در فرضی که فساد بر آن مترتب نباشد را جایز می دانند و اگر این زنان برهنه و یا نیمه عریان باشند نگاه به آنها جایز نیست.

۱- ۱ . استفتاات جدید، ج ۲، ص ۳۵۷.

فصل دهم نگاه در لعان ، طلاق ، طلاق خلع

اشاره

سبب لعان، قذف زوجه و نسبت زنا به او است با ادعای مشاهده زنا وعدم بینه بر زناکار بودن همسر(۱). اگر مرد به همسر خود نسبت زنا دهد و ادعایی مشاهده کند، اگر شاهدی داشته باشد نه حد و نه لعان دارد علاوه بر آن اگر زن مشهور به زناکار بودن باشد، اما به صرف ادعای مشاهده و نبودن بینه، ادعای زنای همسر مُحْصَنه خود را نماید، لعان مرد به خاطر تعذر مشاهده ثابت نمی شود و حد در حق او ثابت می شود. اگر مرد ادعای مشاهده زنا همسر خود را کند یا حمل را از خود نفی کند قذف، ثابت است.

شرایط زن در لعان عبارت است از(۲):

۱) عفیف و محصنه باشد.

۲) عدم بینه.

۳) مدخول بها باشد.

۴) انکار ولد.

۵) مرد ادعای مشاهده کند.

۶) از کری و لال بودن سالم باشد.

مشاهده طلاق فرد لال

شرط است که دو شاهد طلاق فرد لال راببینند، چون نوشتن طلاق او به منزله

۱- ۱ . سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ص ۳۱۹؛ شیخ طوسی، محقق حلی، النهایه و نکتها، ج ۲، ص ۴۵۴.

۲- ۲ . علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۱۸۱ز۱۸۲؛ محقق حلی، تبصره المتعلمین، ص۲۰۲.

گفتن صیغه طلاق است ، و لذا تنها در صورتی طلاق او صحیح است که در حضور دو شاهد صورت بگیرد.(۱)

در مورد شخص عاجز که لال است و نمی تواند صیغه طلاق را تلفظ کند باید با اشاره طلاق دهد. پس باید دو شاهد اشاره او را به طلاق، مشاهده کنند.(۲)

تحقق رجوع بانگاه

در نحوه رجوع مرد به همسرش بعد از طلاق اقوال بسیاری نقل شده که رجوع، لفظی و یا عملی تحقق می یابد. رجوع با عملی که خالی از قصد و اراده رجوع به زن باشد مثل نگاه با شهوت، علی الأظهر تحقق می یابد یا نه؟ و اینکه آیا با نگاه رجوع به همسر محقق می شود یا نه؟ علما کمتر به این مسأله پرداخته اند.

صاحب جواهر، قصد و اراده را در رجوع شرط نمی داند و معتقد است با انجام عمل (نگاه با شهوت) رجوع تحقق می یابد.(۳)

آیت الله خویی وآیت الله سیستانی می فرمایند: که «رجوع با عملی که خالی از قصد و اراده رجوع به زن باشد، مثل نگاه با شهوت تحقق نمی یابد»(۴).

علامه حلی، رجوع با نگاه شهوانی را صحیح می دانند(۵).

چنانکه قبلاً ذکر شد ، در روایات نگاه به همسر مطلقه سفارش شده که شاید این نگاه زمینه رجوع زن و شوهر باشد.

مشاهده فدیه

فدیه در طلاق خلع اگر حاضر نباشد باید جنس و اندازه و وصف آن را به گونه ای که رفع جهالت شود ذکر کنند. اگر حاضر باشد، مشاهده در شناخت اندازه آن کافی می باشد.

در طلاق خلع، بخشیدن فدیه از جانب زن به سبب درخواست طلاق از شوهر است، فداء می توان هر چیزی که مالیت دارد از عین یا دین یا منفعت خواه کم یا زیاد هر چند بیش از اصل مهر زن باشد، اگر عوض خلع مالی حاضر باشد، مشاهده

۱- ۱ . شهیدثانی، الروضه البهیه، ج ۲، ص ۴۰۹.

۲- ۲ . محمد حسن نجفی جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۳۲۴.

۳- ۳ . همان، ص ۳۷۱.

۴- ۴ . سید علی حسینی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۶۲.

۵- ۵ . علی اصغر مروارید، الینابیع الفقهیه (تلخیص الحرام)، ج ۳۹، ص ۵۰۳.

آن کافی است و اگر کلی در ذمه باشد، باید جنس و وصف آن معلوم باشد[1].

اگر فدیه حاضر نباشد، باید وصف آن را ذکر کرد و اگر حاضر باشد مشاهده آن کافی خواهد بود.[2]

۱- ۱ . سید ابو الحسن موسوی حسینی، وسیله النجات، جزء دوم، ص ۲۹۷.

۲- ۲ . محقق حلی، شرایع الاسلام، ص ۶۱۴.

فصل یازدهم نگاه به غذا و نوشیدنی

نگاه در حال غذا خوردن

اشاره

نگاه کردن به صورت کسانی که سر سفره با فرد غذا می خورند، مکروه است(۱).

امام باقر روایت کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: «یا علی، دوازده خصلت برای مردان مسلمان شایسته است، هنگام غذا خوردن بر سر سفره رعایت کنند... به صورت دیگران سر سفره نگاه نکنند»(۲).

درالینابیع الفقهیه به نقل از« اصباح الشیعه» آمده است که مستحب است برای کسی که سر سفره طعام حاضر می شود به صورت مردم کم نگاه کند(۳).

نگاه به غذا

نگاه به غذا(۴)

انسان مستحب است به غذا و خوراکی نگاه کند و آنها را مورد مطالعه قرار دهد تا دریابد کدام غذا برای او مفید و سودمند است و کدام یک زیانبخش می باشد، که خداوند در قرآن کریم فرموده است: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنسَانُ إِلَى طَعَامِهِ(۵)؛ پس انسان باید در غذای خود بنگرد.»

۱- ۱ . سید محمد حسینی موسوی اصفهانی، وسیله النجات، ص ۱۹۱؛ سید علی حسینی سیستانی، منهاج الصالحین، ص ۳۱۱.
۲- ۲ . وسائل، ج ۱۶، ص ۵۴۰، ب ۱۱۲، ح ۲.
۳- ۳ . علی اصغر مروارید، سلسله الینابیع الفقهیه، (اصباح الشیعه)، ج ۲۱، ص ۱۷۳.
۴- ۴ . تاآنجا که نگارنده بررسی کرده، در کتب فقهی، فقها در این رابطه نظری ندارند، اما با توجه به آیه کریمه قرآن و چند روایت، این بجث مطرح می شود.
۵- ۵ . قرآن کریم، سوره مبارکه عبس، آیه ۲۴.

نگـاه کردن به غـذا یـک حسن دیگری هم دارد، این است که سـبب می شود، انسـان با نگاهش ببینـد اگر در غـذا احیاناً شـی اضافی و مو و... باشد و یا چیزی که سبب شود غذا قابل خوردن نباشد را ببیند و بعد که از، سلامت غذا برایش اطمینان حاصل شد آن را بخورد.

حتی در برخی روایات آمده که پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله از نگاه به برخی میوه ها خوششان می آمد . از جمله امام رضا علیه السلام که فرمودند: « هرگاه رسول خدا به ترنج سبز و سیب قرمز نگاه می کردند شاد می شدند.»(۱)

نگاه به شراب

نگاه به شراب(۲)

در کتاب «احکام النظر» آمده است که اهل سنت نگاه به شراب را حرام می دانند(۳).

در کتب فقهی، شـیعیان علما، از نوشـیدن شـراب نهی کرده انـد . به دلیل آیات کریمه قرآن و اینکه بیان شده شـراب مسـکر و حرام است. همچنین در روایتی از فضل بن شاذان رسـیده که امام رضا علیه السـلام فرمودند: «... هر کس که از شیعیان ماست، از نوشـیدن فقاع (آب جو) و بازی شـطرنج دوری کند، و هر کس که به فقاع و شطرنج نگاه کرد، امام حسین علیه السلام را به یاد آورد و یزید وآل زیاد را لعنت کند. خداوند گناهان او را اگر به عدد ستارگان آسمان هم باشند پاک کند»(۴).

ذبح حیوان در برابر حیوان دیگر

مشـهور علما بر این نظرنـد که: نبایـد حیوان را در برابر حیوان دیگر که به او نگاه می کنـد ذبح کرد. در حرمت و کراهت ذبح بین فقها اختلاف است.

شیخ در نهایه(۵) قائل به حرمت این عمل شده اند. صاحب جواهر(۶) این رأی را ضعیف دانسته اند، اما به نقل از کشف اللثام آورده اند که: ذبح حیوان موجب اذیت حیوان ناظر خواهد بود و تحریم، امری بعید نخواهد بود . با توجه به روایت

۱- ۱ . وسائل، ج ۱۷، ص ۱۳۶، ح ۳۱۵۴۷.

۲- ۲ . علمای شیعه دراین مبحث، نظری ندارند (با توجه به بررسی نگارنده).

۳- ۳ . عطیه بن حسن هیتی حمدی شافعی، احکام النظر، ص ۹۶.

۴- ۴ . وسائل، ج ۱۷، ص ۲۹۰، ح ۳۲۱۱۷، ب ۲۷.

۵- ۵ . شیخ طوسی و محقق حلی، النهایه و نکتها، ج ۳، ص ۹۳.

۶- ۶ . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۲، ص ۶۰۸.

امیرالموءمنین علیه السلام در خبر غیاث بن ابراهیم که ازنهی آن، کراهت را اثبات کرده اند. در روایت آمده: «گوسفند را مقابل گوسفند دیگر و هیچ شتری را نزد شتر دیگر که به او نگاه می کند ذبح نکنید»(۱).

امام خمینی فرموده اند: درباره غیرهمجنس آن حیوان تامل است، گرچه خالی از وجه نمی باشد(۲).

ابن ادریس بر قائلین به حرمت اشکال وارد کرده و قائل به کراهت ذبح شده، و فرموده: «چون دلیلی بر منع و تحریم آن عمل از کتاب و سنت و اجماع نداریم، اصل برائت است(۳)».

علامه(۴) هم معتقد است که اشکالی بر قول ابن ادریس وارد نیست، به سبب قصور دلالت خبر بر تحریم و با ضعف ادله ای که داریم. برخی فقهاهم کراهت ذبح حیوان در برابر نگاه حیوان دیگر ذکر کرده اند(۵) . جمعی از علمای متأخر، هم قائل به کراهت ذبح حیوان در برابر نگاه حیوان دیگر شده اند(۶) . در روایات هم دلالتی بر غیر هم جنس بودن نمی باشد و حکم کراهت برای تسامح در عمل می باشد.

۱- ۱ . وسائل، ج ۱۶، ص ۲۵۸، باب ۷.
۲- ۲ . سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۴۳.
۳- ۳ . علی اصغر مروارید، الینابیع الفقهیه، (السرائر)، ج ۲۱، ص ۱۹۷.
۴- ۴ . علامه حلی، مختلف الشیعه، ج ۸، ص ۳۲۴.
۵- ۵ . علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۳۲۲؛ علامه حلی، قواعد الاحکام، ج۳، ص۳۲۲؛ مختلف الشیعه، ج۸، ص۳۲۳.
۶- ۶ . محقق حلی، شرایع الاسلام، ص ۷۴۰-۷۴۱؛ سید علی حسینی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۲۸۴؛ سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۳.

بخش چهارم نگاه از نگاه روایت

نگاه از نگاه روایت

ص: ۲۲۳

نگاه از نگاه روایت

گرچه برخی از روایات باب نظر و نگاه را درمباحث قبلی آوردیم و از آنها درجهت مقصودمان استفاده کردیم، اما با توجه به اینکه فقه ما عمدتاً مستند به روایات معصومان علیه السلام است و از جهت دیگر با عنایت به اینکه فقه اهل بیت علیه السلام آمیزه انفکاک ناپذیری با اخلاق و تربیت و معارف دینی دارد، بر آن شدیم که روایات باب را به نحو خاصی دسته بندی نمائیم و برای تیمّن و تبرک به عنوان تتمّه در پایان مقال خویش بیاوریم. تا سخن بی فروغ ما با گوهر تابناک کلام آن پاکان روشنی یابد و نوشتار بی روحمان با سخن ایشان، حیات گیرد.

با دقت دراین سخنان گوهربار، می توان به علم وافر ائمه معصوم علیهم السلام پی برد.

آنان در کلام خود، نگاه حرام را از نگاه غیرحرام و مستحب جدا کرده، بعضی نگاهها را مایه عبرت و پند گرفتن می دانند. برخی را عبادت دانسته و... این انسان است که باید با زیر فرمان بردن چشم و نگاه خود، از حرام و ناروا چشم پوشی کند؛ چرا که نگاه آلوده مقدمه گناه است و دل و جان و روح انسان را تحت تاثیر قرار داده، و ایمان و معنویت اورا خدشه دار خواهد نمود. چه بهتر که با پیروی از دستورهای الهی و روایات ائمه علیه السلام نگاهمان را در چارچوب تعیین شده محدود نمائیم.

الف- نگاه پسندیده

۱- نگاه عبادت، نگاه به عالم

اشاره

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اَلنَّظَرُ الی العالِمِ عِبادَةٌ(۱)؛ نگاه به دانشمند عبادت است».

ص: ۲۲۵

۱- ۱ . محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۷۳.

این حدیث می تواند بیانگر اهمیت علم باشد. زیراعالم به سبب علمش دارای ارزش و ارج والایی است، و آدمی در سایه علم به منازل و مقامات برجسته و والا می رسدو موثرترین عامل برای عبادت خداوند می باشد، که رسول خدا صلی الله علیه و آله نگاه کردن به عالم را عبادت شمرده اند. از این سخن حضرت اینگونه برداشت می شود مقصود عالم علم الهی است که علمش را در گسترش و اعتلای اسلام و مسلمین به کار می برد.

نگاه به امام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «النَّظَرُ إلَی وَجْهَ عَلِّی عِبادةٌ(۱)؛ نگاه کردن به چهره علی علیه السلام عبادت است».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «النَّظَرُ إلَی الْإمَامِ المُقسِطِ عِبادَةٌ(۲)؛ نگریستن به پیشوای دادگر عبادت است».

امام صادق علیه السلام فرمود: «النَّظر الَی الِامامِ عِبادَةٌ(۳)؛ نگاه به امام عبادت است».

آشنایی با مقام ائمه علیهم السلام از راه کسب محبت و تحکیم پیوندمعنوی با ایشان است. انسان با معرفت و شناخت اهل بیت و ایجاد ارتباط روحی با آنها به کمال سعادت می رسد، دوستی ومودت با آن خاندان پاک حتی نگاه پر مهر به آنها، برای هر فرد عبادت محسوب می شود. چرا که امامان، مترجمان حقیقی وحی و مصداق واقعی راسخان در علم و دین هستند. از سوی دیگر، امامان علیه السلام مصادیق اتّم و اکمل عالم هستند که نگاه به آنان عبادت است.

نگاه به قرآن

امام باقر علیه السلام فرمود: «والنَّظَر الی المُصْحَفِ مِنْ غَیرِ قِرائَهٍ عِبَادَةٌ(۴)؛ نگاه کردن به قرآن بدون قرائت آن عبادت است».

امام صادق علیه السلام فرمود: «أَنَّ النَّظر فی المُصحَفِ عبَادَةٌ(۵)؛ نگاه کردن به قرآن عبادت است.

قرآن کریم، چشم کور را بینا کرده و جان تشنه را سیراب می کند، و سلامتی و

۱- ۱ . عباس قمی، سفینه البحار، ج ۴، ص ۵۲۲.

۲- ۲ . محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج، ۷۴، ص۷۳.

۳- ۳ . وسایل، ج ۹، ص۳۶۴، ب ۲۹، ح ۱۷۷۰۴، کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۲۳۸، ح ۵.

۴- ۴ . وسائل، ج۹، ص ۳۶۴، ب ۲۹، ح۱۷۷۰۷.

۵- ۵ . ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۵۸۷. ب۷، ح ۵.

بی نیازی به انسان می بخشد.

تمام اعضا و جوارح انسان بایـد از قرآن بهره گیرد. گوش آیات را می شـنودو زبان ساکت است و یا آن آیات پر معنا را تلفظ می کندو سهم چشم هم نگاه به آیات پر نور کتاب الهی است، این بهره شامل کلیه حواس انسانها خواهدشد.

نگاه به دریا

پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله فرمود: «النَّظَرُ فِی ثَلاثَهِ اشیاءَ عبادَهٌ النَّظَرُ فِی وَجْهِ الوالِدَینِ، وَ فِی المُصْحَفِ و فی البَحْرِ(۱)؛ نگاه کردن به سه چیز عبادت است: نگاه کردن به چهره پدرومادر، نگاه به قرآن و نگاه به دریا».

دریا منعکس کننده عظمت الهی است. امواج پر خروش و سـرمست آن دل کوهها و صـخره ها را شکسته و پر هول و خروش، یکی پس از دیگری بر ساحل فرود می آیند.

دریا از منابع عظیم ثروت ونعمت است که گستردگی، ثروت و دارندگیهای آن را حد و مرزی نیست. این دریا با آن عظمت و وسعت در قلمرو قدرت الهی قرار دارد.

نگاه به مومن

امام سـجاد علیه السلام فرمود: «نَظَرالموءمِنِ فی وَجْهِ اخْیهِ المُومنِ لِلْمَوَّدهِ و الْمحَبَّهً لَهُ عبادهٌ(۲)؛ نگاه محبت آمیز مومن به چهره برادر مومنش و مهرورزی نسبت به او عبادت است».

زیرا مومن انسـان را به یـاد خـدا می انـدازدو آدمی با نگاه به چهره مومن واقعی که نور الهی در چهره و اعمال او متجلی شـده یکباره به خود می آید و یاد خدا در ذهنش تداعی می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اَلنَّظرُ اِلَی الْأخِ تُودُّهُ فی الله عَزَّوَ جَلَّ عِبادَهٌ(۳)؛

نگاه کردن به برادری که به خاطرخدا دوستش داری عبادت است».

نگاه به پدر و مادر

امام صادق علیه السلام فرمود: «اَلنَّظرُ اِلَی الوالِدَینِ عِبَادَهٌ(۴)؛ نگاه کردن به پدرو مادر عبادت

۱- ۱ . محمد باقر مجلسی، بحار الانوار ج ۱۰، ص ۳۶۸، ح ۱۰.

۲- ۲ . ابـو محمـد بن حسن علی شـعبه حرانی، تحـف العقول عن آل رسول، المکتبه، والمطبعه الحیـدریه فی النجف، ۱۳۸۰ه- ۱۹۶۱م. ص ۲۰۴.

۳- ۳ . محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص۷۳، ح۵۹.

۴- ۴ . وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۶۴، ب۲۹، ح ۱۷۷۰۴، کلینی، فروع کافی، ج ۴. ۲۳۸، ح ۵.

است».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «نَظَرُ الوَلـدُ الی والِدَیه حُبّا لَهُمَا عِبادَةٌ(۱)؛ نگاه فرزند، از روی محبت به پدر و مادر عبادت است ».

احسان و نیکی در رفتار و اعمال انسان نسبت به پدر و مادر همیشه واجب است و خداوند، در قرآن کریم هم به این امر سفارش کرده اند. کمترین حد احسان، نگاه از روی محبت و مهر به پدر و مادر می باشد که عبادت به شمار می آید.

نگاه به کعبه

امام صادق علیه السلام فرمود: «النَّظَرُ اِلَی الْکَعْبَهِ عبادةٌ(۲)؛ نگاه کردن به کعبه عبادت است ».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: النَّظر إلَی الْکَعبهِ حِبَالَهَا یهْدِم الخَطَایا هَدْماً(۳)؛

«نگاه کردن به کعبه گناهان و خطاها را از بین می برد ».

کعبه محور آزادی و مطاف عابدان و عارفان است. کعبه مرکز نشر توحید و کانون عبادت است. لحظه لحظه حج ، عبادت و بندگی واز مهمترین واجبات دینی است. هر عمل حج انسان دارای اجرو ثواب بی نهایت می باشد ، حتی کمترین و آسانترین عمل، یعنی نگاه به کعبه نیز حکم عبادت دارد. عمیق ترین نگاه به کعبه، در طواف حریم آن متجلی می شود.

نگاه به فرزند

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اِذا نَظَرَ الوالِدُ اِلَی وَلَدِه فَسَّرهُ کَانَ لِلْوالِدِعِتْقُ نَسَـمهٍ(۴)؛ پدر که با چشم مهرو محبت به فرزند خود می نگرد و با نگاه گرم و پر عطوفت خویش او را شاد و مسرور می نماید خدای بزرگ به آن پدر، درمقابل این عمل(نگاه همراه با عطوفت)، اجرآزاد کردن یک بنده را خواهد داد».

عدم محبت وتوجه پدرو مادر به فرزندان، سبب احساس حقارت و کمبود محبت و منزوی شدن کودکان می گردد.

۱- ۱ . ابو محمد بن علی شعبه جرانی، تحف العقول، ص ۳۲.

۲- ۲ . وسائل، ج ۹، ص۳۶۴، ب ۲۹، ح ۱۷۷۰۴، کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۲۳۸، ح ۵.

۳- ۳ . همان، ج ۹، ص۳۶۴، ب ۲۹، ح ۱۷۷۰۹.

۴- ۴ . حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۲۶.

افراط و تفریط درمحبت به کودکان هردو پیامدهای خطرناکی دارد.

ما از زبان گویا و نافذ و افسون کننـده «نگاه» درتربیت و درشـکل دادن شخصـیت کودکان و حتی بزرگسالان غافلیم. اگرمی دانستیم که از طریق یـک نگـاه امـا نه همه نگاههـا بلکه یک «نگاه» معنی داروشوک آور، یک نگاه گویا و جانـدار یک نگاه نمایاب و نماساز می توان در یک لحظه راهی طولانی راطی کرد و با اشاره صـدها بشارت وصـدها انذار را انتقال نمود، آنگاه همه وجود خودرا ازکلام وگفتارعاری و از پندو اندرز مجازی، خالی کرده، و به این سـلاح موجز و گویا اما خاموش تکیه می کردیم.(۱) از این رویـک «نگـاه معنی دار» «یـک نگـاه وجـودی ودرونی» در جریـان تربیت و شـکل ذهنی شخصـیت و رفتـار [کودک] اثری جاودانه وتعیین کننده دارد.».(۲)

نگاه عبرت آموز

امام صادق علیه السلام فرمود: «جُمعَ الخیرُ کُلُّهُ فی ثلاثِ خِصالٍ: النَّظَرُ والسکوتُ و الکلامُ: فَکُلُّ نَظَرٍ لَیسَ فیه اعتبارٌ فهو سَهْوٌ... فَطُوبَی لِمَنْ کانَ نَظَرُهُ عَبْراً...!(۳)

همه خوبیهادر سه خصلت گرد آمده است: نگاه کردن، خاموشی و گفتار: هر نگاهی که مایه عبرت نباشد سهو است أ و خوشا آن که نگاهش عبرت باشد.»

امـام علی علیه السـلام فرمود: «اَبْلَغُ العِظاتِ النَّظَرُ الی مَصَارِعِ أَلَامْواتِ، و الِاعتبارُ بمصَایرالْآبَاء و الْاُمَهَّاتِ(۴)؛ رساترین موعظه ها، نگاه به آرامگاه مردگان، و عبرت گرفتن از جایگاههای بازگشت پدران و مادران است».

انسان هر چه در این امر بیندیشد، به این نتیجه می رسد که او نیز به زودی همین راه را خواهد رفت.

کسـی که از این عبرتها، پنـد بگیرد و بیندیشـد، حکمت و بینش هوشـمندانه، به دست آورد، آسان ترین راه عبرت، دیدن آثار گردنکشان و جباران خودکامه، گورهای آنان و مردگان است.

۲- آرامش روح و جان

نگاه و انبساط خاطر

۱- ۱ . عبدالعظیم کریمی، اکسیر نگاه در تربیت، مجله تربیت، سال دوازدهم، ش ۵، ص ۱۶.

۲- ۲ . همان، ص ۱۷.

۳- ۳ . ابو محمد حسن بن علی شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۵۰.

۴- ۴ . عبدالواحد آمدی تمیمی، غررالحکم، ص ۲۱۷، ح ۵۳۶.

نگاه و انبساط خاطر

امام علی علیه السلام فرمود: الطِّیبُ نُشْرَهٌ، والعَسَلُ نُشْرَهٌ، و الرُّکُوبُ نُشْرَهٌ، والنَّظَرُ الی الْخُضْرَهِ نُشْرَهٌ(۱)؛ بوی خوش، عسل ، سواری و نگاه به سبزه زارها موجب انبساط خاطر است.»

رنگ سبز به انسان نشاط و روح تازه می بخشد، فضای آزاد و درختان و سبزه زارها سبب فرح بخشی، سرور و روح افزایی در انسان می شود، در علم روانشناسی، رنگ سبز را سنبل پشتکار، استقامت شخصیت و اراده قوی می دانند.(۲)

خداوند در قرآن کریم، رنگ لباس بهشتیان را سبز ذکر فرموده اند:

«و یلْبَسُونَ ثیاباً خُضْراً مِن سُندسٍ و إسْتَبْرَقٍ»(۳)

افزایش بینایی

امام کاظم علیه السلام فرمود: ثَلَاثهٌ یجلُونَ البَصَرَ: النَّظَرُ الَی الخُضرَهِ و النَّظَرُ الی الماءِ الجاری و النَّظَرُ إلَی الوَجهِ الحَسَنِ»(۴)؛ سه چیز نور چشم را زیاد می کند: نگاه کردن به سبزه، نگاه کردن به آب روان و نگاه به صورت زیبا».

ج نگاه به همسر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَا استَفَادَ امرءُ مُسْلِم فائِدهً بَعْدَ الاِسْلَام أفْضَل مِنْ زَوجَهِ مسلمه تَسّره اذا نَظَر الیهَا، تُطیعَهُ اذا أمرهَا، وَ تَحْفَظه اذا غَابَ عَنْهَا فی نفسِها و مالِه(۵)؛ برای مسلمان بعد از اسلام هیچ چیزی مفیدتر و با ارزشتر از همسری مسلمان نیست، که هر گاه به اونگاه کند مسرور گردد و هر زمان امر کند اطاعت کند، و از مال او و از خودش هنگامی که غایب است محافظت نماید».

ب– نگاه نکوهیده

۱– نگاه منافق

ص: ۲۳۰

۱– ۱ . نهج البلاغه، حکمت ۴۰۱.

۲– ۲ . ماکس، لوشر، روانشناسی رنگها، لیلا مهر ادپی، حسام، اول ۱۳۷۰، ص ۸۰.

۳– ۳ . «و جامه هایی سبز از پرنیان نازک و حریر ستبر می پوشند»، قرآن کریم، سوره مبارکه کهف، آیه ۳۱.

۴– ۴ . محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۴۵، ح ۱۰.

۵– ۵ . وسایل، ج ۱۴، ص ۲۳، ب ۹، ح ۲۴۹۷۶.

امـام علی علیه السـلام فرمود: «والمنـافِقُ اذا نَظَرَ لهَـا و اذا سَـكَتَ سَـها، و اذا تَكَلَّمَ لَغَا؛(۱) منـافق هر گـاه بنگرد، نگاهش بیهوده است، وهرگاه خاموش باشد درسهو و غفلت است و هرگاه سخن گوید. لغو وباطل به زبان آورد.»

چرا که اعمال منافق معقول و پسـندیده نیست، نگاه و سـکوت و کلامش بیهوده و عبث خواهـد بود. هـدف او پوچ و غیر الهی است.

۲- نگاه بدون ضرورت وفتنه انگیز

حضرت یحیی علیه السلام فرمود: «المَوتُ احَبَّ إلَی مِن نَظَرهٍ لِغَیرِ واجبٍ(۲)؛ مردن نزد من خوشتر از نگاهی است که ضرورت نداشته باشد.

امام علی علیه السلام فرمود: ذَهَابُ النَّظَر خَیرِ مِنَ النَّظَرِ إلَی ما یوجِبُ الْفِتنهِ.(۳)

«کوری چشم بهتر از نگاهی است که باعث فتنه شود».

چرا که نگاه آلوده سبب گرفتاری وعذاب اخروی خواهد شد.

۳- نگاه های دزدانه

امام علی علیه السـلام فرمود: «قَسَّم أرزَاقَهُم، و أَحْصَـِی آثارَهُم و أعْمَالَهُم، وَ عَدَدَ أنْفُسِهِم، وخَائِنَهَ أعینِهِم، وَ مَا تُخْفِی صُدُورُهُمْ مِنَ الضَّمیرِ(۴)؛ خداونـد روزیهـای مردم را تقسـیم فرموده و اثرها و کرده ها و شـمار نفس ها و نگاههای دزدانه چشم ها و آن چه را که سینه ها نهان می دارند، می داند».

امـام صـادق علیه السـلام فرمود: «لَمّا سُـِئلَ عن قوله تعالی: « یعْلَمُ خائنَهَ الْاعْینِ» أَلَم تَرَ اِلَی الرّجُلِ ینظُرُ الَی الشَّی ءِ. وكأَنَّهُ لاینظُرُ اِلَیهِ؟! فـذلكَ خائَنهُ الاعُینِ(۵)؛ امـام صـادق علیه السـلام درپاسـخ به سوال از آیه«یعلمُ خَـائنه الأعُینِ » فرمودنـد: آیا ندیـده ای، شخصی را که به چیزی می نگرد، اما چنان است که انگار نمی نگرد؟ این است معنای نگاه های دزدانه».

نگاه دزدانه، در قرآن کریم نكوهش شده. درآیه ۱۹، سوره مباركه مومن، خداوند

۱- ۱ . ابو محمد حسن بن علی شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۴۷؛ محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۵۰، ح ۷۹.

۲- ۲ . محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۴۲، ح ۵۲.

۳- ۳ . عبدالواحد الاحدی تمیمی، غررالحکم، ص ۳۷۰.

۴- ۴ . نهج البلاغه، خطبه ۷۶.

۵- ۵ . ابی جعفر محمـد بن علی بن بابویه قمی، معانی الاخبار، مکتبه الصـدوق، موسسه دارالعلم، قم، ۱۳۷۹ق- ۱۳۳۸ش، ص

.۱۴۷

فرموده است: «يعْلَمُ خَائنَهَ الاعينِ وَمَا تُخْفِى الصُّدُوُر».

«خداوند نگاههای دزدانه و آنچه را که سینه ها پنهان می کنند می داند.»

خداوند از خیانت این چشمها آگاه است و در روز قیامت به داد رسی و قضاوت درباره آنها می پردازد.

۴- نگاه برای ترساندن

امام علی علیه السلام فرمود: «مَنْ نَظَر إلَی مُومنِ نَظره لِیخیفَه بهَا اخافَهُ الله یومَ لَا ظَلَّ الا ظَلَه وَ حشره فِی صَورهِ الذِرلحمهِ وَجسَدِه وَ جَمیعِ اعْضَائِه(۱)؛ هرکس به مومن نگاه کندبرای آن که او را با نگاهش بترساند، خداوند، روزی که هیچ سایه و پشتیبانی جز او نیست او را چون موری که گوشت بدن و تمام اعضایش ضعیف و لاغر است محشور می کند».

۵- نگاه بغض آمیز

امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ نَظَرَ اِلَی اَبوَیه نَظَر ماقِتٍ و هُمَا ظالِمانِ لَهُ لَم یقْبَلِ اللّه لَهُ صلوهً(۲)؛ هرکس با چشم پر از بغض و کینه به پدر و مادر خود که به وی ستم کرده اند، نگاه کند خداوند هیچ نمازی را از او نمی پذیرد».

حضرت صادق علیه السلام فرمود: «لَوْ عَلَم اللّهُ شَیئاَ أدنی مِن أُفِّ لِنَهِی عَنْه وَ هُومِنْ أدنی العُقوقِ وَ مِن العُقوق أنْ ینظر الرَّجل اِلَی وَالِدیه فَیحِدَّ النظر الیهمَا(۳)؛ بدان که اگر چیزی کمتر از «اف» گفتن به پدر و مادر بود، خداوند از آن هم نهی می فرمود. و همین اف گفتن از عوامل عاق شدن است. و دیگر از عوامل عاق شدن فرزند نسبت به والدین این است که فرزند به آنها نگاه تندی کند».

اگر زمانی پدرو مادر به فرزند ستم و احجافی روا دارند، فرزند، بهتر است ستم آنها را نادیده گیرد و حتی به اندازه یک نگاه تند و غضب آلود هم درصدد جبران بر نیاید. چرا که احترام پدرو مادر در هر شرایطی واجب بوده و کمترین بی حرمتی به آنها حتی در حد یک نگاه تند هم جایز نیست.

۶- نگاه ملالت آور

ص: ۲۳۲

۱- ۱ . وسائل، ج ۱۲، ص ۱۵۴، ب ۴۹، ح ۲۲۳۵۲، محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۹۴.

۲- ۲ . کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۰، ب ۱۴۲، ح۵.

۳- ۳ . همان، ح ۷.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا تُدیموُا النَّظَرَ اِلَی اَهْلِ البَلَاءِ وَ الَمجْذُومینَ فَاِنَّهُ یحْزُنُهُمْ(۱)؛ به مردم بلا زده و جذامی، چشم خود را ندوزید و نگاه طولانی نکنید که باعث ملال و آزردگی آنان می شود».

امام صادق علیه السلام فرمود: «لَا تَنْظُرُوا اِلَی اَهْلِ الْبَلاءِ فَأِنَّ ذلِکَ یحزنُهُمْ(۲)؛ مردم گرفتار بلا را هدف نگاه خود قرار ندهید زیرا نگاه شما آنها را غصه دار و محزون می کند».

این اوامر نشانگر دقت نظر ائمه ما درکلیه مسائل است که اهانت، استهزاو شماتت را نسبت به دیگران ممنوع کرد و حتی نگاههای از روی ترحم و دلسوزی و یا نگاه تند را هم نسبت به این بیماران رد کرده که سبب احساس حقارت و ناراحتی روانی این افراد می شود.

۷- نگاه بدون عبرت

امام علی علیه السلام فرمود: «کُلُ نَظَر لیسَ فیه اعتبارِ فَلَهْوٌ(۳)؛ هرنگاهی که در آن عبرت نباشد خطا و بیهوده است».

تمام اعمال و رفتار انسان بایـد همواره، با تفکر و پند باشد، و نگاهی که بینشی جدید به انسان بخشد و با عبرت همراه باشد پسندیده است.

۸- نگاه به بخیل

امام علی علیه السلام فرمود: «النَّظَرُ اِلَی الْبَخیلِ یقسی القَلبَ(۴)؛ نگاه کردن به شخص بخیل، دل را سخت می گرداند».

۹- نگاه آلوده

اشاره

حضرت مسیح علیه السلام فرمود: «أَیمَا اِمرأَهٍ استَعطَرَتْ وَ خَرَجَتْ لِیوُجَدْ رِیحُهَا فِهی زَانِیهٌ، وَ کُلُّ عَینٍ زَانیهٌ(۵)؛ هر زنی که خود را خوشبو کند و بیرون رودتا بویش به مشام دیگران برسد، زنا کاراست و هر چشمی که او را نگاه کند زنا کار است».

۱- ۱ . محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۵، ح ۶.

۲- ۲ . همان، ج ۷۵، ص ۱۶، ح ۱۱.

۳- ۳ . همان، ج ۹۲، ص ۷۸، ح ۱۰۱.

۴- ۴ . ابو محمد حسن بن علی بن حسین شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۴۹.

۵- ۵ . مسعود بن عیسی ورام، تنبیه الخواطر و نرهه النواظر، دو جلد در یک مجلد، جزء۱، مکتبه الفقیه قم، دارصعب، بیروت، دارالتعارف، بیروت، ص ۲۸.

مشاهده حالت چهره مردان و جوانانی که با درماندگی و شیفتگی، به اندام نیمه برهنه زن چشم دوخته اند برای زن رضایت بخش است. اگر مردان به نظاره او نیازمندند وی نیز از نگاه آنها بی نیاز نیست، شایدنتوان هیچ زنی رایافت که ادعا کندزیباسازی وناپوشیدگی اش درحضور دیگران، برای خویشتن یا افراد هم جنس است. این رفتارها برای جلب توجه مردان است و نه زنان. شاید به همین سبب باشد که عطرهایی که زنان دربیرون خانه استفاده می کنند بیشتر عطرهایی است که مردان ازآن لذت می برند، نه زنان.(۱)

حضرت مسیح علیه السلام فرمود: «لَاتَكُونَنَّ حَديدُ النَّظَرِ اِلَى مَا لَيسَ لَكَ فإِنَّهُ لَن يزنِي فَرجُكَ مَا حَفِظتَ عَينَكَ، فَإِن قَدرَتَ انْ لَا تَنْظُرَ الَى ثَوبِ المرأهِ الَتِي لَا تَحِلَّ لَكَ فَافعَل(۲)؛ نباید به زنی که به تو تعلق ندارد خیره شوی؛ زیرا تا زمانی که چشم خود را نگه داری هرگز مرتکب زنا نمی شوی. اگر بتوانی حتی به جامه زن نامحرم نگاه نکنی چنین کن.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «عَلى كُلِّ عُضْومِنْ بَنى آدَمَ حَظٌّ مِنَ الزِّنَا، فَالْعينُ زِنَاه النَّظَرُ،...(۳)؛ هر عضوی از اعضای انسان بهره ای از زنا دارد وزنای چشم نگاه کردن است...»

چشمی که اشتغال به دیدن، دیدنی های شهوت انگیز پیدا کند، دل به آنچه که چشم دیده مشغول می شود. دیگر انسان نخواهد توانست از اثر دیده ها و شنیده ها درمغزش جلوگیری کند. پس از آن تمام افکار و ذهنش، آنچه را دیده می پروراند، آنها را تقویت می کند و استمرار می بخشد، و دیگر به یک لحظه نگاه کردن بسنده نخواهد کرد، و تمام وجودش چشم می شود برای دیدن آنچه که دل می خواهد.

الف– عواقب نگاه آلوده، حسرت و اندوه

اشاره

امام علی علیه السلام فرمود: «مَنْ أَطْلَقَ نَاظِرَهُ اَتْعَبَ حَاضِرَهُ، مَنْ تَتَابَعَت لَحَظاتُهُ دَامَت حَسَراتُه(۴)؛ کسی که عنان چشم خود را رها کند، زندگی اش را به زحمت انداخته، و کسی که نگاهش پیاپی باشد. حسرت هایش طولانی خواهد بود».

امام علی علیه السلام فرمود: «مَنْ اَطْلَقَ طَرَفَهُ كَثُرَأَسَفُهُ(۵)؛ هر کس عنان چشم خود را رها کند

۱– ۱ . یوسف غلامی، راز یک فریب، لاهیجی، اول، ۱۳۸۱، ص ۱۱۸–۱۱۷.

۲– ۲ . مسعودبن عیسی ورام، تنبیه الخواطر، ص ۶۲.

۳– ۳ . محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۸، ح ۳۵.

۴– ۴ . محمدباقرمجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص۳۸، ح ۲۳.

۵– ۵ . ابو محمد حسن بن علی شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۶۴.

اندوهش بسیار شود».

امام علی علیه السلام فرمود: «کَمْ مِنْ نَظرَةٍ جَلَبَتْ حَسرَةً![1] بسا نگاهی که حسرتی به بار آورده».

امام علی علیه السلام فرمود: «کَمْ مِنْ نَظرَةٍ أوَرثَت حَسرَةً طَویلَه[2]؛ بسا نگاهی (کوتاه) که حسرتی بلند را درپی آورد».

نگاه و خشم خداوند

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اِشْتَدَّ غَضَبُ اللهِ عَزَّوَجَلَّ عَلی إمرأةٍ ذَاتِ بَعْلٍ مَلأت عَینَها مِنْ غَیرِ زَوجِهَا اَو غَیرِذِی مَحْرمٍ مِنهَا فَإنَّهَا اِنْ فَعَلَت ذَلکَ اَحْبَطَ اللّه کُلَّ عَمَل عَمَلَتْه[3]؛ خداوند بزرگ بر زن، شوهرداری که چشمش را از غیر همسرش و یا کسانی که با او محرم نیستند از روی شهوت پر کند خشم می گیرد و زنی که چنین کند خداوند تمام اعمالی را که انجام داده تباه می کند».

زیرا زن با نگاه به مردان، ذهن و حواسش به آنها جلب شده و نسبت به همسر و خانواده خود بی رغبت شده، زیرا دیگر مصاحبت با همسرش را عادی می پندارد و محیط خانواده را تلخ و پر تنش می گرداند.

نگاه و انگیزش فتنه

امام صادق علیه السلام فرمود: «اَلنَظرةُ بعْدَ النَظْرهِ تَزْرَعُ فِی الْقَلْبِ الشَّهوَهُ وَ کَفی بِهَا لِصاحِبِها فِتْنهَ[4]؛ نگاههای پی در پی تخم شهوت را در دل می کارد و برای ایجاد فتنه (برای صاحب نگاه) همین کافی است».

لعنت رسول خدا صلی الله علیه و آله

امام باقر علیه السلام فرمود: «لَعَنَ رسوُل اللهِ صلی الله علیه و آله رَجُلاً ینْظُرُ الی فَرَجِ اَمْرأةٍ لا تَحِلُّ لَه[5]؛ رسول خدا لعنت کرده کسی را که به عورت زنی که برایش حلال نیست نگاه کند».

۱- ۱ . عبدالواحد آمدی تمیمی، غررالحکم، ص ۵۱۳.

۲- ۲ . کلینی، فروع کافی، ج ۵، ص ۵۵۶، ح ۱۲.

۳- ۳ . محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳۶۶.

۴- ۴ . وسائل، ج ۱۴، ص ۱۳۹، ح، ۲۵۴، ب ۱۰۴.

۵- ۵ . همان، ج ۱۴، ص ۱۳۸، ب ۱۰۴، ح ۲۵۳۹۷.

سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله :

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «یاعلی، لا تُتْبِعِ النَّظرَةَ النَّظرَةَ فإنّما لکَ الاُولی، و لیسَت لَکَ الآخِرَةُ(۱)؛ ای علی نگاه اول را با نگاه ادامه نده؛ زیرا نگاه اول در حق توست و دومی در حق تو نیست».

عذاب چشم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ مَلأعَینَه مِن حَرامٍ ملأ اللهُ عَینَهُ یومَ القِیامَهِ مِنَ النّارِ الّا أن یتُوبَ وَ یرْجِعَ(۲)؛ کسی که چشمش را از حرام پر کند خداوند چشمش را در روز قیامت از آتش پر می کند مگر اینکه توبه کند و از کردار خود باز گردد».

نگاه نابود کننده

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «انظرَةُ الاولَی خطاءٌ و الثانیةٌ عمدٌ، و الثالَیهُ تَدَمِّرُ(۳)؛ نگاه اول خطاست، نگاه دوم عمدی است و نگاه سوم باعث هلاکت و نابودی است».

مردان با نگاه به زنان خود دچار انواع انحرافات و بیماریهای روانی می شوند نگاه باعث شعله ورشدن خواهشهای نفسانی نهفته در وجود آدمی می شود. چه بسیار نگاهها که باعث لکه دار شدن حیثیت یک مرد و موجب سلب اعتماد از دیگران می شود.

کور دلی

امام علی علیه السلام فرمود: «إذا أَبْصَرَتِ العَینُ الشَهوةَ عَمِی القَلبُ عَنِ الْعَاقبَةِ(۴)؛ هرگاه چشم، موردشهوت و هوس خود را ببیند، دل عاقبت بین او کور می شود.»

آدمی با تامل در عاقبت نگاه پر هوس و مفاسد مترتب بر آن و همچنین تدبر در عذاب و عقاب گناه، نگاه آلوده، باید، تا آنجا که می تواند قدرت نگه داشتن چشم را از خواهشهای نفسانی داشته باشد. زیرا دل تمنای آنچه را که چشم دیده، دارد، و اینجاست که مهار دل، کار بسیار دشواری است.

اندیشمند با چشم دل است که پایان کار خویش را می بیند و فراز و نشیبش را باز می شناسد(۵).

ص: ۲۳۶

۱- ۱ . همان، ج ۱۴، ص ۱۱۴۰، ح ۲۵۴۰۹.

۲- ۲ . همان، ص ۱۴۲، ح ۲۵۴۱۲.

۳- ۳ . علاءالدین حسام هندی، کنزالعمال، ج ۵، ح ۱۳۰۷۳.

۴- ۴ . عبدالواحد آمدی تمیمی، غررالحکم، ص ۲۸۵.

۵- ۵ . نهج البلاغه، خطبه ۶۹.

ب– نتايج ترک نگاه آلوده

اشاره

مشاهده شگفتيها و عظمت الهی

پيامبر اکرم صلی الله عليه و آله فرمود: «غَضّوُا ابْصارکُمْ ترونَّ العَجائب!(۱) ديدگانتان را از حرام ببنديد، تا عجايب را ببينيد».

امام علی عليه السلام فرمود: «ما اعْتَصَمَ احدٌ بِمثلِ مااعْتَصَم بَغَضَّ البَصَرِ لا يغُضُّ عَنْ محارِمِ اللهِ الّاوقد سَبَقَ الی قَلْبِه مُشاهَدَهُ العَظَمَهِ و الجلال؛(۲) هيچ چيزی به اندازه خودداری ازنگاه حرام، انسان را به مقام مصونيت از گناه نمی رساند، چشم انسان از محرمات الهی فرو بسته نمی شود، مگر اينکه قبلا عظمت و جلال خداوند رادر دل مشاهده کرده باشد».

اگرچشم سر خود را از ديدن آنچه نبايد ببينيم، ببنديم، چشم دلمان برای ديدن آنچه بايد ديد باز خواهدشد. اگر با چشم دل نظر افکنی، بی گمان از تمامی آن چه نوبه نو بر اين پهنه ی خاک می رويد، از خواهشها و لذاتش... روی بر می تابی و سرمست از آن اوصاف، سفر به اعماق را آهنگ می کنی، و اگر به آن چه از اين چشم اندازها بر تو يورش می آورد، قلبت را مشغول داری، بی ترديد جانت از شدت اشتياق کالبد تهی می کند.(۳)

حلاوت ايمان

پيامبر اکرم صلی الله عليه و آله فرمود: «مَا مِنْ مُسلِمٍ ينْظُرُ اِمرَأهٍ اَوّلَ رَمَقهٍ ثُمَّ يغُضُّ إلّا احْدَثَ اللهُ تعالَی لَهُ عبادَهٌ يجِدُ حَلاوَتَها فی قَلبِه(۴)؛ هيچ مرد مسلمانی نيست که نگاهش به زنی بيفتد و چشم خود را پايين اندازد مگر اينکه خدای متعال به او توفيق عبادتی دهد که شيرينی آن را دردل خويش بيابد».

پيامبر اکرم صلی الله عليه و آله فرمود: «النَّظَرُ سَهمٌ مَسمومٌ مِن سِهامِ إبليسَ، فَمَنْ تَرَکَها خَوفاً مِن اللهِ عطاهُ اللهُ ايماناً يجِدُ حَلاوَتهُ فی قلبِه؛(۵) نگاه تيری از تيرهای زهرآلود شيطان است. هرکس از

۱– ۱ . محمد باقرمجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۴۱، ح ۵۲.

۲– ۲ . عباس قمی، سفينه البحار، ج ۴، ص۵۵۲. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص۴۱، ح ۵۲.

۳– ۳ . عبدالمجيد معاديخواه، فرهنگ آفتاب، ج ۴، ص ۲۰۱۸. در توضيح بايد گفت: چشم دل بازکن که جان بينی آنچه ناديدنی است آن بينی

۴– ۴ . علاء الدين حسام هندی، کنزالعمال، ج ۵، ص ۳۲۷، ح ۱۳۰۵۹.

۵– ۵ . همان، ص ۳۲۹، ح۱۳۰۷ ۵، محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۸، ح ۳۴.

ترس خدا چشم خود را از نامحرم فرو بندد خداوند به او ایمانی عطا فرماید که حلاوت آن را در دلش بیابد».

امام صادق علیه السلام فرمود: «مَن نَظَرَ إلَی اِمرأهٍ فَرَفَعَ بَصَرهُ اِلَی السَّماءِ أوغَمّضَ بَصَرهُ لَم یرتَدَّ اِلَیه بَصَرُهُ، حتی یزَوَّجَهَ اللهُ مِن الحُورِ العین(۱)؛ هرکه نگاهش به زنی بیفتد و چشم خود را به طرف آسمان کند یا آن را برهم نهد، هنوز چشم بر هم نزده خداوند حورالعین را به ازدواج او در آورد».

نشانه بزرگواری

امام صادق علیه السلام فرمود: «ثَلاَثَهُ تَدُلُّ علی کَرَمِ المَرءِ: حَسنُ الخُلْقِ، وَ کَظْمُ الغَیظِ، و غَضُّ الطَّرفِ!(۲) سه چیز نشانگر بزرگی آدمی است، خوشخویی، فرو خوردن خشم و فرو بستن چشم».

چشمها را فرو بندید که این کار ایستادگی در مقابل سختیها را افزون می کند و قلب را استواری و آرامش می بخشد... می توان نتیجه گرفت که پراکندگی چشم دل در رابطه تنگاتنگ است.(۳)

رسیدن به حکمت

حضرت لقمان علیه السلام فرمود: «أَلَسْتَ عبدَ آلِ فُلانٍ؟ قالَ: بَلی. قیلَ: فَمَا بَلَغَ بک مانَری؟ قال: صِدقُ الحدیثِ، و اداءُ الأمانَهِ، و تَرکُ ما لا یعنْینی، و غضَّ بَصَری؛ به لقمان گفته شد: مگر تو از خانـدان نیستی؟ گفت: بله، گفته شد: پس چه چیز تو را به این مقام که می بینی رساند؟ گفت: راستگویی، امانتداری، فروگذاشتن آنچه به من مربوط نمی شود، فروهشتن چشمانم از حرام».

چشم در روز جزا

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «یا علی کُلُّ عَینٍ باکَیهٌ یوم القیامَهِ الاثلاثَ أعینُ! عَینٌ سَهَرتْ فی سبیل اللِه، و عَینٌ غُضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللهِ، و عَینِ فاضَتْ مِنْ خشْیهِ اللِه(۴)؛ ای علی تمام

۱- ۱ . ابی علی فضل بن حسن طبرسی، مکارم الأخلاق، چاپ سربی، مصر، ۱۳۰۶، ه ق. ص ۸۴.

۲- ۲ . ابو محمد حسن بن شعبه جرانی، تحف العقول، ص ۲۳۵.

۳- ۳ . نهج البلاغه، خطبه ۲۹.

۴- ۴ . ابو محمد بن حسن بن علی شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۸.

چشمها در روز قیامت گریان است، مگر سه چشم: آن که در را خدا، اطاعت او، شب زنده داری و نماز و تلاوت قرآن... بیداری کشیده، دیگر چشمی که ازممنوعات الهی چشم پوشیده، و بلا خره چشمی که از ترس خدا اشک ریزد».

ج- راه درمان چشم چرانی و نگاه آلوده

پیشگیری از گناه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «یا ایهَا النّاسُ اِنَّما النّظرَه مِنَ الشَّیطانِ فَمَنْ وَجَدَ مِن ذلک شیئاً فَلْیأت اهلَهُ»(۱)؛ ای مردم! براستی نگاه آلوده امری است شیطانی، کسی که چنین احساسی در خود یافت برای جلوگیری از گناه با همسر خود نزدیکی کند».

زیرا نگاه باعث هیجان افکار غریزی شده و فرد تمایل به بهره جویی جنسی پیدا می کند . هرچند با نگاهش این انگیزه را نداشته، اما با تداوم و تکرار نگاه به اندام زنی چه بسا بی اختیار این حالت به مرد دست بدهد.

نگاه و نماز

امام علی علیه السلام فرمود: «اذَا رأی اَحِدُکُمْ إمْرأةً تُعَجُبْه فَلیاتِ أهلَهُ؛ فإنَّ عِنْدَ أهِلِه مثِلَ ما رأی؛ و لا یجْعَلَنَّ للشَّیطانِ الی قَلْبِهِ سَبیلًا، و لیصرِفْ بَصَرهُ عَنها، فإن لَم تَکُنْ لَهُ زوجَهٌ فلْیصلِّ رکعَتَینِ وَ یحْمِدالله کثیراً، و یصَلی علی النبی آله ثمَّ لِیسألِ اللَه مِن فَضِلِه فِإنَهُ و یبیحُ لَهُ برأفِتِه ما یغنیه(۲)؛ هرگاه فردی از شما زنی را دید و ازاو خوشش آمد برود با همسر خود همبستر شود، زیرا نظیر آن چه دیده است در همسر خود او نیز هست. شیطان را به دل خود راه ندهد و چشم خود را از آن زن برگرداند. اگر زن ندارد، دو رکعت نماز بخواند و بسیار حمد گوید بر پیامبر و آل او صلوات بفرستدو آن گاه از خدا مسألت کند که از فضل خویش عطایش فرماید. خداوند از روی مهر و رأفت خود نیاز او را برطرف خواهد ساخت».

فرو بستن چشم

امام علی علیه السلام فرمود: «مَنْ غَضَّ طرفَهُ أراحَ قَلْبَهُ(۳)؛ کسی که چشم خود را فرو بندد، دلش را آسوده ساخته است».

۱- ۱ . شیخ صدوق (ابن بابویه قمی) من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص۶، ب ۸/۷.

۲- ۲ . محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰، ص۱۱۵.

۳- ۳ . عبدالواحد آمدی تمیمی، غرر الحکم، ص ۶۶۳، ح ۱۴۶۷.

امام علی علیه السلام فرمود: «مَنْ غَضَّ طرَفهُ قَلَّ أسَفُه و أمِنَ تَلَفَهُ(۱)؛ هر که چشم خود را پایین اندازد، کمتر تأسف خورد و از نابودی در امان ماند».

امام علی علیه السلام فرمود: «نِعمَ صارفُ الشَّهواتِ غَضُّ الأبصَارِ(۲)؛ فروبستن چشم ها، نیکو بازدارنده ای از خواهشهای نفسانی است».

در این روایات و روایات بسیاری از این قبیل، ائمه علیهم السلام ما را به فروبستن و بر هم نهادن چشم سفارش کرده اند که این امر سبب آرامش دل و جان انسان شده و او را از تأسف و اندوه نجات خواهد داد. با کنترل چشم، مهار دل نیز به دست انسان خواهد بود، و اگر افسار نگاه رها شود، دل نیز در اسارت نگاه به سر می برد.

متفرقات

نگاه به دنیا

امام علی علیه السلام فرمود: «اُنْظُر الَی الدُنیا نَظَر الزَاهِد المُفَارقِ، وَ لا تَنْظُرْ إلَیها نَظَرَ العَاشِقِ الْوَامِقِ(۳)؛ به دنیا همچون کسی بنگر که به آن پشت کرده و از آن جدا می شود، به دنیا مانند دلباخته شیدا منگر».

امام علی علیه السلام فرمود: «اُنْظُرُوا اِلَی الدُّنیا نَظَرَ الزَّاهِدِینَ فیها الصَّادِفینَ عَنْهَا، فَإنّهَا وَ اللهِ عَمَّا قَلیلٍ تُزِیلُ الثَّاوَی السّاکِنَ، وَ تَفْجَعُ المُتْرِفَ الآمِنَ(۴)؛ به دنیا همچون زاهدان روی بر تافته از آن بنگرید؛ زیرا به خدا سوگند دنیا به زودی مأوی گزیده ساکن خود را بیرون می کند و توانگر آسوده خاطر را دردمند می سازد».

نهایت مرتبه دنیا همین است، پس باید به آن به چشم بی رغبتی نگریست.

دنیا، نگاه کوردلان را بن بستی است که فراسویش هیچ نمی بیند، ولی بینش مند، فراسوی دنیا را در قلمرو نگاه خویش می آورد چنین است که بینش مند را نگاه ازدنیا و کوردل را نگاه به دنیا است، بینش مند از دنیا و کوردل برای دنیا توشه می گیرد.(۵)

نگاه و شرم (حیا)

امام علی علیه السلام فرمود: «اَلْحَیاءُ غَضُّ الطَّرْفِ!(۶) شرم و حیا پایین انداختن چشم است».

۱- ۱ . عبدالواحد آمدی تمیمی، غررالحکم، ح ۱۴۷۰.

۲- ۲ . همان، ص ۷۱۷، ح ۴۴.

۳- ۳ . ابو محمد حسن بن علی شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۲۹.

۴- ۴ . همان ص ۱۵۷، نهج البلاغه خطبه ۹۹.

۵- ۵ . نهج البلاغه، خطبه ۹۸.

۶- ۶ . عبدالواحد الاسدی التمیمی، غررالحکم و دراللکلم، ص ۳۴، ح ۵۱۷.

یعنی چشم پوشی از محرمات، و نگاه کردن به چهره نامحرم، یعنی (چشم در چشم نشدن) نشانه حیا وشرم می باشد.

حق چشم

امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «حَقُّ بَصَرِکَ فَغَضُّهُ عَمَّا لَا یحِلُّ لَکَ وَتَرْکُ وَ ابْتِذالِهِ إلَّاعِبْرَهٍ لِمَوضِعِ تَسْتَقْبِلُ بِهَا بَصَراً أو تَسْتَفِیدُ بِها عِلْماً، فَإنَّ البَصَر بَابُ اِلْاعتبار؛(۱) حق چشم تو این است که آن را از هر ناروا و طرحی فرو بندی، و آن را جز در موارد عبرت انگیزی که در پرتو آن بینش داشتی می یابی بکار مگیری و فرسوده اش مسازی، زیرا چشم، در ورودی عبرت است».

بیناترین دیده ها

امام حسین علیه السلام فرمود: «اَنّ اَبْصَر الَابْصَار مَا نَفَذَ فِی الْخَیرِ مَذْهَبُه، وَأَسْمَع الَأسْمَاع مَا وَعی الْتَذکِیر وَ اَنْتَفَع بِه(۲)؛ بینا ترین دیدگان، دیده ای است که نگاه خود را به خیرو خوبی بدوزد و شنواترین گوشها، گوشی است که پندو اندرز را بشنود و از آن بهره گیرد».

امام علی علیه السلام فرمود: «أَلا إنَّ أبْصَرَ الأبْصَارَ مَا نَفَذَ فِی أَلْخَیرِ طَرْفُهُ! اَلّا إنَّ أسَمَعَ الأسْمَاعِ مَا وَعَی التَّذْکِیرَ وَ قَبِلَهُ!(۳)؛ بدانید که بینا ترین دیده گان، دیده ای است که نگاهش به خیر و صلاح باشد، بدانید که شنواترین گوشها، گوشی است که پندو اندرز را بشنود و پذیرا شود».

نگاه مومن

امام علی علیه السلام فرمود: «اِنَّ المُوءمِنَ اِذَا نَظَرَ اعْتَبَر، وَ إذَا سَکَت تَفَکَّرَ، وَ اِذَا تَکَلَّمَ ذَکَرَ...(۴)؛

مومن، هرگاه بنگرد. عبرت گیرد و هرگاه خاموش باشد، می اندیشد و هرگاه سخن گوید، یاد خدا می کند».

یعنی هر زمان که مومن به چیزی نگاه می کند، از آن پند می گیرد، آن امر را مورد استدلال و استنباط قرار داده، و مو شکافانه بررسی می کند، تجربه کسب می کند،

ص: ۲۴۱

۱- ۱ . ابو محمد حسن بن علی شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۸۴.

۲- ۲ . محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۰۹، ج ۱۷.

۳- ۳ . نهج البلاغه، خطبه، ۴۲.

۴- ۴ . ابو محمد بن علی شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۴۷- محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۵۰، ح

مومن باید به دنیا به چشم عبرت و پند گرفتن بنگرد.

ص: ۲۴۲

فهرست منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم با ترجمه محمد مهدی فولادوند، دارلقرآن الکریم دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، دوم، ۱۳۷۴.

۲. قرآن کریم باترجمه، بهاء الدین خرمشاهی، نیلوفر، اول، ۱۳۷۵.

۳. نهج البلاغه، صبحی صالح، محمد علی شرقی، دارالکتب الاسلامیه، اول، ۱۳۷۵.

۴. ابن ادریس، حلی، محمد بن احمد، السرائر، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ ق ۵. ابن شعبه حرانی، ابو محمد حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، المکتبه الحیدریه، نجف، ۱۳۸۰ ده ج ۱۹۶۰ م.

۶. ابن فارس. احمدبن حسن، معجم مقاییس اللغه، مرکز النشر، مکتب الاعلام الاسلامی، دارالکتب العلمیه ۱۴۰۴.

۷. ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، داراحیاء التراث العربی، موسسه التاریخ العربی، بیروت، اول، ۱۴۱۶۰ ق ج ۱۹۹۵ م.

۸. اراکی، محمدعلی، رساله توضیح المسائل، دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم، ۱۳۶۹.

۹. اسرار، مصطفی، ازمفاهیم قرآن، محیا، تهران.

۱۰. آصف، محسنی، محمد، الفقه والمسائل الطبییه، اول، یاران، قم.

۱۱. الهی قمشه ای، محی الدین مهدی، کلیات دیوان حکیم الهی قمشه ای، علمیه اسلامیه [بی تا]، تهران.

۱۲. آمدی تمیمی، عبدالواحدبن محمد، غرر الحکم و درالکلم، دارالکتاب السلامی، قم، دوم، ۱۴۱۰ ق ج ۱۹۹۰ م.

۱۳. انصاری، مرتضی، کتاب النکاح، لجنه تحقیق تراث الشیخ الاعظم، قم، اول، ۱۴۱۵.

ص: ۲۴۳

۱۴. انصاری، مرتضی، مکاسب، اطلاعات، تبریز، دوم، ربیع الاخر، ۱۳۷۵ ق.

۱۵. بنی هاشم خمینی، سید محمد حسن، توضیح المسائل مراجع (مطابق با فتوای دوازده نفر از مراجع) سوم، دفترانتشارات اسلامی، سوم، . ۱۳۷۸.

۱۶. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، رساله نوین فقهی پزشکی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، دوم، ۱۳۷۴.

۱۷. پاک نژاد، سید رضا، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، بنیاد فرهنگی شهید پاک نژاد، اول، ۱۳۶۳.

۱۸. جباران، محمد رضا، سینما درآیینه فقه (درس خارج فقه آیت الله مروجی)، سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری، اول، ۱۳۸۰.

۱۹. جرجانی، ابو الفتح بن مخدوم، تفسیر شاهی و آیات الاحکام، تبریز، سوق، ۱۳۸۰.

۲۰. جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الاربعه، داراالفکر، بیروت.

۲۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، المبسوط درترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، تهران ج ۱۳۷۸.

۲۲. جنتی عطایی، مسعود، مغناطیس انسانی (علم مانیتسیم)، ارمغان،ی اول، ۱۳۷۱ ۲۳. حداد عادل، غلامعلی، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، سروش. تهران، دوم، ۱۳۶۳.

۲۴. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسا ئل الشریعه، دارا حیاء التراث العربی، بیروت، موسسه الفواد بعینوللتجلید، پنجم، ۱۴۰۳۰- ۱۹۸۳.

۲۵. حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف، صدر، قم دوم، ۱۳۶۳.

۲۶. حسینی سیستانی، سید علی منهاج الصالحین، مکتب آیه الله العظمی السید السیستانی، قم، پنجم، ۱۴۱۷.

۲۷. حسینی شیرازی، سید محمد، رساله توضیح المسائل، تابان با همکاری نشر، اول.

۲۸............. الفقه، دارالقران الحکیم، قم.

۲۹. حسینی عاملی غروی، سید محمد جواد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد علامه، موسسه آل البیت الاحیاء التراث.

۳۰. حسینیان، روح الله، حریم عفاف، سازمان تبلیغات اسلامی، دوم، زمستان ۱۳۷۳.

۳۱. خاکی، غلامرضا، روش تحقیق بارویکردی به پایان نامه نویسی، مرکز تحقیقات علمی کشور با همکاری کانون فرهنگی انتشارات درایت، اول، ۱۳۷۸.

۳۲. خامنه ای، سید علی، اجوبه الاستفتاات، مکتب الوکیل الشرعی العام امام الخامنه ای،

ص: ۲۴۴

دارالوسیله، بیروت، ۱۴۱۵.

۳۳. خامنه ای، سید علی، پزشکی درآیینه اجتهاد، استفتاات پزشکی، انصاریان، قم، ۱۳۷۵.

۳۴. خدا رحیمی، سیامک، ناظم شیرازی، مسعود،...، روانشناسی زنان، خاتم، دوم، ۱۳۷۹.

۳۵. خویی، سیدابولقاسم، مبانی العروه الوثقی، موسسه احیاء آثار الامام الخوئی (قدس سره) قم. ۱۴۱۸ه-۱۹۹۸م.

۳۶. خویی، سیدابولقاسم، منهاج الصالحین، (العبادات و المعاملات)، مکتبه لطفی، تهران، دوم ۱۳۹۳- ۱۳۹۷.

۳۷. خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، موسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمینی، اول، ۱۳۷۹- ۱۴۲۱.

۳۸. دفتر انتشارات اسلامی، استفتاات ازمحضر امام خمینی، اول، پائیز، ۱۳۸۱.

۳۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، موسسه انتشارات وچاپ دانشگاه تهران، دوم، ۱۳۷۷.

۴۰. رازی، فخرالدین، تفسیر کبیر، داراکتب العلمیه، بیروت، اول، ۱۴۱۱ه ق- ۱۹۹۰ م.

۴۱. راستگو، محمد باقر، برای چشمانت، برهان پانزدهم ۴۲. راغب، اصفهانی، حسین بن احمد، مفردات الفاظ القرآن، دارالعلم، دمشق، دارالشامیه، بیروت، اول، ۱۹۹۲ ج۱۴۱۲.

۴۳. روحانی، محمد، نوغانی، فاطمه، احکام پزشکی، نشر طیب، اول، ۱۳۷۸.

۴۴. زمخشری، جاء الله محمودبن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنریل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل، ادب الحوزه، بی جا، بی تا.

۴۵. سعدی، مصلح بن عبدالله، بوستان سعدی، «سعدی نامه»، غلامحسین یوسفی، خوارزمی، تهران، ۱۳۶۳ ۴۶. سیفی مازندارانی، علی اکبر، دلیل تحریر الوسیله أحکام الستروالنظر، موسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمینی، اول، ۱۴۱۷ ق- ۱۳۷۵ ش.

۴۷. شاه حسینی، محمد حسین، نگاه تو، مشهور، قم، اول، ۱۳۸۰.

۴۸. شعرانی طاب نژاد، میرزا ابوالحسن، نشر طوبی یا دائره المعارف قرآن مجید، اسلامیه، دوم، ۱۳۹۸ ه ق.

۴۹. شهید اول، محمد بن مکی، القواعدوالفوائد، چاپ سنگی، تهران، بی نا، ۱۲۷۰. ق.

۵۰. شهید اول، محمد بن مکی، اللمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه، مرکز بحوث الحج و العمره، اول، ۱۴۶۰.

۵۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضه البهیه فی شرح اللمعه

ص: ۲۴۵

الدمشقیه، موسسه اسماعیلیان، اول، ۱۳۸۰. ۵۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی، المسالک الافهام، چاپ افست [بی جا: بی نا، بی تا].

۵۳. صبور اردوبادی، احمد، بهای یک نگاه؟! ، رسالت قلم، اول، ۱۳۷۷.

۵۴. صبور اردوبادی، احمد، ،نگاه پاک زن و نگاههای آلوده به او؟! ، امیرکبیر، تهران، اول، ۱۳۷۶.

۵۵. طباطبایی کربلائی، سید علی بن محمد، ریاض المسائل فی بیان الاحکام با لدلائل دارالهادی، بیروت، ۱۹۹۰-۱۴۱۰.

۵۶. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القران، دارلکتب الاسلامیه، تهران، دوم۱۳۵۰. ق.

۵۷. طباطبایی حکیم، سید محسن، مستمسک العروه الوثقی، الآداب، نجف، دوم ۱۳۷۹ ق.

۵۸. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، العروه الوثقی، دارالکتب الاسلامیه، دوم، ۱۳۹۲.

۵۹. طبرسی، ابی علی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الا علمی للمطبوعات، بیروت اول، ۱۴۱۵- ۱۹۹۵
۶۰. طبرسی، ابی علی فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، چاپ سربی، مصر، ۱۳۰۶ ه.

۶۱. طبیبی، سیدحسن، المعجم لالفاظ وسائل الشیعه، جماعه المدرسین فی الحوزه ق العلمیه فی قم المقدسه، اول، ۱۳۶۲، ۱۴۰۳.

۶۲. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، مرکز الطباعه والنشر فی موسسه البعثه، قم، اول، ۱۴۱۶ ۶۳. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، البیان فی تفسیر القرآن مکتبه الامین، نجف، ۱۳۸۱ - ۱۹۶۲.

۶۴. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، دارالاضواء، بیروت، دوم، ۱۴۱۳ ه. ۱۹۹۲ م.

۶۵. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، تهذیب الاحکام فی شرح ا لمقنعه للشیخ المفید، دارا لکتب الاسلامیه، تهران، دوم، ۱۳۹۰.

۶۶. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الخلاف، موسسه النشر الاسلامی، اول ۱۴۱۶ ه ق.

۶۷. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، المکتبه المرتضویه لأحیاء لآثار الجعفریه، دوم، ۱۳۸۸.

۶۸. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، محقق حلی نجم الدین جعفربن حسن النهایه و نکتها، موسسه النشر الاسلامی، اول، رمضان، ۱۴۱۲ق. ۶۹. عاملی محمد بن علی، مدارک

الاحکا م فی شرح شرایع الا سلام، موسسه آل البیت الاحیا ء التراث، ۱۴۱۰ ه. ق ۷۰. عباسی، محمود، قانون مجا زات اسلامی حقوق، دوم، بهار، ۸۱.

۷۱. عبدالله الباقی، محمد فواد، المعجم ا لمفهرس لالفا ظ القرآن الکریم، چاپ افست، دارلکتب المصریه.

۷۲. عبداللهی، علی اکبر، قانون مدنی، اول، فروغ علم، ۱۳۷۵.

۷۳. علامه حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، تبصره المتعلین فی احکام الدین، الاداب، نجف، ۱۳۸۰ ه. ق.

۷۴. علامه حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، تذکره الفقها، چاپ سنگی، [بی جا: بی نا: بی تا] ۷۵. علامه حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، موسسه آل بیت لاحیاء التراث، اول، ۱۴۱۴ق- ۱۳۷۲ش.

۷۶. علامه حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، قواعد الاحکام، چاپ افست، منشورات الراضی، قم ۱۴۰۴ ۷۷. علامه حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، دفترتبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۱۵.

۷۸. غروی سید محمد، مازح، یاسر، الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل البیت علیهم السلام . دارالثقلین، بیروت، اول، ۱۴۱۹- ۱۹۹۸.

۷۹. فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل استفتائات، دارالعلم، دهم، ۱۳۸۰.

۸۰. فاضل مقداد، عبدالله سیوری حلی، التصنیع الرائع لمختصر الشرایع، مکتبه آیت الله المرعشی قم، ا ول، ۱۴۰۴ ۸۱. کنزاالعرفان فی القرآن، المکتبه المرتضویه لاحیاء الاثار الجعفریه، ۱۳۴۳ش- ۱۳۸۴ق ۸۲. قرائتی، محسن، تفسیرنور، موسسه درراه حق، قم، ۱۳۷۴.

۸۳. قرطبی، محمدبن احمدبن رشد، بدایه المجتهدو نهایه المقتصد، الاستقامه، قاهره ۱۹۵۲-۱۳۷۱ ۸۴. قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس القرآن، دارلکتب الاسلامیه، دوازدهم، ۱۳۷۶.

۸۵. قمی ابن بابویه، حسن بن علی ابوجعفرمحمد(الشیخ صدوق)، علل الشرایع، چاپ سربی، مکتبه طباطبایی، قم، ۱۳۷۸ ق.

۸۶. من لا یحضره الفقیه، للطباعه والنشر، بیروت، دوم، ۱۴۱۳ه- ۱۹۹۲. م.

۸۷. قمی، عباسی، سفینه البحارو مدینه الحکم و الاثار، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، اول، ۱۴۲۰ ه. ق.

۸۸. قمی، میرزاابوالقاسم، جامع الشتات، سازمان انتشارات کیهان، اول - ۱۳۷۵.

۸۹. ک. پلاتونف، روان شناسی درباره مغناطیس حیوانی، رزم آزما، کتابخانه گوتمبرگ.

۹۰. کرکی، علی بن حسین، (محقق ثانی)، جامع المقاصدفی شرح القواعد، موسسه آل بیت علیهم السلام لاحیاء التراث بیروت، اول ۱۴۱۱– ۱۹۹۹.

۹۱. کلینی، ابی جعفرمحمــدبن یعقـوب، اصـول کــافی، دارالاـضواء، اول، ۱۴۱۳ه –۱۹۹۲ ۹۲. گنجی، حمزه، روان شناســی تفاوتهای فردی، بعثت، تهران، ۱۳۶۴.

۹۳. گلپایگانی، سیدمحمدرضا، توضیح المسائل، دارالقرآن الکریم، قم، ۱۳۶۸.

۹۴. گرم آبـدشتی، علی رضا، رساله احکام و استفتاات بهداشتی و پزشـکی: مطابق با فتوای حضـرت آیت الله العظمی بهجت، مشهور، قم، ۱۳۸۰.

۹۵. گودرزی، فرامرزی، پزشکی قانون، انیشتن، اول، ۱۳۷۷.

۹۶. لوشر، ماکس، روانشناسی رنگ ها، لیلامهرادبی، حسام، اول، ۱۳۷۰.

۹۷. متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، اول، ۱۳۹۰ه–۱۹۷۸م.

۹۸. مرتضویان (فارسانی) کمال، تاثیر نگاه، چاپ سربی، تهران، ۱۳۸۰.

۹۹. مروارید، علی اصغر، سلسله الینابیع الفقهیه، موسسه فقه

الشیعه. الدارالاسلامیه، بیروت، اول، ۱۴۱۰ق–۱۹۹۰ م.

۱۰۰. مروج، حسین، اصطلاحات فقهی، بخشایش، قم، اول، ۱۳۷۹.

۱۰۱. مجد، محمد، روان شناسی زن ومرد، انسان دردو جلوه، مکیال، تهران، اول، ۱۳۷۸.

۱۰۲. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوارالجامعه لدرر اخبارالائمه الاطهار، موسسه الوفاء، لبنان، بیروت، سوم، ۱۹۸۳م– ۱۴۰۳ق.

۱۰۳. محبی سیده فاطمه، علی عسکری فاطمه، مجموعه مقالات همایش زن و سینما، سفیر صبح، اول، ۱۳۷۹.

۱۰۴. محدثی، جواد، چشم دل، دفترانتشارات حوزه علمیه قم، اول، تابستان ۱۳۷۶.

۱۰۵. محدثی، جواد، ،نگاه تا نگاه، نشر نهال، اول۱۳۷۶.

۱۰۶. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه (بخش مدنی ۲)، سمت، اول، بهار، ۱۳۷۴ ۱۰۷. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، دارالهدی للطباعه و النشر، قم، سوم، ۱۴۰۳ق. ۱۹۸۳م.

۱۰۸. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، المختصر النافع فی فقه الامامیه، دارالکتب العربی، مصر.

۱۰۹. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، دارالحدیث، قم، اول، ۱۴۱۶.

ص: ۲۴۸

۱۱۰. محمودی، سید محسن، مسائل جدیداز دیدگاه علماو مراجع تقلید، علمی فرهنگی صاحب الزمان(عج)، دوم، ۱۳۸۰.

۱۱۱. مصطفوی، سید محمد کاظم، القواعد مائه قاعده فقهیه معنا ومدرکا و موردا، موسسه النشر الاسلامی، دهم، ۱۴۱۲.

۱۱۲. مطهری، احمد، مستند تحریر الوسیله کتاب القضاء، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، قم، ۱۴۰۵- ۱۳۶۳.

۱۱۳. مطهری، احمد، مستندتحریر الوسیله کتاب النکاح، خیام، قم، ۱۴۰۰ ه. ق.

۱۱۴. مطهری، مرتضی، مساله حجاب انجمن اسلامی پزشکان، تهران، ۱۳۵۳ ۱۱۵. معادیخواه، عبدالمجید، فرهنگ آفتاب، فرهنگ تفضیلی مفاهیم نهج البلاغه، تهران، اول، ۱۳۷۲ ۱۱۶. معصومی، سید مسعود، احکام علاقات المراه مع الرجل و مسائلهما الاجتماعیه، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۱۵.

۱۱۷. معین الاسلام، مریم، طبیبی، ناهید، روان شناسی زن درنهج البلاغه، تربیت، تهران، سازمان، تبلیغات اسلامی، قم، اول، پائیز، ۱۳۸۰.

۱۱۸. مغنیه، محمدجواد، الفقه علی المذاهب الخمسه، دارالتعارف، المطبوعات، هفتم، ۱۴۰۲- ۱۹۸۲.

۱۱۹. مقدسی اردبیلی، احمدبن حسن بن علی ، زبده البیان فی احکام القران المکتبه المرتضویه، تهران.

۱۲۰. موسایی، میثم، چهل حدیث نگاه، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۷۳.

۱۲۱. موسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی، مرکز خدمات کتابداری، فهرست مستند اسامی مشاهیر و مولفان، ۱۳۵۶.

۱۲۲. موسسه تحقیقاتی و اطلاع رسانی خانه کتاب ایران، واحد معجم، المعجم المفهرس لالفاظ احادیث وسائل الشیعه، جلوه پاک، تهران، ۱۳۷۴

۱۲۳. موسسه دائره معارف الفقه الاسلامی طبق مذاهب اهل البیت علیهم السلام و مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، معجم فقه الجواهر، الغدیر، اول، ۱۴۱۹ه-۱۹۹۸م.

۱۲۴. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، فقه الحدود والتعررات، مکتبه امیرالمومنین، دارالعلم مفیده، قم، اول، ۱۴۱۳.

۱۲۵. موسوی اصفهانی، سید ابو الحسن، وسیله النجات، مرتضویه، پنجم، نجف.

۱۲۶. موسوی عاملی، سید محمد بن علی، مدارک الاحکام، فی شرح شرایع الاسلام، موسسه آل البیت، لاحیاء التراث، بیروت، اول، ۱۴۱۱- ۱۹۹۰.

۱۲۷. مومن، محمد، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، موسسه النشرالاسلامی، اول، قم، ۱۴۱۵ه.

۱۲۸. نراقی، احمدبن مهدی، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، موسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاءالتراث- مشهد، اول، ۱۴۱۷.

۱۲۹. نرمان ل. مان. اصول روانشناسی، محمود صناعی، اندیشه، تهران.

۱۳۰. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، موسسه المرتضی العالمیه، دارالمورخ العربی، بیروت، اول، ۱۴۱۲ه. ۱۹۹۲.

۱۳۱. نجفی، مصطفوی، صالحی، مسعود، فردوسی، ، مسعود، فقه الطبیب، معاونت امور فرهنگی حقوق و مجلس وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، اول

۱۳۲. نوری طبرسی، میرزاحسین، مستدرک الوسایل، چاپ افست، المکتبه الاسلامیه، تهران، دارالمکتبه العلمیه، نجف، ۱۳۸۳.

۱۳۳. ورام، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطرونزهه النواظر، مکتبه الفقیه، قم، دارصعب، بیروت.

۱۳۴. هاشمی، رکاوندی، سیدمجتبی، مقدمه ای بر روانشناسی زن، اول، بهار، ۱۳۷۰ .

۱۳۵. هیتی حموی، علی بن عطیه، عرائس الغررو غرائس الفکرفی احکام النظر، دارالقلم، دمشق، د ارالشامیه، بیروت، اول ۱۴۱۰-۱۹۹۰.

فهرست مجلات و روزنامه ها

۱۳۶. آصفی، محمدمهدی، حکم بازیگری زن در فیلم و تئاتر، مجله فقه اهل بیت،

سال ششم، شماره ۲۲.

۱۳۷. علوی قزوینی، سید علی، تلقیح مصنوعی ازدیدگاه شریعت و قانون، مجله نامه مفید، دارالعلم مفید، اول، قم، شماره ۳، ۱۳۷۴.

۱۳۸. قائم مقامی، سید محمد، راهبرد موضوعی دستور حجاب در سینما، مجموعه مقالات همایش «زن و سینما»، سفیر صبح، تهران، اول، ۱۳۷۹.

۱۳۹. کریمی، عبدالعظیم، اکسیر نگاه درتربیت، مجله تربیت، سال دوازدهم، شماره پنجم، ۱۳۵۸.

۱۴۰. محمدی نوری زاد، چشم یوسف، مجموعه مقالات همایش «زن و سینما»، سفیر

ص: ۲۵۰

صبح، تهران، اول، ۱۳۷۹.

۱۴۱. مشکات، سید محمد، فقه نگاه به تصویر، مجله فقه.

فهرست مقالات اینترنتی

۱۴۲. ثابت قدم وحید، حسین، نگاهی نو به ثابت شدن ماه د رافقهای گوناگون، Hawzah.net.www.

۱۴۳. فقیهی، سید احمد، حجاب د رقرآن، .Hawzah.net.www

۱۴۴. عابدینی، احمد، پوشش بانوان دربرابر مردان نامحرم، .www.Balagh.net

۱۴۵. نعمتی، نرجس السادات نعمتی، حجاب از دیدگاه فقهای متأخر، .www.Balagh.net

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹